

تعمارتنا

سال پنجم - شماره ۲۴۷ - ۴ بهمن ۱۳۵۴ - بها ۲۵ ریال



پیکان جوانان ۵۶

ペイカン・ジャワナン



www.javanan56.com

علامت پشم خالص نو، امتیازی برجسته برای محصولات استثنائی و افراد استثنائی



افراد استثنائی همیشه از تریکوهای استثنائی استفاده میکنند همانند تریکوهائی که دارای مهر مرغوبیت پشم خالص نوست . تریکوهائی که این مهر تضمین را دارد از ۱۰۰٪ پشم خالص نو تهیه میگردد که مرغوبیت پشم آن طبق استاندارد بین‌المللی کنترل میشود . بسیار نرم ، شیک و آرامش‌بخش است حرارت طبیعی بدن را حفظ میکند و از فرم نمی‌افتد . در حقیقت در ۴۲ کشور جهان و از جمله ایران ، مهر مرغوبیت پشم خالص نو امتیازی است برجسته برای محصولات استثنائی و افراد استثنائی .

از فروشندگان تریکوهائی را بخواهید که
دارای مهر مرغوبیت پشم خالص نوست



پشم خالص نو
PURE NEW WOOL

تئاتر

شبه ۴ بهمن ۱۳۵۴ - ۲۲ محرم ۱۳۹۶ - ۲۴ ژانویه ۱۹۷۶

صفحه	مترجم	نویسنده	عنوان
۴	-	-	● دنیا از چشم تماشا - سخن شاه
۶	-	کروه تحقیق	● ارمغانهای انقلاب ایران
۱۱	کروه تحقیق	-	● تماشای مطبوعات مهم جهان
۱۴	-	کریم امامی	● یادداشت‌هایی از يك سفر
۲۵	-	-	● مرکز سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی
۶۴	منصور مصلح	فرنان ژیکر	● داستان واقع‌قرن ما
۶۶	محمود کی	-	● گرگهای دریاسالار
۱۶	-	جلال ستاری	● لیلی و مجنون، ویس و رامین و...
۱۸	-	-	● جهان کتاب
۲۵	-	-	● تماشای يك نمایشگاه
۲۸	-	قاسم صنموی	● آفره‌دوین‌بی
۴۵	-	فرهاد میریاز	● سالها و اثرها
۷۸	-	منوچهر آتشی	● نقد کتاب: هنر امروز
۸۶	-	ایراندخت محمص	● هزل تا استخوان!
۲۶	منصور فراسیون	ویلیام نولان	● ستاره‌ی مصنوعی
۶۸	خسرو سمیمی	بوآلو - نارسزاک	● شعبده‌بازان
۶۵	-	تهامی نژاد	● یادداشت‌های سینمایی
۷۲	-	هوشنگ چالانکی	● تماشای تاز
۲۲	-	موریس فلورده	● گفتگویی با «پیر بولو»
۸۰	-	پری صفا	● موسیقی، باله، اپرا...
۶۳	-	-	● میان پرده
۷۰	جهانگیر افشاری	ایروینگ چرنف	● دنیای شطرنج
۸۹	-	علیرضا اسپهبد	● این هفته در تهران
			● شوگره‌می و مطالب گوناگون

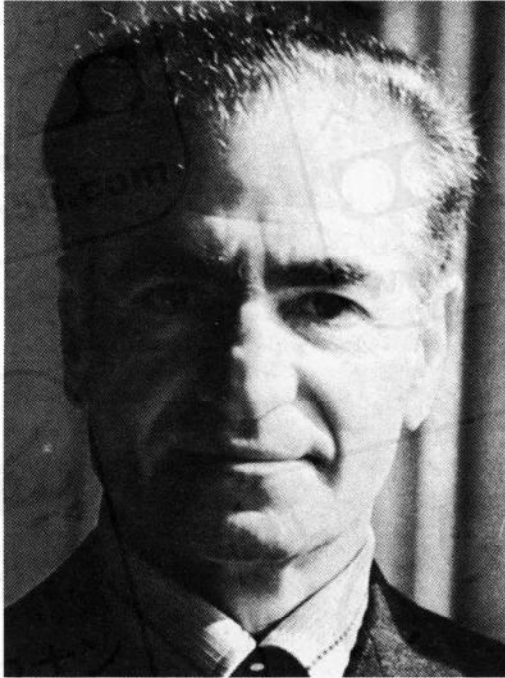
روی جلد: بمناسبت ششم بهمن
طرح و تنظیم از: قباد شیوا

● صاحب امتیاز و مسئول: رضا قلبی
● زیر نظر: رضا سیدحسینی
● مسئول هیئت تحریریه: فیروز فولادی
● طرح و تنظیم: گروه گرافیک تماشا زیر نظر قباد شیوا

● دفتر مجله: خیابان تخت طاووس - چهارراه روزولت - ساختمان
● رادیو تلویزیون - طبقه ۷ - ۸۲۲۵۲۹ صندوق پستی ۴۰۲-۲۳
● چاپ: { شرکت اگست سهامی خاص }
● ۳۵۲۰۵۹
● ۳۵۲۶۱۶
● ۳۵۲۷۶۹

آزمیه‌ها: دفتر مجله تماشا
بهای اشتراك: یکساله ۱۱۰۰ ریال - ششماهه ۶۰۰ ریال - برای دانشجویان و فرهنگیان یکساله ۹۰۰ ریال - ششماهه ۵۰۰ ریال

سخن شاه



در بیمارستان شفا
یحیائیان: ۱۳۵۰/۶/۲۷

«هدف، آنستکه يك خانواده ایرانی در بهترین شرایطی که میتوان برای آنان فراهم ساخت زندگی کنند.»

در مراسم گشایش ششمین
دوره مجلس سنا و بیست
و سومین دوره مجلس
شورای ملی ۱۳۵۰/۶/۹

«... در آتیه با تخصیص اعتبارات بیشتر، بیمه درمانی توسعه کافی خواهد یافت تا از این طریق علاوه بر بیمه درمانی کارگران که هم اکنون انجام میشود بیمه روستائیان، کلیه کارمندان و مستخدمین دولت و سایر طبقات مردم از مزایای بیمه درمانی بهره مند شوند.»

در مصاحبه مطبوعاتی
کاخ سعدآباد
۱۳۵۰/۲/۲۶

«... برای کسانی که علاقمند باشند بدانند منظور از عصر تمدن بزرگ چیست باید بگویم منظور عبارتست از ایجاد يك کشور که در آن رفاه از هرجبت برای مردم فراهم شود، بطوریکه هر فرد از لحظه تولد تا زمان مرگ از هر نوع بیمه اجتماعی برخوردار شود...»

در شرفیابی اعضای
هیئت مدیره سازمان
شاهنشاهی خدمات
اجتماعی ۱۳۵۱/۲/۲۷

«... فلسفه اجتماعی من بر اساس ایجاد بیمه‌های اجتماعی و شرکتهای تعاونی استوار شده است...»

بیمه و تأمین اجتماعی

صنعتی و کشاورزی و اجتماعی جامعه امروزی
ایران باشند...
۴۹/۱۰/۹

«... بنا بر این موقعی که بدینا میاید تا موقعی که از این دنیا میروید در تمام مراحل زندگی و در سنین مختلف باید از مزایای بیمه بهره مند باشید یعنی اگر بوقوع پیش‌بینی بکنند اولیای مثلا طفلی که بدینا میاید و با پیش‌بینی‌های لازم و پرداخت وجوه کاملا قابل تحمیلی، مثلا مخارج تحصیلی این فرد را بیمه بکنند و همچنین بیمه‌هایی در مقابل مرض، کسیکه مریض میشود بوسیله بیمه‌های اجتماعی در بیمارستان‌های مربوط مداوا بشود و بخواست خدا بهبودی پیدا بکند. همچنین بیمه‌های عمر، بیمه پیری بیمه از دست دادن عضو و سایر بیمه‌هایی که هست و خیلی‌ها هم عمل میکنند ولی فکر میکنیم که اگر ما بخواهیم این نوع عدالت اجتماعی را همگانی بکنیم و در سرتاسر مملکت توسعه پیدا بکند باید جزو سیاست عمومی ما باشد و راهبیش را باید پیدا کنیم که چگونه دولت کارمندان خودش را بیمه بکند، چگونه کارفرما کارگران خودش را بیمه بکند، چگونه شرکتهای تعاونی شرکتهای سهامی، سایر تشکیلاتی که جنبه شرکت و عمومیت دارد بطور عمومی خودشان را بیمه بکنند. همانطوریکه گفتیم در تحت هر رژیمی فکر میکنیم که آتیه بشریت و ترقی مجامع و جوامع بین‌المللی برگردد روی اصول و اساسی شرکتهای تعاونی و بیمه‌های گوناگون اجتماعی که زندگی یکفردی را در تمام مدت عمرش تأمین و راحتی او را فراهم بکنند...»

در شرفیابی هیأت مدیره
سازمان بیمه‌های
اجتماعی ۱۳۴۲/۲/۳۱
«... باید... قانون بیمه‌های اجتماعی
نست بیمه‌ی طبقات تعمیم یابد...»

از پیام شاهنشاه
بمناسبت نخستین
سالگرد روز بیمه
۱۳۴۷/۸/۱۴

«در گذشته بکرات متذکر شده‌ایم که مهمترین جوانگوی احتیاجات جوامع حال و آینده بشری، در تحت هر رژیمی که باشند، بیمه‌های اجتماعی و موسسات تعاونی است و گفته‌ایم که کمال مطلوب ما این است که سر نوشت هر فرد ایرانی از هنگامی که به دنیا می‌آید تا وقتی که دیده از جهان فرو می‌بندد با انواع بیمه‌ها از قبیل بیمه تحصیل و بیماری و حوادث و بازنشستگی و کسالت و غیره تأمین گردد و حتی این توجه بحدی رسد که استعدادهای ذاتی افراد نیز بیمه شوند.»

ولی گذشته از بیمه‌های اجتماعی که لازمه تحقق انقلاب ایران است از نظر صنعتی و اقتصادی، نیز نقش بیمه در حیات ملی بسیار مهم است، زیرا این بیمه‌ها لازمه قطعی توسعه این قبیل فعالیتها هستند و بهمین دلیل می‌بینیم که در جوامع مرفعی هر قدر پیشرفت اقتصادی و صنعتی بیشتر باشد فعالیت‌های سازمانهای مختلف بیمه نیز گسترش زیادی دارد.

با توجه بدین امر، لازم است به موازات توسعه اقتصادی کشور، در قوانین و مقررات مربوط به بیمه تجدید نظر کلی بعمل آید، تا این مقررات و قوانین بتوانند جوانگوی نیازمندیهای جدید اقتصادی و

در پنجاه و هفتمین اجلاسبه کنفرانس بین‌المللی کار - ژنو ۱۳۵۱/۳/۲۴

در اجلاسبه تجدید نظر در برنامه عمرانی پنجم کشور - رامسر ۱۳۵۳/۵/۱۰



جناب میرعباس نخست وزیر بهداشت بزرگوار

تقریباً یک سال است که در این وزارتخانه با شما همکاری می‌کنم. در این مدت با شما همکاری کرده‌ام و در این مدت با شما همکاری کرده‌ام و در این مدت با شما همکاری کرده‌ام...

در زمینه تامین اجتماعي، سياست متخذ در کشور من براساس برقراري و توسعه انواع بيمه‌هاي اجتماعي مستقر است تا از اين طريق کليه افراد مردم نسبت به آينده احساساتامين نمايند و ترس از فردا دل آيراني زوده شود. البته با استفاده از تجربيات ساير ملل يك سيستم کامل تامين اجتماعي تدريجا در ايران برقرارمي- شود و حتي شايد روزي با را از اين فراز نپيم و آنچه را که تحت عنوان حمايت سيستم اجتماعي مدنظر داريم برقرار کنيم که علاوه بر زماني سيستم تامين اجتماعي مزايای ديگري مانند بيمه آموزش را هم دربر داشته باشد.

خطاب به معاونان وزارت تعاون و امور روستاها ۱۳۵۱/۹/۲

فرمان شاهنشاه در مورد اصل ۱۲ انقلاب

جناب اميرعباس هويدا نخست وزير و مدير كل حزب رستاخيز ملت ايران

نظر به اهميت خاص انواع بيمه‌هاي اجتماعي همگاني و اشتقاقا ما به اينکه هر فرد آيراني از هنگامی که به دنيا مي‌آيد تا زمانی که از اين دنيا مي‌رود در تمام مراحل زندگي و در سنین مختلف از مزايای بيمه‌هاي گوناگون اجتماعي از قبيل بيمه‌هاي بازنشستگي، از- کارافتادگي و درمانی برخوردار باشد، اکنون که جامعه ايران به مرحله‌اي از پيشرفت اقتصادي و اجتماعي نائل آمده است که ورود کشور ما را به دوران تمدن بزرگ نويد ميدهد ميتوان اين امر مهم را بتدريج جامعه عمل پوشانيد بنحوي که هر کس در سراسر زندگي بيمه‌هاي بيمه‌هايش مشارکت فعال خود در امر بيمه با فراغت خاطر بتواند وظيفه ملي خود را به انجام برساند، لذا اصل بيمه همگاني و تامين دوره بازنشستگي را برای همه افراد ملت ايران به خصوص روستائيان کشور به عنوان اصل هفدهم انقلاب شاه و ملت اعلام و مقرر مي‌داريم که حزب رستاخيز ملت ايران نسبت به تدوين فلسفه آن اقدام نمايد.

(کاخ نياوران - به تاريخ چهارم ديماه يک هزار و سيصد و پنجاه و چهار شمسي)

فرمان شاهنشاه به مناسبت حمايت از خانواده‌هاي

بي سرپرست ۵۳/۱۰/۱۶

جناب اميرعباس هويدا نخست وزير

نظر به علاقه خاصی که به تامين رفاه کليه گروه‌هاي جامعه ايران داريم و با توجه به پيشرفت‌هاي اقتصادي مملکت و ازدياد درآمد ملي بوجوب اين فرمان مقرر مي‌داريم، تا زمانی که انواع بيمه‌ها تمام ساکنان کشور را زير پوشش خود نگرفته است بمنظور تامين حداقل هزينه زندگي برای معلولين غير قابل توان بخشي و خانواده‌هاي کم‌سرپرست آنها قوت گرفته و يا بعلت بيماري و يا از کارافتادگي و يا علل ديگر قادر به تامين تمام يا قسمتي از هزينه‌هاي ضروري خود نيستند دولت هر چه زودتر لايحه قانوني لازم را تهييه کند و پس از تصويب مراجع قانونگرايی به مرحله اجرا درآورد.

(کاخ نياوران - بتاريخ چهاردهم ديماه ۱۳۵۴ شمسي)

«بيمان ترتيب که بارها تذکر داده‌ام بايد با استقرار يك نظام ملي تعاون بيمه‌اي مفهوم واقعي و تعميم انواع بيمه‌هاي اجتماعي در شهر و روستا مردم کشور بتوانند با استفاده از مزايای تعاونيه و بيمه‌هاي اجتماعي مشکلات اقتصادي واجتماعي خود راحل و فصل کنند.»

از پيام شاهنشاه بمناسبت يازدهمين سالگرد تصويب قانون اصلاحي قانون اصلاحات ارضي ۱۳۵۱/۱۰/۱۹

«... زمينه‌هاي جديد بود ارتقاء سطح فرهنگ و بهداشت و آباداني و تامين رفاه هر چه بيشتر جامعه روستائيان کشور فراهم آيد.»

۵۳/۱۰/۱۹ تمدن بزرگ همگاني فراميرسد که ما از لحاظ اجتماعي برنامه‌هاي خودمان را عمل کرده باشيم. ثروت‌هاي ملي ما به حداکثر مورد بهره‌برداري قرار گرفته و به بيشترين صورت در دسترس همگان باشد. البته مقصود اين نيست که مبلغی را مرتب در هر خانه‌اي تقسيم کنيم. منظور آنستکه سرويس‌ها و خدمات گوناگون از قبيل بهداشت و خدمات اجتماعي، فرهنگي و آموزشي در دسترس همگان باشد. از راه توسعه بيمه‌ها همه کس از هنگام تولد تا روز وفات زير پوشش از چتر حمايتي قرار گيرد....»

از پيام شاهنشاه بمناسبت گشايش ششمين کنفرانس ملي کار ۱۳۵۳/۳/۲۳

«... همانطور که با تصريح و تاکيد خاطر نشان ساخته‌ايم امر بيمه‌هاي اجتماعي را يکي از ارکان مهم حمايت اجتماعي ميدانيم. ترفي اقتصادي کشور و افزوده شدن بر عده شاغلان بخش‌هاي توليدي کشور ايجاب مي- کند که براساس سياست عمومي ما در زمينه رايگان شدن بهداشت عمومي و هماهنگ با تعميم کامل بيمه‌هاي اجتماعي، نسبت به ارتقاء سياست بهداشتي و درمانی بيمه‌هاي اجتماعي نيز توجه لازم و کامل معمول شود و در رفع مشکلات و نفاذي موجود در اين رشته اهتمام گردد....»

Handwritten signature



جناب میرعباس نخست وزیر بهداشت بزرگوار

تقریباً یک سال است که در این وزارتخانه با شما همکاری می‌کنم. در این مدت با شما همکاری کرده‌ام و در این مدت با شما همکاری کرده‌ام...

Handwritten signature

سال ۱۳۵۴ در تاریخ انقلاب شاه و ملت مرتبه‌ای والا دارد:

سال نخستین مجمع حزب رستاخیز ملت ایران و آغاز تلاش‌های سازنده برای بسیج سیاسی ملت ایران برپایه وحدت ملی، مشارکت و حصول وحدت نظر،
سال فرمان‌های تازه‌ی انقلاب شاه و ملت چون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی و صنعتی، مبارزه‌ی دایمی با تورم و گرانی‌فروشی، آموزش رایگان، گسترش بیمه‌های اجتماعی، تاسراسر میهن را در شهر و روستا فراگیرد، و حمایت از مادران و نوزادان؛
سال تحولات بزرگ اجتماعی در کشور ماست که ایده‌نولوژی انقلاب ایران را روشن‌تر میسازد و مفهوم عدالت اجتماعی را در انقلاب بزرگ شاه و ملت رونق بیشتری می‌بخشد.
سال ۱۳۵۴، سال مبارزه با گرانی‌فروشی و نخستین تجربه‌ی مشارکت جوانان میهن در این مبارزه عمومی بود که آن را ثمربخش کرد.
سال ۱۳۵۴، نخستین نمایندگان حزب رستاخیز ملت ایران به مجلس‌ها راه یافتند و مفهوم دموکراسی را در رستاخیز نشان دادند که طبیعتی نو و مترقی دارد.
در این سال ایران پیراهن صنعتی شدن گام‌های بلندی برداشت، بر مناسبات خارجی اش افزود و در جهان و روابط بین‌المللی اعتبار بیشتری کسب کرد. آنچه در مقاله‌هایی که خواهید خواند می‌آید جلوه‌های کوچکی از این پیشرفت است که نشان می‌دهد پیشرفت صنعتی و کشاورزی با توسعه‌ی رفاه اجتماعی همراه است و در انقلاب ایران دو وجه اقتصادی و اجتماعی توسعه از یکدیگر تفکیک ناپذیراند.



ارمغانهای انقلاب ایران

از گروه تحقیق خبر

سندیکاهای کارگری

ایجاد سندیکاهای کارگری در ایران مصداق است با جنبش مشروطیت و نوسازی اجتماعی و اقتصادی. در این زمان اولین اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها و کفاشان در تهران، کارگران کشتی‌ها و بازرگان دریاندر پهلوی، چاپخانه‌ها در اسفهان بطور جداگانه بوجود آمد.

در زمان سلطنت رضا شاه کبیر قوانین و مقرراتی در زمینه بیمه کارگران و بهبود شرایط کار بوجود آمد و کارگران توانستند نمایندگان خود را در جهت مذاکره با کارفرما انتخاب کنند.

سندیکاهای کارگری با الهام از انقلاب شاه مردم، از لحاظ سیاسی و اجتماعی نیز دگرگونی‌های شگرفی در طرز تفکر کارگران بوجود آورده‌اند. از جمله توانستند ظرف ۱۲ سال اخیر ۱۶ نماینده از طرف خود به مجلس شورایی می‌فرستند و در انجمنهای شهر و شهرستان و شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای دهم نماینده از طرف خود انتخاب کنند و در مراجع مهم مربوط به کارگران از قبیل شورای عالی کار، شورای عالی حفاظت ایمنی، شورای عالی کارآموزی، شورای عالی بیمه‌های اجتماعی در کمیته‌های دوجانبه و سه‌جانبه درجرفه‌های مختلف نیز نمایندگان انتخاب و شرکت کنند.

جامعه‌ی کارگری و کارفرمایی کشور دوستانه‌دوستانه، برنامه‌ها، فعالیتها و مذاکراتشان را در جهت بهبود و شرایط کار و عقد پیمانهای دسته‌جمعی و قراردادهای کار از طرف سندیکاهای کارگری و کارفرمایان دنبال و موفق شدند فعالیتهای زیر را انجام دهند.

طرف ۱۱ سال از تاریخ ۱۳۴۳ تا پایان آبانماه ۵۴ آمار تشکیل سندیکاهای و اتحادیه‌ها بدین شرح است:

سندیکاهای کارگری ۶۹۹
سندیکاهای کارفرمایی ۲۰۷
اتحادیه کارفرمایی ۸
اتحادیه کارگری ۸
شمنا تعداد ۱۷۰۰ نماینده کارگر انجام وظایف قانونی اشتغال دارند.

مشارکت کارگران در سود

خالص کارگاهها

سهیم کردن کارگران در منافع کارگاهها، از اساس دموکراسی اقتصادی در کشور ماست. اصل چهارم انقلاب مشارکت یکی از گروهبهای اصلی مولد ثروت را در بهره‌ی توسعه اقتصادی تأمین می‌کند.

در سال ۴۲، یعنی سال اجرای قانون سهیم کردن کارگران در سود کارگاههای دولتی و خصوصی تنها ده هزار نفر کارگر در سودکارگاهها سهیم شدند، پس از دوازده سال، یعنی در سال ۵۴، تعداد کارگران سهیم شده به ۳۳۰۳۴۸ نفر یعنی بیش از سی و دو برابر بالغ شده است.

در پایان اولین سال اجرای قانون سهیم کردن کارگران، کل مبلغ پرداختی سهیم کارگران در سراسر کشور بالغ بر بیست میلیون تومان شد، دوازده سال بعد این رقم به شش صد و بیست میلیون تومان یعنی سی‌برابر افزایش یافت. همچنین تعداد کارگاههای مشمول قانون در سال ۱۳۴۳ فقط ۳۰۰ کارگاه بود، این رقم در سال جاری به هشت هزار و چهارصد و چهل واحد یعنی بیش از چهل و دو برابر شده است.

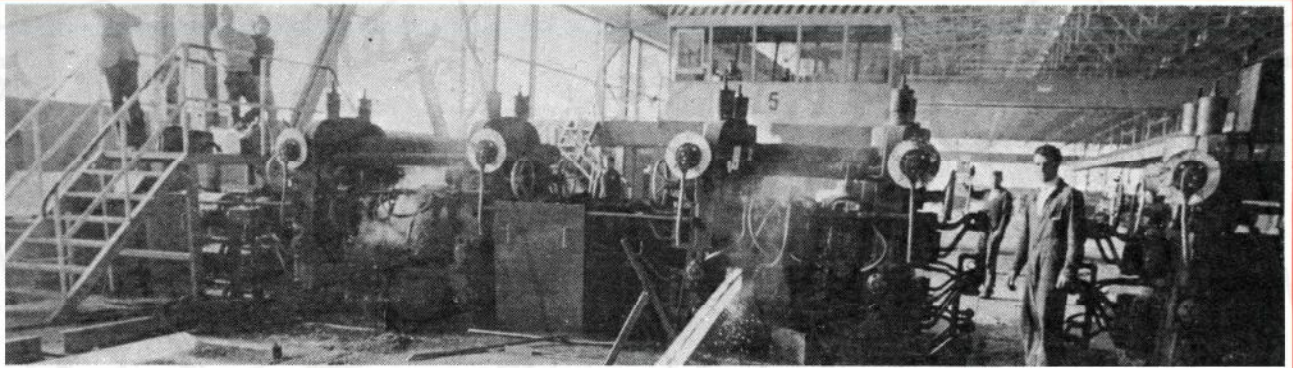
متوسط دریافتی کارگران در سال از سود ویژه در حدود یک‌هزار ریال بود، در حالیکه در سال جاری متوسط دریافتی کارگران به بیست‌هزار ریال یعنی بیست برابر افزایش یافته است.

از اول آبان ماه سال جاری، سهیم کردن کارگران براساس تولید و اضافه تولید و کاهش ضایعات صورت گرفته است. و باین ترتیب کارگران حداکثر تا بیست درصد در منافع خالص کارگاه شریک می‌شوند.

تا ماه گذشته تعداد کارگاههایی که مشمول سهیم کردن بودند و مبادرت به انعقاد پیمان دسته‌جمعی کرده بودند به ۸۴۴۰ واحد رسیده بود که تعداد کارگران آنها ۳۳۰۳۴۸ نفر است.

با اقدامی که در این زمینه بعمل آمده است این رقم تا سال آینده به ۵۰۰ هزار نفر افزایش خواهد یافت.





مشارکت وسیع تر زنان در فعالیت‌های تولیدی

ترقی و تکامل هر جامعه بستگی مستقیم به میزان تولید و استحکام نظام اقتصادی و کشاورزی آن جامعه دارد. طبیعی است که در امر تولید به‌ویژه در تولید صنعتی نیروی انسانی، به‌عنوان ضروری‌ترین عامل، نقش حساسی دارد، به‌عین علت بهره‌گیری از حداکثر ظرفیت جمعیت فعال و تربیت مداوم و پیشگیر کارگران و کارکنان متخصص و تکنولوگ در سرلوحه برنامه‌ریزی اقتصادی اکثریت قریب به اتفاق کشورها قرار گرفته است.

انقلاب اجتماعی ایران در سال ۴۱ ضمن دگرگون کردن نهادهای زیربنایی جامعه ایران در موقعیت زندگی زنان کشور با نیز تحولات عظیمی موجود آورد. در وهله اول با اعلام قانون آزادی و برابری کامل زنان از نظر حقوق اجتماعی با مردان، در واقع کلیه نواقص و کمبودهای قانون کشف حجاب که متناسب با شرایط اجتماعی ویژه زنان است، برطرف شد. از سوی دیگر تحولات اجتماعی هم‌جانبه‌ایران و رشد سریع صنایع و کمبود کارهای تربیت شده نیروی انسانی عملاً ضرورت دخالت و شرکت زنان را در فعالیت‌های اقتصادی و واحدهای مختلف تولیدی ایجاد کرد، بطوریکه در حال حاضر طبق برآوردی آماری موجود، زنان ایران نقش بسیارحساس و بااهمیتی را در تولید اقتصادی جامعه بازی می‌کنند و در رشته‌های مختلف تولید دوش برداش می‌دهند، وظیفه سنگین خویش را در راه ترقی و تکامل هم‌جانبه و سریع کشور ایفا می‌کنند.

گسترش هم‌جانبه و سرعت فوق‌العاده صنعتی شدن ایران، لزوم شرکت روزافزون زنان را در واحدهای تولیدی و اقتصادی بوجود آورده است.

طبق برآورد مرکز آمار ایران، تعداد زنان شاغل در سال ۵۴، ۱۶۸۱۳۳ نفر بوده است، با توجه به اینکه این تعداد بنا به نیازهای اقتصادی و گسترش فوق‌العاده‌ای افزایش یافته است، می‌توان به‌نفع پرارزش و بااهمیت زنان در امر تولید در حال حاضر پی برد.

مسئله بسیار قابل‌توجه دیگر، حرکت جمعیت شامل زن از روستاها به‌شهرها، و در نتیجه از بخش کشاورزی به بخش صنعتی است، در گذشته زنان ایران اگر در امر تولید فعالیت داشتند، این فعالیت بیشتر در بخش کشاورزی و در روستاها بود، بطوریکه بندرت در واحدهای صنعتی، کارگران زن را بکار می‌گرفتند، اما اکنون یک‌نیم کل افرادی که در کلیه واحدهای صنعتی ایران بکار شغولند زنان هستند، ضمن آنکه ۴۷ درصدشان در بخش صنعت بکار اشتغال دارند.

شرکت‌های تعاونی کارگری

شرکت تعاونی، شرکتی است که به صورت دسته جمعی برای رفع احتیاجات کارگرانی که نیاز به لباسی، مواد غذایی و سایر کالاهای دیگر به قیمت ارزان، و از همه بالاتر کمک به هم‌دیگر برای زندگی بهتر دارند، به وجود می‌آید. توجه به اصل تعاون به صورت علمی خود از ۵۵ سال پیش در ایران به وجود آمد. در سال ۱۳۳۷ اداره کل امور شرکت‌های تعاونی کارگری در وزارت کار به وجود آمد.

از بدو تشکیل این اداره تا پایان سال ۱۳۴۱ تعداد شرکت‌های تعاونی مصرف کارگران شامل ۸۷ شرکت بود. این رقم تا پایان نیمه اول سال گذشته به ۶۲۵ شرکت تعاونی افزایش یافته است. اکنون تعداد شرکت‌های تعاونی اعتبار کارگری ۶۶۵ شرکت، شرکت‌های تعاونی تولید کارگری شامل ۷ شرکت و تعداد شرکت‌های تعاونی مسکن کارگری ۱۷۶ شرکت است. بدینوسیله است این افزایش در واقع حاصل تلاش کارگرانی است که بر لزوم تعاون در درون گروه‌های کارگری ایران واقف شده‌اند.

برای توسعه امر تعاونی، اتحادیه‌هایی نیز به وجود آمده که در حال حاضر شامل اتحادیه تعاونی مرکزی، اهسفهان، خراسان و مازندران است.

اتحادیه مرکزی تعاونیهای مصرف کارگران ایران که به نام امکان نام‌گذاری شده است از ۱۹۴ شرکت، اتحادیه شرکت تعاونی مصرف کارگران استان اصفهان از ۱۴ شرکت اتحادیه شرکت‌های تعاونی مصرف کارگران استان خراسان از ۱۵ شرکت و اتحادیه تعاونی مصرف کارگران استان مازندران از ۹ شرکت تشکیل شده‌است.

برای بالا بردن سرمایه شرکت‌های تعاونی و همچنین تقویت بنیه مالی آنها از سال گذشته قانونی به تصویب رسید که بموجب آن مبلغ ۳۰ هزار ریال از وجوه پرداختی به کارگران در اجرای سیم‌گردن کارخانجات در کارخانه‌هایی که شرکت تعاونی مصرف کارگری دارند، صرف توسعه و تقویت مالی آنها شود، و یا در صورت نداشتن شرکت تعاونی برای شرکتی که در آینده تأسیس خواهد شد مبلغ مزبور در حسابی نزد بانک رفاه کارگران واریز شود.

امید است با یاری کارگران و معاضدت دولت در راه گسترش هرچه بیشتر تعاونیهای کارگری، تا پایان برنامه عمرانی پنجم تعداد شرکت‌ها، از ۱۴۰۰ شرکت موجود به ۴۰۰۰ شرکت فزونی یابد.

طبقه‌بندی مشاغل در کارگاهها

طبقه‌بندی مشاغل، با هدف افزایش تخصص و کارآیی وضع شده است، ضمن آنکه باید توجه داشت که طبقه‌بندی مشاغل اضافه دستمزد نیست بلکه منظور تقسیم عادلانه دستمزد بین کارگران رشته‌های مختلف صنایع است.

طبقه‌بندی مشاغل یازده مسئله‌بسیار مهم مربوط به کارگران را معیار معین امتیاز قرار داده است. مجموع امتیازات حداقل ۸۳ و حداکثر یک‌هزار است. این امتیازات باین ترتیب به کارگران تعلق می‌گیرد.

به نسبت مصرف انرژی کارگر از ۵ تا ۷۰ امتیاز، به نسبت زحماتی که کارگر برای درس خواندن متحمل شده است ۶ تا ۴۰ امتیاز، به نسبت مدت زمانی که برای کسب مهارت فنی از وقت خود را صرف فراگیری حرفه‌ای کرده است، ده تا ۱۷۵ امتیاز، ضمناً اگر کارگری علاوه بر حرفه‌ای که فعلاً به آن اشتغال دارد از حرفه دیگری آگاه باشد به نسبت تخصصی از ۴۰ تا ۶۵ امتیاز به وی تعلق می‌گیرد. سابقه کار از ۳ تا ۴۴ امتیاز، به نسبت دقت و نیروی لازم برای جلوگیری از صدمه به دیگران ۵ تا ۶۰ امتیاز، به بقیه در صفحه ۸۲

گسترش مالکیت واحدهای تولیدی

در چهارم اردیبهشت‌ماه سال جاری فرمان شاهنشاه آرپامبر، در زمینه اجرای برنامه انقلابی عرضه سهام واحدهای تولیدی کشور به کارگران و عموم مردم ایران شریف صدور یافت.

در اجرای این طرح ۴۹ میلیارد ریال سهام ۳۳۰ واحد بزرگ صنعتی به کارگران و عموم مردم ایران عرضه می‌شود و اسامال در اولین کرم برای گسترش مالکیت صنعتی در سطح کشور عرضه ۲۳ میلیارد ریال از سهام ۱۰۶ واحد بزرگ صنعتی صورت خواهد گرفت. از این‌رو برای تأمین اعتبار مورد نیاز برای کمک به خرید سهام واحدهای تولیدی از سوی کارگران، سازمانی تحت عنوان: سازمان ملی گسترش مالکیت واحد‌های تولیدی و صنعتی تأسیس شده است.

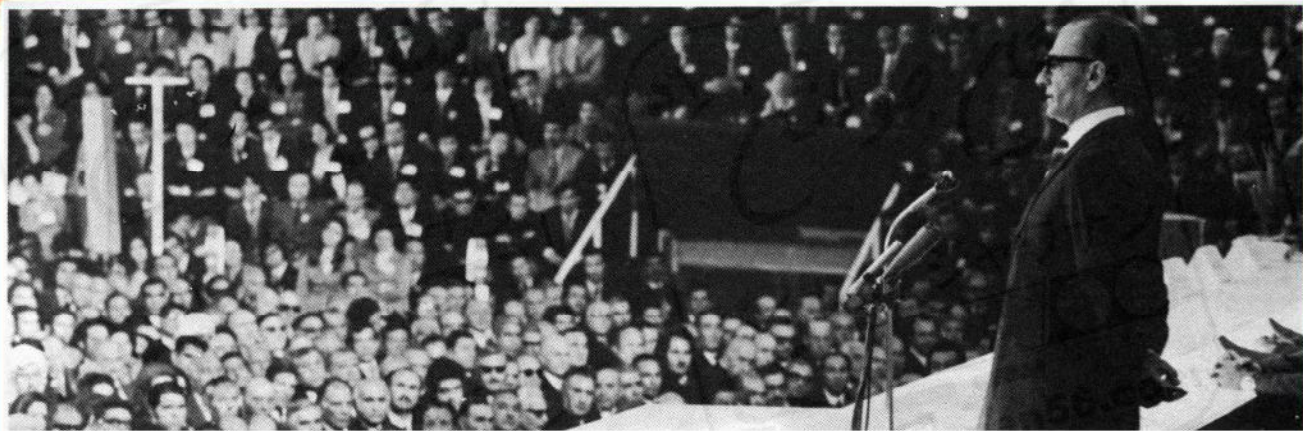
کلیه کارگرانی که سه سال متوالی سابقه خدمت در هر کارخانه‌ای را داشته باشند واجد شرایط برای مشارکت در این برنامه عظیم ملی خواهند بود و اطلاعات لازم در مورد سهامی که عرضه می‌شود از طریق شرکت‌های تعاونی کارگران در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

«اصل اول انقلاب و بنیادهای اجتماعی - اقتصادی که به‌مراه داشته است»

از کار بزرگ اصلاحات ارضی‌تها این هدف مورد نظر نبوده است که زمین‌هایی بین کشاورزانی تقسیم شود و هر کس مالک قطعه زمینی نباشد، بلکه مالکیت شخصی بر زمین که می‌کارد هوازه به‌عنوان تکیه‌گاهی یا نقطه عطفی برای کارهای بزرگ دیگری که جموعاً دگرگونی اساسی در کیفیت زندگی از طریق تغییرات زیربنایی در بنیاد‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی‌است مورد توجه بوده است و هم‌اکنون ۱۴ سال پس از آغاز این کار که کاری تمام شده‌است نگرشی به بنیادهای جدید در روستا می‌تواند روشنگر میزان توفیق اصلاحات ارضی در رسیدن به‌بنیادهای مورد نظر باشد. اشاره‌ای خلاصه به آنچه که در چهارچوب تقسیم اراضی انجام شده خواهیم داشت و سپس به رویدادهای پس از آن می‌پردازیم.

سابقه اجرای قوانین اصلاحات ارضی: اندیشه اجرای برنامه متری اصلاحات ارضی و تقسیم و واگذاری زمین به‌زارعین اولین بار در زمان علی‌شیرت رضاشاه کبیر در ایران پیدا شد و بموجب قوانینی که در سال‌های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ به تصویب مجلس شورای ملی رسید به دولت وقت اجازه داده شد که نسبت به تقسیم املاک خالصه‌سیستان و لرستان و دشت مغان بین دهقانان و افراد محلی اقدام نماید در نتیجه قسمتی از خالصجات دشت مغان و لرستان در سال ۱۳۱۴ به‌سوی تقسیم آمد و آنکاه در سال ۱۳۱۶ بموجب تصویب‌نامه‌ای که از هیات وزیران گذشت قسمتی از اراضی خالصه سیستان نیز به سهم‌های ۳۶۰۰۰ متر مربع (حضور چهار هکتار) تقسیم و از قرار هر سهمی ۱۲۵۰۰ ریال نقد یا ۸۰۰ ریال به‌اقساط به‌زارعین و افراد مقیم سیستان فرخته شد.

هرچه تقسیم خالصجات یکی از برنامه‌های اساسی و اصلی تقسیم املاک بین کشاورزان در زمان رضاشاه کبیر بوده ولی چون در آن موقع دهقانان به حقیقت تا این کار پی نبرده بودند و از طریق شرکت‌های تعاونی و وسایل دیگر تقویت نشدند بنابراین نتیجه لازم و کافی به‌دست نیامد تا این که تقسیم اراضی به معنای واقعی آن در سال ۱۳۲۹ با فرمان علی‌شیرت همایون شاهنشاه آرپامبر دایر بر تقسیم بیش از دو‌هزار قریه و آبادی از املاک سلطنتی آغاز گردید و اراضی‌دهات سلطنتی به‌طرز صحیح و با اصول تقسیم برداری و سپس‌بندی قطعات زمین بین روستایی تقسیم شد که با این ترتیب کام‌های موثر و مفیدی که سرنوشته کشاورزان ایران و به‌زیستی آنها را تأمین کرد برداشته شد.



ایران، بر اه صنعتی شدن

از گروه تحقیق خبر

قراردادهای صنعتی کشور در سال گذشته

دیگر بسته شد. کارخانه ابزارسازی باسرامپه‌ای به میزان ۱۵ میلیون دلار در کشور ایجاد خواهد شد. و در زمینه احداث آن کارخانه میلاکرون سین سینا و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران مشارکت خواهند داشت. ۶- در دیماه سال جاری یک شرکت آمریکایی در زمینه احداث یک واحد آسانسور سازی در ایران با مقامهای مسئول کشور به توافق رسید و قرارداد شرکتی بنام «ایران الوئیز» که ۶۰ درصد از سهام آن متعلق به ایران و ۴۰ درصد بقیه متعلق به شرکت آمریکایی اولیس خواهد بود، عملیات ایجاد این واحد آسانسورسازی را در ایران برعهده بگیرد.

۷- از قراردادهای مهم صنعتی کشور ما با سایر کشورها که در سال گذشته منعقد شد، قرارداد واکن سازی اراک بود. عملیات ساختمانی اولین کارخانه واکن سازی ایران در ۱۹ آذرماه سال جاری شروع شد. طرح ایجاد این کارخانه مشترکاً بوسیله راه آهن دولتی ایران و راه آهن اطریش تهیه شد. این زمینه باید افزود که ۶۰ درصد از سهام این کارخانه متعلق به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و ۴۰ درصد دیگر متعلق به راه آهن دولتی ایران است. و در زمینه ایجاد کارخانه واکن سازی اراک، کشور اطریش فعالیت گسترده‌ای خواهد داشت.

علاوه بر قراردادهای فوق مشارکت ایران، آمریکا و ژاپن در زمینه ایجاد کارخانه آلومینیوم سازی جدید در بندر عباس، مشارکت ایران و هند در زمینه تولیدات نساجی و همچنین مشارکت ایران و ژاپن در زمینه صنعت پتروشیمی جنوب کشور از توافقات مهم دیگریست که در زمینه همکاریهای صنعتی با کشورهای خارجی در سال جاری صورت گرفت.

۱- قرارداد ایجاد کارخانه اتومبیل سازی با همکاری شرکت رنو در دیماه سال گذشته بین دو کشور ایران و فرانسه به امضاء رسید. این کارخانه با ظرفیتی به میزان ۳۵ هزار دستگاه اتومبیل در سال از اواخر سال آینده کار خود را آغاز خواهد کرد.

۲- قرارداد ساخت موتورهای پرکینز در ایران بین سازمان مالی گسترش و نوسازی صنایع وابسته به وزارت صنایع و معادن و شرکت پرکینز در اسفندماه سال گذشته منعقد شد.

۳- از قراردادهای مهم دیگری که در سال گذشته با کشورهای خارجی در زمینه تولیدات صنعتی به امضاء رسید، قرارداد ساخت کامیون سنگین با شرکت جنرال موتورز آمریکا بود. براساس این قرارداد شرکت جنرال موتورز با مشارکت کشور ما سالیانه ۲۵ هزار دستگاه از انواع کامیونهای سنگین در ایران تولید خواهد کرد.

۴- در زمینه تولید فولاد در ایران قرارداد میان شرکت «گروزلور» فرانسوی و وزارت صنایع و معادن کشور ما منعقد شد که براساس آن کارخانه‌ای با ظرفیت اولیه ۲۴۵ هزار تن که تا ۲۵۰ هزار تن در سال قابل گسترش است. احداث خواهد شد. این قرارداد در آذرماه سال جاری منعقد شد و بر اساس پیش‌بینیهای صورت گرفته میزان سرمایه مورد نیاز در مرحله اول تولید ۱۲۰ میلیون دلار و در مرحله بعدی ۱۵۰ میلیون دلار خواهد بود. عملیات اجرایی کارخانه تولید فولاد با مشارکت فرانسه از سال ۱۳۵۵ آغاز میشود.

۵- قرارداد کارخانه ماشین‌سازی در «سین سینا» آمریکا با کشور ما در زمینه ایجاد یک کارخانه ابزارسازی در ایران از قراردادهای دیگریست که در سال گذشته در زمینه همکاریهای صنعتی با کشورهای

سهام بخش صنعت در رونق اقتصادی دوران انقلاب شاه و مردم

تولید ناخالص ملی در طول سالهای برنامه پنجم با رشدی حدود ۴۶ درصد ادامه مییابد و میزان رشد تولید ناخالص ملی در سالهای پس از برنامه عمرانی پنجم نیز حداقل بین ۱۲ تا ۱۷ درصد برآورد شده است. چنین رشدی ارزش تولید ناخالص ملی را به حداقل حدود ۴۶۸۶ میلیارد ریال فزونی می‌بخشد.

شاهنشاه آریامهر در جریان گشایش اجلاس سال گذشته مجلسین شورایی و سنا در این زمینه فرمودند: «تا پایان برنامه پنجم انتظار میرود که متوسط رشد سالانه تولید ناخالص ملی قیمت‌های ۴۶ درصد باشد و ایران در این مورد گماکان در تمام جهان مقام اول را دارد».

بخش صنایع و معادن نیز در طول برنامه‌های عمرانی سوم و چهارم بطور متوسط ۱۲ درصد در سال رشد یافت و در طول سالهای برنامه پنجم عمرانی درصد رشد بخش صنایع و معادن محدود ۳۳ درصد رسید. ارزش تولیدهای صنعتی کشور در سال گذشته حدود ۴۶۴/۳ میلیارد ریال بود و سرمایه‌گذاری در بخش صنایع ۸۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال فزونی یافت که رشدی معادل ۲۹ درصد در سال را تأمین میکند. در این سال در پیش از ۳۲۵ هزار کارگاه موجود و ۶۳۰۰ کارخانه صنعتی در حدود ۲ میلیون و ۱۴ هزار نفر بکار اشتغال داشتند. بنابراین ارزش صنایع و معادن از آبانماه سال ۱۳۵۳ تا اول آبان سال ۱۳۵۴ حدود ۶۵۵ پروانه جدید بمنظور ایجاد واحدهای صنعتی و تولیدی به اشخاص و شرکتهای داده شده است که میزان سرمایه‌گذاری در ۱۸۳ واحد صنعتی آن هریک از یکصد میلیون ریال تجاوز میکند.

دهه نخست انقلاب شاه و مردم آغازگر رونق صنعتی کشور بود و پوشش سالهای شروع دهه دوم انقلاب را می‌توان مرحله جهش صنعتی و دوران استحکام پایه‌های صنایع گوناگون دانست. تولید ناخالص ملی طی سالهای ۱۳۴۱-۱۳۵۱، بطور متوسط حدود ۱۰ درصد رشد یافت و ۴۱ درصد رشد تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۵۲ و فزونی تولید ناخالص سرنانه به ۱۴۰۰ دلار در سال ۱۳۵۳ نوبت بخش تداوم رونق شگفت‌انگیز اقتصاد کشور در سالهای نخست دهه دوم انقلاب شاه و مردم است.

بسر اساس برآورد کار شناسان اقتصادی در یک حد متوسط رشد، تولید ناخالص ملی تا سال ۱۳۶۴ بالغ بر ۱۹۰ میلیارد دلار خواهد بود که با احتساب ۴۵ میلیون نفر جمعیت تولید ناخالص سرنانه به حدود ۴۳۰۰ دلار در سال میرسد و در مقایسه با کشورهای پیشرفته صنعتی جهان مانند فرانسه با ۳۹۵ میلیارد دلار و انگلستان با ۱۶۵ میلیارد دلار تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۷۴ که در شمار ۶ کشور اول صنعتی جهان به شمار می‌روند، کشور ما نیز در ردیف کشورهای عمده صنعتی قرار خواهد گرفت. بخش مهمی از افزایش تولید ناخالص ملی ناشی از فزونی ارزش تولیدهای صنعتی است که نتیجه منطقی تحول اقتصاد کشور در دوران انقلاب از یک اقتصاد بسته و غیر صنعتی به یک اقتصاد باز و صنعتی است.

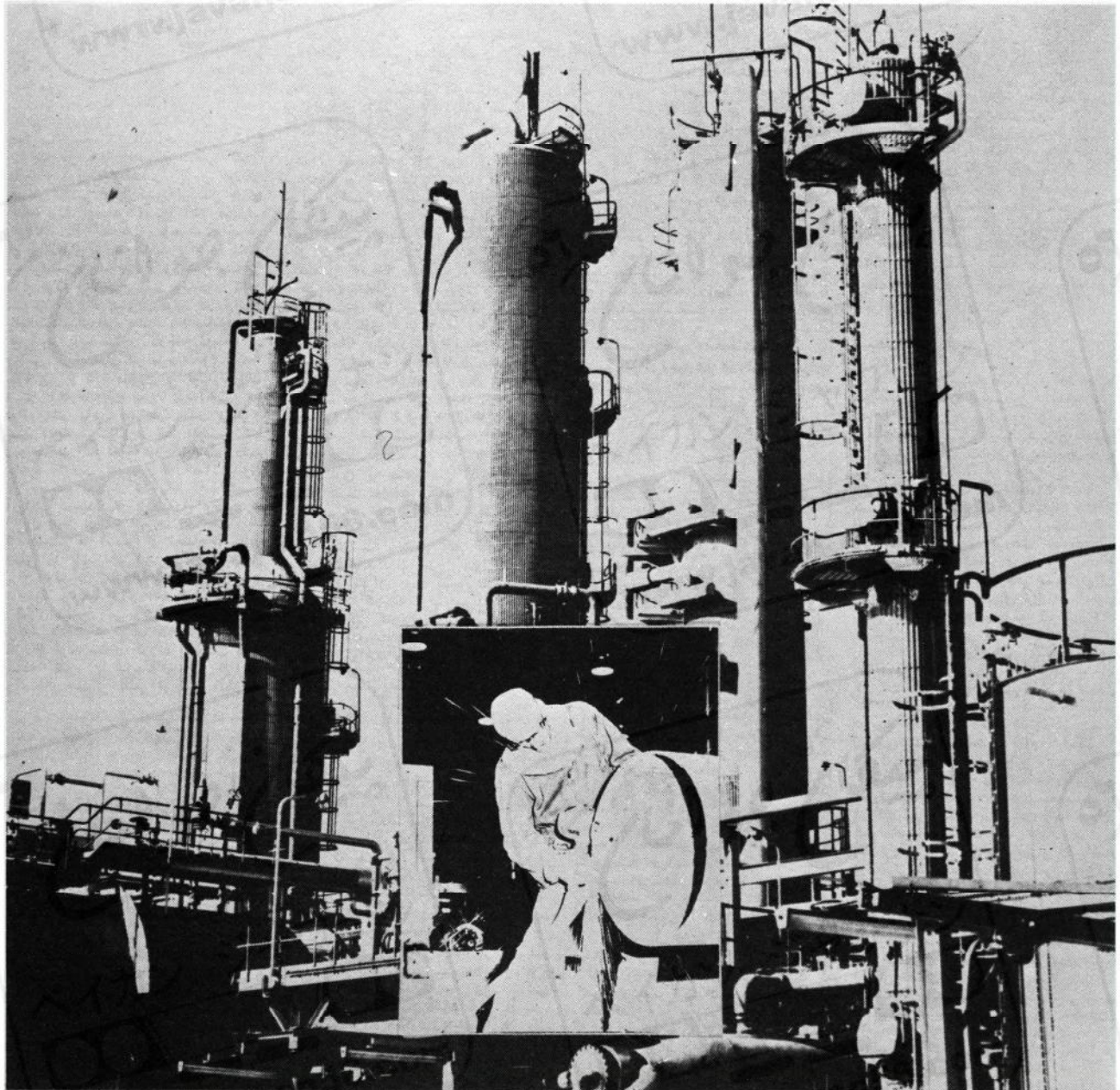
تولید ناخالص ملی به قیمت‌های جاری در سال ۱۳۵۱ معادل ۱۱۸۶/۴۰۰ میلیارد ریال و در سال ۱۳۵۳ معادل ۱۳۳۵/۴۰۰ میلیارد ریال و در سال ۱۳۵۴ معادل ۴۹۷۵/۱ میلیارد ریال بود. رشد

صنعت برق

انرژی برق در حال حاضر بعد از فرآورده‌های نفتی مهم‌ترین منبع مصرف داخلی بشمار می‌رود و بیش از ۵۵ درصد از نیروی برق تولید شده به مصارف صنعتی اختصاص یافته است. تولید سرانه نیروی برق در فاصله سال‌های ۱۳۵۱ + ۱۳۵۲ حدود ۲۳ درصد افزایش یافت. در سال ۱۳۵۲ کل تولید برق به ۱۴۰۲۲ میلیون کیلووات ساعت رسید. آمار مربوط به تولید سه ماهه اول سال ۵۴ نیز ۱۶/۷ درصد نسبت تولید مشابه سال قبل افزایش نشان می‌دهد. براساس گزارش وزارت نیرو ظرفیت ثبت شده نیروگاههای زیر مدیریت این وزارتخانه در پایان خرداد ماه سال ۵۴ بحدود ۳ میلیون و ۳۱۸ هزار کیلووات ساعت رسید و از مجموع تولید ۲۴/۷ درصد از طریق نیروگاههای بخاری و حدود ۱۵/۸ درصد از طریق نیروگاههای توربین گازی و دیزلی تأمین شده است.

مدیر عامل شرکت سهامی تولید و انتقال نیروی برق ایران اخیراً در گفتگویی درباره برنامه‌های افزایش تولید نیرو گفت: «طرف پنجسال آینده حدود ۹۴۰۰ مگاوات برق بوسیله نیروگاههای جدید تولید خواهد شد تعدادی از توربین‌های گازی که تا آخر برنامه پنجم بکار خواهد پرداخت شامل ده واحد ۳۳ مگاواتی در اهواز، دو واحد ۴۳ مگاواتی در کرمانشاه، دو واحد ۵۵ مگاواتی در تهران، دو واحد ۵۵ مگاواتی در منجیل، دو واحد ۲۵ مگاواتی در اصفهان، دو واحد ۲۵ مگاواتی در بزد و شش واحد ۲۵ مگاواتی در چابهار خواهد بود. همچنین نیروگاه سد محمدرضاشاه کبیر با قدرت یکمیزار مگاوات شبکه سراسری وصل خواهد شد. ضمناً در بندرعباس ۴۰۰ مگاوات توربین‌های گازی و یک واحد مولد حرارتی ۱۴۵ مگاواتی در اهواز نصب خواهد شد که جمعاً نزدیک

به ۴۵۰۰ مگاوات برق تولید خواهد کرد. مدیر عامل شرکت تولید و انتقال نیروی برق افزوده، طرحهای دیگری که ظرف پنجسال آینده به ثمر خواهد رسید عبارت از چهار واحد ۴۵۰ مگاواتی در تکا، چهار واحد ۳۲۸ مگاواتی در بندرعباس، چهار واحد ۳۱۵ مگاواتی در اهواز و یک واحد ۳۳۸ مگاواتی در اصفهان است علاوه بر این مذاکراتی در جریان است که براساس آن چهار واحد ۴۰۰ مگاواتی در اصفهان و سه واحد ۳۷۵ مگاواتی در مشهد و دو واحد ۳۷۵ مگاواتی در تبریز نصب خواهد شد. همچنین خطوط انتقال ۴۰۰ کیلو ولت برای ایجاد ارتباط نیروگاه سد رضاشاه کبیر با چهار نقطه مصرف امیدیه، اهواز، اراک و اصفهان احداث خواهد شد. و خط انتقال ۴۰۰ کیلو ولت تهران - اراک، اصفهان و تهران - نکا ارتباط بقیه در صفحه ۸۳



ایران به راه صنعتی شدن

گسترش صنایع ذوب آهن

در برنامه‌های وسیع صنعتی کشور صنایع تولید فولاد از اهمیت ویژه برخوردار است. در صنایع فولاد کشور از سال جاری مرحله تولید به مقیاس وسیع آغاز می‌شود. مدیر عامل شرکت ملی صنایع فولاد چندی قبل برنامه‌های توسعه تولید فولاد را اعلام کرد بر اساس برنامه‌های مزبور شرکت ملی صنایع فولاد چند طرح عظیم تولیدی را پیاده خواهد کرد تا میزان تولید در اوائل برنامه ششم عمرانی به حدود ۱۵ میلیون تن بالغ شود. باین منظور کارخانه ذوب آهن آریامهر در اصفهان در مرحله ذوب توسعه سالانه بین ۴ تا ۶ میلیون تن تولید خواهد داشت و کارخانه‌های جدید ذوب آهن در اهواز، بندر عباس، اصفهان، بندر بوشهر و مشهد ایجاد می‌شود. در حال حاضر تنها در واحد بزرگ ذوب آهن آریامهر رقم سرمایه گذاری به بیش از ۲۸۶ میلیون دلار رسیده است. کارخانه ذوب آهن آریامهر در اصفهان از شروع بهره‌برداری تاکنون بیش از یک میلیون تن چدن تولید کرده است که قسمتی از احتیاجات بازار داخلی را تأمین می‌کند و در سال جاری میزان تولید در کارخانه ذوب آهن آریامهر به حدود یک میلیون و ۹۰۰ هزار تن فولاد ۴/۵ میلیون تن آهن اسفنجی فروزی می‌یابد اقدام به خرید ۲۵ درصد سهام کارخانه فولاد سازی گروپ آلمان به وسیله کشور ما نیز علاوه بر افزایش درآمدهای صنعتی ناشی از این مشارکت

امکانات دسترسی به تجربیات و تکنولوژی نوین تولید فولاد را نیز فراهم ساخته است. آلومینیوم فلز مورد نیاز صنایع گوناگون و ویژه صنایع ماشین سازی و ساختمان است و ایجاد تحرک لازم در زمینه صنایع مزبور مستلزم تأمین مقادیر کافی از این فلز صنعتی است. اهمیت تولید آلومینیوم که پس از فولاد، مورد نیاز اغلب صنایع پایه است بحدی است که تولید آن در کشور در ردیف عمده‌ترین برنامه‌های گسترش صنایع فلزی و ذوب فلز بشمار می‌رود. در حال حاضر حدود ۴۴ درصد از احتیاجات آلومینیوم کشور از تولیدهای داخلی و ۵۷ درصد بقیه از خارج تأمین می‌شود. سرمایه گذاری‌های جدید در تولید شمش آلومینیوم میزان تولید را تا ساله ۱۴۰ هزار تن افزایش می‌دهد و با آغاز بهره برداری از ذخایر جدید بوکسیت آلومینیوم در نواحی شمال پهبان، شیراز، یزد و کوهپایه‌های بختیاری تولید شمش آلومینیوم در مقیاسی وسیعتر آغاز می‌شود. در سال جاری عملیات ساختمانی کارخانه آلومینیوم سازی ساه با هزینه‌ای معادل ۷۰۰ میلیون ریال آغاز شده است و افزایش تولیدی کارخانه آلومینیوم سازی اراک و نیز طرح ایجاد یک کارخانه تولید ورق آلومینیوم در جوار کارخانه مزبور با هزینه ۵۵۷ میلیون ریال و ظرفیت سالانه ۹۰۰۰ تن ورق آلومینیوم در دست اجراست. طرح ایجاد واحد تولید آلومینیوم نیز با ظرفیت ۴۰۰ هزار تن در بندر عباس تهیه شده است.

صنعت ذوب مس نیز با گسترش بهره‌برداری از معادن مس کشور رو به توسعه است عملیات ساختمانی کارخانه ذوب مس سرچشمه کرمان با ظرفیت اولیه ۱۵۰ هزار تن و کارخانه ذوب مس قلعه‌زری یزد، در سال جاری آغاز شده است. اولین کارخانه ذوب مس کشور در سال ۱۳۱۹ در تهران مورد بهره‌برداری قرار گرفت اما کارخانه ذوب مس سرچشمه کرمان و نیز کارخانه ذوب مس قلعه‌زری یزد دارای ابعاد و وسعت فعالیت بی‌نهایت وسیعتری خواهند بود.

صنایع الکتریکی و الکترونیکی

در سال گذشته مقدمات توسعه مراکز محابراتی و صنایع الکترونیکی با صرف مقادیر قابل توجهی اعتبار فراهم شد که بزرگترین رقم سرمایه گذاری را برای گسترش مراکز ارتباطی در کشورهای در حال رشد تشکیل می‌دهد. با فرستایی که برای استفاده تجهیزات الکترونیکی و الکترونیکی در صنایع کشور به وجود آمده

صنایع نفت، گاز و پتروشیمی

شاهنشاه ایران همواره تأکید فرموده‌اند که نفت گرانبهای از آنستکه تنها بعنوان سوخت و تولیدکننده حرارت و روشنایی به مصرف رسد و بر اساس این هدف استکه صنایع عظیم و گوناگونی در زمینه پالایش، تقطیر سنگل و تبدیل فرآورده‌های نفتی پایه‌گذاری شده است. تگاهی کوتاه به گسترش صنایع نفتی آینده روشن و اهمیت روز افزون صنایع مزبور در اقتصاد کشور تأیید می‌کنند.

مجموع سرمایه‌گذاری در صنایع نفت کشور در برنامه پنجم عمرانی در بخش دولتی به ۸ میلیارد دلار و در بخش خصوصی به ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بالغ می‌گردد. ظرفیت پالایشگاه‌های نفت کشور که در سال ۱۹۷۳ به ۱۴ میلیون مترمکعب نفت خام رسیده بود تا پایان برنامه پنجم به ۳۸ میلیون مترمکعب افزایش خواهد یافت و مجموع سرمایه‌گذاری در صنعت گاز به ۲٫۵ میلیارد دلار بالغ می‌شود که از این مبلغ ۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار آن توسط بخش دولتی انجام می‌گیرد. متوسط نرخ رشد فرآورده‌های نفتی در حال حاضر به ۱۸ درصد رسیده است و در سال ۱۹۷۴ جمعا روزانه حدود ۶۲۵ هزار بشکه نفت در پالایشگاه‌های کشور تصفیه شد.

نابرابرگزارش شرکت ملی نفت ایران، در تابستان سال ۵۳ تا توجیه به قانون جدید نفت که در ۳۰ ماده تدوین شده است ۶ فقره قرارداد جدید نفت با شرکت‌های خارجی بضمه رسیده. این قراردادها که به قراردادهای اکتشاف و شروع بهره‌موسوم شده‌اند به قراردادهای پیمانکاری متفاوتند پس از اتمام دوره اکتشافی و شروع بهره‌برداری از میندانهای تجاری، عملیات تولیدی راسا بعهده شرکت ملی نفت ایران خواهد بود و طرف دوم، طبق قرارداد فرشی که با آن منعقد خواهد شد ۳۰ تا ۵۰ درصد از نفت خام تولیدی را با تخفیفی از ۳ تا ۵ درصد برای مدت ۱۵ سال خریداری خواهد کرد. علاوه بر این جمعا قریب به ۵۰ میلیون دلار طبق این قراردادها پذیرفته شد از طرف ایران دوم دریافت شده است. در سال ۱۹۷۴ مجموع درآمد سه ساله دولت از نفت به مرز ۲۰ میلیارد دلار رسید و تولید نفت خام کشور در این سال جمعا حدود ۳۵۰ میلیون مترمکعب بود. در اوائل سال جاری تولید نفت خام تا حدودی کاهش یافت. در بوجه عمومی سال ۱۳۵۴ معادل ۲۰ میلیارد ریال اعتبار برای گسترش توانایی مصرف نفت در داخل کشور، در نظر گرفته شده بود که نسبت به سال ۱۳۵۳ رشدی معادل ۱۴۶ درصد دارد. همچنین در بوجه سال جاری منابع اصلی درآمدهای دولت که از نفت و گاز حاصل می‌شود ۱۴۷٫۸ میلیارد ریال برآورد شد که نزدیک به ۸۳٫۱ درصد کل درآمدهای عمومی را تأمین می‌کنند.

در سال جاری همچنین همزمان با نوساناتی نرخ دلار در بازار ارزهای خارجی و تورم روز افزون جهان پیش‌بینی شد که کشورهای عضو اوپک تصمیم جدیدی در زمینه حذف دلار در معاملات نفتی خواهند گرفت این نظریه در ۲۳ بهمن ماه سال ۵۳ همزمان با ارتباط یافتن ارزش ریال با حق برداشت ویژه مطرح شد و اجلاس سابق-های عضو اوپک در سطح کارشناسان فنی

که در فروردین ماه ۵۴ دروین تشکیل شد برقراری حق برداشت ویژه را که ترکیبی از ۱۶ ارز معتبر جهان است بعنوان معیار اصلی سنجش ارزش نفت صادراتی مورد بررسی قرار داد.

کشایش کنفرانس مقدماتی انرژی پاریس در فروردین ماه سال ۵۴ رویداد دیگری بود که این امید را بوجود آورد که طی برگزاری این کنفرانس تفاهم بیشتری در زمینه مسائل مربوط به مواد خام در سطح جهان که همواره مورد نظر کشور ما بوده است، بوجود آید. لکن کنفرانس به نتیجه‌ای نرسید. با آنکه کشورهای شرکت کننده در کنفرانس مقدماتی انرژی متشکل از ۲ گروه کشورهای پیشرفته و مصرف کننده نفت، کشورهای صادرکننده نفت و کشورهای جهان سوم بود اما عملا در طول کنفرانس به وجهی تقسیم شدند. کشورهای تولیدکننده نفت نه تنها خواهان رسیدگی به مشکل بحران انرژی بودند بلکه طرح مسائل دیگری را نظیر بررسی روابط تجاری و بازرگانی جهان سوم با کشورهای پیشرفته، رسیدگی به چگونگی تأمین مواد غذایی و بررسی مسائل سایر مواد خام را در کنفرانس اصلی انرژی لایز میدانستند در حالیکه کشورهای صنعتی فقط بررسی مسائل مربوط به نفت، بهای آن، چگونگی تأمین فرآورده‌های نفتی رسوب خرید و مسائل نفتی را پیشنهاد می‌کردند. باین طریق کنفرانس مقدماتی انرژی پاریس نتوانست در زمینه دستور جلسه کنفرانس اصلی، به توافق برسد. اما بعد از کوشش‌هایی که در این زمینه صورت گرفت کنفرانس انرژی پاریس یا کنفرانس شمال و جنوب در دسامبر ۱۹۷۵ تشکیل شد. و بحث در زمینه انرژی و مواد خام در آینده نیز در چهارچوب این کنفرانس پی‌گیری می‌شود.

صنعت پتروشیمی

با آغاز بهره‌برداری از واحد جدید پتروشیمی آبادان تولید این واحد شیمیایی به ۶۰ هزار تن در سال افزایش مییابد که نزدیک به ۳ برابر تولید کنونی مجتمع پتروشیمی آبادان است در تیر ماه سال جاری شرکت ملی نفت ایران اعلام کرد که اجرای طرح توسعه کارخانجات شیمیایی شیراز، عملیات نصب دو کارخانه با ظرفیت ۸۰ هزار تن به پایان رسیده است با ایجاد تری-پلی فسفات سدیم و کودهای مخلوط می-پودراند. با رشد کشاورزی مقادیر زیادی از کودهای شیمیایی مجتمع‌های شیمیایی ایران در داخل کشور به مصرف می‌رسند. آرسونی دیگر با توجه به افزایش مصرف کودهای شیمیایی در سراسر قاره آسیا در سالهای ایران به کشورهای این قاره صادر می‌شود. شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران در سال ۱۳۴۳ به منظور تمرکز کلیه فعالیت‌های مربوط به ایجاد و توسعه صنایع پتروشیمی تأسیس شد و با توجه به لزوم مشارکت با شرکت‌های ایرانی و خارج و جلب سرمایه آنها متعاقب آن قانون توسعه صنایع پتروشیمی به تصویب رسید و بموجب آن به شرکت ملی صنایع پتروشیمی اجازه داده شد که با موسسات و شرکت‌های ایرانی خارجی که واجد صلاحیت فنی و مالی باشند برای تولید محصولات پتروشیمی مشارکت کنند. در قانون مزبور مقرره شده است که در هر مشارکت سهم شرکت ملی صنایع پتروشیمی نباید از ۵۰ درصد کمتر باشد. فرآورده‌های پتروشیمی بسیار متنوع و بیش از دهها هزار است، در دسترس بودن منابع مطمئن نفت و گاز طبیعی شرط لازم برای تأسیس و گسترش صنایع پتروشیمی است و صنایع مزبور باستانی بصورت مجتمعی از واحدهای سازنده محصولات متنوع و بسا مقیاس بزرگ تأسیس شوند تا بتوانند از لحاظ اقتصادی با صنایع مشابه رقابت کنند

نیازهای دولت شوروی

نیازهای دولت شوروی

ترجمه: الهه هاشمی حائری

معرفی برنامه‌ی جدید پنج ساله‌ی دولت شوروی نمابستر نیاز مداوم آن دولت به خرید مواد غذایی و بویژه غله از ایالات متحده آمریکا است. در این باره تنها یک موضوع درخور توجه است و آن، موضوع چگونگی بکاربردن مسئله‌ی برتری کشاورزی ایالات متحده‌ی آمریکا است. در برنامه‌ی جدید پنج ساله‌ی دولت شوروی طرح‌های کشاورزی مورد توجه طراحان

برنامه‌ی جدید نبوده است و طبیعی است که این امر در امور کشاورزی و از نظر محصولات کشاورزی، کمبودهایی بوجود خواهد آورد، در صورتیکه امید مردم شوروی برای بهبود در امر تغذیه و زندگی بهتر همچنان پابرجا است. امسال محصول غله‌ی شوروی نسبتاً چهار کمبود بوده است بلکه کمبود آن مصیبت‌بار نیز محسوب می‌شود. متقابلاً محصول غله‌ی آمریکا یکی از بارورترین سالها را پشت سر گذارده است و به همین دلیل قرارداد پنج ساله‌ی خرید غله بین دولتهای آمریکا و شوروی به امضاء رسید.

لستر آر- براون یکی از کارشناسان کشاورزی در آمریکا میگوید: یکی از مهمترین سلاح‌های سیاسی مواد غذایی است و برای او هم این سؤال که آیا ایالات متحده‌ی آمریکا از چنین سلاحی (یعنی مواد غذایی) بهترین نحو ممکنه بهره‌برداری خواهد کرد یا خیر، همچنان بی‌جواب مانده است. در سال ۱۹۷۳ مسئولان دولت آمریکا با موافقت با فروش غله به شوروی در واقع آن دولت را از محصله‌ی بدی نجات دادند. فروش غله به شوروی در سال ۱۹۷۳ موجب افزایش بهای غله به میزان سه برابر در ایالات متحده‌ی آمریکا شد.

چرخش سیاسی ایالات متحده‌ی آمریکا از موضع انبازهای پرغله و فروش-رفته تا انبازهای پر غله به نحوی انجام گرفته که نه تنها مردم آمریکا زیان بان توجهی نداشته‌اند بلکه مسئولان امر در دولتی آمریکا نیز جدیداً با همت این موضوع (فروش غله به شوروی) کاملاً واقف شده‌اند. در یک چنین موقعیتی شورویها آشکارا در آنگولا موضع گیری کرده‌اند و با دخالت در موقعیت حساس بین المللی این منطقه به کمک‌های ایالات متحده که با فروش غله سعی در بهبود امر تغذیه مردم شوروی دارد

بشت کرده‌اند. بنظر کارشناسان کشاورزی محصول غله‌ی شوروی کماکان دچار کمبود خواهد شد در حالیکه محصول غله‌ی ایالات متحده سالانه روبرو افزایش است. تگایه سریع به میزان غله‌ی صادره از آمریکا و کانادا این ادعا را که آمریکا زنگانه «سبدان» دنیا ب حساب می‌آیند، ثابت میکند. غله‌ی صادره از این دو کشور در سالهای ۱۹۳۸-۱۹۳۴ فقط ۵ میلیون تن بوده است و در سال ۱۹۷۵ میزان غله‌ی صادره از این دو کشور بالغ بر ۹۵ میلیون تن یعنی درست ۱۹ برابر غله‌ی صادراتی در سالهای ۱۹۳۴-۱۹۳۴ بوده است.

محصول غله‌ی شورویها در سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۶۵ و ۱۹۶۳ دچار کمبود شدید بوده است و میزان خرید غله‌ی شوروی در چهار سال اخیر به ترتیب در سال ۱۹۷۳ بیست میلیون و هشتصد هزار تن، در سال ۱۹۷۳ ده میلیون و پانصد هزار تن (۱۵/۵) در سال ۱۹۷۴ چهار میلیون و نصد هزار تن (۴/۸) و در سال ۱۹۷۵ بیست و پنج میلیون تن (۲۵) بوده است. دولت شوروی که برای خریدهای نامنظم و غیر قابل پیش بینی خود، دلالت بدی آب و هوا و بهبود در امر تغذیه‌ی مردم شوروی را عنوان میکند، خریدهایش بر بازار جهانی غله تأثیر گذارنده است.

در ۲۸ اکتبر سال ۱۹۷۵ دولت آمریکا قراردادی با دولت شوروی امضاء کرد که بر طبق آن دولت شوروی متعهد می‌شود سالانه ۸ میلیون تن غله از ایالات متحده‌ی آمریکا خریداری کند. (در صورتیکه محصول غله‌ی آمریکا سالانه از ۲۴۵ میلیون تن کمتر باشد، دولت شوروی متعهد فقط سالانه ۶ میلیون تن غله از آمریکا بخرد). امسال محصول غله‌ی آمریکا ۴۵۰ میلیون تن بوده است.

Newsweek

چهره‌های پر توان در صحنه سیاست پر تغال!

صدیقه بیگم مجابی

سه هفته پس از کودتای ناکام چهره‌ی گرایان افراطی، رهبران سیاسی پرتغال تصمیم گرفتند که زمان آن رسیده است تا کشور را بسوی حکومتی غیر نظامی سوق دهند. شورای حاکم نظامی در جلسه‌ای که یکشنبه تمام به‌درازا کشید، بر آن شد که نظم نوین نظامی را به‌گونه‌ای برپا دارد که سبب بازگرداندن نظم و انضباط به کشور شود، و در انجام، سربرازان سیاستدار را به سربرازخانه‌ها نشان برگرداند. به‌علاوه، این شورا پیشنهاد می‌کند یک قانون اساسی را تصویب کرد. تمام اینها نشانگر این واقعیت است که مقامات میانه‌رو، قدرت بیشتری در حکومت بدست آورده‌اند.

آنچه می‌آید در معرفی چهار چهره‌ی جدید با نقود در تغال است: ● بالانگونه که یک سیاستمدار غربی تشریح می‌کند، ژنرال آنتونیو مالموایس، رئیس ستاد جدید ارتش پرتغال، شاید، نیزهوش‌ترین و از نظر سیاسی حساس‌ترین فرد جنبش نیروهای مسلح باشد. اینس که

le point

چهار میلیون ایتالیائی به بر نامه‌ی دوم تلویزیون فرانسه علاقمندند

مهشید ضراغم - گروه تحقیق

آیا برنامه‌های تلویزیون‌های خارجی بزودی بیش از تلویزیون ملی ایتالیا بیننده خواهند داشت؟ چندان هم بعید بنظر نمی‌رسد. در حال حاضر پانزده میلیون ایتالیائی، مرتباً برنامه‌های تلویزیون بخش ایتالیائی زبان - روتیس، تلویزیون یوگسلاوی و مونت کارلو و همچنین برنامه‌ی دوم تلویزیون فرانسه را می‌بینند. و حال آنکه این پدیده‌ی بسایقه در مورد سوئیس و بلژیک که برنامه‌های تلویزیون فرانسه را، به‌واسطه‌ی نزدیکی فرستنده‌هایشان، به‌خوبی می‌توانند بگیرند، صدق نمی‌کند. در ایتالیا مخارج هنسکتی صرف ایجاد استگاه‌های فرستنده‌ی تقویت شده است تا برنامه‌های خارجی بهتر گرفته شوند. لیکن از آنجائیکه برای این مورد استثنائاتی پیش‌بینی‌های قانونی نشده است علناً انحصار بخش، از دست‌تلویزیون ایتالیا خارج شده است.

البته محبوبیت روزافزون تلویزیون‌های خارجی ناشی از بی‌علاقگی ایتالیائی نسبت به تلویزیون ملی کشورشان است. این امر می‌تواند بواسطه‌ی کم تحرکی تلویزیون‌زبان شده‌ی ایتالیا که سالهای متمادی است

زیر سلطه‌ی دموکراتهای مسیحی است. قابل توجهی باشد. با وجود آنکه اخیراً گوشش‌ها در جهت نوآوری و ایجاد تنوع بیشتر صورت گرفته، لیکن بر رویهم می‌توان گفت که عملاً برنامه‌های تلویزیون ایتالیا میان احزاب حائز اکثریت تقسیم شده است. نتیجه اینکه مبارزه‌ی شدیدی برای دستیابی به پست‌های مدیریت برنامه‌های تلویزیونی در گرفت (در حدود صد پست مدیریت برنامه‌های تلویزیونی برای جلب رضایت همه) که موجب شد این پست‌ها مدت‌های زیادی خالی بمانند. بمنظور ایجاد یک رقابت سالم میان دو برنامه‌ی تلویزیونی قانونگذاران، بطور غیر عمد، موجب شد که یک برنامه‌ی «کاتولیک» زیر نظر دموکرات‌های مسیحی و یک برنامه‌ی «غیر مذهبی» تحت کنترل سوسیالیست‌ها وجود بیاید.

این وضع مبهم موجب شده است که بینندگان ایتالیائی به برنامه‌های تلویزیونی کمتر سیاسی روی آورند. و در نتیجه، معامله‌ی گرانی که امروز از فروش تلویزیون‌های رنگی سود کلانی می‌برند، بسیار خشودند. در این میان بیشترین توفیق نصیب برنامه‌ی دوم تلویزیون فرانسه شده است. با وجود آنکه سایر تلویزیون‌های خارجی برنامه‌هایی به زبان ایتالیائی دارند و برنامه‌ی دوم تلویزیون فرانسه فاقد این مزیت است، بیش از چهار میلیون ایتالیائی به آن توجه دارند. در نتیجه، بطور غیر منتظره‌ای زبان فرانسه مجدداً در ایتالیا رایج شده است. به‌عبارت دیگر ایتالیائی‌انگلیسی را در مدارس، فرانسه را از تلویزیون می‌آوزند. مثلاً به همین‌جا خاتمه نمی‌یابد، زیرا دولت ایتالیا رسماً سیستم‌رنگی آلمانی‌پال را برگزیده‌است و حال آنکه هیچکس دیگر خریدار تلویزیون پال نیست. و تنها تلویزیون‌هایی فروش می‌رساند که مجهز به دستگاه‌های گیرنده‌ی هر دو سیستم یعنی پال و سکام فرانسه باشند. کشور ایتالیا بار دیگر لیکن اینبار از نظر قیمتی دسته‌ی امواج هرگزین از سوی فرانسه فتح شده است.

چهره‌های پرتوان

بقیه از صفحه قبل
۴۰ سال از عمر او میگذرد و در محافل ارتشی از احترام فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در عمل، تا پیش از شورش چپ ترایان، در خارج از ارتش ناشناس بود. او کمی پس از انقلاب ۱۹۷۴ پرتغال، به ریاست شعبه‌ی دولتی تلویزیون برکنزیده شد و در نقش دولی خود فرو رفت. پس از کودتای نافرجامی که در مارس گذشته توسط هواداران ژنرال آنتونیو اسپینولا کارگردانی شد، اینس متمم شد بنفع اسپینولا، اداره‌ی امور را در دست داشته است. اما، آنچه او را بیشتر با شنواری روبرو میساخت، آن بود که شوهر خواهر وی هدایت یکی از هواپیماهایی را که بر واحد تویخانه‌ی سبک جناح چپ یمن میریخت، برعهده‌داشتن واقعیه مهمترین حادثه کودتایی بدطرحی شده بود.

اینس با استعفا از ریاست تلویزیون، در ارتش بدست فراموشی سپرده شد. سرانجام، او با سرگرد ملوآنتونی متحد شد و به‌هنگام کودتای چپ‌گرایان، این افسر لاغراندام که از اندیشه‌های عمیقی برخوردار است، زمان‌امور را در دست گرفت. او با کار شبانه‌روزی، استراتژی‌ی پرا رهبری کرد که به‌خود شدن شورشیان انجامید. اکنون، او یکی از قویترین هواداران خارج کردن ارتش از سیاست و دادن نظم و ترتیب به آن است. اینس میگوید: «اکنون زمان آن فرارسیده است که ارتش صحنه را ترک گوید و رفتار ستاره وش خود را رهاکند».

● سرگرد ارنستوملو آنتونی، ۴۴ ساله، مردی آرام و فروتن است که چون نوری هدایت‌کننده در شورای انقلاب، بر پرتغال حکومت میکند. او یکی از طراحان اصلی کودتایی است که در سال ۱۹۷۴ رژیم کائانو را سرنگون ساخت و سپس بر سیاست استعمارزداتی پرتغال نظارت کرد و بعنوان فردی چیره‌دست به اقتصاد اینکشور، خدمت کرد. پس از کودتای راستگرایان که در ماه مارس انجام گرفت، آنتونی وزارت اقتصاد را رها کرد و در زمان حکومت نخست‌وزیر گونسالوش، عهده‌دار مقام‌وزارت خارجه شد. اما تصانیلات کمونیستی گونسالوش او را ناامید کرد و دیری نپایید که او و دسته‌ای از نظامیان میانه‌رو که بنام «گروه نه‌گانه» شناخته شده‌اند، اینبار برای سرنگون ساختن گونسالوش توطئه‌ای آغاز کردند.

اگر چه آنتونی بعنوان فردی میانه‌رو شناخته شده است، اما نظریه‌های سیاسی او چیزی در حد یک رمز باقی میماند. او مخالف تاکتیکهای خشن کمونیستهای پرتغال است. همچنین از تاملات راستگرایان به سوسیالیستها انتقاد میکند. بویژه، او بعنوان رهبر گروهی شناخته شده است که میخواهد دست ارتش را از سیاست کوتاه کند. آنتونی اگر چه خواهان کاهش نقش ارتش در سیاست پرتغال است، لیکن، خروج کامل ارتش از صحنه مورد نظر او نیست. او گفته است: «اگر ما اجازه دهیم که پرتغال تحت یک نظام سراسری پارلمانی معمول اداره شود، چاره‌ای جز این نخواهیم داشت که بگوئیم انقلاب پایان یافته است».

● واسکو گوریل لورنسو، ۴۳ ساله جوانترین عضو شورای انقلاب پرتغال است که برای اولین بار در بهار گذشته، چهره‌اش شناخته شد. او هواپوه، پس از پایان یافتن جلسات طولانی که گونسالوش تشکیل می داد و به‌زمانی که سایر افسران، جلسه را بقیه در صفحه ۷۹

از منابع نظامی فرانسه

ترجمه: محمود کی

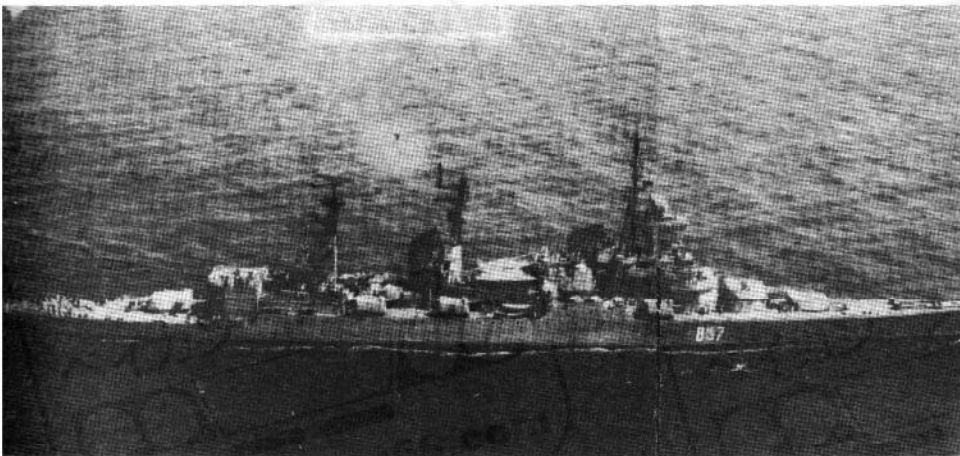
مانور دریائی «او کئان ۷۵»

نیروی دریائی شوروی قدرت دریائی خود را در تمام دریاها و اقیانوسها گسترش میدهد

چندی پیش آژانس تاس اعلام کرد که یک رشته مانورهای دریائی نیروی دریائی شوروی در اقیانوس اطلس، دریای فروژ، دریای مدیترانه، اقیانوس هند و اقیانوس آرام بطور هم زمان انجام خواهد گرفت. تردیدی نبود که این مانورها دورادور ولی بطور دقیق از طرف نیروهای دریائی کشورهای ناتو و یا کشورهای دیگری که این مانورها در مجاورت آبهای آنها صورت می‌گرفت دنبال‌گیری و مراقبت میشد.

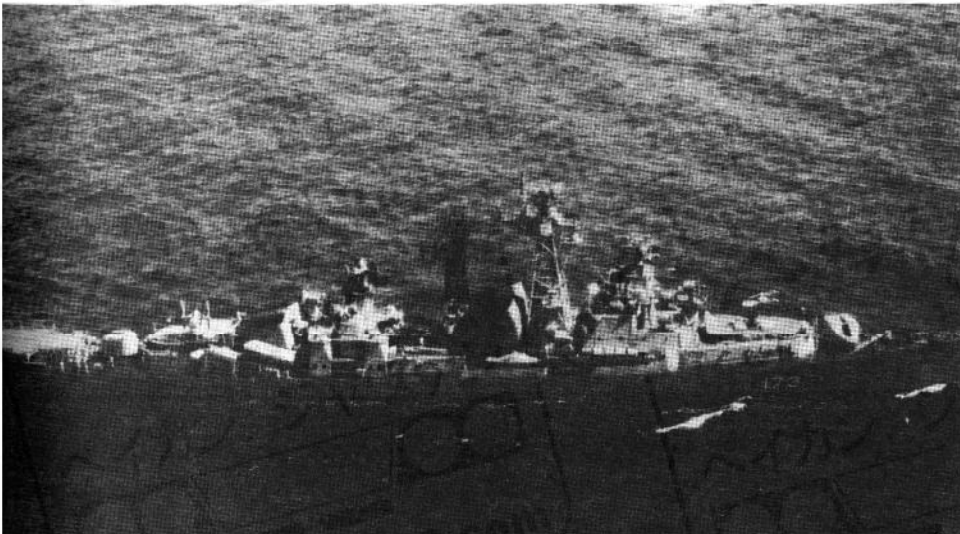
مطبوعات کشورهای غربی بویژه کشورهای آنکلو ساکسون ستونهای زیادی را به بحث درباره کیفیت، قدرت و دامنه و بالاخره هدف نهائی این مانور اختصاص دادند.

طبق اطلاعات دقیقی که بدست آمده است ۲۰۰ ناوچسکی، تجاری، پشتیبانی و حتی تجسسی و علمی در این مانور شرکت



رزمناو فرماندهی «ژدانوف»

ناوشکن موشک‌انداز از نوع «کاشن»



کرده‌اند.

در میان ناوهای جنگی شرکت کننده در مانور انواع و مدل‌های تازه‌ای از ناوگان شوروی مانند نبرد ناوهای موشک‌انداز از نوع «کارا» و «کرسنا ۲» وزیر دریاییهای شکاری اتمی از انواع «اکو ۲»، «چارلی» و «ویکتور» جلب توجه میکرد. (این اسامی فوازه‌ها و مدل‌های ناتو هستند).

در طی این مانور عملیات هوایی فراوان بود و برای اولین بار وجود بمب افکن تازه‌ای (با اندازه‌های متغیر) از نوع «پک‌فایر»، در کنار بمب افکنهای نوع «باجر» و «بیر سو»، چشم‌نخورد که این هواپیماها قسمت اصلی و استخوان‌بندی ناوگان بمب افکن و شناسایی نیروی هوایی شوروی را تشکیل میدهند. این مانورها از نظر عظمت و گسترش دامنه و صحنه عملیاتی آن مانور «اوکتان» را که پنج سال پیش صورت گرفت بیاد می‌آورد.

آوردند. در آن مانور هم تقریباً همین تعداد کشتی شرکت نموده بود با این تفاوت که در مانور پنج سال پیش صحنه عملیات مانور فقط به اقیانوس اطلس شمالی و دریای نروژ محدود بود.

چنین بنظر میرسد که منظور و هدف نهایی مانور «اوکتان» در ۵ سال پیش که به وسیله آمیرال «گورشکوف»، که از سال ۱۹۵۵ یعنی مدت ۲۰ سال تمام سرنوشت نیروی دریایی شوروی را بدست گرفته است طرح‌ریزی و اجرا شده بود این بوده است که:

- در وهله اول خود رهبران شوروی را تحت تأثیر قرار دهد.

- در وهله دوم تولد نیروی دریایی نوین شوروی را عملاً به آگاهی جهانیان برساند.

- در وهله سوم نشان دادن قابلیت و توانایی ناوگان شوروی و بویژه شاخه

«هوا - دریای» آن در دفاع از فلات قاره و کرانه‌های آن است.

ولی امسال هدف آمیرال گورشکوف بطور مسلم این بوده که بحزب کمونیست شوروی عملاً ثابت کند و نشان دهد که حالا دیگر نیروی دریایی شوروی قادر است که فعالیت‌ها و مأموریت‌ها و مداخلات خود را در راه دفاع از منافع شوروی و گسترش کمونیسم در جهان در يك سطح جهانی گسترش داده و در پهنه اقیانوسها و دریاهای گیتی جوابگو و مدافع این منافع باشد.

مانور اخیر «اوکتان ۷۵» همچنین این امکان را ارزانی داشت که از پیشرفتهایی که در ظرف ۵ سال یعنی از ۱۹۷۰ تا کنون در زمینه پدافند هوایی، دفاع بر علیه ناوهای روری دریایی، دفاع ضد زیر دریایی بعمل آمده ارزیابی کامل معمول و جنگ افزارها، ساز و برگ و مهماتی که بتازگی وارد کار

شده‌اند مورد واریسی عملی اطمینان بختر قرار گیرند. این مانور همچنین اجازه داد که قدرت و کارایی يك سیستم فرماندهی که باید از مسکو و در يك رده جهانی اعمال شود بویژه در مسئله ارتباط و مخابرات که مهمترین نگرانی ارتش شوروی را در زمینه عملیات ستادی و فرماندهی تشکیل میدهد مورد ارزش‌یابی دقیق قرار گیرد.

تا آنجائی که اطلاع داریم این‌تقرین پس از يك گسترش نیروی اولیه که ذیلاً شرح داده می‌شود در مراحل متعددی انجام گرفته است.

۱ - اقیانوس اطلس و دریای نروژ

در شمال جزایر «آسور» ناو گروهی تقویت شده بوسیله رزمناو موشک‌انداز «اوشاکوف» که جدیدترین ناو از نوع «کارا» میباشد با پشتیبانی ناوشکنهای «کپا» از مدیترانه و یا از اقیانوس منجمد شمالی بدانجا آمده بودند عمل میکرد.

- در دریای نروژ ۲ ناو گروه منطقه مورمانسک که هر يك شامل يك رزمناو موشک‌انداز (سطح بسطع) از نوع «کرسنا ۲» و دو ناوشکن عظیم موشک‌انداز ضد هوایی بودند تمرین میکرد.

- در نزدیکیهای جزیره کوبا دو ناوشکن موشک‌انداز سطح بسطع از نوع «کروپاک».

- در خود جزیره کوبا و کینه هواپیما-های دوربرواز از نوع «بیر - ده شناسایی» عملیات آکتشافی واحدهای دریایی را قسامین مینمودند.

گروه جزایر آسور سمت به مدخل تنگه مانی حرکت کرد و ضمن حرکت بيك تمرین پشتیبانی از يك کاروان دریایی مبادرت نمود. کاروان دریایی بوسیله کشتی‌های «آبتکار» (هیدروگراف) که به گروه پیوسته بودند جسم شد. پس از پایان این عملیات ناو گروه پراکنده شد و رزمناو «اوشاکوف» به منطقه استحقاقی خود یعنی دریای مدیترانه مراجعت نمود.

ناوشکنهایی که در پیرامون کوبا عمل میکردند بوسیله يك رزمناو ۲۲ هزارتنی از نوع «آسور دولوف» که از دریای بالتیک آمده بود تقویت شده و راه شمال را در پیش گرفتند هدف آنها عبور اجباری از فاصله بین جزیره ایسلند و جزایر «فروته» علیه رزمناو و پیشگیری رزمناوها و ناوشکن‌های ناو گروه مورمانسک بود که بوسیله زیر دریاییهای معمولی و زیر دریاییهای اتمی و هواپیماهای دور پرواز هم تقویت شده بود. این یکی از تبه‌های عادی و پیش‌با افتاده نارگان شوروی است که همواره مترصد است که از ورود ناوگانهای بزرگ دول غربی به دریای نروژ قویاً جلوگیری بعمل آورد.

۲ - مدیترانه

- يك «تاسک فورس» متشکل از رزمناو فرماندهی «زدانوف»، (۴۰ هزار تن)، رزمناو موشک‌انداز سطح بسطع «گروزنی»، (از نوع کیندا)، ۲ ناوشکن بزرگ از نوع «کاشیا»، که یکی از آنها بدستگاه پرتاب موشک مجهز بود در مدیترانه خاوری تمرکز یافتند و پس از عبور از تنگه‌های سیسیل و ساردنی جزیره کرس را از طرف شمال دور زدند.

از قرار معلوم این گروه با سد زیر-دریایی برخورد کرده بود. بطوریکه میدانیم نیروی دریایی شوروی در مدیترانه بطور دائم ۱۲ تا ۱۵ زیر دریایی دارد که لاقط دو فروند بقیه در صفحه ۷۹

نوع ناو	طبقه	ظرفیت	حداکثر سرعت بگره دریایی	سلاحهای تعرضی	سلاحهای تدافعی
رزمناوها	آسور دولوف کیندا ۱ کرسنا ۲ کارا	۲۰۰۰۰ تن ۶۵۰۰ تن ۷۵۰۰ تن ۱۱۰۰۰ تن	۳۲ گره ۳۴ گره ۳۴ گره ۳۴ گره	۱۲ توپ ۱۵۲ ۱۶ موشک سطح بسطع ۸ موشک سطح بسطع ۸ موشک سطح بسطع	۱۲ توپ ۱۰۰ میلیمتری ضد هوایی ۲۲ موشک سطح بسطع + ۴ توپ ۷۶ ضد هوایی ۴۴ موشک سطح بسطع + ۱۱ توپ ۵۷ ضد هوایی + سلاح ضد زیر دریایی ۷۶ موشک سطح بسطع + ۴ توپ ۷۶ ضد هوایی + سلاح ضد زیر دریایی
ناوشکنها	کروپاک کاشن کاشن مود کاشن	۳۶۰۰ تن ۴۷۵۰ تن ۴۹۵۰ تن ۴۵۰۰ تن	۳۶ گره ۳۸ گره ۳۶ گره ۳۶ گره	۴ موشک سطح بسطع ۴ موشک سطح بسطع ۴ موشک سطح بسطع ۴ موشک سطح بسطع	۳۶ موشک سطح بسطع + ۴ توپ ۷۶ ضد هوایی + سلاح ضد زیر دریایی ۴۴ موشک سطح بسطع + ۴ توپ ۷۶ ضد هوایی + سلاح ضد زیر دریایی ۴۴ موشک سطح بسطع + ۴ توپ ۷۶ ضد هوایی + سلاح ضد زیر دریایی ۴۴ موشک سطح بسطع + ۸ توپ ۵۷ ضد هوایی + سلاح ضد زیر دریایی
زیر دریاییهای اتمی	اکو ۲ چارلی ویکتور	۵۸۰۰ تن ۵۰۰۰ تن ۵۰۰۰ تن	۲۵ گره ۳۰ گره ۳۰ گره	۸ موشک سطح بسطع ۸ موشک سطح بسطع ۳۲ اژدر	
زیر دریایی معمولی	F	۲۵۰۰ تن	۱۶ گره	۲۴ اژدر	

- ۱- برای زیر دریاییها منظور سرعت در زیر آب است.
- ۲- ۳۰ گره دریایی یا ۱۷۰ گره دریایی اگر دیدگاه مقدم در اختیار باشد.
- ۳- برد ۱۶ گره دریایی.
- ۴- برد متوسط.
- ۵- برد متوسط و برد خیلی کوتاه.
- ۶- پرتاب از روی آب. برد ۳۰ تا ۷۰ گره نسبت به هدفهای دریایی ۳۵۰/۰ گره نسبت به هدفهای زمینی.
- ۷- پرتاب از زیر آب. برد ۳۰ گره دریایی

نوع	وزن	حداکثر سرعت به مگره	شعاع عمل به کیلومتر	جنگ افزارها
بیر - د Bear - D	۱۷۵ تن	۵۶۰ گره	۸۰۰۰ - ۹۵۰۰ کیلومتر	نارنجک ضد زیر دریایی، اژدر، تجهیزات جنگ الکترونیکی
باجر - آ Badger - A	۷۵ تن	۵۴۰ گره	۳۰۰۰ - ۴۵۰۰ کیلومتر	برای عملیات شناسایی و جنگ الکترونیکی ساخته شده و قادر به بنزین گیری در هواست
باجر - ج Badger - C	۷۵ تن	۴۵۰ گره	۳۰۰۰ - ۴۵۰۰ کیلومتر	بمب یا يك کبیر ۲ موشک هوا زمین ۲۶
باجر - ز Badger - G	۷۵ تن	۵۰۰ گره	۳۰۰۰ - ۴۵۰۰ کیلومتر	بمب یا ۲ Kelt ۱ موشک هوا زمین ۲۶
پک فایر Backfire	۱۲۹ تن	۱۱۵۰ گره	۵۰۰۰ کیلومتر	بمب یا موشک کلا بوزن ۶۳۵۰ کیلوگرم

۱- شعاع عمل بدون بنزین گیری در هوا یا بنزین گیری در هوا

۲- کبیر: برد ۹۰ گره خرج معمولی یا اتمی

۳- هوا زمین ۶: برد ۱۰۰ گره خرج معمولی یا اتمی

۴- Kelt: برد ۱۰۰ گره خرج معمولی یا اتمی

اخيراً كريم امامي مدير انتشارات سازمان سروش (انتشارات سازمان راديو تلويزيون ملي ايران) به دعوت يونسكو سفرى به کشور بنگلادش کرد تا در دوره کوتاه مدت آموزش فنون نشر کتاب تدریس کند. مدرسان این دوره از متخصصان فنون نشر ژاپن، سنگاپور، هندوستان و ایران انتخاب شده بودند و شرکت کنندگان که همه اهل بنگلادش بودند از ناشران و کتابفروشان و کارکنان سازمانهای نشر دولتی آن کشور بودند. موضوع درسی امامی «ویرایش» بود و طی سه روز متوالی درباره «اصول ویرایش»، «ویرایش کتابهای درسی» و «ویرایش کتابهای کودکان» سخن گفت. آنچه در زیر می بینید یادداشتی است و عکسهایى است که امامی در این سفر تهیه کرده است.

نزدیک ۸۰ درصد از ۷۵ میلیون مردم

بنگلادش مسلمانند و اسمهای ترکیبی عربی دارند ولی بیشتر این ترکیبها را ما ایرانیها کمتر شنیده ایم. مثل محفوظ الحق، جلیل العالم، ضیاء الرحمن، منظورالاسلام و عبدالله. و این آقایان محفوظ و جلیل و عبید وقتی اسم خود را به الفبای لاتینی می نویسند تقریباً همیشه «ال» وسط اسم را به آخر جزء اول می چسبانند و نام اول به اضافه «ال» می شود یک جور اسم کوتاه خودمانی. مثلاً «ندول» نام معروفترین شاعر معاصر بنگلادش است، همان نذرالاسلام، شاعری که در ایام استیلای انگلیس شعرهای انتقین بسیار سرود و بارها به زندان افتاد. بنگلادشی متعارف آدمی است سیه چرده، نسبتاً خرداندام و باهوش. در جمع

مردان تحصیل کرده و کارمند دولت گروهی کت و شلوار می پوشند و عده بیشتری لباس محلی، ولی خانمها، چه در کوچه و بازار، چه در دانشگاه و چه در مهمانیها همیشه لباس محلی به تن دارند. مدرسه ها همه کپو بیش به انگلیسی آشنا هستند و دولتی های بلندپایه انگلیسی را خیلی خوب حرف می زنند، ولی چون زبان رسمی اکنون بنگالی شده است به انگلیسی بیرمق هم گاه برمی خوردم.

در این فصل از سال هوا در بنگلادش در نهایت اعتدال است، روزها ملایم و شبها کمی خنک سربازهایی که مقابل در هتل کشیک می دهند شبها پالتو ضخیم و اغلب کشادی را برچنه می آویزند و سحرخیزانی که چابک به دنبال روزی روانند شال کردن کلفتی به سر خود بسته اند.

بعد از ظهر یکشنبه، که روز تعطیل است، از اداره جهانگردی یک تاکسی شیک

اجاره می کنم و از راننده می خواهم مرا در شهر بگرداند. خیابانها در اشغال دوچرخه ریکشاهست. یک نفر یا می زند و یک نفر و گاه بیشتر از یک نفر لم می دهند. به نظرم میرسد که نیمی از یک میلیون نهم جمعیت دا کا راننده دوچرخه ریکشا هستند و نیمی دیگر مسافر آنها. راننده تاکسی برای کشودن راه بوقهای گوشخراش می زند، و ظاهراً تنها گوش مسافر خودش را می خراشد. خیابانها اسفالته و جارو شده است. آب و سیزه فراوان است. برخی از درختهای شهر دا کا عجیب تناورند و اقلاً ۱۵۰ نفری را می توانند زیر سایه خود جا بدهند. از کنار تالابهای بزرگ و رودهای کوچک (شاخه های رودخانه بوری کنگا) که می گذریم اینهمی از رختهای شسته به بند کشیده به چشم می خورد.

مقداری فعالیت ساختمانی مشهود است. دارند به یک ردیف بلوک آپارتمانی سه

یادداشتهایی از یک سفر کریم امامی

چشم انداز دا کا کهنه و پهنه رود بوری کنگا



های آجر قرمز و به گفته راننده همین‌جا بود که کودتایان به‌زندگی پدر بنگلادش‌پایان دادند و بعد به‌مجموعه ناتمام و پاشکوه ساختمانی دولتی «شتره بنگلانگر» (شیر بنگال آباد) می‌رسیم که طرح آن رالویس کان، معمار بزرگ آمریکایی ریخته است ولی کارهای ساختمانی آن متأسفانه به‌علت کمبود وجوهات در دوران چهارساله استقلال بنگلادش متوقف مانده است. به‌هتل برمی‌گردیم.

هتل اینترکانتیننتال یا به‌قول محلی‌ها اینترکان یا یازده طبقه و پنج ستاره‌جزیره‌ای است از تمدن غربی وسط ششپ داکا. مسافران خارجی که امروز بیشتر مشیران و مشاوران سازمانهای بین‌المللی هستند به اتاقهای راحت و رستورانهای تمیز و بارمغتم آن پناه می‌برند و در عوض روزی ۴۰ تا ۵۰ دلار عیناً به‌صورت ارز خارجی به‌صندوق می‌پردازد. من از اینکه در یک روز پولی

معادل حقوق متوسط یک کارمند بنگلادشی در ماه خرج می‌کنم شرمسازم. ولی نمی‌دانم خارجیان دیگر: آمریکایی‌ها و روسها و آلمانیها و ژاپنیها و سوئدیها و دیگران همین احساس را دارند و یا برعکس از فکر اینکه دارند به‌اقتصاد بنگلادش کمک می‌کنند خوشحالند.

برخورد من باشی‌کت‌کنندگان دردوره آموزش فنون نشر کتاب بسیار گرم و دوستانه است. پیش از آنکه من بتوانم سخنی درباره فنون نشر کتاب بگویم از من می‌خواهند درباره زنده‌گی گذشته خود و درباره ایران و وضع نشر کتاب در ایران صحبت کنم. از درآمد سرانه ایران می‌پرسند و می‌گویند شما عجب کشور ثروتمندی هستید. ولی خبر فرهنگ ایران خیلی بیشتر از ثروت ایران به‌گوش این جماعت ناشر و کتابدوست رسیده است. سعدی و حافظ و مولوی و فردوسی و خیام را می‌شناسند و ترجمه اشعار

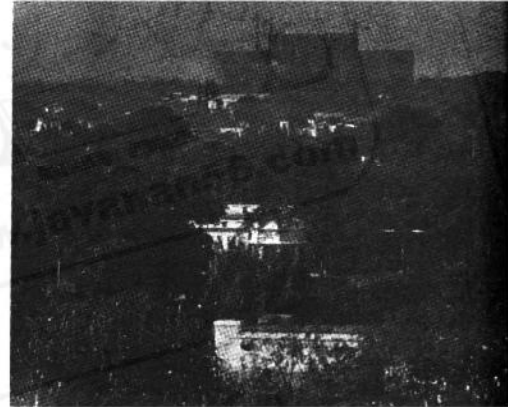
طبقه یک طبقه اضافه می‌کنند. بانی‌های بلند و کلفت خیزران داربست زده‌اند و با همین نی‌ها یک‌جور پلکان شیب‌دار ساخته‌اند که از زمین تا پشت‌بام ادامه دارد. به‌ایستگاه راه‌آهن داکا می‌رسیم (یک سلسله طاقهای ضریبی سفید زیرسقفی رفیع)، از محله تجارتنی رومی‌شویم (مجموعه‌ای از ساختمانی‌نه‌چندان بلند)، جلو ساختمان دیوان عالی کشور لفظه‌ای توقف می‌کنیم (ساختمانی به سبک اروپایی با گنبدی سفید در مرکز)، به مسجد نوساز بیت‌المکرم می‌رسیم؛ انبوهی از مؤمنان در آن دست‌بسته به‌نماز ایستاده‌اند. از جلو بازار نو عبور می‌کنیم؛ غلغله واقعی جمعیت، آمیزه‌ای از پیاده و سواره راه را بسته است. به‌قلعه لعل‌باغ، مهمترین ساختمان بازمانده از دوران سلطنت گورکانیان هند می‌رویم، و بعد دوباره به‌سوی شمال و قسمت‌های نوسازتر شهر. از کنار خانه شیخ مجیب می‌گذریم؛ باغی است با ساختمان ودیور-

آنها را به بنگالی خوانده‌اند. آقای زکریا، وزیر فرهنگ بنگلادش که یک شب ما را به‌شام مهمان می‌کند می‌گوید دیوانهای این بزرگواران را در دوران تحصیل به‌فارسی خوانده است. آقای دکتر نورالاسلام، رئیس آکادمی بنگلادش می‌گوید اقله سه تاجیار هزار واژه فارسی در زبان بنگالی وجود دارد. و به یادم می‌آورد که تا‌گور شاعر و نویسنده بزرگ بنگال زبان فارسی را خیلی خوب می‌دانست.

یافتن این واژه‌های فارسی برای مسافر ایرانی چندان دشوار نیست. یک محله نوساز شهر داکا «گلشن» نام دارد. در هتل نوع خاصی از نان را عیناً «نان» می‌گویند و در جمع خوراکیهای آشپزخانه بنگالی آن «دوبپاز» و «دوخن‌جوش» و «نرگسی کوخته» ایرانی گرسنه را وسوسه می‌کند. یکی از ناشران حاضر در جلسه هم مؤسسه خود را «فانوردوز کیتابیستان» (کتابستان نوروز) نام می‌گذارد. **بقیه در صفحه ۷۵**



نیمرخ یک بنگالی



چشم‌انداز داکای نو و شیخ ساختمان نیمه‌تمام «شتره بنگلانگر» در خط افق



باربر در یکی از خیابانهای داکا

خیابانی در داکای کهنه



«میان داستان ترستان و ایزوت و ادبیان ایرانی می‌دانستند ترستان و ایزوت و افسانه و ویس و رامین که فخرالدین اسعد گرگانی در حدود سال ۴۶۶ هجری (میان سال‌های ۱۰۵۵ و ۱۰۵۵ میلادی)، درست یک قرن پیش از تاریخ منظومه برونل (Béroul) در حدود سال ۱۱۵۰ میلادی حاصل ۵۴۵ هجری قمری - از روی متن پهلوی به‌طور درآورده اند مشابیه‌های بسیار یافته و گاهی نداشته‌اند که میان این دو داستان ارتباطی هستند...»

مشابیهت میان این دو داستان انکارپذیر نیست. طرح اصلی داستان در هر دو منظومه یکست... اما اختلاف اصلی میان این دو داستان در خانه آن‌هاست. عشق ترستان و ایزوت به مرگ دوعاشق پایان می‌پذیرد و در این منظومه از نخست میان عشق و مرگ پیوندی هست، و حال آنکه در منظومه ویس و رامین سرانجام عاشقان وصل و خوشی و زندگی درازست. اخلاق دیگر آنست که در منظومه ترستان و ایزوت برای عشق نامشروع زن شوهردار با خوشی شوهر، عذری هست و آن اینکه عاشقان شربتی جادویی نوشیده‌اند که به تأثیر آن زندگانی و مرگشان به هم پیوسته است و در این دلدادگی آزاد و مختار نیستند. اما در منظومه ویس و رامین چنین عذری نیست و اگر هست این است که در کودکی با هم پرورده‌اند، و البته این بهانه برای گریز از حکم شرع و عرف کافی نیست. همین چیزی که در عشق ترستان و ایزوت هست، سرگذشت ایشان را گریزنده‌تر و غم‌انگیزتر می‌سازد و سرانجام نیز مرگ، گناه زن دلداده را می‌شوید. نکته دیگر آنکه داستان ترستان و ایزوت نیز و رزمی‌تر است و در ویس و رامین جنبه‌ی غلبه دارد. بهرحال مشابیه‌هایی که میان این دو منظومه هست آنگونه نیست که برهان ارتباط آنها بایکدیگر یا وحدت مآخذ و اصل دو داستان باشد.

آیا به‌راستی میان سرگذشت‌های عاشقانه این دلدادگان که «بازی ایم آنازا به بند عشق یکدیگر گرفتار کرده است و دست تقدیر پسران آن شمشیرکین کشیده است» رشته پیوندی نیست؟

چند دانشمند ارجحندی که در این باره تحقیق کرده‌اند و حاصل پژوهش غالب آنان در ایران به‌جا رسیده و انتشار یافته است عبارتند از پروفسور اولادیمیر مینورسکی، شادروان صادق هدایت، استاد سنجی مینوی، محمدرضا اسلامی فیوشن، محمدجعفر محبوب و استاد فقید هانری ماسه.

ولادیمیر مینورسکی می‌نویسد: «عقابه میان ویس و رامین و ترستان و ایزوت و افسانه عاشق و معشوق‌های دیگر مسأله ادبی جالبی است. همانندی‌های مشخص، حوادث برجسته و مهم، صحنه‌های غیرمترب و حتی عقیده اساسی درباره عشق که همه مواضع را از سر راه برمی‌دارد، در داستان ایرانی و نظایر غربی آن، سریع و آشکار است. اما اگر کسی مبنای این همانندی احساسات قهرمانان و حالت روحی شاعران نسبت به آنان را زمینه ملوک‌الطوایفی‌مشابهی بداند، چنین سنجشی از تعمیم مهم فراتر نمی‌رود، زیرا خراسان و گوردوای از نظر جغرافیایی بسیار از یکدیگر دورند و نمی‌توان پذیرفت که ارتباط مستقیم یا حتی غیرمستقیم میان آنها بوده است.» به‌عقاید مینورسکی «در حقیقت طرز حکومت و اوضاع کلی و عامه جغرافیایی، آنجا که در ویس و رامین توصیف شده با هیچک از ادوار چند هزارساله ایران جز دوره حکومت پارتی هنگام فرمانروایی سلسله اشکانی (از ۴۴۷ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی) سازگار نیست...» (اما به‌گفته Baron R. Stackelberg (۱۸۹۶) با وجود روح ایرانی که در ویس و رامین هست، صورت کنونی آن، امکان این را که داستان از خارج یعنی از هند به ایران راه یافته باشد، به‌ذهن می‌آورد. چون وجه مشترکی میان اصل داستان

فصلی از کتاب «پیوند عشق میان شرق و غرب»

نوشته جلال ستاری

لیلی و مجنون، ویس و رامین و ترستان و ایزوت

و حماسه‌های کهن ملی ایران نیست، و قهرمانانش ارتباطی با افسانه‌ها و اساطیر ایران قدیم ندارند، و به‌مناسبت اینکه شاهزاده و زمنه داستان با مندرجات ترستان و ایزوت تطبیق می‌کند، با اینکه زمینه داستان رنگ ایرانی بخود گرفته است، می‌توان پذیرفت که منشاء مشترک این هر دو افسانه ایرانی غربی، سرزمین هند باشد.^۱ مینورسکی خاطر نشان می‌سازد «یک نکته که بکلی در دو منظومه با هم متفاوت است، عوامل جادویی است که سرنوشت دو دلداده را در داستان سلتی در زندگی و مرگ بهم پیوسته است و از آن گریزی ندارند. اما در داستان ویس و رامین چنین نیست، عامل جادویی تنها طلسم است که دایه افسونکار می‌سازد».^۲

دوست عزیز گرامی محمدعلی شاهینی ندوشن می‌نویسد: «آیا به‌راستی شباهتی بین این دو سرگذشت هست؟ باید گفت که هم هست و هم نیست. از نظر سیر ماجرا و رنگ برونی، همانند ویس و رامین، با ترستان و ایزوت حیرت‌آور است. از نظر سیرت ماجرا و عمایه دونی هیچگونه شباهتی میان این دو نیست. در هر دو داستان دو شریار سالخورده، دوشاهزاده نایبی جوان در بزنی می‌گیرند و پیوند عاشقانه‌ای میان جوانی از خویشان نزدیک آنها و ملکه بدید می‌آید، و این امر، کشمکش‌های برمی‌انگیزد و در ترستان و ایزوت به مرگ باران پایان می‌یابد و در ویس و رامین به کامروایی و غرور می‌انجامد».^۳

تفاوت‌های عمیق میان ویس و رامین و ترستان و ایزوت درسه مورد اساسی است: ۱- عشق، در ویس و رامین از روی دلخواه، و در ترستان و ایزوت از روی جادو است. ۲- عشق ویس و رامین با روشنایی و زندگی پیوند دارد و عشق ترستان و ایزوت، سرشته‌اش در تاریکی و مرگ است.

۳- در ویس و رامین، زن مقام اول مرد دارای چنین مقامی است».^۴ نکته مهم اینکه ترستان چون در کسوت دیوانگان به نزد ایزوت می‌رسد و دوستی او را با زنی می‌سازد، بسزنی می‌گوید: «بانو، آری مردم بحق مرا دیوانه می‌خوانند، چه من چون دیوانه‌ای جامه پوشیده‌ام، کشور خود و دیار خود را ترک گتمه‌ام، خود را رها کرده‌ام تا این راه‌ها بریزند و سنگبارانم کنند، در میان خاکستر غذا می‌خورم و بروی خاک می‌خوابم، مانند سگی؛ همه اینها به سبب عشق شما، که حتی بر من نگاه نمی‌کنند و مرا با از نشناختند»^۵ و نویسنده ارجحند در حاشیه می‌آورد: «دیوانگی ترستان و بعضی نکته‌های دیگر در «ترستان و ایزوت» مرا به یاد سرگذشت مجنون می‌اندازد».

استاد فقید هانری ماسه پس از ذکر مشابیهت او را با ناهمانندی‌های داستان ویس و رامین و سرگذشت ترستان و ایزوت می‌نویسد: «بی‌گمان از دیدگاهی کلی‌تر هر دو اثر عشق مقدر محتوم را می‌سازند. و به فرجام، عقابت کار ویس و رامین، این پیوند و وصل عشاقی که در وقت و آسایشی بی‌دغدغه پیر می‌شوند، رئالیست‌تر می‌نماید؛ اما عظمت تراژیک خانه ترستان را که نظریه در منظومه پارسی دیگری سروده نظامی (که شاید واقعه‌ای تاریخی است) باز یافته می‌شود، ندارد. (در مثنوی خسرو و شیرین نظامی) مجبویه خسرو پس از مرگ شهربار ایران، سومی مملکت می‌خورد، خود را بروی کالبد شهربار می‌افکند و در آغوش جان می‌سپارد».^۶ ویس طبیعتاً شخصیت اصلی منظومه است.^۷ وجود دیگران بسته به هستی اوست و اگر نباشد، بقه نیستند. از همان آغاز داستان، گرگانی اعلام می‌دارد که عشاق معصومانند، نه مسئول... پس گرگانی اصلاً به آزادی و اختیار اعتقاد ندارد و این یکی از موجبات بدبینی اوست. این بدبینی در احساس ترجم تحقیر آمیزش نسبت

به انسانی که به خاطر عشق خوار و ذلیل شده به روشنی جلوه‌گر است».^۸

شگفت این است که در همه این سخنان تنها پت بار، به‌وجود مشابهتی درونی میان داستان ترستان و ایزوت و قصه لیلی و مجنون اشارتی رفته است و گویی جنبه عرفی داستان ترستان و ایزوت و با بیان همانند داستان غربی و قصه شرقی که مرگ عشاق است، از نظر بیشتر محققان پوشیده مانده است. مگر نه این است که: «نهایت عشق ویس و رامین بر خورداری تست، بازی و شادی و تمتع است. یکدیگر را دوست می‌دارند تا از روشنی و نعمت حیات نصیب بگیرند. از همین رو، نمره عشق آنها ازدواج است و عمر دراز و بیچه آوردن... (و) عشق ترستان و ایزوت بر عکس حمله درد و مرگ است. با سبایی آمیخته شده».^۹ همین «موضوع خواهری عشق و مرگ باعث شده که در افسانه سلتی عنصر روان بر عنصر تن چیره باشد» (۵) اینجا باز فرق بزرگی میان ترستان و ایزوت و ویس و رامین پیدا می‌شود. در ویس و رامین بازی‌های تن و حکومت نفس، برای تکاپوی روان و سیر معنوی‌های اندکی گذارده است... ویس و رامین برای یکدیگر وسیله خوشی و کامند، «وسيله»‌اند، در حالیکه ترستان و ایزوت وجود یکدیگر، «خود یکدیگرند»، زندگی و مرگ همدند.^{۱۰}

آیا به‌راستی میان قصه لیلی و مجنون، ویس و رامین و ترستان و ایزوت ارتباطی هست؟ در اینجا به‌موضوع اصلی بحثی آخر این کتاب می‌رسیم و به‌مناسبت مهمترین نظرات محقق فرانسوی به نام پیرگاله^{۱۱} در باره چگونگی تأثیر پذیرگی ترستان و ایزوت از ویس و رامین و لیلی و مجنون به طریق اجمال می‌آوریم.

پیرگاله می‌نویسد: بیش از قرنی است که خاورشناسان توجه Romanist هاراب شباهت‌های شگفت‌انگیزی که میان ویس و رامین و گرگانی و ترستان و ایزوت هست، جلب کرده‌اند. بعضی اثرات حکمت ناولاتونی و مابوی‌گری را در ترستان یافته‌اند و یا گفته‌اند که این داستان غربی دارای ریشه‌های «عربی» Fin. amors است (دنی دوپوژمون)، اما توجه نداشته‌اند که این همه از ایران باستان و ایران اسلامی می‌آید و در دوره‌ی زمن که به‌عربی منشاء ایرانی نظریه «عشق خاکساری» همت گماشته، بعضی از ویس و رامین بانی تکره است. بعضی دیگر ریشه‌های شرقی (عربی، ایرانی و کاتاری) داستان Perceval و دقیق‌تر بگوئیم سلسله رمان‌های گرال (پرسوال‌آثر کرین دوروا و دنباله‌های آن: پارزوال‌آثر Joseph d'Arimathie نوشته روبر، لانسو - گرال و غیره) را باز نموده‌اند، اما نوشته و مقاله‌ای ندیده‌ام که در عین حال از فرضیه اصل شرقی گرال و فرضیه ریشه شرقی ترستان سخن بگوید و آلدو امرتید سازد. حال آنکه این دورشته تحقیق باید به یکدیگر پیوندند.

کتاب : Lars-Ivar Ringbom
عنوانش: Graltempel und Paradies, Beziehungen Zwischen Iran und Europa im Mittelalter (استکهلم، ۱۹۵۱) با توطئه سکوت مواجه شد، اما فرضیه و نظرات او را Pope A. V. در مقاله‌ای به نام: «The Literary Review», I, 1957, p. 57-71

مطرح ساخت که باز موافقی نیافت. پس از تحقیقات مقدماتی پژوهندگان چون E. Levi و Pizzi. نخستین تحقیق تطبیقی منظم درباره ترستان و ایزوت و ویس و رامین توسط R. Zen Ker در ۱۹۱۱ انجام گرفت: R. Zen Ker, Die Tristansage und

تئاتر جهان کتاب



کودک - کتاب -
سینما - داستان
مصور - رادیو
و تلویزیون

کرده است تا در دانشگاه تازه سوربون
اسول ادبیات درس بدهد... و همین چندی پیش،
به توسط موسسه فلاماریون، کتابی به عنوان
«راههای ادبیات جوانان» انتشار داده است که
حاصل بیست سال تحقیق در زمینه مسائل
کتابخوانی، و مطالعه در میان کودکان
است.

● - اگر بچه کتاب بخواند، خطر
دارد»

مارک سوریانو - نه، هیچ خطری ندارد...
آنچه خطرناک است نگرانی پدر و مادر است
که دلشان می خواهد بچه اشان، به صورتی
که آرزو دارند نه به آن صورتی که هست،
از آب درآید. همیشه باید بچه مبداء تفکر
و مبداء عمل ما باشد. در همین موردی که
گفته شد، بچه ها کتاب نمی خوانند. اما لائق
دیگر دارند. خیال می کنم، داستان مصور،
«رمان سینمایی» می خوانند، به ورزش، اتومبیل،
موتورسیکلت، راکی علاقه دارند. آن وقت،



آقای راسین آدم خوشبختی بود. اما افسوس
و صد افسوس که روزی صبح دید که همه
کلابهایش نابدید شده است.
(حیوان کننده آقای راسین - به قلم تومی
اونجر)

تعجب افتاد و چنین گفت: «خیال می کردم
همه نویسندگان مرده اند» امروز عدد بسیاری
از بچه ها از پای نهادن در آن کورستانهای
که، به گمان شان، عبارت از همین دنیای کتاب
است، امتناع دارند. و پدرها و مادرها از این
بابت تکراند: «بچه من کتاب نمی خواند...
آیا این امر عواقب ناگوار دارد؟ تألیف این
نقص در تحصیل او، در آینده او، چه خواهد
بود؟ اما چه گونه باید او را به کتاب خواندن
برانگیخت؟ چه گونه باید از چنگ تلویزیون،
و «داستان مصوره» آزادش کرد و علاقه ای
به کتاب در دلش به بار آورد؟ دلمان می خواست
جواب این سئوالها را از یک نفر مری امروز،
از یک نفر روانشناس بیدار دل و بی تعصب،
و یک نفر راهنمای کودکان و کاریز بخواهیم...
و این است که همه سئوالها را با مارک-
سوریانو در میان گذاشتیم که اکنون به هر
سه سئوال جواب می دهد. پروفیسور سوریانو
اندک زمانی است که دانشگاه بودرد را رها

بچه شما سرتاسر روز جلو
تلویزیون می نشیند و کتابهایی که
برایش می خرید، بیپوده، در قفسه ای
روی هم توده می شوند.

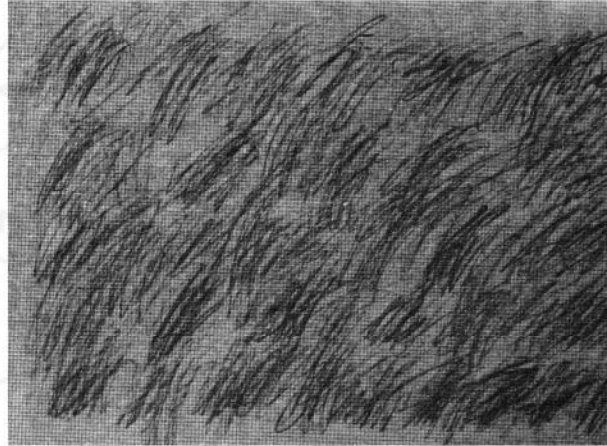
محروم کردن او از صفحه
تلویزیون راهی نادرست است. «راه
حل» درست و خوب راه حلی است که
«مارک سوریانو» پیشنهاد می کند: و
آن عبارت از استفاده از برنامه های
پرگزیده و دلخواه کودکان است.
تا علاقه ای در دل شان به کتاب برانگیزد.
مارک سوریانو، در این جا، روش خود
را برای رژیم گایه، خبرنگار مجله
رنالیه شرح می دهد... روشی که
ساده اما مؤثر است.

در بازار سکاره کتاب که همین چندی
پیش در شهر «نیس» ترتیب یافته بود،
دختر بچه ای از مشاهده نویسندگانی که
کتابهای خودشان را امضاء می کردند، به

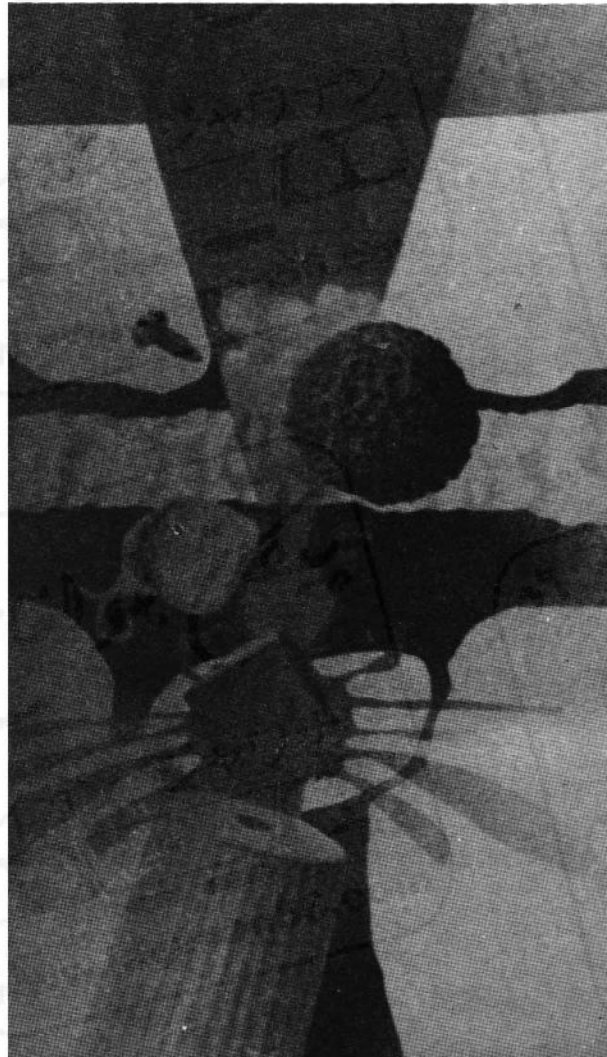
تعمانتنا یک نمایشگاه

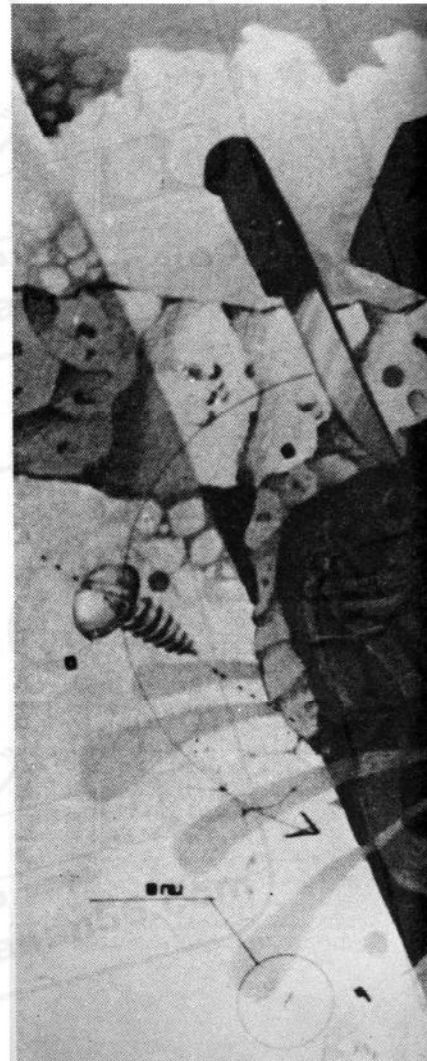
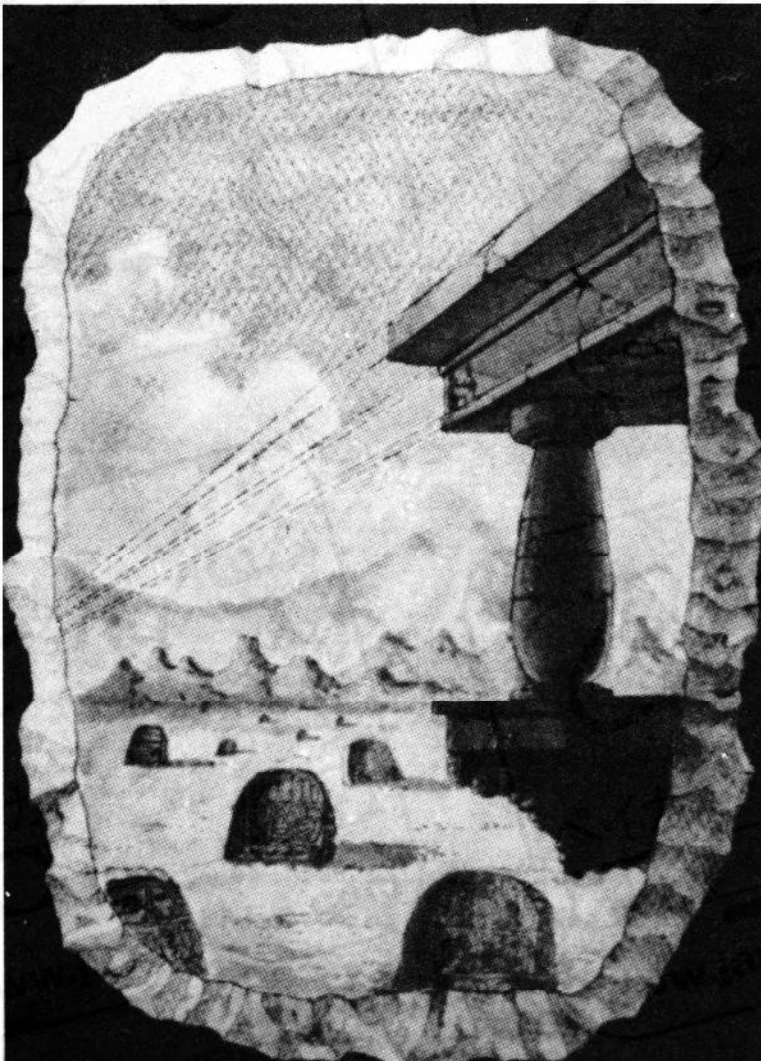
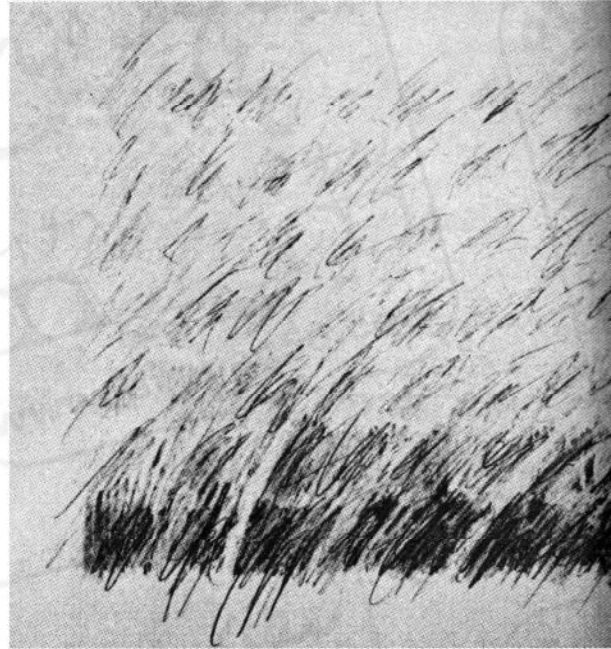
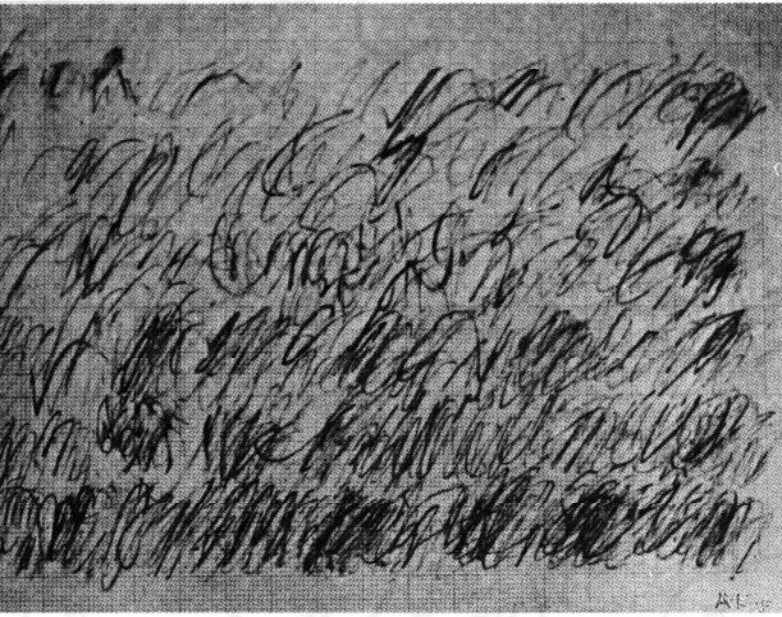


این هفته نمایشگاه طرح‌های فریدون آو در گالری لیتو افتتاح شد که بمدت ۱۰ روز ادامه خواهد داشت.
آو در تهران متولد شده و تحصیلاتی را (فیلمسازی - طراحی صحنه - گرافیک) در انگلستان و آمریکا به پایان برده است. رنگ یکی از عناصر مهم این سری از طرح‌های آو است و نمونه‌های چاپ شده در این صفحات (بعلا مت محدودیت چاپ) خالی از ارزشهای رنگ است.



دیگر نمایشگاه این هفته تماشا نمونه‌هایی از کارهای واحد خاکدان است که اصل نمایشگاه در تگاراخانه ایران (قندریز) برپا شده بود.
خاکدان ۳۵ سال دارد و فارغ التحصیل دانشکده هنرهای تزئینی است.





از موریس فلوره

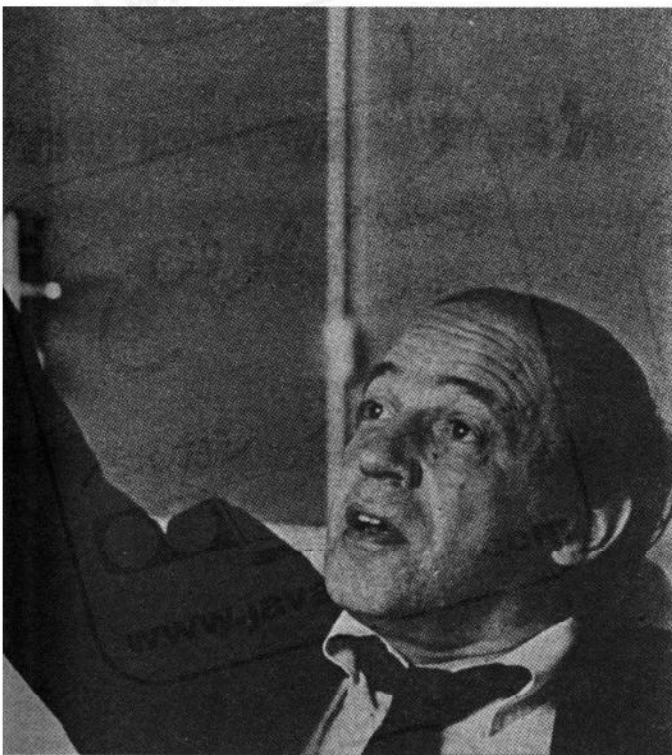
گفتگویی با:

پیربولز

موسیقیدانان و دانشمندان

باید زبان مشترکی

برای خود بسازند



خود. اما گذشته از اینکه گاه به گاه سری به آنجا خواهم زد، خوشحالم که وضعی بسیار سالم به جای گذاشته‌ام. شماره مشترکین روز به روز بیشتر می‌شود... و مثل برقی بالا می‌رود... در این سه سال گذشته، در حدود سه تا پنج هزار مشتری عرب و منظم داشتم که هر بار همه‌شان عوض می‌شدند... و این رقم حتی در شهری مثل نیویورک هم رقمی بسیار بزرگ است.

● - با وجود این، چنانکه می‌دانم، در اوایل به مشکلاتی برخوردید...
 ● - اگر مشتری‌های خودمان را تغییر ندهیم، نمی‌توانیم تغییر اساسی در مسیر خودمان بدهیم و تغییر مردم به‌ضرب عصای جادو ممکن نیست، کسی پس از ورود خود که اثری کوبشی نو عرضه می‌داشتند، اگر چه این اثر از آثار آهنگسازان عصر ما نبود، می‌دیدم که مردم، در پیجوه کسرت از سالون بیرون می‌روند. اکنون، نمی‌توانم بگویم که حقیقتاً چه چیز اودوست می‌دارند - وانگهی،

که به‌نظم، وقت آن رسیده است که کمی در فکر خود باشیم!

● - با اینهمه، رها کردن ارکستر فیلارمونیک نیویورک که آنهمه نیرو در راهش صرف کرده‌اید، برایتان، آخرسر، کمی دردناک نیست؟

●● - جدا شدن از خانواده‌ای که انسان برای خود برگزیده است، بی‌شیمانی و پردرد و رنج نیست... ما، در جریان چهار سال کار مشترک، به‌اریطی فشرده، مستقیم و تقریباً بلافصل تأمل آمده‌ایم. ارکستر با من، و من با ارکستر می‌اندیشم... گفتنی است، احتیاج ندارم همان چیزها را که گذشته‌ایم و کرده‌ایم، تکرار کنیم. آنچه به دست آورده شده است، به‌نحوی قاطع به‌دست آمده است و درسیانه این عکس‌العمل گروهی می‌توان فرصتی دیوانه‌وار به‌دست آورد.

● - آن وقت؟

●● - آنوقت، درست است... به یاد ارکستر فیلارمونیک نیویورک تأسف خواهم

پردازم، و از آنجا که این موسیقی را در جای دیگر نمی‌نواختند یا بسیار کم، یا بسیار بد می‌نواختند، می‌بایست کاری صورت داد!

اما بسیار زود دیدم که این امر مایه آن ترس بود که از نو به‌تئوین برنامه‌های کسرت‌ها بردارم، روش و رفتار نوازندگان و علی‌الخصوص وضع مردم را تغییر بدهم. خلاصه، اکثر می‌خواستیم رها آورد عصر خودمان را در جای شایسته و بایسته، در جای درستش بنشانیم، می‌بایست ارتباطی برقرار کنیم و به‌این ترتیب ناگزیر بودیم همه زندگی موسیقی را تغییر بدهیم و در اعناق آن فرو برویم و شکل و قالبی تازه به این زندگی بدهیم.

● - آن روزها «عرصه موسیقی» در دست شما بود...
 ●● - البته... اما این انجمن انجمن تخصصی بود که به‌صورت مدارسته درآمده بود. برای طرحی به‌این وسعت، می‌بایست سازمانی مهم با شعاع عمل بسیار وسیع داشت، می‌بایست ارکستر بزرگ با شهرتی جهانی داشت، می‌بایست مستکافی بزرگ داشت که بسیار نمایان و برجسته باشد، بسیار انگشت‌نما باشد و مسؤولیتی گسترده‌تر به‌من بدهد. زیرا که این‌گونه اصلاحات، به‌فرازی که خودتان به‌تصور می‌آوردید، در محیط آرام شهرستان میسر نمی‌تواند باشد. باید روشنائی روز را پذیرفت و به همه خطرها تن درداد... پیش از هر چیز، مخصوصاً باید، در این شغل، به‌ردیف‌اول اول رسید... و راهی که به‌آنجا می‌رود، راهی دراز و بسیار دشوار است.

آن وقت، در ای‌رای پارسی، در کلانگ کاردن لندن، در جشنواره بایروت، و بعد، مرتباً در کلیولند رهبری کردم و پس از این مراحل بود که رهبری ارکستر سن‌فویک بی‌بی‌سی و سرانجام رهبری ارکستر فیلارمونیک نیویورک را به‌عهده گرفتم. اما من که زندگی مکانیم بودم، بی‌سفر از آن کشانده شدم که در ابتداء خیال کرده بودم، از اینرو، چون دیدم که در میان کارهای روزانه‌ام و مرکز علاقه‌اساسی‌ام که آفرینندگی است و همیشه هم آفرینندگی خواهد بود، گودال روز به‌روز بزرگ‌تر و زوفاقت می‌شود، به این اکتفا کردم که به شکست خود اتراف کنم و همینقدر بگویم: «نه، متشکر! دست از کار برمی‌دارم».

● - آیا باید از این‌امر چنین نتیجه گرفت که دیگر کاری به‌رهبری ندارید، در صورتی که پیش‌گامی اعلام داشته است که شما سرنوشت ارکستر مجلسی تازه‌ای را که مرکب از بیست و هشت نوازنده است و از اسامی شروع به‌کار خواهد کرد، به‌عهده می‌گیرید؟

●● - این کار، کاری دیگر است و با آن کارها تفاوت دارد. در پاریس و جاه‌های دیگر، گاه به‌گاه آثار کلاسیک قرن بیستم، موسیقی امروز، آثار خود و آثار معاصرین خود را خواهم نواخت اما دیگر نمی‌خواهم برنامه‌های عمومی، کسرت‌های برنامه‌ای را رهبری کنم. و اکنون که امیدوارم کمی فراغت داشته باشم، علاقه دارم برنامه‌های استثنائی و فوق‌العاده باحتی دوره‌های کاملی از موسیقی کنونی را در پیرامون آن‌را، آندیشه‌ای، مسأله‌ای، هماهنگ کنم، و این کار، تا اندازه‌ای، همان است که می‌خواهم در ماه‌های آینده در اشتوتگارت و «بال» انجام بدهم.

● - در روزی که در نیویورک هستید، دیده شده است که آهنگهای خودتان را هر چه کمتر می‌نوازید. آیا این کار زاده احتیاط و تواضع رهبر موسیقی است یا آنکه رهبر ارکستر همه کاره و همه فن حریف به‌مرحله‌ای رسیده است که آهنگساز را فراموش کند؟

●● - بی‌شک، هیچک از این مسأله‌ها در میان نیست اما وظیفه‌هایی دیگر هست که فوریت بیشتری دارد؛ خاطر جمع باشید، همه این چیزها تغییر می‌کند، زیرا

پیربولز که اکنون، پس از دهسال، به‌فرانسه بازگشته است، روز دوشنبه، پنجم ژانویه، نخستین بار ارکستر پارسی را رهبری کرد. این آهنگساز و رهبر ارکستر، که یکی از نزدیکترین آهنگسازان و رهبران ارکستر جهان شمرده می‌شود، پس از مقاله پیرس و صدا و یروطنیتی که در ماه مه سال ۱۹۶۶ به‌عنوان «جواب منفی به مالرو» در هفته‌نامه «نورول و پیرواتور» نوشت، این راه را برگزیده بود که به‌زندگی هنری‌اش در کشورهای یگانه ادامه دهد. بنیانگذار موسیقی نو، در این مقاله امتناع خود را از همکاری با هر چیزی که در فرانسه به‌سازمان رسمی موسیقی نو بستگی داشت، اظهار داشته بود. اما اکنون زمانه عوضی شده است و بولز می‌تواند به‌میش‌گی جواب مثبت بدهد. مارسل لاندووسکی بی‌کار خود رفته است و جان‌شینی ژان‌ماتوار کسرتی تازه به‌او می‌دهد. کولژ دورفانی درهایش را به‌روی او گشوده است. اوپرای پارسی، بردارانه در انتظار این است که وی در فصل آینده، به‌کرسی رهبری پای بگذارد... و مخصوصاً «مرکز یوورگ» «سفینه کیهان نوردی» بزرگ و زیرزمینی، به‌نام «انستیتو پژوهشی و هاشنگی صوت و موسیقی» برایش فراهم آورده است، که خود، بزرگ‌ترین دلیل بازگشت این «فرزند باد دست» دنیای موسیقی است که به‌کام سرزمینهای یگانه افتاده بود و بدین‌گونه از دست فرانسه رپوده شده بود. و جای آن دارد که در برشماری پیروزیهایی پیر بولز، از انتشار دو کتاب تازه، و انتشار صفحه‌های تازه‌ای هم سخن بگویم که هم‌راه - یا به‌دست‌یاری ارکستر فیلار- مونیک نیویورک یا به‌دست‌یاری ارکستر سن‌فویک بی‌بی‌سی - به‌بازار می‌آید و ناگفته نگذاریم که پیربولز تا سال ۱۹۷۷ مدیر موسیقی ارکستر فیلارمونیک نیویورک و مهمان ممتاز ارکستر سن‌فویک بی‌بی‌سی است. این مصاحبه که اکنون می‌خوانیم مصاحبه‌ای است که افتخار آن، برسیل استثناء، به‌موریس فلوره داده شده است و آهنگساز در خلال آن وضع تازه خویش را در زمینه آفرینندگی و رهبری تصریح کرده است و این نکته را فاش گفته است که یختگی و افتخار مانع آن نیست که هنرمند همیشه همه چیز و پیش از هر چیز خویش را از نو بررسی کند».

● - تمام درست پنجاه سال دارید.
 ●● - این رقم، در میان رقم‌های دیگر، رقمی بیش نیست.

● - در کتاب «به‌حکم اراده و بر حسب تصادف» که تازه انتشار داده‌اید، می‌گویید که قرار بود به «پلیتکنیک» بروید، اما راه کسرت‌واتوار را در پیش گرفتید و در هفده سالگی دیدید که صاحب اختیار سرنوشت خودتان شده‌اید. او در هر حال، صاحب این اختیار شده‌اید که موسیقی را به‌عنوان مشغله اساسی زندگی انتخاب کنید، این مشغله، مشغله «آهنگسازی» بود. اما شما، اکنون، رهبر ارکستر هستید، از سال ۱۹۷۱ مدیر ارکستر فیلارمونیک نیویورک یکی از نخستین گروه‌های سن‌فویک جهان، شده‌اید. و اکنون مدعی این هستید که از این زندگی هنری چشم‌پوشید و همه چیز را از سر بگیرید، و برای این کار در «انستیتو پژوهشی و هم‌آهنگی صوت و موسیقی» طرحی تازه برای موسیقی بیارزید... این کار بر حسب تصادف است یا به‌حکم اراده صورت می‌گیرد؟

●● - البته، به‌حکم اراده صورت می‌گیرد اما تصادف هم چند درصدی در آن سهم دارد. در واقع، روزی که شروع به‌رهبری ارکستر کردم، فقط برای این بود که آثار خود، یا آثار آهنگسازان نسل خود، یا حتی آثار آهنگسازانی را که جوانتر هستند، عرضه بدارم. در آن زمان، غرض این بود که به‌اصطلاح به‌جستجو و تعیین تکنیک نوازندگی و آن سبک و سبب نوازندگی که موسیقی نو می‌خواست



محل کنسرت - و خلاصه، مردم را دیگر گون کند...

اروپا تفاوت بسیاری داشته باشد؟

● - زمان سابق، در ممالک زرنمی، شخصیت بسیار نیرومندی به نام مدیر کارل موسیقی وجود داشت که، یکنه و تنها، با تقریباً یکهفتاد - و نه سوت زنگ موسیقی را در هر شهر بزرگ در دست داشت. به همین ترتیب است که اشخاصی چون گوستا و مالر، برونو و آلتر، ویلهلم فورت و انگلر، اوتو کلمپرر و توفیق یاندا استعداد خودشان را به کرسی نشان دادند و گذشته از این، اندیشه‌های خودشان را به گوش مردم رساندند. امروز، وضع چندان روشن نیست... و بسیار پیچیده تر شده است. بسیاری از ارکسترهای اروپا وابسته رادپوها و سازمانهای دیگری هستند که از حدود کار موسیقی، کار کنسرت عمومی فزونی می‌روند و دیگر نمی‌توانند به اندازه دلخواه، پاک و پیراسته باشند. اغلب، باید با این سازمانها از در مصاحبه برآمد.

● - به نظر من، شما، در عین حال که تصمیم گرفته‌اید چنین مسئولیتی را رها کنید، همچنان عقیده دارید که سازمان سنفونیک کلید رمز زندگی موسیقی است. آیا اشتباه می‌کنم؟

● - گوش بدهید تا برایتان بگویم: گمان می‌برم که دستگاهها وقتی کار می‌کنند که اشخاص کار خودشان را انجام بدهند. اگر اشخاص کار خودشان را انجام ندهند، دستگاه به چیزی نمی‌آورد. در کنسرت، دولت آن پول را که بهتر می‌دهد از مالیات بدهنده مطالبه می‌کند. بعکس، در امریکا، در سایه قانونی که مشارکت در زندگی فرهنگی را از مالیات معاف می‌دارد، پول مستمناً از جیب مصرف کننده موسیقی به جیب موسیقیدان می‌رود. البته، خطر در این است که موسیقیدان متحمل فشارهای مصرف کننده شود. اما اگر موسیقیدان آدمی باشد که استقلال و اقتدار داشته باشد، اگر بغل دستش هیتس حقیقتاً مسئول داشته باشد، هیچ دلیل وجود ندارد که کاری، در آنجا، برای اجتماع کمتر از این جای فایده داشته باشد. و بسیار زود متوجه می‌شود که از کنسرت بلژیجه شخصی‌اش نیست... بلکه یکی از دستگاههای عمومی است، اگرچه با اعتبارهای خصوصی نگاه داشته شود.

اما مگر این هیتس مدیره همان وسیله‌ای نیست که سرعت عمل چیزی را که باید اقتدار شخصی خواننده شود، کاهش می‌دهد؟

● - ابتدا... این‌جا، شوری مدیر موسیقی را از کاری که از کنسرت می‌تواند یا نمی‌تواند انجام بدهد، آگاه می‌کند، و آنجا مدیر موسیقی راجع به ناها مکتبهای برنامه هتداری می‌دهد. و از این گذشته، همه مدیریتی را هم که برای دستگاه ضرورت دارد فراهم می‌آورد، چه مدیریتی که برای امور اداری ضرورت دارد و چه مدیریتی که برای امور هنری، از قبیل تنظیم و ترتیب برنامه فصل و روبراه کردن تمرین‌ها و چیزهای دیگر لازم است... برای حصول این منظور، به وجود آمده است. حقیقتاً حرفه‌ای به آدمهای شایسته، اهل ابتکار و آدمهایی که از قدرت تخیل بهره‌مند هستند، احتیاج هست، زیرا که دستگاه باید حداکثر زنده‌ی را از لحاظ هنری و فرهنگی داشته باشد. اما در فرانسه، به این گونه، هیتسهای حرفه‌ای، در دنا کترین احتیاج‌ها را داریم.

● - با وجود این در فرانسه مدیر کنسرت، مدیر نمایش، و مدیر اداری کم نداریم...

● - البته! اما این اشخاص فقط اسماً مدیر هستند و دیگر اسماً مدیر نبودن کاسی نیست. شما که در رشته صنعت، توانسته‌اید مدیرانی کارآمد تربیت کنید، چرا این کار را در قسمت موسیقی نمی‌کنید تا دیگر همه کارها را به دست آماتورهای خوش ذوق و خوش نیت که اغلب از واقعیت‌های کنولی خیر ندارند، واگذارید؟ به یاد

دارم که زان ویلاز، در طرحی که برای اصلاح اوپرا داشت، پایه‌های این کارها، مدرسه‌ای هم به نام مدرسه مدیریت پیش‌بینی کرده بود. از آنجا که وضع وخیم است، من برای علاج چیزهایی که فوریت بیشتر دارد، به مشیلمی پیشنهاد کردم که چند جوان مستعد را که هم به موسیقی و هم به مدیریت علاقه دارند برای کارآموزی به خارج بفرستند.

● - پس، به نظر شما، اوپرای پاریس خوب اداره نمی‌شود؟

● - شما، درست، به چیزی چسبیدید که پاک مستثنی است. خودتان می‌دانید که من، در گذشته، با رولف لیرمان جدالهایی بسیار سخت داشتم. اما، اگرچه کاملاً با اهدافی که او در کاخ کارنه دنبال می‌کند موافق نیستم، ناگزیرم از آنسان کنم که اوپرای پاریس در دست «پیشه‌وری» بسیار خوب و کارآموزده است و این آدم توانسته است هنرمندان شایسته‌ای چون جان یانگین را که از کاونت گاردن لندن آمده است و در دوره درخشان گئورگ سولتی، عهده‌دار طرح و برنامه‌ریزی بود، در پیرامون خود گرد بیاورد.

در مقابل، اگر گروههای سنفونیک را در این سو و آن سوی دریای مانش به نظر بیاوریم، باید بگویم که گروههای سنفونیک ما اگرچه بولیهای بیشتری می‌گیرند، بتر از گروههای آن سوی دریای مانش نیستند، کارآسی بیشتری ندارند و کاری که در سرتاسر کشور ما صورت می‌دهند بیشتر از گروههای سنفونیک انگلیس در کنسرت، نیست. وقتی که موضوع، موضوع سرما به گزاریهای فرهنگی عمومی است، باید همه مالیات دهندگان، هر که باشند و هر که باشند، بتوانند به نسبت از خود گذشتگیهای خودشان از این سرما به گذارنای سود ببرند.

● - تقاضای دوستداران موسیقی، کرسنگان موسیقی، روزبه روز بیشتر، روزبه روز مقاومت‌ناپذیرتر می‌شود. در اوپرا، در ارکستر پاریس، در کلیساها و در جشنواره‌ها به هم فشار می‌آورند خرد و خیم می‌شوند. خیال می‌کنید در وضع کنونی، اجتماع بتواند با ابتکارهای خود و مکانها و استطاعت‌های خود، با چنین نهضتی همگام شود و در صورتی هم که توفیق پیدا کند، در پایان کار، این نوید به ما داده شود که رهبری فرهنگی در دست کارکنان دولت خواهد بود؟

● - ما به این مرحله نرسیده‌ایم. عجلاناً، موسیقیدان مثل کشفدو قرن هفدهم کار می‌کند: دست‌دو می‌کند. کفش دست‌دو بسیار ظریف و خوشگل است اما ممکن نیست به مقیاس کفش ماشینی، به مقیاس صنعتی، به فروش برود. پس، اول باید این تقاضی را حل کرد.

● - چگونه باید حل کرد؟

● - باید نیروی موجود را بهتر تقسیم و توزیع کرد و از این نیروی موجود بهتر بهره‌برداری کرد. مثلاً، به عوض آنکه همه چیز را در ساون بیکرانی به گنجایش چهار هزار نفر به کار اندازیم، باید در آن واحد سالونی وسیع برای برنامه‌هایی که باید به مقیاس وسیع بخش شود و چند سالون دیگر، با گنجایش کمتر، برای نوازندگان، اعضای گروه و مردمی که علاقه دارند، فراهم آورده شود. مخصوصاً، به عوض ارکستر نونو که بود تا صد نوازنده دارد و امروز کاملاً از رونق افتاده است، باید ارکستر نوازنده‌اندی با صد نوازنده تا صد هشتاد نوازنده داشت و به این وسیله امکان هر گونه تقسیم را به دست آورد و در یک شب، در چند سالون، با خواهانخواه، باید شماره نوازندگان تغییر پذیر باشد، کنسرت داد.

و به همین ترتیب، گروه اوپرا، گروه باله با گروه «تاتر موزیکال» هم باید بتوانند به گروه ثابت و به گروه دوره‌گرد و گروههای دیگر تقسیم‌بندی باشند. و به هر حال، خواهانخواه، باید هر چه زودتر یک سازمان معقول کار داشته باشیم.

● - آیا موسیقیدانان که طبق فطرت هنر خودشان عشاق باستانی اهبام، فضای

نیمه‌روشن و عوالم پیش‌بینی‌ناپذیر هستند، در راه «اصالت عقل» پیروی‌تان خواهند کرد؟

● - این مساله، مساله حیات و ممات است. و از این گذشته، مساله اخلاق و وقت، با افتخار وقت است. مثلاً، ترکیب برنامه‌های کنسرت‌ها را در نظر بگیرید. نوازندگان می‌کنند برای آنکه از مدت آثار، تعداد نخستن این موسیقیدانان در صحنه و چیزهای دیگر آگاه شوند به این کتاب و آن کتاب وقتی، اگر همه این اطلاعات به وسیله کمپیوتر به خاطر آورده شود و از این گذشته، اطلاعاتی در زمینه استعدادها و خاص هر یک از تک نوازها و برخی از نوازندگان، درباره تعداد ممکن تمرین‌ها و مقصیات فصل به فصل است، رهبر ارکستر به عوض اینکه کورمال کورمال پیش‌برود، پدیدتک جوابهای دلخواه را به دست می‌آورد و می‌تواند جوابهایی را از آن میان گلچین کند. این کار تا اندازه‌ای مثل ذخیره‌جا در هواپیمای می‌تواند باشد. همه چیز بهتر و زودتر پیش می‌رود و حال موسیقی و



موسیقیدانان هم، با اینهمه، بهتر می‌شود.

● - شما، از استعدادهای خاص برخی از نوازندگان حرف زدید. مگر، در این‌جا، به عرصه‌ای پای نگذاشته‌ایم که سرسختانه به زیر بار هیچ‌گونه برنامه‌ریزی نمی‌رود.

● - بگانه علتن این است که موسیقیدان، در هفده هیجده سالگی که از کنسرت‌توار بیرون می‌آید، خیال می‌کند همه چیز را می‌داند و در بقیه عمر خود احتیاجی به یاد گرفتن هیچ چیز ندارد. اما همه چیز تکنیکا و آهنگهای برنامه‌ها با سرستی دیوانه‌وار تکامل می‌یابد. وقتی که دانشمندان مسیر خودشان را تغییر می‌دهند و این تغییر جهت را می‌پذیرند، چرا موسیقیدانان نباید این کار را بکنند؟ اگر هر سال یا در هر دو سال، مدت دوسه هفته به این کار تخصصی بدهیم، وحشتناک نیست و من تصمین می‌دهم که نتایج حاصله تمنا داشته باشد.

● - آیا این همان کاری نیست که

بای صحبت دکتر مهدی اربابزاده تهرانی، درباره:

مرکز سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی

سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران



دکتر اربابزاده تهرانی

قسمت برنامه ریزی و تولید - این قسمت خود شامل دو بخش است، یک بخش برای جمع آوری اطلاعات که از سرپرستان پرستشگران در تهران و شهرستانها تشکیل شده است و بخش دیگر برای استخراج تجزیه و تحلیل اطلاعات یا عبارت دیگر برای برداشتن اطلاعات است. در این بخش برای کارشناسان ما فعالیت دارند. ایجاد هماهنگی لازم در فعالیتهای این دو بخش از وظایف اصلی قسمت برنامه ریزی و تولید است.

برای گردآوری اطلاعات لازم در طرحهای پژوهشی، عده کثیری پرستشگر در تهران و شهرستانها همکاری دارند که این عده زیر نظر سرپرست پرستشگران در تهران و شهرستانها انجام وظیفه می کنند. پرستشگرانی که با مرکز سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی همکاری دارند پس از آزمایشهای مختلف انتخاب و آموزش لازم را جهت همکاری با این مرکز می بینند. آمارگیری نیز در حین اجرای کار علاوه بر نظارت بر کار پرستشگران، به آموزش و راهنمایی آنان نیز می پردازند.

هر ۴ ماه یکبار جلساتی با شرکت سرپرستان آمارگیری تهران و شهرستانها در مرکز تشکیل می شود و در آن جلسات مشکلات اجرایی و مسایلی موجود در کار گردآوری اطلاعات، مورد بحث قرار گرفته و برای یافتن راهحلهای عملی از نظریات آنان استفاده می شود.

اطلاعات گردآوری شده در مرکز جمع و مورد بازرسی و کنترل قرار می گیرد. سپس پرستشنامه های تکمیل شده به بخش استخراج تجزیه و تحلیل اطلاعات ارسال می گردد. در بخش استخراج تجزیه و تحلیل اطلاعات، بر حسب اینکه استخراج دستی یا ماشینی انجام شود نسبت به تهیه جداول آماری و انجام محاسبات لازم اقدام می شود. شاید تا بحال میان عوامل متعدد، نداشتن سرپرست ثابت در شهرستانها و نیز استخراج دستی داده ها، عوامل بازدارنده فعالیت های این مرکز بوده است که خوشبختانه در آینده بسیار نزدیک، یک برنامه پیش نوشته شده ماشین کامپیوتر خریداری خواهد شد و در ۱۶ مرکز رادیو تلویزیون در شهرستانها سرپرست ثابت برای انجام کارهای مربوط به مرکز سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی و سرپرستی و نظارت بر کار آمارگیران تعیین خواهد شد. باین ترتیب مدت زمان لازم برای انجام یک بررسی در سراسر کشور به حداقل ممکن خواهد رسید.

قسمت امور اداری و مالی - برای انجام امور اداری و مالی مرکز قسمت دیگری پیش بینی شده است که فعالیت های مربوط به این امور در این قسمت متمرکز میشود. کتابخانه و آرشيو اطلاعات - یکی از بخشهای موجود در مرکز سنجش افکار و

هدف از تشکیل مرکز سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران، بطور کلی ارزشیابی کمی و کیفی برنامه های رادیو و تلویزیون، بررسی ساخت پیام ها، آثار و نتایج برنامه ها در گروه های مختلف جامعه و انجام بررسی های پایه ای در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. ولی بهتر است که باین سؤال پاسخ دهیم که اصولاً هدف از سنجش افکار یا نظر خواهی و نظریاتی چیست؟

همانطور که امر میدانیم که در هر زمینه ای بدون مطالعه قبلی امکان پذیر نیست. بدون در اختیار داشتن و آگاهی از مجموعه ای از داده ها و اطلاعات پایه، نه میتوان به تهیه یک برنامه رادیویی یا تلویزیونی دست زد و نه میتوان بطور کلی در صدد برنامه ریزی های اقتصادی و اجتماعی معقول و مطلوب برآمد.

همانطور که می دانیم از همان آغاز فعالیت های سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران کمیته ای بنام سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی نیز تأسیس شد و در جهت رسیدن به هدفهای کلی ذکر شده فعالیت های خود را ادامه داد.

از همان سالهای نخستین تأسیس این کمیته، مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، در تلویزیون در افزایش سطح آگاهی علمی و فنی روستائیان دست قرون انجام شد. با همکاری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، در زمینه بررسی نظرات تماشاگران تلویزیون مطالعه دیگری انجام گرفت. و تاکنون مطالعات متعدد دیگری جهت شناخت بیشتر پیام گیرندگان رادیو و تلویزیون، آشنائی با نظرات آنها در استانیهای مختلف کشور صورت گرفته است. در حال حاضر این مرکز درصدد انجام بررسی های زیادی در زمینه شناخت خصوصیات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران است که در حقیقت جنبه مطالعات پایه ای دارد. در انجام این طرح ها از نظرات کلیه صاحب نظران، استفاده می کنیم و با سایر مراکز تحقیقاتی کشور نیز تماس می گیریم. اینگونه مطالعات می تواند در بالابردن کیفیت برنامه ها و تلاقیح و هماهنگی هرچه بیشتر آنها با ویژگیهای جامعه ما و تأمین انتظارات مردم سهم بسزائی داشته باشد.

در سال گذشته بمنظور توسعه فعالیت های این کمیته قراردادی بین سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران و مؤسسه فرانسوی افکار عمومی (IOPF) بسته شد و بدینال آن طرحی از طرف آن مؤسسه پیشنهاد شد که توسط کلی آن مورد قبول و تصویب سازمان قرار گرفت. ما در حال حاضر، بسا تغییرات جزئی در این طرح، مشغول انجام آن هستیم.

برای نیل به هدفهای ذکر شده، بخش های مختلفی در تشکیلات جدید مرکز پیش بینی شده که بطور اخصاص از آنها یاد می کنیم:

قسمت تحقیق - وظایف کارشناسان این قسمت که در یکی از رشته های علوم اجتماعی تخصص دارند، طراحی پژوهش ها و تهیه گزارش نهائی مطالعه ها است. برای آموزش دائمی این کارشناسان و استفاده از نظرات استادان و صاحب نظران در مورد بعضی از مسائل از استادان دانشگاه و اشخاص ذیصلاح دعوت می شود که چه در طرح مساله و تهیه پرسشنامه و چه در مباحث کردن گزارش نهائی ما با همکاری کنند.

تحقیقات اجتماعی، کتابخانه و آرشيو اطلاعات است که با کوشش پی گیر سعی میشود سوابق مربوط به طرح های پژوهشی، نتایج حاصل از بررسی ها و خلاصه کلیه اطلاعات موجود در این زمینه، در این آرشيو گردآوری و استفاده از سوازیین پیشرفته علمی نگهداری شود تا برای کارشناسان و کارکنان این مرکز و همچنین سایر محققان و پژوهشگرانی که از سایر مؤسسات پژوهشی مراجعه می کنند، استفاده از آنها در کمترین مدت میسر باشد.

علاوه بر اینها، کلیه مقالات، نوشته ها، خیرها و یادداشت های مربوط به امور اجتماعی اقتصادی، سیاسی، افکار عمومی و بازاریابی بصورت بریده جراید تهیه و در آرشيو مرکز با تقسیم بندی های موضوعی نگهداری می شود.

تلاش کارکنان مرکز برای این است که کلیه کتابها و نتایج مطالعات و تحقیقات در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، بازاریابی و بالاخره افکار عمومی را در کتابخانه مرکز گرد آورند و باین ترتیب انجام پژوهشها را آسانتر سازند.

و اما در زمینه چگونگی فعالیتها و روشهای اجرایی موجود در مرکز، باید یادآور شوم از آنجا که جمع آوری اطلاعات داده ها در تمام نقاط کشور و مطالعه ذوق و سلیقه ها و نیازها و گرایشها و انگیزه ها و انتظارات تمامی اقوام یک جامعه یا امکان پذیر نیست و یا اگر هم امکان پذیر باشد مقرون به صرفه نیست، برای گردآوری اطلاعات، بخشی از جامعه، بعنوان نمونه که بر اساس روشهای علمی انتخاب می شود، مورد مطالعه قرار می گیرد. در حقیقت این نمونه مدل کوچکی است از جامعه بزرگ و این مدل بنحوی انتخاب شده که خصوصیات و ویژگیهای جامعه کل را داراست. با استفاده از این روش است که ما در اینجا به مطالعه میزان شنوائی رادیو یا درصدی از مردم که به برنامه های رادیویی و یا تلویزیونی توجه می کنند، برنامه های مورد علاقه آنها، میزان رضایت از برنامه ها و بطور کلی محبوبیت برنامه ها و غیره می پردازیم. در حقیقت از این راه رابطه میان مردم با سازمان رادیو تلویزیون را مورد بررسی قرار می دهیم.

نظر باینکه روشهای بکار برده شده پایه و اصول علمی بنا شده است، میتوان در کنار مطالعات فوق که بطور منظم انجام و تکرار می شود مطالعات دیگری هم در زمینه تأثیر و نفوذ رادیو و تلویزیون بعنوان یک وسیله ارتباط جمعی مدن، روی گروه های اجتماعی جامعه ایران و یا حتی بالعکس، تأثیر مردم بر مسائل ارتباط جمعی، از جمله وسایل ارتباط جمعی سماعی و بصری انجام داد.

ما در این مرکز انجام می دهیم بطور کلی این است که وقتی یکی از هموطنان عزیز ما به برنامه ای از رادیو گوش می کند و یا یک برنامه تلویزیونی را مشاهده می کند، احساس کند که در عین حال که سرگرم شده، مطالبی را آموخته و از برنامه لذت برده است، خلاصه از آنچه که دیده و یا شنیده است احساس رضایت کند. در حقیقت کلیه

نش در صفحه ۴۴

نوشته‌ی ویلیام نولان
William F. Nolan
ترجمه‌ی منصور فراسیون

ستاره‌ی مصنوعی

بگیریم. مردم چیزهای تازه و اصیل میخوان. آگه از او درحال مطالعه‌ی آثار کلاسیک سوفوکلس شاعر و درام نویس قدیم یونان عکس بگیریم مردم خیال میکنند یک زیبای هنرمند و تحصیل کرده پیدا کرده‌ایم. باید کاری کنیم که مردم خیال کنند از طیفه‌ی بالا و اشرافی است. مثل یک کریس کلی جدید ولی خوش‌هیکل تر.»

هفراک با تردید گفت: «آره، ولی مردم می‌پرسند که یک دختر تحصیل کرده چرا توی فیلم‌های کینگ کنی بازی میکنه.»

میک گفت: «اصل مطلب همین جاست. بهترین حقه‌ی ما اینه که به مردم بگویم این خوشگله داره برای گرفتن فوق‌لیسانس روانشناسی درس میخونه.»

هفراک که باز هم نصیحه‌ی بود پرسید: «خوب، که چی؟»

میک توضیح داد: «میگم که داره پایان نامه‌اش را در باره‌ی مظاهر روانی هنرپیشگی در هالیوود می‌نویسه.»

هفراک که تازه فهمیده بود منظور میک چیست گفت: «آره، حقه‌ی خیلی خوبیه.»

میک ادامه داد: «توی مطلبی که برای روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌فرستیم میگم که تو همینطوری اتفاقی بالا آشنا شدی و چون دیدی به پیشرفت فرهنگ علاقه داره به او پیشنهاد کردی توی یک فیلم کینگ کنی بازی کنه تا بتونه تحقیقات دست اول انجام بده. تبلیغات درباری‌ها و در باره‌ی بالا نگاهمداریم. به مردم میگم که تو فقط به اندام فشنگ و دورسینه‌ی ۴۱ اینچی اوچندان اهمیت نمیدی بلکه به شعور و روشنفکری او توجه داری.»

هفراک گفت: «آفرین. تو داری هم اونو گنده میکنی وهم متو.»

میک گفت: «همینطوره. پس یک ساعت دیگه تو را توی کتابفروشی می‌بینم. راستی به او بگو یک لباس آبرومند مثل آدم‌های تحصیل کرده بپوشه.»

هفراک گفت: «منظورت را فهمیدم.»

من و همکارم کمی زودتر به کتابفروشی رسیدیم، همکارم دوربینش را همراه آورده بود تا از او هنگام ورود به کتابفروشی عکس بگیرد. یک عینک دسته استخوانی که مخصوص تحصیل کرده‌ها و افراد اهل مطالعه است خریده بودم تا بدهم به چشمانش بزنم. مطمئن بودم مجله‌ی لایف عکس‌ها و شرح حال او را با علاقه‌ی تام چاپ خواهد کرد.

چند دقیقه بعد هفراک با آن لعنت وارد شدند. حتی توی لباس سنگین هم اندامش لو رفت و هوس‌انگیز بود. صورتش هم فشنگ بود و اتفاقاً صورت خوشگله‌های بی‌معز را نداشت بلکه صورتش شبیه انسان‌های با فرهنگ بود. این نوع چهره بیشتر به نفع ما بود.

هفراک مراسم معرفی را به عمل آورد.

– مارلا، با تبلیغات چی شماره یک این شهر آشنا شو: «میک گالتون.»

مارلا با نشو گفت: «سلام.»

من با او دست دادم و گفتم: «خیلی خوشوقتیم، خانم مارش.»

موقعی که او را از نزدیک برانداز کردم دیدم واقعا زیبایی خیره‌کننده‌ای دارد. گیسوانش قرمز خوش رنگ و چشمانش مانند دریای سبزرنگی بود که هر کس را به هوسش می‌انداخت. سمایش به سان مجسمه‌ای بود که از صابون تراشیده باشند. حتی اگر اندامش را هم ندیده بودم میتوانستم فوراً تشخیص دهم که واقعا زیبا و جذاب است.

– اسم واقعه من مارلا مارش نیست، اسم نانی دارند تیگر است.»

انگشتم را با حالتی هشدار دهنده نزدیک دماغش زدم و گفتم: «آشپاه نکن. نباید توی هالیوود اسم واقعه را به کار ببری. برای من و تمام دنیا اسم تو مارلا مارش است. فهمیدی؟»

با تکان سر درک منظورم را تأیید کرد.

پرسیدم: «خوندن بلدی، خوشگله؟»

– «آینه، خیلی مخونه.»

– «بیشتر چه جور چیزهائی را میخونی؟»

– «همه‌ی مجله‌های سینمایی را و گاهی اوقات کتاب.»

– «چه جور کتابی؟»

– «رمان. مثل وینو و لامار Vina Velmar و ویک وین Vicki Vane...»

موقعی که تلفن زنگ زد داشتم بایکی از همکارانم بازی می‌کردم و از او دودلار برده بودم.

گوشی را برداشتم و گفتم: «اینجا شرکت تبلیغاتی گالتون.» صدائی از پشت تلفن پرسید: «میک، خودتی؟»

گفتم: «بله، خودم هستم.»

طرف گفت: «من هفراک هستم. نگفته بودم که هروقت کار بزرگی گیرم اومد تراهم خبر میکنم؛ حالا یک کار بزرگ گیرمون اومده.»

هفراک یک تپه‌کننده‌ی فیلم بود که تقریباً همیشه بیکار و مفلس بود. از اینرو با برحوصالگری گفتم: «ول کن، بابا. هزارتا گرفتاری دارم.»

هفراک گفت: «این کار از اون کارها نیس. خیلی سود داره. کار بزرگیه.» پرسیدم: «منظورت از بزرگ چیه؟»

هفراک جواب داد: «یک تیکه گیر آورده‌ام که هیکلش تکه، دور سینه و باسنش ۴۱ اینچه.»

باید یابوری پرسیدم: «جنس واقعه؟»

هفراک جواب داد: «جنس صددرصد واقعی و تضمین شده است. روی دست جینالولو برچیدم و بلند شده. آگه جین راسل او را می‌دید عقدی حقاتر پیدا می‌کرد.»

من که سه‌سال توی هالیوود در کارهای تبلیغاتی دست داشتم همه‌چیز دیده بودم ولی یک اندام ۴۱ اینچی واقعی خیلی نادر است. یک صندلی جلو کشیدم و نشستم و گفتم: «جریان را تعریف کن به‌بینم.»

هفراک شروع کرد به تعریف ماجرا: «سه‌ماه پیش داشتم توی خیابون‌ها قدم می‌زدم تا مستی‌شب قبل از سرم بیره. خیلی زود بود، شاید ساعت ۱۵ یا ۱۱ صبح.»

از ۵۰ مغازه گرومان که رد می‌شدم دیدم داره باشاهای کوچک و ظریفش را می‌گذراند.

توی قالب سیمانی پای بتی گرینل روی کف‌خابون. یک لباس یک تیکه و جیبون که به تمام اندامش چسبیده بود به تن داشت. هیکلش نقص نداشت.

من به او نزدیک شدم و خودم را معرفی کردم و گفتم یک کارگردان درجه اول هستم و ما بلوم او توی فیلم‌ها، من بازی کند. گل از گلش شکفت. مثل اینکه مادرشو که سال‌ها پیش گم کرده باشه دوباره پیدا کرده. گفت آرزوش همینه و بغاطر همین موضوع اومده به هالیوود. گفت تازه از شهر کوچکی در حدود ۱۵ کیلومتری هیکویل اومده بختش را توی هالیوود امتحان کنه. ولی اسمش خیلی عوضیه. خودش میگه اسمش نانی دارند تیگر است.»

گفتم: «اینم شد اسم؟»

هفراک جواب داد: «منهم همین فکر را کردم. پیش گفتم از این لحظه به بعد اسم تو مارلا مارش است. خنده‌ای کرد و گفتم باشه، قبول میکنم.

ازش پرسیدم توی یک فیلم کینگ کنی بازی میکنی؟ گفت آره. فوراً بردمش خونه خودم و قلابش کردم تا کسی او را نزنه. ظرف پنج روز یک فیلم درست کردیم به اسم «سلطان میمون‌ها». آگه بدونی توی دامن تنگ و شکافدار چه لعنتی شده بود. حالا این فیلم خاسره و فقط احتیاج به تبلیغات داره. اینجاسی که به‌وجود تو احتیاج دارم.»

با خودم فکر کردم اگر دوتا از این تیکه‌ها گرمون بیاد برای خود شرکت تبلیغاتی گالتون تبلیغ خوبییه. گفتم: «کی میتونم این تیکه را به‌بینم؟»

هفراک گفت: «هر ساعتی بگی، در اختیار تو است.»

گفتم: «همین امروز بعد از ظهر. اصلاً به‌بین چی میگم یک ساعت دیگه همدیگه را در کتابفروشی «یک‌ویک» می‌بینیم، چطوره؟»

هفراک گفت: «خوبه، میک، ولی نمی‌فهم کتابفروشی چه ربطی به فیلم‌های کینگ کنی داره؟»

میک جواب داد: «مردم از حقه‌های معمولی خسته شده‌اند. دیگه فایده نداره یک ستاره‌ی جدید را توی خیابان اصلی هالیوود بگردانیم و از او عکس

است که او تمام دستاویزهای لیریک را مورد استفاده قرار می‌دهد.

وین وقتی «موسی» را می‌سروند می‌سال داشت و در این اثر او دارای همان اوجی بود که در «سروش‌نشینا» پیدا می‌کرد. او در نورات وسیله بیان بدبینی و تجریه خود را از آزردن و تنهایی انسانی که نه طبیعت با او سخن می‌گوید و نه انسانها، یافته بود.

بروایی، اندوه سخت و شدید بعضی آثار دوران جوانی او نظیر «موسی» نشان می‌دهد که تلخی حوادث درونک زندگی او بیشتر به طبیعت خود او مربوط می‌شود تا حوادث ناگوار زندگی‌اش، ولی این بدبینی هیچگاه سانسختی خود را از دست نمی‌دهد و تسلیم اشک و آه های زمانه‌ها نمی‌شود.

قطعه «موسی» او، وقتی که بشوای قوم بسبود جاذبه‌های ایران خود را ترک می‌کند و از کوهی بالا می‌رود ولی در آنجا جز سکوت هیچ نمی‌یابد. به روشنی موضوع رومانسک نبوغی را که بشایش به بدبینی اختصاص یافته است آشکار می‌گرداند:

آیا کارم به پایان نمی‌رسد؟
می‌خواهید قوم‌هایم را باز تا کدام نقطه به دنبال بکنم؟
از این رو بپوشه، توانا و تنها، خواهم زیست؟
بگذارید که به خواب زمینی فرو روم.
سگر با شما چه کرده‌ام که باید برگزیده‌تان باشم؟
قوم شما را به هرجا که خواسته‌اید هدایت کرده‌ام.
و از تک قدم به ارض موعود نبهاده است...

در بغ! خداوند، من توانا و تنها
بگذارید که به خواب زمینی فرو روم...
در بغ! تمام زبانه‌های آسمانها را می‌ششم
و شما قدرت دیدگانتان را به من عزایت داده‌اید.
به شب فرمان می‌دهم که حجاب‌های خود را بردرد.
دهانم، سارها را با نام‌هایشان شماره کرده است
و همان دم که اشاره من یکی از آنها را در افلاک خوانده
هر کدام با شتاب گفته‌اند: «من!»

در ستم را به روی انسانی ابرها می‌گذارم
سهرها را در شی‌های گردان مدفون می‌گردانم.
تا در پهلوی آنها سرچشمه توفانها را خشک گردانم.
کوهساران را در زیر بال بادها وارگون می‌کنم
با یک خستگی ناپذیرم قدرتمند از فضا است...
و صدای دریا در برابر صدای خاموش می‌شود...
و با این همه، خداوند گداز، من از آن سعادت به‌دورم
سما آرزو توانا و تنها، به بی‌ی بسانده‌اید
بگذارید که به خواب زمینی فرو روم...

از همان دم که نفس شما «جوان» را از خود سرشار کرد
مردمان به خود گفتند: «او با ما بگانه است.»
و حستان آنها در برابر حستان شعله‌ور من به زمين
زیرا، دروغ، که آنان جزئی بش از روح من در آن
می‌افسند.
دادم که عشق خاموشی می‌پذیرد و محبت خشکی می‌پذیرد،
دخترکان چهره می‌بوشانند و بیم از آن داشتند که جان
بسرند.

آن‌گاه خود را در سوسن سپاه فرو بردم.
و تنها و اندوختن با افتخار خود، بشایش همه به‌راه
اقادم...
دستم، براسی که آترا لمس کند هراس باقی می‌گذارد
توفان در صدای من است، و برق بر دهان دارم.
و از این رو مردمان به جای آن که مرا دوست بدارند، همه
لرزاند.
و هنگامی که آغوش بی‌گشایی، آنان به زانو درمی‌آیند
خداوند، من توانا و تنها زیسته‌ام
بگذارید که به خواب زمینی فرو روم...

قطعه «الونا» به نوعی شعر «موسی» را تکمیل میکند
و آن را ادایه می‌دهد. این شعر از افسانه‌ای مسیحی
الهام گرفته است که می‌گوید: از قاره اشکی که مسیح
بر لزار فرو ریخت، فرشته‌ای به وجود آمد. این شعر،
قبل دیگری از فکر وین‌بی را روشن می‌کند و به
توسیدی و اندوه او باسخ می‌دهد. الونا تجسم ترحم‌است
که در برابر هیچ چیز غف نشستی اختیار نمی‌کند و می-
خواهد همه و همه، حتی شیطان را، نجات بخشد. الونا
عشق است که می‌خواهد برای «بازخرد» همه چیز به
کوشش رنج‌ز ولی در نظر وین‌بی، این کوشش تفری
ندارد و به موفقیت نمی‌انجامد. زیرا که الونا به سبب
شکور خود باید نابود شود ولی او نابودی را هم بدون
شکوه و زاری می‌پذیرد. باز دیگر همان موضوع و نتیجه-
گیری «برگ گریک» است که بدون شکوه و زاری
بسر. در الونا، وین‌بی به شکوهی که به قرن او مربوط
می‌شود روی می‌آورد و گویی لحظه‌ای دستخوش این
حالت برشک و تردید می‌شود که نجات و فلاح بطلق

آفره دووین‌بی و آثارش

در شماره گذشته، از زندگی آفره دووین‌بی سخن
راندیم و به اندیشه‌های اشاره‌هایی داشتیم. جف است که
از کنار او بگذریم و به آثار او تکیه هر چند کوتاه‌نیکتم
و با موضوع آنها آشنایی نیابیم. قبل از آن که به آثار
مشهور او پرداخته شود به تکانه مجبوعه شعر او می‌رسیم که
از سال ۱۸۱۲ که انتشار یافت تا پایان زندگی شاعر،
دستخوش تغییرهای متعددی شد.

این دفتر اشعار وین‌بی «اشعار کهن و جدید» نام دارد
که در ابتدا فقط «اشعار» خوانده می‌شد. در جاب اول این
اثر، ضلعانی چون «دری‌باد»، «سپا» و «دختر زفته» وجود
داشت. در جاب دیگری که از آن در سال ۱۸۳۹ عرضه شد
اشعاری چون «توفان»، «موسی» و «بوق» بر آثار اولیه اضافه
شد. موفقیت و حتی توجه به اشعار وین‌بی اندک و حتی بسیار
کند بود و شاعر «اشعار» از این در پنج بود که چرا مردم
به رمان «سن‌مارس» او بیش از آثار شاعرانه‌اش توجه دارند.
دلایل بسیاری وجود داشت که وین‌بی به دوران کهن
و بخصوص نورات روی بیاورد و در آثار شاعرانه خود به آن
روزگارن تمایل نشان دهد. یکی از این دلایل مسأله
مدروز و بیروی از سلفه زمان بود. وین‌بی مانند بسیاری
دیگر از جوانان فرانسوی که در دوران امپراتوری ناپلئون
اول برترک شده بودند دستخوش این تأثیر قرار گرفته
بود که کتاب «نبوغ مسیحیت» اثر شانو برنان را دمی از
خود دور نکند و ابراهیه اصطلاح بر سر بالین خود جای
دهد. پس از گذشت زمانی، نورات جای این کتاب را گرفته
بود. باید اضافه کنیم که شانو برنان از سویی هم او را به
مسلون و خدای قهار او نزدیک گردانده بود - می‌دانیم
که در نورات هم خدایی روی می‌نماید که چون خدای آثار
میلتون، قهار و سختگیر و هولناک است و این چهره غیر
از سیمایی است که از خداوند در انجیل ارائه شده است.
روزگار کهن شعر مسیحی که زمانی بیشتر از آن
یعنی در دوران انقلاب کبیر فرانسه مردم را به خودمکشید،
هنوز مورد بسند خاطر بود و آثار آندره شسه که سالها
پس از مرگش تازه انتشار می‌یافت به روزگار کهن غیر-
مسیحی اعتباری خاص می‌بخشید. وین‌بی نیز از این تأثیر
بی‌بهره نمی‌ماند.

در این مورد نظری دیگر ارائه شده است که معلوم
نست تا چه حد می‌تواند بدون چون و چرا پذیرفته شود:
بنابر این نظر، توجه وین‌بی به نورات، به عاملی دقیق تر و
عسقر بستگی دارد و آن این است که او هر چند شاعر،
بدبختانه فاقد موهبت «بدن» است که بطور طبیعی تصور
آخرین است، از طرفی او مانند سایر رومانسک‌ها با هیچان
لیریک مداولی زندگی نمی‌کند. بنابرین، افسانه‌ها هستند
که به بازی او می‌شایند و نتنها را بر طرف می‌کند و
برایش دنیایی فراهم می‌آوردند که او قادر نیست به خوبی خود
از خوشن بیرون بکشد. با این همه، او هر چند که نشان
می‌دهد به شدت در بند رتک مجلی است و به صحت وقایع
تاریخی اهمیت می‌دهد، و صحت تاریخی کلمات زیبایی را
که برای نشان دادن خصوصیات محلی بشایش انتخاب
کرده است مورد بررسی و مداخله قرار می‌دهد. در پایان کار
ج: «فالب» و چهارچوب جزئی از نورات بر نه گرفته. او عوامل
خارجی را از نورات می‌گیرد ولی به جای روح افراد روزگار
کهن، روح خود را قرار می‌دهد: موسی، دختر زفته، الونا در
نظر او فقط چهره‌هایی ابدی هستند که او در خلال آنها
افکار خوشن را بیان می‌کند. به این ترتیب، شخصیت-
های او هر چند ظاهری قدیمی دارند، کاملاً بی‌موجدند.
بدبینی موسی، هیچ ارتباطی با رهبر و بشوای یهودیان
ندارد. ترجم الونا - فرشته آسمانی - نسبت به ابله،
و زاری دنیای مسیحیت امیری ناشناخته است، به همین
ترتیب طبیعت قهرمانهای تاریخ با افسانه، برای وین‌بی
چیزی جز سبوسل نست. هنر او کلاً این است و چیزی که
او در اشعار خود می‌جوید عبارت است از انتقال فکر خود،
و بیان فلسفه خوشن، و برای رسیدن به همین هدف بگانه



ممکن نیست مگر آن که خدایی تو پدید آید که دواصل جهان، خدا و شیطان را با یکدیگر آشتی دهد و با این طریق بدی را از جهان براند. این همان عاملی است که الوفا را به حرکت درمی آورد و او را قدا می‌کند. لفظای رسیده است که الوفا اغوا شده است و جز آخرین نزدیک باقی نمانده است: ترا دوست دارم و فرود می‌آیم. ولی آسمانها چه خواهند گفت؟

در آن هنگام در آسمان، و دور از چشمان آنها، گروهی از همسران گذشت که در میان ستایشها، این کلمات به گوش می‌رسید که فرشتگان می‌خواندند: «افتخار در جهان، در زمان، بر آن که خود را برای همیشه خدا می‌کند تا دیگری را نجات بخشد!» گویی آسمانها سخن می‌گفتند، پیش از ناب‌تحمل او بود.

دو باردیگر نگاه‌های خالی از وفاداری‌اش را به بالا دوخت نگاه‌های هنوز بی‌تصمیم خود را به گردش درآورد آسمان‌هایی را جست‌وجو کرد که دیگر نمی‌دید.

و این گفت‌گویی او است به هنگام سقوط، با همراه فریبده‌اش:

- فرشته زیبا مرا به کجا هدایت می‌کنید؟
- باز هم بیا.
- صدایان چه شنیدیم است و چه گفتار نمی‌آوردی؟ مگر الوفا نیست که زنجیرتان را برمی‌دارد؟ می‌نمایتم آجاتان داده‌ام.
- نه، من ترا به دنبال می‌کنم.
- اگر ما غرور به یکدیگر پیوسته باشیم چه اهمیت که در کدام نقطه باشیم!
- پس مرا باز هم خواهر خود یا خدای خود خطاب کن!
- ای من برده خود را می‌ریایم و قربانی خود را در اختیار دارم.
- تو چه مهربان به نظر می‌آمدی! آه! مگر با تو چه کرده‌ام!

- جنایت!
- آآ خوشبخت‌تری، یا رضایی بیش داری؟
- شنیدم ترا از همیشه.
- تو که‌ای؟
- ایلسی.

از «اشعار» وین‌بی می‌گذریم تا به آثار منشور او بردازیم که شماره آنها و اهمیت‌شان هم درخور توجه است. نخستین اثر منشور او زمانی است به نام «سن‌مارس» که از يك ماجرای تاریخی الهام گرفته است و به این ترتیب می‌تواند وین‌بی را بشاهدت که شش الکساندر دوم معرفی کند.

در سال ۱۶۳۹، مارکی سن‌مارس به ژنرال لویی سیزدهم پادشاه وقت فرانسه معرفی می‌شود و به‌زودی مورد توجه او قرار می‌گیرد و عنوان و سماع درخور توجیهی به او واگذار می‌شود. سن‌مارس به‌زودی به یکی از دشمنان ریشلوی صدر اعظم مقنن فرانسه بدل می‌شود و انگیزه این مخالفت و دشمنی نیز اقتدار استبدادگانه صدر اعظم است که مورد پسند سؤالیه‌های اطراف لویی سیزدهم نیست. سن‌مارس خیلی زود، شخصی بسیار برجسته در دربار فرانسه می‌شود و لویی سیزدهم او را به عنوان نزدیکترین دوست خود مورد تجلیل قرار می‌دهد. با شرکت برادر لویی سیزدهم و همسر لویی سیزدهم و عده‌ای دیگر و از جمله سن‌مارس علیه اقتدار مستبدانه ریشلوی سسه بازی آغاز می‌شود و در این میان فقط سن‌مارس است که شهادت بی‌سازد دارد و آشکارا در برابر لویی سیزدهم از استبداد ریشلوی استناد می‌کند و لویی نیز دلویحا کنار او را تأیید می‌کند. در این میان عشق نیز نیروی بیشتری به سن‌مارس می‌دهد زیرا می‌داند که اگر ریشلوی از قدرت یقیند عشق ماری دو کوئزاک در انتظار او است.

سن‌مارس در اجرای نقشه‌های خود برای عزل صدر اعظم فرار دادی با اسپانیا منعقد می‌کند. پلر روحانی زوزف که عهده‌دار امور جاسوسی و جبرکشی صدر اعظم سن‌مارس و ماری دو کوئزاک از این ماجرای هولناک که سرهایی را می‌تواند به‌حاکم افکند آگاه می‌شود. خطر قطعی در گمین است. برادر لویی سیزدهم و سایر نوظله گران خود را از معرکه بیرون می‌کنند و در برابر ریشلوی به خشوع و خضوع در می‌آیند. لویی سیزدهم می‌گوید سن‌مارس را از حرکت نجات دهد ولی او ذاتاً فردی فاقد تصور لازم است و از این‌رو ناگزیر می‌شود دوست خود را به خلاف میل خویش تسلیم ریشلوی کند. صدر اعظم مقننر باردیگر پیروز می‌شود: سن‌مارس با نگاه دوست وفادارش اقدام می‌شود و ماری دو کوئزاک که خیلی سیر هیجان است با سلطان لهستان ازدواج می‌کند.

ماجراهای این اثر که در حقیقت نخستین رمان تاریخی فرانسه است و وین‌بی را رقیب والتر اسکات معرفی می‌کند، در محیطی گرفته و هولناک در جریان است و وین‌بی به‌باری آن می‌خواهد فکر دفاع از اسبل-ژادگی قدیمی فرانسه را آشکار کند، ولی وین‌بی برای بیان فکر خود، ناگزیر شده است حقایق تاریخی را مطابق میل خود تحریف و دیکتوگون کند. از این اثر، اوپرابی ترتیب یافت که در سال ۱۸۷۷ به‌روی صحنه آمد.

جست‌ون درامی است در سه پرده که برای نخستین بار در روز ۱۲ فوریه ۱۸۲۵ در تئاتر پاریس به‌روی صحنه آمد. قهرمان این اثر جوانی است به نام تامی جستر تون که بیش از هجده سال ندارد و به‌زبان انگلیسی قدیمی آثار نجیبی انگیزی آفریده است و ادنا می‌کند که این آثار متعلق به راهبی است که در قرن پانزدهم می‌زیسته است.

او غرق تومیدی ناشی از زندگی فقر آلودی است که دارد و در خانه تاجر ثروتمندی به نام جان بل زندگی می‌کند. همسر این تاجر که کیتی بل نام دارد به‌جوان مسافرت فراوان می‌کند و در خطا - بی‌آن که بر زبان براند، به جوان دل‌باخته است. یکی از رفقای جوان او که در آکسفورد درس می‌خواند از هویت واقعی جستر تون برده برمی‌دارد و او را

به افراد خانواده بل می‌شناساند. در تمام این مدت، گمان او این است که جستر تون برای آن که به‌کشی بل نزد عشق بی‌بازد به صورت ناشناسی در آن خانه زندگی می‌کند. زن جوان که از این موضوع ناراحت شده است به جوان شک می‌برد و این در هم از او پنهان نمی‌دارد. جستر تون که پیش از پیش دچار رنج و ناراحتی شده است پشی از پشی به فکر خودکشی می‌افتد.

مرد ببری که از دوستان خانواده بل است و به تمام وقایع پی‌برده است با جستر تون صحبت می‌کند و برای آن که شاعر جوان را از حرکت نجات دهد برده از راه کیتی بل برمی‌دارد و او را آگاه می‌کند که زن جوان دل‌باخته او است.

تمام امید جستر تون به جوابی است که باید یکی از بزرگان لندن به او بدهد: جستر تون از او تقاضای کمک کرده است و این شخصیت برجسته وقتی می‌آید اعلام می‌دارد که نسبت به شاعران و بخصوص به جستر تون نظر مساعد و گذشت بسیار دارد و حاضر است او را به عنوان سریشخدمت خود به کار بگمارد.

در همان هنگام مقاله‌ای التنازی به دست جستر تون می‌رسد که در آن نوشته‌اند، صحت و اصالت آثار او را مورد تردید قرار داده است و اعلام داشته که این اشعار واقعا از آن سراینده‌ای است که وجود داشته‌است. جستر تون که دیگر به اوج نامیدی رسیده است دست‌نوشته‌های خود را می‌سوزاند و سپس خودکشی می‌کند. کیتی بل از فرط غم و اندوه درمی‌گذرد.

موضوع جستر تون، یکی از موضوعات مورد علاقه وین‌بی است و در اثر دیگری از او به نام اسللو به‌تجوی دیگر بیان می‌شود. موضوع مذکور عبارت است از تمام این امر، فقر و بی‌وایی آنان را به‌نجو اجتناب ناپذیر دربر دارد. وین‌بی اثر را برای آن به‌روی صحنه آورد که عده بیشتری با آن آشنا شوند. و افرادی هم که آن را دیدند، بخصوص جوانان روشنفکر به شدت تحت-تأثیر آن قرار گرفتند. این درام، دفاعنامه‌ای به شدت پرشور و رومانتیک از شعر بود در قبال جامعه و دنیایی که آن را عقب می‌زند، جستر تون را یکی از بهترین نمایشنامه‌های رومانتیک شناخته‌اند.

اسللو یا مشورت‌های دکتر سیاه که از آن نام پرده‌ای اثری است نه به شکل رمان، نه درام، بل تقریبا تحقیقی است درباره جستر تون، ویلیز و آندره شیه، یعنی سه شاعری که در دوران جوانی درگذشتند و مرگشان نیز به تجوی غیرتکثیر صورت گرفت. آنها در شرایطی رخت به سرای باقی‌گنشدند که هنوز نتوانسته بودند به اسد‌های خود تحقق بخشند.

اسللو مردی رومانتیک است، ورتز و با فاوست جدیدی است، او در حالی که بی‌حال روی کاناپه‌ای خود را رها کرده است شرق رو می‌شود و درباره هر چیز به خیال می‌پردازد. در او دو طغیان پدید می‌آید: طغیان عقل انسانی علیه سیستم‌های ماورای طبیعی و طغیان فردی علیه بوجی دنیای اجتماعی. فکر مدرنی است دارای اسباط دور ولی عشق با شعر عوس است. اسللو که کودک گمگشته انسانیت است می‌بندد که موضوع ناممندی او پیش از وی افرادی چون جستر تون، شنه و ویلیز، یا سرنوشته‌های خود به روشنی بیان کرده‌اند. پس از آن ندامت فرامی‌رسد و نظم بازمی‌آید: اسللو می‌گوید که ناید زندگی شعری زندگی ساسی را از یکدیگر جدا کرد تا بتوان به تنهایی و آزادانه، وظیفه خود را انجام داد و در این میان از دنیا هم نباید انتظاری داشت.

از جمله سایر آثار برجسته وین کاب‌هایی چون بردگی و بزرگی نظامیان، دافنه و بالاخره یادداشت‌های یک شاعر است که قبلا به آن اشاره‌ای کرده‌ایم.

سألهو اشرها

سید ۲

منظومه رودریگو، همان‌طور که گفتیم دومین اثر مهم دربارهٔ قهرمان نامدار اسپانیایی است. این اثر دارای عنوان دومی هم هست که پیشاپیش اعلام می‌دارد منظومه مربوط به‌عالم درخشان دوران جوانی سید است. از این اثر دو روایت در دست است: روایت اول از حالت منظوم درآمده است و شکل نثر به‌خود گرفته است و به‌طوری‌که حدس زده می‌شود به‌سال ۱۳۴۴ میلادی ارتباط می‌یابد روایت دوم که به‌شعر است گرفته می‌شود در اوایل قرن پانزدهم میلادی آفریده شده است.

همین منظومه است که مورد توجه ما است زیرا نظر به‌ارتباطی که با تاریخ شعر حماسی اسپانیا پیدا می‌کند اهمیت فراوانی می‌یابد. این اثر در عین حال که در مواردی مسائل و مشکلات مربوط به تاریخچه شعر حماسی را برطرف می‌کند، گاهی هم سبب می‌شود که برپیدگی قضایا افزوده شود. در این منظومه آرتور قابل رد منظومهٔ سید را که قبلاً از آن یاد کردیم به‌خوبی می‌توان دنبال کرد. ولی شخصیت تاریخی که شاعر «منظومه سید» خواست است از آنجا و آید و لاترین صفات و خصوصیات شوالیه‌ها و آرپایی شکست‌ناپذیر در نبردها، و پیوسته آماده خدمت به‌ایمان مذهبی، وطن و مافوق خود نمایش دهد و در عین حال که نسبت به عشقی که دارد با حسادت فراوان رفتار می‌کند با گذشت هم هست در منظومهٔ رودریگو قهرمانی مغرور و گام گستاخ می‌شود که حتی از پدر و مافوق خود فرمان نمی‌برد زیرا نصایح و فرامین آن‌ها را تحقیر می‌کند. با این همه او فردی است که می‌تواند با گذشت و سخاوت رفتار کند و به‌وقت آید. مثلاً در جایی سلطان دشمن را که در دسترس خود دارد رها می‌کند که به‌هرجا بخواهد برود و یک بار نیز مردی جذامی را در زیر شغل خود پناه می‌دهد (و بعدها معلوم میشود که این جذامی همان لازار قویس است).

رودریگو جوان، هنگامی که به‌شیراز شازده سال ندارد کتوس کورمان را به‌قتل می‌رساند و فرزندان او را در اختیار می‌گیرد. دختر کوچک کتس قتل به‌سلطان کاستیل می‌آورد و او از او می‌خواهد که به‌جبران قدر پدر، کاری کند که رودریگو او را به‌زنی بگیرد. سلطان کاستیل که بیم دارد در صورت مجازات رودریگو، قهرمانان دربارش ناراضی شوند این پیشنهاد را می‌پذیرد و رودریگو و پدرش را احضار می‌کند. در صحنه‌ای که به‌نوعی تحسین‌انگیز در اثر توصیف شده است، دیداری توفاسی بین سلطان کاستیل و شوالیه جوان دست می‌دهد، در همین جلسه است که بنابر آداب و رسوم موجود قرار ازدواج گذاشته می‌شود. رودریگو نمی‌تواند از این ازدواج که بر او تحمیل شده است سر باز زند ولی اعلام می‌دارد تا وقتی که هیچ عمل انتقامی از او سر نزنند به‌شعر خود نزدیک نخواهد شد.

برای وفای به‌عهده است که او را می‌بینیم با اعراب می‌چنگد و آنان را مغلوب می‌کند، شوالیه‌پادشاه ناوار را به‌قتل می‌رساند، با فرانسوی‌ها وارد نبرد می‌شود، به آلمان می‌رود و حتی تا خطه‌ای که جزوقلمرو باپ است پیش می‌تازد. با کتس‌ناوار می‌چنگد و او را مغلوب می‌کند و دخترش را به‌عنوان و نیز در اختیار سلطان کاستیل می‌گذارد. پس از آن پاریس را در محاصره می‌گیرد و درازده فرد برجسته دربار فرانسوی را به‌مبارزه می‌طلبد و بالاخره محاصرشدگان را تا گزیر

من و جذبه‌های تودر قلم به‌نبرد سرسختانه روی می‌آوردند، و هر گاه به یاد نمی‌آوردم که تو از فردی برجسته که دوست می‌داشتی به هنگام پستی چگونه نفرت می‌یافتی، بی‌روزی از آن تو می‌بود با این اندیشه که به‌هیچ تردید در خور تو بود، شمشیر خونالود خود را در سینه پدرت فرو بردم. بدینگونه شرافت خود را باز یافتم، اما همانند چون عاشقی فرمانبردار به سوی تو آمدم تا چیزی را که برای من وظیفه‌ای بود سنگدلی نخوانی، تا آن که رنجم بتواند در برابر تو، رفتار را که نسبت به تو این گونه دیگرگون است توجیه کند، تا آن که همان‌دم که اراده کردی انتقام خود را باز ستانی. این شمشیر را بگیر و اگر لازم باشد که ما هر دو شهادت‌یگسان و وجدایی‌هماند دانشه‌بانیسیر با مصمم ارقام پدرت را بازستان، همچنان که من بازستانم.

خیمنا - رودریگو! رودریگو! بینوا من! به رخم دردهای خویش اتراف می‌کنم که تو با بازستاندن انتقام پدر خویش، رفتار اسبازانگان را داشته‌ای. من اگر بینوا هستم، اگر تقدیر من آن است که خوشبختی مرا می‌دهد، ترا هیچگونه سرزنش نخواهم کرد. اما اهانتی که ترا به آن متهم می‌کردانم، آن است که می‌بینم به هنگامی که دست و شمشیرت هنوز از خون من گرم است در برابرم آشکار می‌شوی. تو چون عاشقی فرمانبردار نیامده‌ای، تو با اطمینان فراوان از آن که منظور دختری که ترا این همه دوست داشت نیستی، برای اهانت به من آمده‌ای. بسیار خوب! برو، برو رودریگو... در نظر کسانی که می‌اندیشند ترا می‌رستم، شرافتم هنگامی روشن خواهد شد که بدانند ترا تعقیب می‌کنم... برو و چنان رفتار کن که ترا ببینند. همان سلب جانم، بدون سلب نیکلامی‌ام، کفایت می‌کند

رودریگو - میل‌صواب مرا برآور: بزنی خیمنا - مرا به خود بگذار. رودریگو - گوش کن: ببندیش که مرا این چنین رها کردن انتقامی خواست است؛ کشتن من چنان انتقامی نخواهد بود. خیمنا - بسیار خوب، آنچه من می‌خواهم همان است. رودریگو - سنگدل، تو مرا نومید می‌گردانی! بدینگونه از من نفرت داری. خیمنا - نمی‌توانم چنین کنم: سر - نوشتم مرا بیش از حد به زنجیر خود کشیده است.

رودریگو - با من بگو که دشمنان قصد دارد به چه اقدامی دست زند. خیمنا - هر چند که زن هستم، برای حفظ شرافتم به هر کار که قادر باشم دست خواهم زد ... و آرزومندم که قادر به هیچ کاری نیاشم. رودریگو - آه خیمنا، چه کسی می‌توانست بگوید... تو است تصور کن... رودریگو - چه کسی می‌توانست تصور کن... رودریگو - که شادکامی من به سر میرسد.

خیمنا - که سعادت من نابود می‌شود... ولی خداوند، از این بیم لرزانم که ترا به هنگام خروج ببینند... (می‌گرید) رودریگو - چه می‌بینی؟ خیمنا - برو و مرا با دردهایم باقی گذار.

رودریگو - پس وداع، به حالت مرگ از این‌جا می‌روم...

است: چهار تن از سلاطین عرب که از او شکست خورده‌اند خود را فرمانبردار او اعلام می‌کنند. در سراسر اسپانیا رودریگو به عنوان مسیه (آقا - ارباب) مورد تجلیل و تکریم قرار می‌گیرد. سلطان برای آن که خیمنا را بیازماید اعلام می‌دارد که رودریگو در نبرد کشته شده است و دختر دل‌باخته و در عین حال خواهان اجرای عدالت با نشیندن این خبر از حال می‌رود و چون به خود می‌آید و آگاه می‌شود که فریب خورده است و راز خود را برملا کرده است برای جبران ضعفی که از خود آشکار کرده است اظهار می‌دارد که هوس مردی خواهد شد که سر «سید» را برایش بیاورد. قهرمان برای نبرد آماده می‌شود و به پیکار می‌شتابد ولی به دست رودریگو به قتل می‌رسد و رودریگو بالاخره با دختری ازدواج می‌کند که به حکم آچار پدرش به دست او کشته شده است.

اثر دومی که این نویسنده دربارهٔ مسیده خلق کرده است مربوط به ماجرای دیگری است که رودریگو هم در آن دخالت دارد ولی ما از آن می‌گذریم و قسمتی کوتاه از همان اثر اول او را می‌آوریم. این قسمت از صحنه دوم روز نمایشنامه گرفته شده است و مربوط به هنگامی که رودریگو، پدر خیمنا را کشته است و در برابر مجنوبه خود آشکار می‌گردد تا خود را تسلیم او کند: رودریگو - (خود را به پای خیمنا می‌افکند) نه، بهتر آن است که خود را تسلیم تو کنم و عشق تغییرناپذیرم رضای خاطر ترا فراهم آورد که مرا قربانی کنی، و به این گونه ترا از رنج تعقیب من برکنار دارم. خیمنا - چه جراتی کرده‌ای؟ آیا این شییی است؛ نبداری است؟ رودریگو - این قلب را بسواخ کن؛ از برای قلبی که در سینه تو می‌تپد، از قلب خویش می‌گذرم. خیمنا - خداوند! رودریگو، رودریگو، در خانه من!

رودریگو - گوش کن! خیمنا - هم‌اکنون جان می‌سپارم. رودریگو - فقط می‌خواهم سخنی را که باید بزبان رانم بشنوی، و سپس با این بولاد جوام را بدهی (شمشیر خود را به او می‌دهد) پدرت، که به‌حق او را کشت برافتنار می‌خواندند، دستی نافرمان و گناهکار به‌روی موهای سپید پدرم بلند کرد. هر چند خود را بر اثر این ماجرا عاری از شرافت می‌یابم، امید لطیف من که به‌دینگونه واژگون گشته بود با چنان شدتی بر من خاست که عشق تو موفق گشت حس انتقام را در من به تردید بکشاند. در مصیبتی چنین سنگدانه، دشنام

می‌کند که درخواست صلح کنند. در همین جا است که بدون مقدمه منظومه قطع می‌شود و ماجرا ناتمام می‌ماند. در این اثر تمام حرکات و رفتار رودریگو به طور ارادی اجباری و غیرواقعی هستند و به‌طور کلی سنت اصیل درخشان قهرمان‌های برجسته را به‌یاد می‌آورند. ماجراهای این منظومه نشان می‌دهد که این اثر از سنت حماسی قدیمی اسپانیایی که در تاریخ ریشه دوآورده است چقدر دور می‌شود. در این اثر رودریگو از روزی دیاس‌ده‌بی‌بار (قهرمان منظومه سید) متفاوت جلوه می‌کند: به‌خلاف سلف خود که نیمه‌وحشی جلوه می‌کند، او مردی دارای تعادل و حیلگی است و به‌نوعی واقعی و اسبازان‌دکان جنگجوی اسپانیای قرون وسطی را نمایش می‌دهد: مردان جنگجویی که در بین حکومتی می‌گری و دشمنی که پیوسته در سرحدات اسپانیا حضور داشت زندگی می‌کردند.

از منظومه رودریگو یک سلسله آثار الهام می‌گیرند که در همه آن‌ها همین موضوع مطرح می‌شود. خوان‌دهلاکونه با (۱۶۱۰-۱۵۴۳) از این ماجرا الهام می‌گیرد که با خلق اثری تاثر ملی اسپانیا را آغاز کند: لویه‌دوگا هم به‌این قهرمان می‌پردازد. اما گری‌بن‌ده‌کاسترو (۱۶۳۱-۱۵۶۹) با دو اثری که در این زمینه خلق می‌کند برتمام نمایشنامه‌نویسان دیگر اسپانیایی که با الهام از «رومانس‌روها» به‌ماجراهای سید روی آورده‌اند پیش می‌گیرد. نمایشنامه اول این نویسنده عبارت است از «دوران کودکی سید» که نمایشنامه‌ای منظوم است و سه پرده دارد. در این اثر رودریگو را می‌بینیم که از یک طرف مورد علاقه شاهزاده‌خانم دنیا اورا کا قرار دارد و از سوی دیگر خیمنا وی را دوست می‌دارد. سلطان به‌او با آن‌که هنوز بسیار جوان است عنوان شوالیه می‌دهد.

تقدیر سبب می‌شود که اندک زمانی پس از به‌دست آوردن عنوان شوالیه، رودریگو بتواند از شمشیر خود استفاده کند. کتس در سانو پدر رودریگو دشنام می‌دهد و شوالیه جوان که تاب و تحمل ندارد کتس را به‌دوئل دعوت می‌کند و هر چند که خیمنا دختر اورا دوست می‌دارد وی را به قتل می‌رساند. خیمنا هر چند دل‌باخته رودریگو است، به‌سبب محبتی که به پدر خود دارد به سلطان روی می‌آورد و از او تقاضا می‌کند که قاتل پدرش را بگیرد. همد سلطان مردد است. رودریگو برای آن که کار را یکسره کند با پادشاهن آرتورافاران خود به دنبال حوادث جنگی، که به‌نبرد روی می‌آورد: همه جا بخت و دلیری مددکار او

تئاتر در رادیو و تلویزیون





بزرگتر خانواده هستند با تماسهایی که بوسیله نامه و تلفن با این برنامه دارند ما را در بالا بردن کیفیت برنامه باری خواهند داد تا روز بروز برنامه‌ها بیشتر مورد توجه کودکان و نوجوانان عزیز قرار گیرد.

ورزش نوجوانان

تهیه کننده: مجری: حسین قره‌گزلو
برنامه این هفته ورزش نوجوانان به ژیمناستیک و بسکتبال اختصاص داده شده است.
ضمناً اثر ورزش ژیمناستیک بر بسکتبال و همچنین در زمینه کلیه ورزشهای دیگر مورد بحث قرار میگیرد.
چون ژیمناستیک مانند باله مفیدترین ورزش در دوران خردسالی است که بدن را برای انجام هر کاری آماده و نیرومند میسازد.

یکی بود، یکی نبود

تهیه کننده: میرا خامنه
مجری: مولود عاظمی
کارگردان فنی: مپوش جزایری
در سه روز اول این هفته داستان هانس و در روز سه‌شنبه داستان خوابهای شیرین خرس تنبل و چهارشنبه و پنجشنبه داستان تام، تام و در آخرین روز هفته جمعه داستان جوجه کبوتر نافرمان توسط قسه‌گوی بچه‌ها خاتم نوادگانمانی بازگو خواهد شد.

○ ساعت ۱۹

ماجراهای هاکل بری فین

پسر خورشید

با شرکت: لان هاسلام - میچل شا
این بار هاک و دوستانش به قفس رموزی پا می‌گذارند. نگهبانان قفس آنها را دستگیر میکنند تا سر



خورشید سرنوشت آنها را تعیین کند. اما «تام» که زودتر از همه قدم در این قفس گذاشته از طرف مردم قفس به فرمانروایی برگزیده میشود... در این گیر و دار «تام» به کمک دوستانش میرود و آنها را نجات میدهد «هاک» و «بگی» تمسیم دارند که از قفس فرار کنند ولی «تام» با آنها مخالف است و نمی‌خواهد با آنها همراه شود. می‌گوید که سالهاست که منتظر چنین موقعیتی بوده‌است و...

○ ساعت ۲۱/۲۵

آقای مر بو طه

در این آشفته بازار دوستی و آشنایی آقای مربوطه ضمانت یکی از دوستانش را برای خرید کلان بعهده می‌گذرد ...



برنامه‌های (شبکه)

شنبه ۴ بهمن

○ ساعت ۱۴/۰۵

روزهای زندگی

«آلیس» و «بیل» نگران «لارا» هستند چون «میکی» فرار است ماجرا را به «لارا» بگوید - «لارا» به ماجرائی که بین «میکی» و «لیندا» رخ داده فکر میکند و اینکه پدر پسرش «مایکل» کیست؟ «بیل»، و «آلیس» که از برخورد «میکی» و «لارا» وحشت دارند به سراغ «میکی» میروند و...

○ ساعت ۱۴/۴۵

هاو کینز

این ماجرا

چشم در ازای چشم

حیات در ازای حیات

کارگردان: جادیلور
تهیه کننده: دیوید کارپ
بازیگران: جیمز استوارت - جیمز هیتون - جان ونت آنتونیو - جین کوپر
پسر جوان آقای «جوهمیلتون» خودکشی میکند. آقای «جوهمیلتون» معتقد است که دکتر «کمپتون» و



«تونی فارلی» پسر او را وادار به خودکشی کرده‌اند از این رو در مقابل عده‌ای آنها را تهدید به مرگ می‌کند. دیری نمیگذرد که در یک سانحه اتومبیل که دکتر «کمپتون» و «تونی فارلی» سرنشین آن هستند، «تونی فارلی» بقتل میرسد. پلیس «جوهمیلتون» را بجرم قتل بازداشت میکند. «بیلی جیم هاوکینز» که از این موضوع آگاه شده است و کالت «جو» را بعهده میگیرد و با بی‌گیری ماجرا متوجه میشود که...

○ ساعت ۱۷/۱۱

کودک

ما و شما

تهیه کننده: حسین فردرف
این برنامه هر روز با جمله «سلام بچه‌های عزیزم» توسط مجری برنامه خانم برومند شروع میشود و گفتار مجری علاوه بر مطرح نمودن مسائل مورد توجه کودکان و نوجوانان و پاسخ به سئوال‌های مختلف برنامه را که در گروه تربیتی کودک و نوجوانان تهیه شده بهم ربط خواهد داد.
تماشاچیان برنامه که کودکان و نوجوانان و یا افراد

در رادیو و تلویزیون



روی جلد: آثار غروسکی بوکی
صفحه ۸۱ را مطالعه فرمایید

در این قسمت میخوانید:

- نامه‌ها، برنامه‌ها
- جدول کلمات متقاطع و جدول مخصوص تماشا
- پژوهش ایران زمین
- موسیقی جاز
- دنیای پاپ
- شرح و جدول کامل برنامه‌های رادیو و تلویزیون‌ها

یکشنبه ۵ بهمن

○ ساعت ۱۴/۰۵

کارگران

گفتاری درباره ششم بهمن، بناسیت سالگرد انقلاب شاه و مردم - اجرای یک برنامه هنری (شبک نوازی) توسط دو تن از هنرجویان مرکز آموزش هنری کارگران - گفتگویی درباره تحولاتی که در طول سیزده سال دراصل چهارم انقلاب بمنظور افزایش کارگاههای مشمول و ازدیاد سود ویژه این کارگاهها بوجود آمده است - اجرای ترانه‌ای بوسیله هنرجویان مرکز آموزش هنری کارگران قسمت‌های مختلف برنامه امروز کارگران را تشکیل میدهد.

○ ساعت ۱۴/۰۵

موسیقی ایرانی همنوایی

در این برنامه نادر گلچین دوترا نه بانامهای «قال زلف» و «نازک مزگان» را در مقام شوشتری می‌خواند. اشعار این ترانه‌ها از حافظ و تصنیف از مرحوم شهیداست. تکنوازان برنامه، حیدری، بدیعی، ابوترابی و احزابی هستند.

○ ساعت ۱۴

دان آگوست

این بار قانون

کارگردان: رالف سننسی
با شرکت: برت رینولدز - ریچارد آندرسن - نورمن فلد - نینا هارتن - لائری پیتز - لاری هاگمن
شخصی بنام «والتریک» قاضی «آندرسن» را تعقیب



میکنند و قصد دارند او را به قتل برسانند. ولی قاضی آندرسن در یک جدال موفق میشود «والتریک» را به قتل برساند. «دان آگوست» که با قاضی آندرسن دوستی نزدیکی دارد برای پیدا کردن شخصی که در صدد قتل او برآمده است به تحقیق می‌پردازد و در میان کسانی که ممکن است انگیزه قتل قاضی آندرسن را داشته باشند به جوانی برمی‌خورد که اموال پدرش را بعد از مرگ در اختیار قاضی آندرسن گذاشته است که بعد از سی سالگی به او سربرده شود...

○ ساعت ۱۷/۱۱

برنامه کودکان

بت‌من

کامپیوتر مجرم

در طبقه سیام یک ساختمان بزرگ در شهر «گاتون»، از یک صندوق مقدار زیادی طلا به سرقت میرود. «بت‌من» مأمور پیدا کردن دزدان طلا میشود و در دو تحقیقات خود متوجه میشود که مرد پنکون با طرح نقشه‌ای موفق به دزدیدن طلاها شده است، از این رو به سراغ مرد پنکون میرود ولی دوست پرفسور پنکون با اختراعات جدید خود سعی میکند «بت‌من» را نابود کند...

حلقه جادو

تهیه کننده: ماندانا منصوری
کارگردان فنی: افضل بازیگران: سیمین قدیری، جان خانگلدی، بابک و مزدک فردفر

این برنامه در مورد اتومبیل است. «مزدک» اتومبیلی میسازد و در خیال خودش در خیابانهای شهر حرکت میکند و با مسئله ترافیک روبرو میشود.

اتومبیل «مزدک» برای او و «بابک» این فکر را پیش می‌آورد که اگر اتومبیل نبود مردم چه میکردند؟ و چطور شد که بفکر ساختن اتومبیل افتادند؟ تکامل اتومبیل بصورت فیلم نقاشی متحرک نمایش داده میشود.

○ ساعت ۱۹/۴۰

اسکی باز این بار تقطه جدائی



مادر «ساری» بعد از مدت‌ها تصمیم دارد او را با خودش به منزل ببرد. «ژاک» و «بابی» از این بابت ناراحت هستند. یک روز «ساری» بدون اطلاع از کمپ خارج میشود و تا مدتی از او خبری نمیشود «بابی» به جستجوی او می‌پردازد تا اینکه....

○ ساعت ۲۰/۲۵

مأمور ماصمد

در بالاتر از خطر

قسمت دوم

تشریح یک جنایت

نویسنده و کارگردان: پرویز صیاد
مدیر فیلمبرداری: هوشنگ بهارلو
موسیقی متن: مجتبی میرزاده

بازیگران: پرویز صیاد - مرآ آبیگ - عبدالعلی همایون - محمد گودرزی - بهمن زرین پور - علیرضا قوامی - فرخ‌لقا هوشمند - نجفعلی هادی - محمود شبانی - علی زاهدی.

ورود یک مرد خارجی به آبادی، حوادثی را بوجود می‌آورد و پای صمدآقا و سرکار استوار را به یک ماجرای گانگستری بین‌المللی می‌کشد. در قسمت دوم این مجموعه، سرکار استوار با شتم پلیسی ویژه‌ی خود به تشریح یک جنایت می‌پردازد اما اشکال کار در این است که مجبور به کمک گرفتن از «صمد» میشود...



○ ساعت ۲۱/۴۰

آقای مر بو طه

عصبی

مر بو طه بسیار عصبانی است... دوستان به‌عبارت مر بو طه توصیه میکنند که او را به یک کلینیک روانی ببرد و عیال با اصرار این کار را انجام میدهد و...

○ ساعت ۲۱/۴۵

دانش کپکشان

بدنبال برنامه‌های بی‌دری، اطلاعات کافی در مورد خورشید و سیارگان در اختیار تماشاگران علاقمند قرار گرفت. در برنامه این هفته صحبت از کپکشانها میشود. کپکشان مجموعه‌ای از ستارگان، گازها و غبارهاست که در کنارهم قرار دارند. در این برنامه از کپکشان «رامشیری» که خورشید و منظومه آن در نزدیکی قرار دارند صحبت میشود و ضمناً شاهد نمایش فیلمی از فضا و کپکشانها خواهید بود.

○ ساعت ۲۴/۴۰

فیلم سینمایی

میهمانان فضای خارجی

کارگردان: جک آرنولد
بازیگران: ریچارد گارلسون - باربارا راش
شرح کامل در صفحه ۴۰

دوشنبه ۶ بهمن

○ ساعت ۹

پخش مستقیم

دمونستر اسیون ملی

از میدان شهید

○ ساعت ۱۵

فیلم سینمایی

ایستگاه آتوبوس

کارگردان: جوشوا لوگان
با شرکت: مریلین مونرو - دان مورای
شرح کامل در صفحه ۴۰



مریلین مونرو

○ ساعت ۱۷/۱۱

عصر حجر

«فر» تصمیم میگیرد که برای تولد «ایرما» هدیه‌ای باو بدهد. «فر» به همراه «پیل» برای خرید به جواهرفروشی میرود و یک جواهر کوچک برای «ایرما» می‌خرد. در این

○ ساعت ۱۶/۳۵

کارگران

این برنامه با گفتاری درباره «انومیل شما در زمستان» آغاز میشود که طی آن اطلاعاتی درباره کاربرد ضدیخ، روغن موتور، دیوان و باتری انومیل در زمستان به آگاهی شنوندگان میرسد. سپس گفتگویی با سه تن از دبیران سندیکای کارگران کارخانه‌های مختلف ودونفر از کارشناسان طبقه‌بندی مشاغل درباره نحوه اجرای طبقه‌بندی مشاغل در کارگاهها و مشکلات فعلی این طبقه‌بندی صورت خواهد گرفت. در پایان نیز درباره حمل و نقل دستی، اطلاعاتی در اختیار کارگران گذاشته میشود.

○ ساعت ۱۷/۱۱

برنامه کودکان

هفتخوان

تپه‌کننده: فریزر فخرشایی
این برنامه همه هفته بصورت مسابقه اجرا میشود و شرکت‌کنندگان برنامه از میان کودکان و نوجوانان تماشای انتخاب میشوند
بچه‌های شرکت‌کننده در این مسابقه با جواب دادن به سئوالات خود مراحل مختلف این مسابقه را پشت سر می‌گذارند و در آخرین مرحله به یک کلاه جاکابان و سه میز و دو جایزه خود را دریافت میکنند.
بچه‌های علاقمند به شرکت در این برنامه میتوانند با گروه کودک برنامه ما و شما مکاتبه کنند.

○ ساعت ۱۹/۴۰

موسیقی ایرانی

در این برنامه، ابتدا هنرمندان گروه موسیقی ملی ایران، فرهنگ شریف (تار)، عبدالله توکل (سنتور)، حسن ناهد (نی) و ناصر افتخار (تنگ) قطعاتی در دستگاه بیات زنده می‌نوازند. سپس هوشمند عقیلی با تار فرهنگ شریف قطعه آوازی می‌خواند.

○ ساعت ۲۱/۴۵

برنامه‌ای از «گروه ادب امروز»

مزارش ادبی ماه (۴)

تپه‌کننده: حسن شیدا
از روز شنبه ۲۷ تا دوشنبه ۲۹ دیماه ۱۳۵۴ جمیع بحث در افکار و اشعار صاحب، در محل کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تشکیل شد. در این مجمع سخنبران و محققان درباره زندگی و افکار و اشعار صاحب سخن گفتند و نکته‌های تازه‌ای از شعر و سبک معروف به هندی و بویژه از شعر صاحب را بازخواندند. در برنامه گزارش ادبی ماه، نخست به گوشه‌هایی از این مجمع ادبی نظر می‌افکنید و آنگاه چند دیویداد ادبی خارج از ایران با اطلاع تماشاگران میرسد.

○ ساعت ۲۱/۴۰

آقای مربوطه

مرغ همسایه

مربوطه و عیال به‌زندگی همسایه خود حسرت می‌خورند و همسایه آنها نیز به‌زندگی مربوطه و عیال، واین کار باعث میشود که...

○ ساعت ۲۴/۱۵

کانن

این ماجرا

گوشه تابوت

کارگردان: جورج مک‌گاون
با شرکت: ویلیام کراید - لاری گارفیلد - جیمز مک‌میلان - لوری مایکلز - ریچارد لوتز
لیوآوزو رئیس سندیکای چاپکاران است. داماد او «ریچارد هاسلی» روزی پدر زن خود را در حین آدم‌کشی می‌بیند و از آنجا که نمیتواند او را به پلیس معرفی کند

به مقتضای موقعیت و تناسب با موضوع سود می‌جوید.
«لارنس دوهنی» و سناریستش میدانسته‌اند که مشکل اساسی آنها در بیان، حفظ علاقه تماشاگر تا انتهای اثر جهت تعقیب ماجراست و آگاهی داشته‌اند که برای ابقاء علاقه و کنجکاوی تماشاگران، نباید سناریست مدتی را بر روی یک واقعه مکت کنند، لذا از اجزاء و مسیرهای متنوع داستان ما متوسل می‌شود برده و به موازات هم عوامل مختلف را در مسیر اثر پیش برده‌اند و چنین دقتی سبب شده که عناصر اضافی در مسیر فیلم وارد نشود و لحظات اثر مملو از ماجراهای پیاپی و هیجان‌انگیز شود و برای جلوه هرچه بیشتر این منظور «لارنس دوهنی» و سناریستش «دی. سی. فورتنا» حتی کاراکتر شخصیت‌هایشان را نیز فریانی کرده‌اند، حتی شخصیت «استیو آستین» که از جهت روحی، اخلاقی، خوی و منش مرزهای شناخته شده‌ای دارد اما در اثر «دوهنی» مرزهای شخصیت این پرسوناژ و همچنین شخصیت سرگرد کلی‌وود، هر بار که موضوع هیجان‌انگیزی پیش می‌آید متزلزل و مسیر شناخت و تعمق فیلمساز در شخصیت این دو متوقف و یا درهم می‌ریزد. با این اوصاف فیلم به لحاظ تحرک و هیجان‌کننده‌اش تماشایی است.

ادراست میبرد. و از مأمور مربوطه میخواهد که پول را برایش حواله کند و بعد از اینکه رسید پرداخت پول را دریافت می‌کند، سه مرد که چهره خود را پوشانده‌اند از راه می‌رسند و با تهدید پول‌ها را به سرعت می‌برند.
کلاستر شمر با شهادت «مانون»، «دورجینیانی» را (که به اتهام همکاری با سارقین بازداشت شده) آزاد می‌کند و «دورجینیانی» چون میدانند با حواله‌ای که در اختیار دارد به سادگی می‌تواند پول کلما را در «مدیسون» نقد کند سفرش را آغاز می‌کند.

دردلیجان او با یک مرد و یک زن با نام «لیندا» همسر است. «دورجینیانی» خیلی زود با «لیندا» طرح دوستی می‌ریزد. و در توقفی که بین راه در شهر «وارن هورن» دارند «لیندا» و راز مهمی را برای «دورجینیانی» فاش می‌کند. و آن اینکه مردی به‌نام یک چندان پول را داده است تا در مقابل دریافت دستمزد آنها به «سانتارود» برساند. نحوه ارسال پول که بالغ بر پنجاه هزار دلار میشود، «دورجینیانی» را مشکوک میکند و بهمین جهت هم از «لیندا» میخواهد که موضوع را به کلاستر «وارن هورن» اطلاع دهد ولی....



«دان‌مک دوگال» یکی از پرکارترین فیلمسازان تلویزیونی است و در برآوردی که مجله «سینما تی‌وی تودی» در پایان سال ۱۹۷۵ منتشر کرده، وی را فاعلترین فیلمساز تلویزیونی سال معرفی کرده است. «دان‌مک دوگال» سالهاست که این رویه را دارد و «سینما تی‌وی تودی» درباره‌اش به شوخی نوشته است: که او بارها آثاری را که خودش ساخته است، نمی‌شناسد!

«دان‌مک دوگال» در جوانی سینما را با نویسندگی

سه‌شنبه ۷ بهمن

○ ساعت ۱۴/۵۵

پیکان سیاه

قسمت چهارم

کارگردان: آنتون جولیمایانو
با شرکت: لورنا گوجی - ماریا گرازا بیانچی - آرنولد فویا - آلدور جیانی
سر «دایبل» تصمیم دارد عشق صبیح «جوان» و «دیگ» را از بین ببرد از این روسمی میکند «جوان» را از «مدها» به‌شهر «شورویل» بفرستد. «دیگ» از این موضوع آگاه میشود و با اتفاق دوستان خود برای پیدا کردن «جوان» راه می‌افتند. در میان راه...

میان دو نفر دزد یکی از گرانبهارترین دستبندهای فروشگاه را دزدیده و برای اینکه کسی متوجه نشود آنها را در کالسه «پیل» می‌گذارند... «فرد» و «پیل» به منزل برمیگردند و «پیل» دستبند مسروقه را به عنوان هدیه به «ادریه» میدهد. فرد فکر میکند این دستبند را «پیل» از فروشگاه‌های فروشی برداشته است از این رو برای پس دادن به سراغ فروشنده جواهر می‌رود غافل از اینکه...

بچه‌ها، بچه‌ها

کارگردان فنی: موشی جزاری

تپه‌کننده: نرگس وفادار

بازیگران: حسین وانظی، فرهنگ مهرپور

برنامه این هفته بچه‌ها، بچه‌ها درباره شوخی است. شوخ بودن و دنیا را با دید شادتری تکرستن و گشتار را با لطیف شیرین جالبتر کردن، زندگی را نشاط‌انگیزتر خواهد کرد اما شوخی هم باید تابع مرز و حدی باشد. اورنگ و مهرنگ: با انجام حرکات و گفتاری این مسئله را بازگوئی خواهند کرد.

○ ساعت ۲۰/۴۰

مرد شش میلیون دلاری

THE SIX MILLION DOLLAR MAN

این ماجرا

نجات «آنتایک»

THE RESCUE OF ATHENA ONE

کارگردان: لارنس دوهنی - تپه‌کننده: سام استرانگست، دونالد آر. پول - سناریست و نویسنده داستان: دی. سی. فورتنا (بر اساس شخصیت‌های داستان اولیه «سی‌پورگ» نوشته: مارتین سدمن) - مدیر فیلمبرداری: انزو آ. مارتینیلی - موزیک متن: استانیلی ویلسون - هنرپیشگان: لی میجرز، ریچارد آلدسون و فرای‌آلوسون میچوز - محصول سال ۱۹۷۴ کمپانی یونیورسال و فرستنده تلویزیونی M.C.A.

خلاصه داستان: سرگرد «کلی‌وود» اولین زنی است که قرار است از پایگاه فضایی جاسون واقع در هوستون با سفینه‌ای به فضا برود. جهان متوجه این پرواز است، این پرواز علاوه بر اینکه برای نخستین بار زنی را به فضا می‌برد، یافتن انرژی تازه در فضا را نیز در برنامه کار خود دارد و به همین جهت، چه از نظر حیثیتی و چه از لحاظ تجربه نباید این پرواز با شکست روبرو شود و بهمین جهت هم «سرهنگ «استیو آستین» مأمور آموزش «سرگرد کلی‌وود» میشود و اگرچه آنها در ابتدا با یکدیگر چندان سازگار نیستند اما پروژه آموزش بخوبی پیش میرود و تا موعدهمتر «سرگرد کلی‌وود» به‌واج آمادگی‌اش می‌رسد و پرواز موشک به فضا مطابق برنامه زیر نظر «استیو آستین» انجام میشود.

در اوایل سفر فضائی، همه چیز بخوبی پیش میرود و تمامی گزارش‌های او اصله از سفینه نشان میدهد که پرواز با موفقیت ادامه دارد تا اینکه انفجاری در سفینه روی می‌دهد و علاوه بر از کار افتادن کامپیوتر سفینه، همسفر «سرگرد کلی‌وود»، سرگرد «بال‌آس‌رومن» نیز بشدت مجروح میشود و آنگاه...



مجروح میشود و آنگاه...

«لارنس دوهنی» یکی از تازه‌ترین فیلمسازان تلویزیونی است که در مدت کوتاه فعالیتش توانسته است موفقیت زیادی بدست آورد.
در ماجرای «نجات آنتایک» که نخستین معارفه تماشاگران ما با «لارنس دوهنی» است، وی نشان میدهد که از تکنیک خوبی برخوردار است و لحظه‌ها را پیوسته از دست نمیدهد و از عوامل و عناصر مورد توجه تماشاگر سینما

○ ساعت ۱۴/۴۰

اکوامن

۱- مرد دریا در بازگشت نپتو

حیوانات اقیانوس در معرض خطر هستند چون توفان و زرد شروع شده است، اکوامن و گروهش متوجه میشوند که این رعد و توفان غیرطبیعی است از این رو شروع به جستجو میکنند و درمی یابند که چهار غول بزرگ این طوفان را به راه انداخته اند...

۲- مهاجمین آتشین

«اکوامن» و «اکورا» در زمین دریا مشغول گردش هستند که دچار حمله موشکهای آتشین میشوند این موشکهای آتشین از طرف مردی بنام «ویک» است که تصمیم گرفته دریا را بصورت کویر دریاورد...

○ ساعت ۱۶/۴۵

برنامه کودکان

سوپر من

۱- گروه حقه باز

یک مرد دیوانه برای بهبودن نظم شهر کالسکه‌ای را به وسط خیابان می‌اندازد و در این کار نیز موفق میشود تا اینکه سوپرمن سر میرسد و...

۲- گوربها

سوپرمن با تفاق سنگ برنده مشغول گردش است که زنگ خطر او را متوجه بانگ می‌کند. به بانگ حمله شده است پس...

۳- خرابکاران

یکی از خرابکاران به هنگام مراجعت به شهر متوجه میشود که یکی از پهلای بزرگ شهر خراب شده است، این موضوع را به سوپرمن اطلاع میدهد و...

○ ساعت ۱۶/۴۵

دیده خیال

تپه‌کننده: نهضت خوش‌سیما
کارگردان فنی: مپوش جزایری
مجری: فلورا شیاویز

در برنامه این هفته دیده خد خال نادر ابراهیمی نویسنده و مترجم کتابهای کودکان گفتگو با عده‌ای از بچه‌های حاضر در استودیو در مورد ادبیات دارد این قسمت از برنامه به نمایشنامه نویسی اختصاص دارد. گفتگو و بحث در ادبیات از چند هفته پیش در این برنامه شروع شده که تا چند هفته دیگر درباره مسائل مختلف ادبی نیز ادامه خواهد یافت.

○ ساعت ۱۹/۴۰

کودیک

این ماجرا

بازگشت بخانه

کارگردان: ساتن رولی
باشترکت: گلنت واکر - آنتونی لارنس
همیشه کاره که همیشه رویای داشتن یک زندگی راحت را درس دارد. برای رسیدن به هدفش شروع به فروش مواد مخدر می‌کند. و برای راحتی کار خود جوانی



○ ساعت ۲۰/۴۵

آتش بدون دود

قسمت دوم

نویسنده و کارگردان نادر ابراهیمی

○ ساعت ۲۱/۳۵

آقای مربوطه

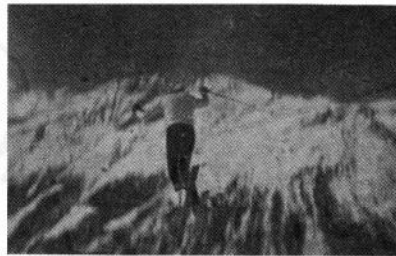
بدترین کار

مزاحمت تلفنی از آن گونه مزاحمت‌هایی است که اعصاب آدم را پشاک خرد میکند. آقای مربوطه نیز از این مزاحمین دل‌پر خونی دارد...

○ ساعت ۲۱/۴۰

این بار

تقطه جدائی



مادر «سلاوی» بعد از مدت‌ها تصمیم دارد او را با خودش به منزل ببرد. «زاکه» و «بابی» از این بابت ناراحت هستند. یک روز «سلاوی» بدون اطلاع از کمپ خارج میشود و تا مدتی از او خبری نمیشود «بابی» به جستجوی او می‌پردازد تا اینکه....

○ ساعت ۲۰/۴۵

مأمور ماصد

در بالاتر از خطر

قسمت دوم

تشریح یک جنایت

نویسنده و کارگردان: پرویز صیاد
مدیر فیلمبرداری: هوشنگ بهارلو
موسیقی متن: مجتبی میرزاده

بازبینگران: پرویز صیاد - مریم آپیک - عبدالعلی همایون - محمد گودرزی - بهمن زربین پور - علیرضا قوامی - فرخ‌لقا هوشمند - نجفعلی هادی - محمود شیبانی - علی زاهدی.

وردود یک مرد خارجی به آبادی، حوادثی را بوجود می‌آورد و پای صمدآقا و سرکار استوار را به یک ماجرای کالبدی کشیده می‌اندازد. در قسمت دوم این ماجرا...



مقتاعد کند که او هیچ مدرکی علیه قاتلین رتش ندارد و نمیتواند خود مجری قانون باشد. در این هنگام گلوله‌ای از تازیکی شلیک و فرانک به شدت مجروح میشود و...



از شهر فرار کرده و به زادگاه خود «برابند» میرود. «ریچارد هاسلی» قبل از فرار از شهر ماجرا را با «کانن» در میان می‌گذارد.
از طرفی «لیونل اورز» دو نفر را مأمور کشتن داماد خود میکند چون می‌ترسد که شاید ریچارد او را به پلیس معرفی کند و...

چهارشنبه ۸ بهمن

○ ساعت ۱۴/۰۵

ترانه‌های ایرانی

در این بخش، فرهی، رفا، مسعودی، الهه و مهستی هر کدام ترانه‌ای اجرا می‌کنند.

○ ساعت ۱۴/۱۰

پشتازان فضا

این بار

ماده‌ای بنام کودیومیت

کارگردان: جوزف سارجنت
با شرکت: ویلیام شاتنر - تئوارد نیمیو - فورست کلی



در یک سفر تجسیسی یک چشم مکعب شکل راه را برسیفنه «انترپرایز» می‌بندد کاپیتان «کرک» دستور میدهد که این مانع از سر راه سفینه برداشته شود. بعد از انفجار چشم مکعب سفینه‌ای به «انترپرایز» نزدیک میشود و پیامی مخایره می‌کند که سفینه انترپرایز به علامت فضائی توجه نکرده است از این رو باید نابود شود. کوشش سرنشینان سفینه انترپرایز به جانی نمیرسد سفینه مهاجم انترپرایز را به دنبال خود به فضای ناشناخته‌ای می‌کشند...

○ ساعت ۱۷/۱۱

رقص ۵x

جلسه‌ای در کلاس باله

برنامه‌ای از گروه باله ملی پارس

عبدالله ناظمی این بار در برنامه رقص ۵x تماشاگران را به کلاس باله دعوت می‌کند و درباره هنر رقص و نحوه تمرینات خاص آن توضیح می‌دهد و در انتهای برنامه چند قطعه باله که توسط عبدالله ناظمی طراحی شده است بوسیله بنفشه بهرامیان - آیدا امیرخانیان - سوسن دیپیم - نجلا میره‌کی - محمود افتردی - اسماعیل لولویسی - آزاده زمانی - و عده‌ای دیگر از اعضاء گروه باله ملی پارس اجرا میشود.



شنبه ۴ بهمن

○ ساعت ۱۹/۳۵
مجموعه جدید

چیس
CHASE

اوج هیجان، حدافه، دلبره...

در سالهای طولانی عمر سینما دفعات روی داده است که از یک داستان یا نمایشنامه موفق، فیلمهای مختلفی در شکل و قالبهای تازه ساخته شده و یا حتی یک اثر معروف چندباز بدون هیچ تغییر و تحولی در موضوع یا پرداخت قبلی، با هنریشگان تازه‌ای دوباره‌سازی شده است. چنین روشی، نوعی تازه از سالها پیش در تلویزیون عمل میشود، وقتی یک فیلم یا موفقیت زودب رو می‌کند و باصلاح معروف گل میکند، آنوقت تهیه کنندگان، با همان عوامل و موضوعها، اثر را بیکسری می‌کنند، مورد مثال مخصوص در این اواخر زیادست فیلمهای مثل: «ویرجینیایی» آبرون ساید، جستجو، کلمبو، فارادی و شریک، خواهران فضول، راه آهن، مک میلان و همسرش، لحظات اضطراری، مردشش میلیون دلاری، شنبه‌باز، لانگ استریت و بالاخره «چیس»...

در اوائل سال ۱۹۳۷ «جک وب» (تهیه کننده و کارگردان موفق آمریکایی که تا بحال بسیاری فیلمهایش، آغاز مجموعه‌های پرطرفداری شده است) با استفاده از داستان اریژنال «استفن. جی. کانل» فیلم سینمایی «چیس» را ساخت.

«چیس» ابتدا عنوان یک افسر پلیس بود ولی بعدها این اسم یادآور مبارزات شجاعانه و ماجراهای هیجان‌انگیز یک گروه شد، اما چرا این گروه تشکیل شد و چگونه؟ یک افسر پلیس در تعقیب و شناسایی یکی از اعضای مؤثر باند قاچاقچیان مواد مخدر با نام «تونبو»، وسیله او بقتل میرسد و چون «تونبو» هیچ برکهای بجای نمیگذارد، پلیس پرونده را مختومه اعلام می‌کند و این درست مغایر نظر کاپیتان «چیس ردیک» است، او اعتقاد دارد بهتر نوحی که شده بایستی قاتل و یا قاتلین را وادار به اعتراف نموده و سپس عقوبتشان را داد، عقیده‌ای کاملاً مخالف قانون پلیس ایالات متحده!

«چیس ردیک» پس از مدتها فکر از راه تازه‌ای وارد ماجرا میشود و تشکیل یک گروه میدهد که از نظر مقامات بالای اداره پلیس، وجود و فعالیتش کاملاً غیرقانونی است، چون اولاً این گروه تشکیل و شمایلی معمول هیچک از افراد پس را ندارند و در درجه بعد به روش «چیس» ماجرا را بیکسری می‌کنند یعنی اینکه بیچوجه پایبند مقررات نیستند!

«چیس ردیک» علیرغم ناملایمات و مشکلات محتمل آینده، با دقت از بین افراد پلیس سه تن را بااسامی «نورم هامبلتون، فرد سینگ و استیو بیکر» را برگزید، اینان در رانندگی اتومبیل، هدایت هلیکوپتر و رانند موتورسکلت



○ ساعت ۲۲/۱۵
ویرجینیایی
LINDA

کارگردان: دان مک دوگال - تهیه کننده: سرجی-مک - سناریست: فرانک فنتون - براساس داستانی نوشته: سی-جرمک - مدیر فیلمبرداری: پنجامین. اچ. گلین - موزیک متن: استانی ولسون - موزیک تیتراژ: پرسی فیت - هنریشگان: چارلز یگفورد، جیمز دراری، دولامک کلور، دان کوئین، سارالین، دایان بیکر و فرانک مک گرات - محصول سال ۱۹۷۰ کمپانی یونیورسال و فرستنده تلویزیونی M.C.A

خلاصه داستان: «ویرجینیایی» وقتی گله را به «مانون» تحویل می‌دهد، با تعجب درمی‌یابد که بایستی در مقابل واگذاری گله پول نقد دریافت کند، در حالیکه وی ترجیح میدهد در سفر طولانی که تا مدیسون بو در پیش دارد، پول گله را بصورت حواله یا چک در اختیار داشته باشد، بهر صورت او ده هزار دلاری را که از «مانون» می‌گیرد به اداره‌بست میرسد، و از مامور مربوطه میخواهد که پول را برایش حواله کند و بعد از اینکه رسید پرداخت پول را دریافت می‌کند، سه مرد که چهره خود را پوشانده‌اند از راه میرسند و با تهدید پول‌ها را به سرعت می‌برند.

کلاتر شش با شهادت «مانون»، «ویرجینیایی» را (که به اتهام همکاری با سارقین بازداشت شده) آزاد می‌کند و «ویرجینیایی» چون میدانند با حواله‌ای که در اختیار دارد به سادگی می‌تواند پول گله را در «مدیسون بو» نقد کند سفرش را آغاز می‌کند.

در دلجان او با یک مرد و یک زن با نام «لیندا» همسر است. «ویرجینیایی» خیلی زود با «لیندا» طرح دوستی میریزد، و در توفش که بین راه در شهر فوارن هورن دارند «لیندا» راز مهمی را برای «ویرجینیایی» فاش می‌کند، و آن اینکه مردی به او یک چندان پول را داده است تا در مقابل دریافت دستمزد آنرا به «استاناردو» برساند. نحوه ارسال پول که بالغ بر پنجاه هزار دلار میشود، «ویرجینیایی» را مشکوک میکند و بهمین جهت هم از «لیندا» میخواهد که موضوع را به کلاتر فوارن هورن، اطلاع دهد ولی...



«دان مک دوگال» یکی از پرکارترین فیلمسازان تلویزیونی است و در برآوردی که مجله «سینما تیوی تودی» در پایان سال ۱۹۷۵ منتشر کرده، وی را فعالترین فیلمساز تلویزیونی سال معرفی کرده‌است، «دان مک دوگال» سالهاست که این رویه را دارد و «سینما تیوی تودی» درباره‌اش به شوخی نوشته است: که او بارها آثاری را که خودش ساخته است، نمی‌شناسد!

«دان مک دوگال» در جوانی سینما را با نویسندگی آغاز کرد و در چندین اثر کمک‌سناریست بود که بهترینش یکی دو اثر از «ریچارد بروکس» است، بعدها او دستیار کارگردان شد و پس از مدت کوتاهی هم خود مستقلاً شروع به کار کرد (سال ۱۹۶۵) و خیلی زود توانست خود را بناماند

«دان مک دوگال» شیوه کارش را پس از سالها فعالیت و بعد از تفسیرهای متعددی که در نحوه کارش نوشته‌اند، چنین توصیف می‌کند.

«من بیش از آن که به هیجانات زائیده تکنیک و تحریک اعتقاد داشته باشم به تحریک فکری تماشاگر معتقدم، تحریک فکری بیننده و بخشیدن انگیزه‌هایی برای تفکر به او، در واقع یعنی همان مفهوم سرگرم کردن».

و در ماجرای «لیندا» برای مقدمین بار این تجربه‌اش را بیکسری می‌کنیم (شائزده بار گذشته اینیاست: جنکل، برازوس کید، چوبه‌دار برای سام هورن، مبارزه در تاریکی، مخفیگاه، دوران زنجها، همه چیز درست و قانونی، گاوچران پیر، قتل پزشک شهر، افشای حقیقت، بیستمین بهار زندگی فلسیتی، تصویر یک بیوه، دختری سوار بر اسب، بیرجم، دیروز گذشته، آنطرف مرز)...

بنام «جان» را استفاده میکند. «جان» که از ماجرای حمل مواد مخدر بی‌خبر است به‌عنوان راننده شروع بکار می‌کند ولی بالاخره سراز کار میج درمیآورد و بی‌آنکه او را مطلع سازد میکریزد.

«میج پس از آگاهی از فراره‌جان» درصدد برمیآید که بهر ترتیب شده او را پیدا کرده و به قتل برساند چون بیم‌دارد که «جان» ماجرا را به پلیس بگوید. در این میان کودی‌اک که دوست صمیمی «میج» است به‌نحوی پایش به ماجرا کشیده میشود و...

○ ساعت ۲۱/۴۵
آقای مر بوطه
اضافه حقوق

در اداره به آقای مربوطه اضافه حقوق میدهند و عیال مربوطه تصمیم دارد باین پول باادارده خرید کند...

○ ساعت ۲۱/۵۰
موسیقی ایرانی

در این برنامه سیمین غانم به همراه ارکستر سازهای ایرانی ترانه‌ای در مایه چهارگاه از ساخته‌های عباس زندی را اجرا خواهد کرد. و آقای حسین قوامی همراه «ناره فرهنگ شریف و کامانچه» علی اصغر بهاری آوازی در همین مایه اجرا می‌کند.

○ ساعت ۲۲/۴۰
فیلم سینمایی

شنیدم که جغدی مرا بنام میخواند

کارگردان: داریل دوک
با شرکت: تام کورتنی - پل استانی، ماریان جونز
شرح کامل در صفحه ۴۴

جمعه ۱۰ بهمن

○ ساعت ۱۴/۴۵
ترانه‌های ایرانی

در این برنامه، عهده، نسرین، سیمینا، حمیرا و مهستی هر کدام ترانه‌ای خواهند خواند.

○ ساعت ۱۵
فیلم سینمایی

قتل بخاطر تو رحم

کارگردان: هاروی هارت
بازیگران: برادر فورد دیلن - ملون داگلاس - رابرت ویر
شرح کامل در صفحه ۴۴

○ ساعت ۲۱/۳۵
آقای مر بوطه
اسکی

مربوطه و عیال بدیدن برنامه «مجله اسکی» می‌شنیند و عیال هوس میکند که اسکی بازی کنند...

○ ساعت ۲۱/۴۰
آشنائی با موسیقی

تهیه کننده: کوروش علیخان

شرح کامل در صفحه ۵۴

○ ساعت ۲۰/۲۵

مرزهای دانش

غذایی که روزانه میخوریم

طبق آماری که در دست است جمعیت دنیا در سال ۱۸۳۰ یک میلیارد نفر بود و بعد از گذشت يك قرن این رقم به دو میلیارد بالغ شد - از سال ۱۹۳۰ تا به امروز جمعیت دوبرابر یعنی حدود ۴ میلیارد نفر تخمین زده میشود. و انتظار میرود که تا پایان قرن یعنی حدود ۲۴ سال دیگر جمعیت دنیا سه برابر جمعیت کنونی باشد. علاوه بر مشکلات گوناگون که از دیدار جمعیت با خود به همراه میآورد مسئله کمبود مواد غذایی در آینده بیشتر رو می‌نماید. باید دید دانشمندان برای این مشکل چه راه‌حلهایی پیش‌بینی می‌کنند.

○ ساعت ۲۱/۳۰

ادبیات جهان

زندگی برناردشو

تهیه کننده: صمد مهاجر
اجرا: فریدون فرح‌اندوز
این برنامه به معرفی زندگی و تحلیل افکار و آثار جورج برناردشو، نویسنده شوخ‌طبع ایرلندی اختصاص یافته است.

بخش: این برنامه مقارن با سست‌وینچمن سالکست مرگ این نویسنده است.

○ ساعت ۲۲

مک‌میلان و همسرش

McMILLAN AND WIFE

این ماجرا

عشق، افتخار و رسوائی

LOVE, HONOR AND SWINDLE

کارگردان: لوئیس آنتونیو - تهیه کننده: جون ایستاسن - نویسنده داستان و سناریو: پتر. اس. فیشر - با استفاده از کارآثارهای نوشته اصلی «لسونارد. بی. ایسترن» - مدیر فیلم برداری: هری وولف - موزیک متن: جری فیلدینگ - موزیک تیتراژ: هنری مانسینی - هنرپیشگان: راک هودسن، سوزان سنت‌جیمز، دیوید بیرنی، میلسدرن ناتویک، جان شاک، گرتجن کویت، نورمن فل، ناتس واگر، ریچارد دیکون، دیوید اسپیلبرگ - محصول M.C.A ۱۹۷۳ کمپانی یونیورسال و فرستنده تلویزیونی در کار خلاصه داستان: «پابلو» که سابقه طولانی در کار جعل اسناد و برگه‌های قرضه دارد، پس از تهیه يك سند



مهم برای تپیکاری به نام «آکستروم» به وسیله او کشته می‌شود و «آکستروم» بدون اینکه هیچ برگه‌ای به جای گذارد بعد از برداشتن کلبه و نمونه سند جعل شده، می‌رود. پس از کشف جسد «پابلو»، همکار «مک‌میلان» کشف می‌کند که «پابلو» با همان اسلحه‌ای کشته شده است که یکماه پیش از این يك زاپنی به نام «ایتامرا بوشی» به‌قتل رسیده بود. بدین ترتیب انگیزه قتل «پابلو» و «ایتامرا بوشی» هنوز مبهم است که «مک‌میلان» وارد ماجرا میشود...

بیشتر سوزه‌هایی که فیلمسازان آمریکایی در سالهای اخیر بدان روی کرده‌اند وسترن، موزیکال، کمدی، جنگی، تاریخی و... است، اینک چنین به نظر می‌رسد که این سوزه‌ها را بیش از اندازه مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند و دیگر مطلب جالب و ناگفته‌ای برای بازگو کردن ندارند و حقیقت آنست که بیشتر این نوع فیلمها عادی

سه‌شنبه ۷ بهمن

○ ساعت ۱۹/۲۵

پایان خوش

زنی در آستانه مرگ

با شرکت: جنیفر هیلری - کیت بارون - جیمزگری
«آلن» بعد از يك مشاجره لفظی دوست دخترش را ترک میکند. دوست دختر آلن که از این بابت سخت‌ناراحت شده است از بالکن آپارتمان خود را به‌خیابان پرت کرده و خودکشی میکند.



«سو» منشی آقای مایکل تمام جریانات آلن و دوست دخترش را می‌بیند. و وقتی پلیس به‌محل حادثه می‌آید او بدون اظهار کلمه‌ای از صحنه حادثه فرار میکند و...

○ ساعت ۲۱/۳۰

موسیقی ایرانی

سیاوش شجریان با غزلی از فروغی بسطامی آوازی در بیات ترک می‌خواند.
نوازندگان: استاد بهاری - جلیل شهباز.

○ ساعت ۲۲

فیلم سینمایی

مردان قورباغه‌ای

کارگردان: لوید بیکن
با شرکت: ریچارد ویدمارک جفری هانتز - دانا اندروز
شرح کامل در صفحه ۴۱



ریچارد ویدمارک در صحنه‌ای از مردان قورباغه‌ای

چهارشنبه ۸ بهمن

○ ساعت ۱۹/۲۵

وضع اضطراری

این بار

عشق بموسیقی

کارگردان: کریستین نای‌بای
با شرکت: بابی تروپ - جولی لندن - رابرت فولر

فوق‌العاده تبخیر دارند و در عین حال از قدرت و توانایی تغییر آهنگ در جستجویا و بیگیری‌های خود نیز برخوردارند و این را «چیس ردیک» از پرورنده‌های گذشته آنها استخراج و پس از برآورد نتایج کارشان، برای انجام منظور خود آنها را از بین سدنا پلیس گلچین کرد و سپس با اجازه سرپرست مستقیم خود، يك سازمان مخفی در قلب دستگاه پلیس شهر بوجود آورد، دستگای شدت فعال و مؤثر، اما غیرقانونی در قلب مجری قانون شهر...

بازیگران مجموعه چیس: مایکل ایان (کاپیتان چیس ردیک)، دایان مائولوز (سام مک‌کری)، مایکسل ریچاردسون (استیو بیک)، بریایان فونگک (فرد سینگ)، رید اسمیت (نورم هامیلتون) آلبرت رید (فرانک‌داوسون)، هستند.

○ ساعت ۲۰/۲۵

ایران زمین

تغزیه در ایران

بخش اول

در این برنامه دکتر پرویز مننون درباره سابقه «تغزیه» در جهان و ایران و نحوه اجرای مراسم تغزیه صحبت خواهد کرد.

یکشنبه ۵ بهمن

○ ساعت ۲۲/۳۰

موسیقی کلاسیک

در برنامه موسیقی کلاسیک این هفته ارکستر سمفونیک رادیو تلویزیون میلان به رهبری ریچارد موتی سمفونی شماره ۱ درسل ماژور اثر چایکوفسکی را اجرا می‌کند.

دوشنبه ۶ بهمن

○ ساعت ۱۹/۲۵

زیست‌شناسی دریا

جانوران ساکن بر تخته سنگها

تخته سنگهای ساحلی در اصل قسمتی از صخره‌های پرتشیب کوههای اطراف دریا هستند که بر اثر یخبندان و بردود هوا از هم متلاشی شده و به‌عماق دریا غلنده‌اند،



این تخته سنگها که آب بندرت آنها را سائیده و از بین میرود محل زندگی حیوانات مختلف دریا از جمله گیاهان دریا مانند، جلبکهای قرمز و جلبکهای دم‌دار و... هستند. در این فیلم ضمن تشریح چگونگی ساختمان این تخته سنگها به مشاهده گیاهان و حیوانات مختلف دریا خواهید نشست...

○ ساعت ۲۱/۳۰

جهان تا تر

نمایشنامه

دویا و يك ننگه‌کفش

نویسنده: پتر باسینج
مترجم: رضا کرم رضائی
کارگردان: جعفر والی
بازیگران: جعفر والی، ولی شیراندازی و امیرسلیمانی.

برنامه بین المللی

NIRT INTERNATIONAL

SAT. JAN. 24

4:00 The World Around Us
4:28 Program intro - News
in Brief
5:20 The Ascent of Man
4:28 Maya
6:12 Lancer
7:00 News

● شنبه

۱۶ دنیای اطراف ما
۱۶/۴۴ اعلام برنامه - اخبار
۱۶/۴۸ ما
۱۷/۴۰ تکامل بشر
۱۸/۱۴ لانسر
۱۹ اخبار

SNU. JAN. 25

4:00 The World Around Us
4:25 Program Intro. - News
in Brief
4:24 Cartoon
5:00 Madame Bovary
5:20 NIRT Special
«All My Sons»
Starring: Burt Lancaster
Edward G. Robinson
Based on the Play by:
Arthur Miller
Directed by Irving reiss
7:00 News

● یکشنبه

۱۶ دنیای اطراف ما
۱۶/۴۵ اعلام برنامه - اخبار
۱۶/۴۵ کارتون
۱۷ مادام بواری
۱۷/۴۰ برنامه مخصوص رادیو تلویزیون
ملی ایران
۱۷/۴۵ فیلم سینمایی: «همه پسرانم»
هنریشگان: برت لکستر -
انوار دجی رابینسون - براساس
نمایشنامه اثر آرتور میلر
کارگردان: ابروینگ زیس
۱۹ اخبار

MON. JAN. 26

4:00 The World Around Us
4:30 Program Intro. - News
in Brief
4:34 Fantastic Voyage
4:55 The World About Us
5:40 NIRT Special
6:10 Search
7:00 News

● دوشنبه

۱۶ دنیای اطراف ما
۱۶/۴۰ اعلام برنامه - اخبار
۱۶/۴۴ سفر عجیب
۱۶/۵۴ گوشه و کنار دنیا
۱۷/۴۰ برنامه مخصوص رادیو تلویزیون
ملی ایران
۱۸/۱۰ جستجو
۱۹ اخبار

TUES. JAN. 27

4:00 The World Around Us
4:25 Program intro - News
in Brief
4:28 Cartoon
4:50 Journey
5:25 La Demoiselle D'Avignon
5:50 Brothers Karamasof
6:12 Streets of San Francisco
7:00 News

● سه شنبه

۱۶ دنیای اطراف ما
۱۶/۴۵ اعلام برنامه - اخبار
۱۶/۴۸ کارتون
۱۶/۵۰ سفر
۱۷/۴۵ دختری از آوینیون
۱۷/۵۰ بردان کارامازوف
۱۸/۱۲ خیابان‌های سانفرانسیسکو
۱۹ اخبار

WED. JAN. 28

4:00 The World Around Us
4:28 Program intro - News
in Brief
4:32 Cartoon
4:50 Room 222
5:20 Civilization
6:10 The Sweeny
7:00 News

● چهارشنبه

۱۶ دنیای اطراف ما
۱۶/۴۸ اعلام برنامه - اخبار
۱۶/۴۴ کارتون
۱۶/۵۰ اطلاق ۲۲۲
۱۷/۴۰ تمدن
۱۸/۱۰ سوئیشی
۱۹ اخبار

THURS. JAN. 29

4:00 The World Around Us
4:26 Program intro. - News
in Brief
4:30 Cartoon (Pufnstuff)
4:50 Water World
5:20 To Be Announced
6:10 Special Branch
7:00 News

● پنجشنبه

۱۶ دنیای اطراف ما
۱۶/۴۵ اعلام برنامه - اخبار
۱۶/۴۰ توپول مووولی
۱۶/۵۰ دنیای آبی
۱۷/۴۰ بعداً اعلام میشود
۱۸/۱۰ واحد مخصوص
۱۹ اخبار

FRI. JAN. 30

4:00 The World Around Us
4:20 Program intro. - News
in Brief
4:24 Oliver Twist
5:00 NIRT Special
5:30 Friday Movie
«The Postman Always
Rings Twice»
Starring: Lana Turner
John Garfield
Directed by: Tay Garnett
7:00 News

● جمعه

۱۶ دنیای اطراف ما
۱۶/۴۵ اعلام برنامه - اخبار
۱۶/۴۴ اولیور توئیست
۱۷ برنامه مخصوص رادیو تلویزیون
ملی ایران
۱۷/۴۰ فیلم سینمایی جمعه
«پستی دوبار زنگ می‌زند»
هنریشگان لانان تر، جان گارفیلد
کارگردان: تی گارنت
۱۹ اخبار

غالباً قراردادی و گاهی هم خلاف واقعیت هستند. از این میان به نظر می‌رسد تنها فیلم پلیسی است که جای‌درآختن دارد.

اکثر فیلم‌های تلویزیونی - به شکل مستقل یا مجموعه‌وار - که در سالهای اخیر، زمینه‌ی پلیسی‌داشته‌اند، با موفقیت زیادی روبرو شده‌اند، «مک‌میلان و همسرش» یکی از این مجموعه‌هاست که در وهله اول یک فیلم پلیسی با سبک خشن و مهیج - درباره سرعت و یا جنایت، به نظر می‌رسد در حالیکه در ورای آن جاشنی طنزی گریزاً نیز جاریست. با سناریوهای فوق‌العاده هوشمندانه و با طراحی که غالباً برای این مجموعه نوشته میشود میتوان درباره‌شان گفت: مهیج و در عین حال شیرین هستند.

«لوتیس آنتونیو» کارگردان این قسمت از مجموعه «مک‌میلان و همسرش» یکی از پرکارترین کارگردانان تلویزیونی است که همه نوع فیلمی را کارگردانی کرده است از پلیسی و حادثه‌ای گرفته تا کمدی و درام... «لوتیس آنتونیو» بسته به فیلم‌هایش روال و سبک کارش را تغییر می‌دهد. این فیلم با وجودی که از دید مشخص با کیفیت جاندان از جانب «لوتیس آنتونیو» بیگیری نمی‌شود، اما مانند همه فیلم‌های داستانی و آثار بی‌دینی امریکایی، به خاطر فضای زنده و بازیهای خوب بازیگران (و در مورد این فیلم بخصوص به خاطر سناریوی سنجیده فیلم) اثری تماشایی و سرگرم کننده است.

پنجشنبه ۹ بهمن

○ ساعت ۴۱/۳۰

مردی بنام جونز

این داستان

مسابقه‌ای برای مرگ

کارگردان: لانس دوپکین
با شرکت: بادی ایپس - لی مروودر - مارک رابرتز
«مارک» قهرمان مسابقه اتومبیل‌رانی است. و این عنوان را از پدر زن بولدازش که صاحب کمپانی اتومبیل-سازی است دارد. «مارک» معشوقه‌ای دارد که دور از چشم زنتی با او خوش میگذرانند. روزی به هنگام معاشرت با معشوقش، برادر زنتی آنها را می‌بیند و «مارک» را در تنگنا قرار میدهد که موضوع را به خواهرش اطلاع خواهد داد. این ماجرا باعث میشود که «مارک»، «کورت» برادر زنتی را بقتل برساند و صحنه جنایت را یک تصادف اتومبیل جلوه میدهد. پدر «کورت» که نسبت به اتفاقی که افتاد مشکوک است بازتابی جونز را مامور رسیدگی این قتل میکند...

جمعه ۱۰ بهمن

○ ساعت ۱۹/۴۰

فیلم سینمایی

سر بلند

کارگردان: آر. جی. اسپرینگستین
با شرکت: تونی یانگ - دان دوریا - جو مارو
شرح کامل در صفحه ۴۴

○ ساعت ۲۲/۱۰

فیلم ویژه

معنای مرگبار

کارگردان: دان وایز
با شرکت: ژاک سرناس - لاتیو رود - تدین تاجر - ماری کی
فرانرا «آرت» در حین شکار به املاک دوک «کولز» معروف به شوالیه قرمز می‌رود. این دو سالهاست که با هم دشمنی دارند. دوک «کولز» بعد از دستگیری «آرت» در مزرعه خود به سرزنده ماندن او معامله‌ای میکند باین صورت که در عرض یک ماه باید جواب معنایی را که او طرح میکند پیدا کند وگرنه به قتل خواهد رسید.
از آنجا که فرانرا «آرت» مقام شوالیه دارد به قولش ارج می‌نهد و سعی می‌کند به هر ترتیب شده جواب معنای شوالیه قرمز را پیدا کند و در این میان پایش به ماجراهایی کشیده میشود که بسیار شیرین و جذاب است...



ریچارد کارلسون

میهمانان فضای خارجی

IT CAME FROM OUTER SPACE



یکشنبه

۳ ساعت ۴۰

در حیران کردن تماشاچی خواننده داشته باشند، در یک وجه تمثیلی - فزولی، مرثیه دورانهای ساده و باصفا گذشته را می-سراید، مردی که از آینده می-نویسد و میگوید در گذشته باقی بماند.

از «ری برادری» - (باربردی) نوشته زیاد داردا - بیش از چند داستان کوتاه در ایران چاپ نشده اما بیشتر کارهایش را در سینما و تلویزیون (چه فیلمهایی که از داستان او برداشت شده و چه فیلمهایی که سناریستش خودش بوده) علاقمندان داستانهای او دیده اند:

سینما: خاطرات تریخی - مرد خالکوبی شده - کارناوال تارک - فانهایت ۴۵۱ - تابستان پیکاسو - موجوی که از آن سوی فضا آمد - هویای اعماق بیست هزار فرسنگی و مانی دیک (که این آخری نوشته هرمان ملویل است و «ری برادری» آن را برای «جان هوستون» سناریو کرد) - تلویزیون: فیلمهای آلفرد هیچکاک (که سمتریشان اینهاست: ریابو چیستکا چنین مرد - شرکت سهامی عربیست ها - در جستجوی مرگ - محصول زندگی خوان دیاز) - فیلمهای «حقه گلوله» - فیلم بلند: زنی فریاد میکند - منظره تارک، روشن - من تمی الکتریکی را میسرایم...

در مورد فیلم «میهمانان فضای خارجی» (موجودی که از آن سوی فضا آمد) «ری» برادری، مجله «تیک وان» با او درباره این اثر گفتگویی انجام داده است که ماحصل آنرا می آوریم:

من به هنگام نوشتن سناریوی فیلم «موجودی که از آن سوی فضا آمد» هنوز خیلی خام بودم ولی مدیران استودیوی یونیورسالت اتفاقا سناریو را پسندیدند ولی چون به من اعتقاد نداشتند، بهمین جهت نوشته مرا به سناریست دیگری (هاری اسکس) دادند، این سناریست، حرفهای و ظاهراً نوشتن سناریو برایش کار خیلی ساده‌ای بود. این سناریست از نوشته من خیلی زیاد استفاده برد اما من ندانم خواهد در حق آن سناریست بی‌انصافی بکنم. بهر جهت یاد هست که سناریو او بر آنچه که من باهمه خامیام تهیه کرده بودم بشدت تکیه داشت. این سناریو اولین سناریوی واقعی من بود. موضوع سناریو تازگی داشت، و به زمانی به قدمت «ژول ورن» و حتی پیش از او برمی گشت و در واقع پرداختن تازه از یک موضوع قدیمی بود. بنی از مستحای این فیلم خیلی خوب از کار درآمد و یکی از اولین فیلمهایی بود که به نحو جالبی از هلیکوپتر استفاده میشد. خیلی از صحنه‌های فیلم کارهای آلفرد هیچکاک را بیاد آورده، بساچود این در مورد بعضی از قسمت‌های نوشته‌ام مبالغه شده بود که صورت خوشی پیدا نکرد. من گفته بودم که وحشت را باید بطور ضمنی و با اشاره القاء کرد ولی آنها اصرار داشتند که هویای فیلم را حتماً نشان بدهند و نشان هم دادند. هویا بیش از نیم‌ثانیه نباید نشان داده میشد، ولی در فیلم پنج‌شش ثانیه دوربین روی او مکت می‌کند و آدم بخوبی می‌بیند که گرمی او دارد آب می‌شود و می‌جکد، زویبرفته فیلم «میهمانان فضای خارجی» (موجودی که از آن سوی فضا آمد) فیلم خوبیست، فیلمی که البته من احساس افتخار بخصوصی در مورد آن نمی‌کنم ولی از آن شرمنده هم نیستم.

خورشید فردا در حال خنک شدن و استراحت است، در خانه من که نزدیک شهر است، همه به آینده اطمینان داریم. یک شب در کنار «الین فیلدز» (که قرار است همس آبندهام باشد) بودم، شیش نوزانی را دیدیم که در دامنه کوهی کنار معدن قدیمی «آکسلسیور» سقوط کرد و انفجار بزرگی را بوجود آورد، که در علم نجوم مطالعه پیگیرانه‌ای دارم گمان کردم که این یک سنگ آسمانی است، بهمین دلیل فوراً «پیت» را از این ماجرا مطلع کردم و بسا هلیکوپتری به محل سقوط سنگ آسمانی رفتم و با وجود مخالفت «الین» و «پیت» وارد حرفه‌ای که در نتیجه اصابت جسم یا سطح زمین بوجود آمده بود شدم ناگهان متوجه شدم، شیش نوزانی، یک سفینه است. پس.... بزرگترین امتیاز فیلم «میهمانان فضای خارجی» (نام اصلی: موجودی که از آن سوی فضا آمد) اینست که «ری برادری» آنرا نوشته است. «ری برادری» به درجانی بزرگترین نویسنده افسانه‌های علمی در جهان است، گفته میشود افسانه‌هایش بیش از آنکه «خالق دنیاها و مکانیزم‌های محرالعقول سعی باربارا راش درصحنه‌ای از «میهمانان فضای خارجی»

کارگردان: جک آرنولد - تهیه کننده: ویلیام آلتند - سناریست: هاری اسکس - بر اساس داستانی نوشته: ری برادری - مدیرفیلمبرداری: کلیفورد استاین (فیلمبردار صحنه‌های ویژه: دیوید. اس. هورسلی) - موزیک‌من: جوزف گرشسون - هنریشگان: ریچارد کارلسون، باربارا راس، چارلز دریک، جو سایر، راسل جانسون، کاتلین هیوز - محصول سال ۱۹۵۳ کمپانی یونیورسالت اینترنشنال

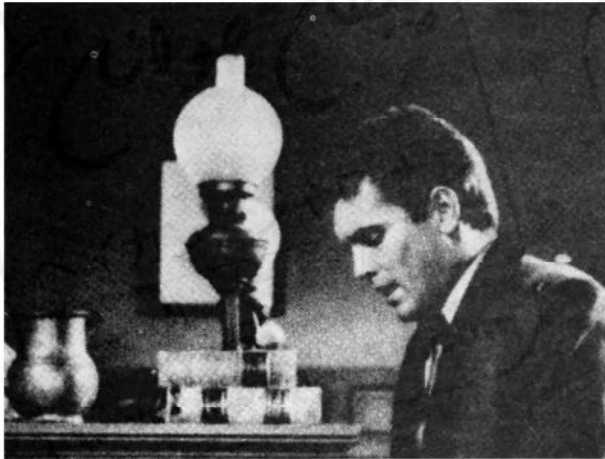
ارزش فیلم: خوب (۵۵٪) در ارزش - گذاری منتقدان فیلم آمریکا به سال ۱۹۷۵ خلاصه داستان: دجان بوتنام، که کارش نویسنده‌گی است ماجرائی را که بر او گذشته است، این چنین تعریف می‌کند:

«اینجا» سندزاک آریزونا و اوتل شب یکی از روزهای بهار است؛ سندزاک شهر قشنگی است. شیری که گذشته‌اش را می‌داند و به آینده‌اش اطمینان دارد، امشب هم مثل همه شبهای دیگر شروع شد و فراداش هم مثل همه فرادهای دیگر قابل پیش‌بینی است، صحرای اطراف شهر برای سازه



فلم «میهمانان فضای خارجی» از اولین آثار «جک آرنولد» است که در نوروز گذشته نیز فیلم سینمایی «قرص نیرو» را از او دیدیم. «جک آرنولد» (متولد ۱۹۱۶) مدت‌ها آسبستان کارگردان و بعد کارگردان فیلم‌های مستند بوده و در سال ۱۹۵۲ با فیلم «دخترها در شب» عنوان کارگردان فیلمهای سینمایی را بدست آورد.

«جک آرنولد» در بیشتر فیلم‌هایش به موضوع‌های کمدی و فانتزی توجه دارد و مهم‌ترین کارش در این زمینه فیلمی است با نام «در دیکه کوچک میشود».



جفری هانتز



سه شنبه

○ ساعت ۲۲



دوشنبه

○ ساعت ۱۵

ایستگاه اتوبوس THE FROGMEN BUS STOP

«کاپیتان لارنس» که به تازگی فرماندهی گروه را به عهده گرفته، یک مشکل دارد، این که افراد گروهش تحت تأثیر فرمانده سابق خود کاپیتان کاسیدی هستند - کاپیتان کاسیدی، مردی مصمم، شجاع، فداکار و مهربان بود و به هنگام نجات یکی از افرادش در «یوجینا» در گذشت - ولی «لارنس» با وجود احترامی که برای عقیده سرانجامش قائل است سعی می کند آنها را با روش خاص خودش اداره کند و به همین جهت علیرغم زرمه‌های مخالفت آنها، پس از دریافت پیام حمله به ساحل قرمز، با شیوهی خاص خودش عمل می کند ولی...

«لوید بیگون» در دوره‌ای فیلمساز بود که تمبه کنندگانش معتقد بودند که سینما در هر زمینه‌ای اعم از موزیکال، حادثه‌ای، کمدی، درام و یا جنایی باید رساننده پیامی اجتماعی و دارای هدفی اخلاقی و انسانی باشد. در این چنین شرایطی «کارگردانان» فیلم‌ها در واقع حکم یک بر گزار کننده و یا واسطه را داشتند و وظیفه‌شان در قبال فیلم این بود که سانسورهای آماده و مورد تأیید تهیه کنندگان را تنها تصویر کنند و «لوید بیگون» با همین سبب از سال ۱۹۲۶ در هالیوود آغاز بکار کرد و بدون وقفه تا سال ۱۹۵۵ فعالیتش را ادامه داد.

«لوید بیگون» در سال ۱۸۹۵ متولد شد، وقتی که بیش از بیست و پنج سال نداشت، وارد کار سینما شد، «لوید» ابتدا کارش را از بازیگری شروع کرد. در آثاری از «چارلی چاپلین» نیز بازی کرد. او که به کارگردانی بیش از بازیگری علاقه داشت، ضمن بازیگری، دستکاری کارگردانان را نیز به عهده می گرفت.

سرانجام «لوید بیگون» قراردادی با کمپانی وارنر منعقد کرد و با فیلم «پرونده محرمانه ایزی مورفی» (به سال ۱۹۲۶) به عنوان کارگردان فعالیتش را در سینما ادامه داد و تا سال مرگش (۱۹۵۵) بیش از هفتاد فیلم ساخت که مهم‌ترینشان اینهاست:

آوازخوان احقر، مابیدیک، خیابان چهل و دوم، پنج میلیون مرد فرانسوی، آتش نشانها بچه‌ها را نجات بدهید، عکس ربهود، سنده، زن نشان سنده، سان کوئینسن، بچه ار کلاهها، بچه‌ای متولد شده، برادر اورکید، ماجرای آتلانتیک شمالی، کاپیتان ادی، هر بهار اتفاق می افتد، قتل داور، طریق فرانسوی و مردان قورباغه‌ای.

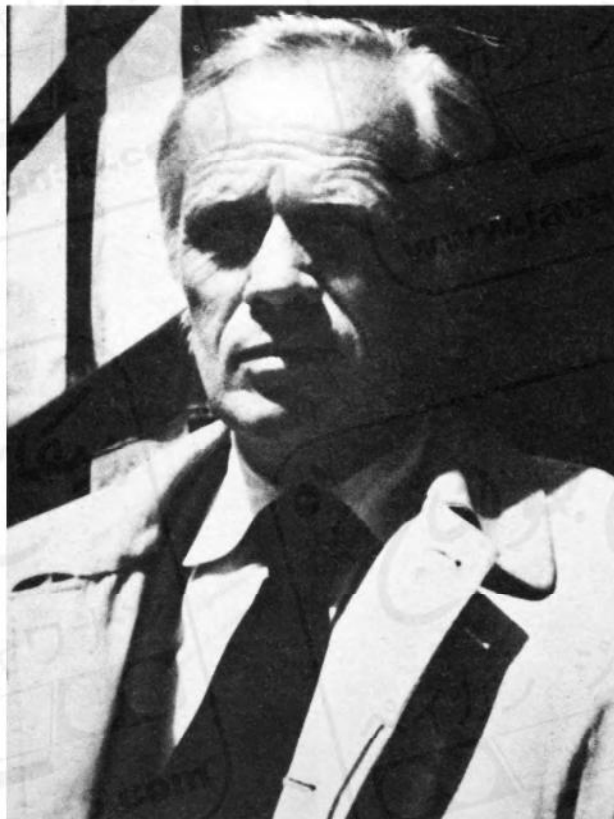
در فیلم مردان قورباغه‌ای، «لوید بیگون» با تجارب و مهارت‌های تکنیکی که دارد بخصوص در سحنه‌های پر حادثه، به فیلمش وزن و اهمیت داده، اما متأسفانه میزان این تسلط در تمامی فیلم یکنواخت نیست، با اینحال موضوع فیلم و زمینه پر تحرک و هیجان‌انگیزش، آنرا تماشاچی ساخته است.

خلاصه داستان: فیلم «مردان قورباغه‌ای» بر اساس داستانی واقعی از جنگ جهانی دوم است. داستان گروهی از بهترین مردان نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا، گروه مردان قورباغه‌ای... اولین ماجرای مردان قورباغه‌ای بعد از آخرین درگیری بین خودشان آغاز می شود، مردان قورباغه‌ای در کشتی به دو گروه تقسیم شده‌اند (این دو گروه تحت فرماندهی دو افسر هستند، کاپیتان لارنس و کاپیتان دان). گروه کاپیتان لارنس پیام می گیرند که به ساحل قرمز حمله کنند.

کارگردان: لوید بیگون - تهیه کننده: ساموئل جی. ایتل - سناریست: جان تاگر بائل - بر اساس داستانی از: استکار میلارد - موزیک متن: سیریل ماکریج - مدیر فیلمبرداری: نوربرت برودین - هنرپیشگان: ریچارد ویدمارک، دانا اندروز، جفری هانتز، رابرت واگنر، گاری مریل، وارن استیونس، هاروی لیمک، رابرت رالزول، هنری سلان - محصول سال ۱۹۵۸ کمپانی فوکس قرن بیستم

ارزش فیلم: خوب (**) در ارزش - گذاری منتقدان فیلم آمریکا به سال ۱۹۷۰

ریچارد ویدمارک



کارگردان: جوشوا لوگان
تهیه کننده: بانو آدلر
مدیر فیلمبرداری: گرامر
نویسنده: جرج اسکروود
موزیک متن: آلفرد نیومن - سیریل جی. ماکریج
هنرپیشگان: مریلین مونرو - دان مورای - آرتور اوکانل
محصول کمپانی فوکس قرن بیستم



قتل بخاطر ترحم

کارگردان: هاروی هارت - تهیه کننده: آدریان سامیث - نویسنده داستان و سناریو: داگلاس. دی. استوارت - مدیر فیلمبرداری: ویلیام. دبلیو. اسپنسر - هنرستان: برادفورد بلن، ملوین داگلاس، راپرت ویر، دنور بایل، نیوید بیرنی، میلارد دانولک، دن پورتر - محصول سال ۱۹۷۴ کمپانی متروعدیا
ارزش فیلم: خیلی خوب (***)

خلاصه داستان: دکتر پل مایکل هارلسون - استاد برجسته دانشگاه سان لئون و صاحب تألیفات مهم پزشکی - زندگی آرامی با همسرش دارد مدتی است که همسرش ناراحتیهای دارد و دکتر معالج او «هندریکس» تشخیص میدهد که به بیماری «سرطان» دچار شده است.

دکتر هارلسون «علیرغم پاس شدید همسرش، معتقد است تا موفقی که کوچکترین روزنه‌ای هست باید امیدوار بود و بهمین جهت او را در بیمارستان بستری می‌کند و با مراقبت شدید، از او تک‌پداری می‌کند، اما هر بار که همسرش به هوش می‌آید، از شوهرش میخواهد او را راحت کند و یکبار نیز می‌گوید، اگر من بجای تو بوم و تو چنین تقاضایی از من کرده بودی، من حتماً



شنیدم که جغدی مرا بنام میخواند

I HEARD THE OWL CALL MY NAME

پنجشنبه

○ ساعت ۲۲/۳۰



نمی‌انجامد؛ چه سرخیستان دهکده به او رجوع کرده و از او میخواهند که تا پایان عمرش نزد آنها زندگی کند ولی...

«داریل دوک» فیلساز بیست که هنوز سالهای فعالیتش در تلویزیون بوده سال نکتشیده است، یکبار در هنگام معرفی یکی از کارهایش، از موقعیت گذشته و امروز «هالیوود» گفتیم که زمانی «هالیوود» را اینطور توصیف کرده‌اند: تنها پناهگاه و دارالسلامت است که توسط ساکنین و پناهندگان خودش اداره میشود:

«هالیوود» شهری بود که به گفته «جرج ناتان» با ده میلیون دلار ماشین آلات مختلف تنها کارش این بود که روی کالیاس را پوست بکشد، تسهیری که یگانا محصول کارخانجات عظیم و برهپایش فقط اشغال‌ها و رویاهای ماشین بود، هنوز ماشین آلات در هالیوود برای همان پوست کشیدن کالیاس بکار گرفته میشوند و قابل توجه‌ترین واقعیت اینست که سینما در هالیوود، علیرغم موفقیت‌های مادی یکی دوسال اخیرش مرده است و آنچه نازم می‌نماید کوشش بعضی از جوانان آنهم در تلویزیون است. «داریل دوک» یکی از این تازه‌واردان است.

علیرغم میراثی که از استادانی چون «دیوید وارلک» کریفیت و «سرگی آیزنشتاین» به‌جای مانده، فیلسازان به تجربه راههای تازه و ارائه تکنیک‌های تازه روی می‌کنند. «داریل دوک» یکی از این جوانان است که جسارت زیادی در تغییر روش‌های معمولی و یکنواخت فیلسازی در اثرش نشان میدهد و اگر چه کاراکترها و تیپ‌های اثرش، او را مقید می‌کنند معیذاً خوب کار کرده و باوجود تجربه نه‌چندان زیادش در کار سینما، چیزی از با تجربه‌ها - چه در زمینه تکنیکی و چه در زمینه ارائه افکار و راههای تازه - کم ندارد.

«داریل دوک» در این فیلم، علاوه بر پرداختن به شخصیت «مارک برایان» و «پیشاب»، نگاه همه‌جانبه و دقیق خود را به محیط و آدمهایش متوجه کرده و اشاراتی مؤثر میکند و علیرغم اینکه داستان فیلم بازتاب کمتری از نظر ماجرا، همچنان و غالب عناصر معمول و مورد استفاده فیلم‌های دیگر، ندارد، اما پرداخت دقیق و سنجیده فیلسازی و بازی‌گری «تام کورتنی»، فیلمی فوق‌العاده تماشایی بدست داده است.

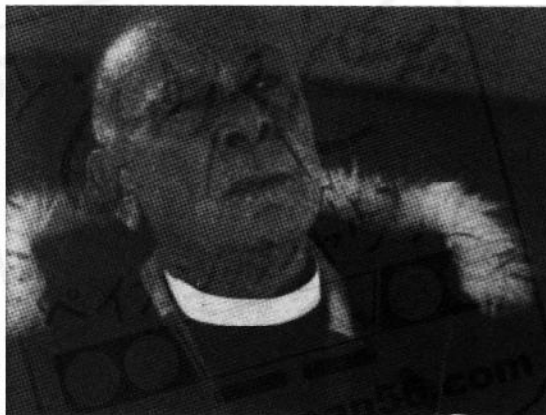
خلاصه داستان: «مارک برایان» کشیش نازم کار و جوانی است که به بیماری غیرقابل علاجه دچار شده است در حالیکه خودش خبری ندارد ولی مسئول مستقیم او «پیشاب» که کشیش پرسابقه و میانجی است از این امر آگاهی دارد اما هرگز این موضوع را با او در میان نگذاشته است. یکبار «پیشاب» او را فراموش می‌خواند و مطلعش می‌سازد که باید به‌دعای به‌نام «گوت کوئیز» سفر کند و مردم دهکده را که سرخیوست و خرافاتی هستند، راهنمایی کند.

«مارک برایان» ابتدا از دریافت خبر این مأموریت افسرده میشود ولی بعد می‌پذیرد. مردم دهکده معتقدند که وقتی زمان مرگشان فرا میرسد، جغدی آنها را بنام خدا خواهد کرد...

«برایان» در وهله اول اعتقادش را چندان جدی نمی‌گیرد، اما پس از اینکه مدتی با آنها زندگی می‌کند، به اعتقادات سرخیوستان دهکده دل می‌بندد و دوستان زیادی پیدا می‌کند، چندی نمی‌گذرد که نام خود را از جغدی می‌شنود. در همین حال کشیش «پیشاب» نیز پیدایش میشود و با او از غیر قابل علاج بودن بیماری و سرگرم زودرس او، صحبت می‌کند.

«مارک برایان» افسردگی‌اش بطول

کارگردان و تهیه‌کننده: داریل دوک - نویسنده سناریو: جرالدی یگو - پرآسانی داستانی با عنوان «شنیدم که جغدی مرا بنام میخواند» نوشته: مارگارت گراون - هنرستان: تام کورتنی، پل استاللی، ماریان جوز، جرج کلفوتسی - محصول سال ۱۹۷۳ کمپانی متروعدیا
ارزش فیلم: خیلی خوب (***)





جمعه

○ ساعت ۱۹/۳۰



سر بلند

HE RIDES TALL

حفظ آرامش شسر را باو یادآوری می‌کند، اما «کیل مک کلاده» بزودی این توصیه را از یاد می‌برد و کمی بعد به هنگام درگیری با یکی از کارگران پدرش، اسلحه میکشد و در همین زمان نیز «کلانتر مورگن» از راه می‌رسد و بعد...

«رابرت. جسی. اسپرینگستین» (آر. جی. اسپرینگستین) - متولد ۱۹۴۲ - پیش از چهل و پنج سالست که در سینما فعالیت دارد. او از سال ۱۹۳۵ فعالیتش را در سینما آغاز کرد و هفده سال در تهیه صحنه‌های خارجی و حادثه‌ای آثار وسترن دست داشت و سرانجام به‌سالم ۱۹۶۷ نخستین فیلم مستقل خود را (که یک فیلم وسترن بود) با نام «پاسداران بوم تاون» عرضه کرد و از آن پس بی‌وقفه تا این اواخر فیلم ساخته است که همبستر نشان اینهاست: سخت‌ترین مرد آریزونا، کول باتکر ششول بند، سلطان اسپهای وحشی، شودان، مهمیز سبانه، برزین سرخ، طغیان آچاچی، جانی زنو، تاکارت، واگو، گلوله‌های برای یک مرد خیبت و سربلند...

آثار «اسپرینگستین» هیچگاه استثنائی درخشان نبوده‌اند اما همگی از ارزش نسبی و خصوصیت مهم تماثاتی بودن، برخوردار بوده‌اند، او در این فیلمش نیز چون آثار گذشته خود، پرداختی ساده و روان دارد، «اسپرینگستین» در حالیکه سعی کرده به آدمبایش هویت بدهد، حادثه را نیز از نظر دور نداشته و از حرکات دوربین به نسبت بهره گرفته و رویهم‌رفته در این فیلمش محتوی و فرم ارتباط مناسب و متعادل دارند.

کارگردان: آر. جی. اسپرینگستین - تهیه‌کننده: گوردون کی - سناریست: چارلز. دلبو. ایروین، رابرت کریتون ویلیامز - براساس داستانی از: چارلز. دلبو، ایروین - مدیر فیلمبرداری: ایس. دلبو، کارتر - موزیک متن: ایروینگ گرتز - هنرستان: تونی باتک، دان دوربا، جومارو، مادلین رو، آر. جی. آرمسترانگ، جونل فلورین، گارل رابنل، میکی سمیون، جرج مورداک، مایکل کار، جرج پتری - محصول سال ۱۹۶۲ کهنای یونیورسال

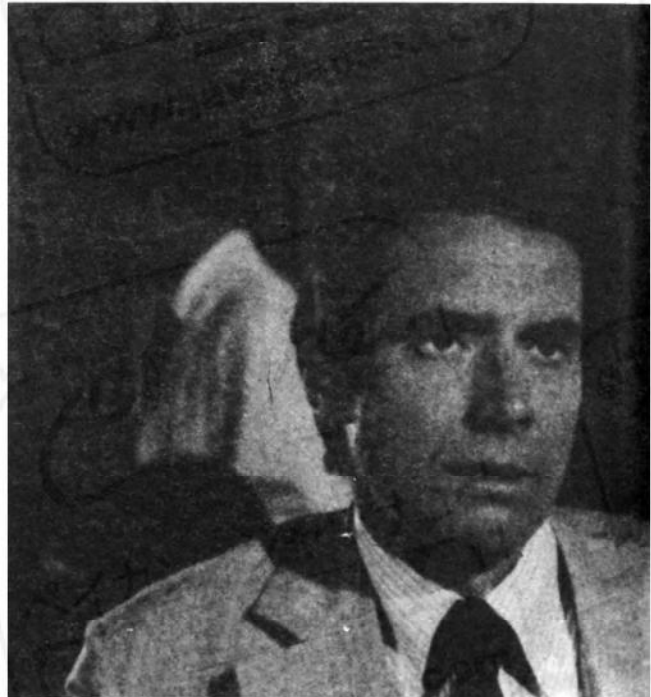
ارزش فیلم: خوب (***) خلاصه داستان: «کلانتر مورگن» با کنترل مداوم تبهکاران و آدمبهای شرور، توانسته است شسر آرامی درسالهای شرارت و سرکشی غرب پدید آورد. ماجرا از زمان ورود «کیل مک کلاده» فرزند سرکش «جاشو مک کلاده» که مرد متنولی است و حالا به خاطر پیری و نفاقت، «تورن» مباشر «جاشو مک کلاده» که خانه‌نشین شده است - به شسر آغاز میشود، او بدون اطلاع پدر و مباشر پدرش «تورن»، کله را به فروش می‌رساند. در این فاصله «کلانتر مورگن» با «تورن» و «کیل مک کلاده» دو ملاقات دارد.

بوسبیل «مورگن» مدتی زندانی شده و حالا چندبست آزاد شده، چون روحیه «مورگن» را می‌شناسد، توصیه او را درمورد حفظ آرامش شسر با تردید می‌پذیرد، ولی «کیل مک کلاده» با «مورگن» - که قصد دارد روز بعد از غفلت استعفا داده و با دختر مورد علاقه‌اش «الی»، که صاحب یار شسر است، ازدواج کند و شسر را ترک کند - درگیر می‌شود و «مورگن» پس از گوشمالی دادن او،

آنچنان باریک‌بین و موشکاف باطنه، بیاد می‌آورند که «هاروی هارت» یکی از کارگردانان صاحب فن این مجموعه بی‌دردی بود که بخاطر تحرك باسلفه و حساب‌شده‌ی دوربینش و تداوم و ریتمی که به پیوند نام‌های اثرش میداد، همیشه کارش جلوه داشت. «هاروی هارت» که این روزها بیشتر در تلویزیون فعالیت دارد با فیلم «تاریکی مزاج» در سال ۱۹۶۵ به سینما روی کرد، فیلم بعدی او «باس زایل» به شسر باز می‌گردد بود (که پیش از این از تلویزیون نمایش داده شده است) - از آثار مهم دیگر «هارت» در سینما باید از «امپراطوری سولسوان» و «سواری شیرین» نامبرد، «قتل بخاطر ترجم» یکی از آخرین کارهای اوست. «هاروی هارت» فیلمساز است با ذوق اما بی‌تجربه. ذوقش، لحظات سینمایی درخشانی را سبب شده که البته تداوم ندارد و گاه فیلم دچار سقوط میشود و یکپارچگی فیلم از دست می‌رود، با این حال فیلم در مجموع بعنوان فیلمی دیدنی در ذهن باقی میماند.

می‌پذیرتم... و دکتر «هارلسون» که به شدت به همسرش علاقمند است، سرانجام خواسته همسرش را عملی می‌کند و با تزریق دارویی او را به قتل می‌رساند و سپس خود را به پلیس معرفی می‌کند. «دکتر پل مایکل هارلسون» دردادگاه میگوید که هیچ‌وجه حاضر نیستم از خود دفاع کنم و اصرار رئیس دادگاه را برای پذیرفتن وکیل مدافع نمی‌پذیرد و وقتی به انتظار سرنوشت خود، ساکت در گوشه‌ای نشسته است میرزترین وکیل مدافع آمریکا به او نزدیک شده و میگوید که حاضر است دفاع از او را بعهده بگیرد اما...

«هاروی هارت» که متولد سال ۱۹۲۸ و اصلاً کانادایی است، پس از اتمام تحصیلات سینمایی و دوره کارآموزی به تلویزیون روی کرد و سالها در تلویزیون فعالیت داشت، کسانی که حافظه قویتری دارند، کار این فیلمساز را در مجموعه بی‌دردی «محله پیتون» بخاطر دارند و صاحبان این حافظه قوی، اگر



تازه‌ها برنامه‌ها

مهاپاد - مناف ایران پناه

سلام

- آیا امکان دارد که واحد نمایش سازمان رادیو تلویزیون برای پیشبرد و تشویق هنرمندان شهرستانی که در زمینه تئاتر فعالیت دارند مسابقه و یا جشنواره ترتیب بدهد تا آنها بدینوسیله استعداد خود را در این زمینه نشان دهند.

واحد نمایش تلویزیون می‌تواند با مشخص کردن یک نمایشنامه از جوانان شهرستانی بخواهد که استعداد و هنر خود را به نمایش بگذارند و می‌تواند برای برنده نیز جوایزی را در نظر بگیرد.

تماشا:

با مدیر واحد نمایش سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران - داود رشیدی - صحبت کردیم. در جواب سئوالات گفتند:

توجه جوانان شهرستانی به تئاتر و همچنین به کارهای نمایشی، مارا بر آن داشته است که در این زمینه فعالیت گسترده‌ای را آغاز کنیم. برای این منظور از سال آینده، سمینار و جشنواره‌ای از طرف واحد نمایش سازمان رادیو تلویزیون با همکاری وزارت فرهنگ و هنر تشکیل خواهد شد. این فعالیت تحت عنوان «سمینار و جشنواره کاتر شهرستانها» از ۳ تا ۱۳ فروردین ماه برای اولین بار در ایران برگزار خواهد شد.

اولین برگزاری این سمینار در تهران به بررسی کاتر در شهرستانها، مشکلات و امکانات آنها خواهد پرداخت که همزمان با این گفتگو چند کاتر از جوانان شهرستانی نیز به روی صحنه خواهد آمد.

این سمینار و جشنواره در سالهای آینده در یکی از شهرستانها برگزار خواهد شد. برگزاری این سمینار و جشنواره امکانات زیادی در اختیار جوانان شهرستانی خواهد گذاشت.

تهران - مریم صادقی نژاد

پس از عرض سلام خواستندم به سئوال من جواب دهید:

- اگر بخوام با نویسنده برنامه «تصویر و سایه‌ها»، سئوالات سینمایی‌ام را مطرح کنم باید به چه آدرسی نامه بنویسم. و آیا خود ایشان می‌توانند به سئوالات من پاسخ دهند یا نه؟

تماشا:

دوست عزیز، بنویسنده برنامه «تصویر و سایه‌ها» صحبت کردیم، گفتند: به آدرس تهران، خیابان جام جم، سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران، برنامه دوم تلویزیون، «تصویر و سایه‌ها» نامه بنویسید هرگونه سئوالات درباره سینما و سینماگران داشته باشید با کمال میل به آنها پاسخ می‌گوئیم.

تهران - کاوه - ف

با عرض سلام

- چندی پیش در یکی از مجلات هفتگی تهران مطالبی تحت این عنوان چاپ شده بود که، «سریال بشقاب پرنده بدست مسئولان پخش رسیده و بزودی دوبله و در آینده از تلویزیون پخش خواهد شد». از آن تاریخ حدود چهار پنجاه می‌گذرد ولی هنوز خبری از پخش این سریال نیست؟

تماشا:

- دوست عزیز، خبرهایی که در مجلات گوناگون می‌خوانید اغلب از جانب مسئولان تلویزیون داده نشده است. مطمئن باشید در صورت داشتن خبرهای تازه در مورد فیلم و برنامه‌های تلویزیونی - مجله تماشا زودتر از هر نشره‌ای آنرا چاپ خواهد کرد.

عکس از مایکل لاندون

مسجد سلیمان - ابراهیم میناوی زاده

سلام

مدت زیادی از چاپ مطالب، صدا - برداری در ۱۵ درس، عکاسی در ۱۵ درس و... در تماشا می‌گذرد. چرا این مطالب از طرف مجله تماشا بصورت کتاب منتشر نمی‌شود. تا همه علاقه‌مندان بتوانند از آنها استفاده کنند.

تماشا:

واحد انتشارات سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران، سری مطالب عکاسی در ۱۵ درس، فیلمبرداری در ۱۵ درس و... را که به ترجمه آقای هوشنگ کاوسی در مجله تماشا چاپ شد، بصورت کتاب منتشر میکند. در حال حاضر فیلمبرداری در ۱۵ درس در دست چاپ است که بزودی انتشار خواهد یافت.

چند جواب کوتاه

رضائیه - ناصر عباس زاده

مجموعه تلویزیونی «مدیگان» با شرکت ریچارد ویدمارک از برنامه دوم تلویزیون پخش شده است. این مجموعه قرار است در بخش اول شبکه نیز نمایش داده شود.

تهران - فائزه مقدم

کلیه قسمت‌های موجود از مجموعه «فناپذیر» در نیروی شبکه نیز پخش شده است اگر عکس جدیدی از بازیگر این مجموعه به آرشو عکس تماشا برسد، در این صفحه برای علاقه‌مندان چاپ خواهیم کرد.

? - احمد طاهری

نویسندگان و مسئولان تماشا نیز متقابلاً از توجه شما به بخش‌های گوناگون مجله تشکر میکنند.

لاهیجان - سعید اوصیاء

دوست عزیز، درباره پیشنهاد شما تاکنون چندین نامه به دفتر مجله تماشارسیده است. ما در جواب گفته‌ایم که متأسفانه در حال حاضر امکانی برای ایجاد چنین صفحه در تماشا نیست.

تهران - مهوش مؤدهی

دوست عزیز، برنامه‌هایی که شما از آنها خوششان نمی‌آید، برنامه‌هایی هستند که کلی تماشاگر دارند. این برنامه‌ها بخاطر آن‌عده از تلویزیون پخش می‌شود.

تهران - جمشید اکبرزاده رضائی

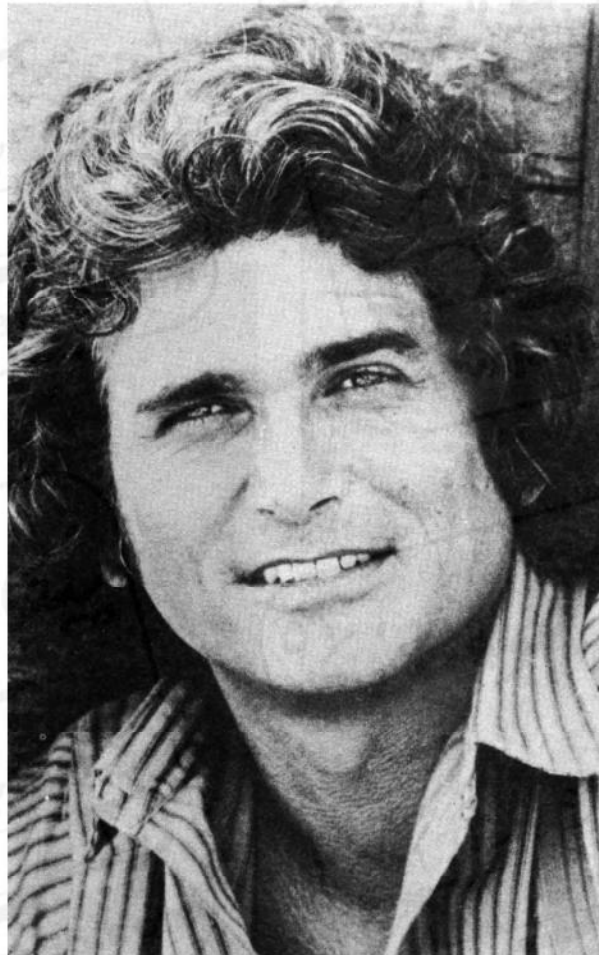
عکس بازیگر مورد نظر شما «شرلی جونز» را در این صفحه چاپ خواهیم کرد، اگر اسم بازیگر دیگری را که در نامه‌تان به آن اشاره کرده بودید برای ما بنویسید درباره چاپ عکس آن نیز اقدام می‌کنیم.

سنندج - ایرج نیک‌منش

عکسهایی که در آرشو مجله است برای استفاده و چاپ در تماشاست. متأسفانه این عکسها را نمیتوانیم در اختیار کسی بگذاریم. سعی می‌کنیم که با چاپ آنها در این صفحه شما را نیز راضی کنیم.

تهران - زهرا فرخ‌منش

دوست عزیز، اگر برای شما امکان دارد در یکی از روزهای هفته به دفتر مجله تماشا، واقع در خیابان تحت‌طاووس تقاطع روزولت ساختمان اداری سازمان رادیو تلویزیون طبقه ۷ تشریف بیاورید.



جدول تماشای

جدول شماره ۲۳

کشورها و شهرهاییکه از شخصیت‌های برجسته نام گرفته‌اند

س	ا	و	ی	ج	و	ر	ت	د	ا	د	و	ی	س
ن	ل	ن	ی	و	ی	و	ی	و	ل	د	و	ی	ل
و	ر	ن	و	م	و	ج	ه	ی	ن	ط	ن	ط	س
د	ج	و	د	ز	ی	ا	گ	ل	م	ب	و	س	د
ا	د	ا	ن	ه	ه	ی	ی	د	ل	ب	ب	ج	ر
ن	ن	ک	و	ن	ز	پ	ر	ا	ی	س	ن	ف	ی
ل	ی	ی	س	ی	ی	و	ی	و	و	ر	و	ی	ل
ا	ز	د	ک	د	ا	ر	ه	ف	ب	ی	ل	س	ن
ی	ی	ا	ر	ا	ن	ی	ی	ج	ی	ا	س	ن	د
ر	ی	ن	ز	ر	ا	ک	ن	ی	ر	ی	ک	ی	ت
و	و	ی	ت	ع	م	ل	ا	و	د	ی	ل	ی	ا
ت	ی	س	د	ز	ا	ن	س	م	م	د	ن	ر	ا
ک	ل	ی	د	د	ر	و	ی	ی	ب	س	ن	ک	م
ی	و	د	ا	ر	و	ی	ی	ن	ی	ا	ا	س	ل
و	ب	م	ل	س	ل	ی	و	ی	ل	ن	ل	ت	س

آلتھر بک:

الف: استالینگراد - آسانلی ویل - اسکندریه.

ب: بولیوی - بسمارک.

ت: تلسای - توگراد.

ج: جاکسون - جانیور - جنرین.

د: دنیابورین

ر: روژیا.

ز: زردآون.

س: سالیسبوری - سانویج - سیودا ترچیولو.

ق: قسطنطنیه.

ک: کلسوس - کلیسا - کلیوند.

ل: لنین گراد - لوئی نایا - لیتکان - لئوبولدویل.

م: مدهیسون - مرلند - مورنو.

و: ویرژینیا - ویکتور تالند.

چرو بکه درون جدول تماشا مشاهده می‌کنید، کلمه ذکر شده در بالا و حروف تشکیل دهنده رمز جدول را شامل میشود. لطفاً بهنگام حل جدول تماشا اصول زیر را مراعات فرمائید:

- بعضی اینک حروف متشکله یک کلمه را در جدول یافتید آنها را در جدول قلمزده و بیاد داشته باشید که خود کلمه را نیز در لیست کلمات داده شده خط بزنید.
- برای سهولت بیشتر ابتدا از کلمات بلندتر شروع کنید.
- زمانیکه همه کلمات داده شده را در جدول پیدا کرده و خط کشیدید و در لیست کلمات داده شده کلمه دیگری باقی نماند، مقداری حروف پراکنده را در جدول خواهید دید که از ترکیب آنها به رمز جدول که حتماً با موضوع آن ارتباط دارد دست نرماید پانته.
- حروف تشکیل دهنده کلمات داده شده بصورت زیر در جدول نوشته شده: افقی: از چپ به راست و یا از راست به چپ. عمودی: از بالا به پایین و یا از پایین به بالا. مورب: از چپ به راست و یا از راست به چپ و از بالا به پایین و یا از پایین به بالا.
- اگر کلمه‌ای در لیست کلمات داده شده با یک ستاره همراه باشد آن کلمه در جدول تکرار شده.
- تستره: یک حرف ممکن است در مسیر چندین کلمه قرار گیرد.

کلمه ترکیبی از حروف رمز جدول شماره ۲۲ - لونی آراگون

جدول کلمات تقاطع

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

														۱
														۲
														۳
														۴
														۵
														۶
														۷
														۸
														۹
														۱۰
														۱۱
														۱۲
														۱۳
														۱۴
														۱۵

عمودی:

- سریال معروف تلویزیون ملی ایران که مورد توجه والدین قرار گرفته است - بازیگر برجینایی سریال تلویزیون ملی ایران ۲- آرزو - خیس - روز اعراب غرامت - خودداری ۳- دانه‌ای معطر - شهری در تکران - کنار نشین خاشبه - دریا ۴- نوعی پارچه - مرتجع معروف - ورزش تابستانی ۵- ضمیر جمع - مطیع - برافروختن ۶- فیضان - پهلوآن - گل سرخ ۷- کامی با دروغ یکی میشود - صنعت ۸- گردنزن غلات - مخالف رو - خانه - حیل و تزویر ۹- بر حرف میزند - در گاه ۱۰- پرچم - پدر میوه‌ایکه روغن آن مصرف طی دارد ۱۱- واسطه - درجائی شستن و چیزی را زیر نظر قراردادن - طایفه‌ای در ایران ۱۲- درختی موقت - تمام - ننگ اسید فسفریک ۱۳- کمتر از اندازه - بت - تابش ماه - طرف ۱۴- جامه رو - غذا خوردن - قرار ۱۵- بازیگر معروف یکی از سریالهای خارجی تلویزیون ملی ایران - خواننده قدیمی رادیو تلویزیون ملی ایران.

افقی:

- خواننده رادیو تلویزیون ملی ایران - بازیگر یکی از سریالهای خارجی و معروف تلویزیون ملی ایران ۲- اطمینان - غرامت - خودداری ۳- دانه‌ای معطر - شهری در تکران - کنار نشین خاشبه - دریا ۴- نوعی پارچه - مرتجع معروف - ورزش تابستانی ۵- ضمیر جمع - مطیع - برافروختن ۶- فیضان - پهلوآن - گل سرخ ۷- کامی با دروغ یکی میشود - صنعت ۸- گردنزن غلات - مخالف رو - خانه - حیل و تزویر ۹- بر حرف میزند - در گاه ۱۰- پرچم - پدر میوه‌ایکه روغن آن مصرف طی دارد ۱۱- واسطه - درجائی شستن و چیزی را زیر نظر قراردادن - طایفه‌ای در ایران ۱۲- درختی موقت - تمام - ننگ اسید فسفریک ۱۳- کمتر از اندازه - بت - تابش ماه - طرف ۱۴- جامه رو - غذا خوردن - قرار ۱۵- بازیگر معروف یکی از سریالهای خارجی تلویزیون ملی ایران - خواننده قدیمی رادیو تلویزیون ملی ایران.

حل جدول شماره قبل

۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

پیدا کرد، آماده نبرد با «کروزس» پادشاه «لودیه» شد زیرا پادشاه «لودیه» از انقراض «ماد» بهراس افتاده بود. با اینکه «کروزس» با پادشاه بابل و فرعون مصر علیه کوروش متحد شد با اینحال کوروش بر او غلبه یافت و «ساز» پایتخت «لودیه» را تصرف کرد. پس از این پیروزی کوروش بجانب مشرق، ایران «وانه» شد و «ساز» تنظیم امور این ناحیه موصم شد تا به بابل حمله کند و ۴۰ هزار اسیر

How many feet do you have?
I have Two feet.

تاریخ

«کوروش» پس از اینکه بر «ازدهاک»، شاه «ماد» غلبه

تلویزیون آموزشی

خلاصه برنامه های سال اول راهنمایی

انگلیسی

روزهای: اشنبه و ۳شنبه (۴بار)
در این برنامه مجاوره‌ای، بین مجریان صورت می‌گیرد که کلمات استوایی و چند نکته دستوری را دربر دارد.
از قبیل:

HOW old are you?
I'm 13 years old.
WHO is happy?
Ali is happy.
They are drinking Water.
Are They drinking Water?



جدول برنامه‌های تلویزیون آموزشی

سال تحصیلی ۱۳۵۵ - ۱۳۵۴

برنامه شبکه	ساعات شروع برنامه‌های بعد از ظهر برنامه دوم				ساعات شروع برنامه‌ها صبح «شبکه»								ایام هفته				
	۱۵/۴۵	۱۵/۲۰	۱۴/۵۵	۱۴/۳۵	۱۳/۵۵	۱۲/۳۵	۱۳/۱۰	۱۲/۵۰	۱۱/۴۵	۱۱/۲۵	۱۱	۱۰/۳۵		۱۰/۱۵			
حرفه و فن	حرفه و فن	حرفه و فن	حرفه و فن	حرفه و فن	حرفه و فن	حرفه و فن	حرفه و فن	حرفه و فن	حرفه و فن	ریاضی	ریاضی	ریاضی	ریاضی	علوم	علوم	علوم	شنبه
۳	۲	۴	۲	۳	۲	۳	۲	۱	۱	۳	۲	۲	۱	۳	۲	۱	
علوم اجتماعی	علوم اجتماعی	علوم اجتماعی	انگلیسی	علوم اجتماعی	علوم اجتماعی	علوم اجتماعی	انگلیسی	انگلیسی	علوم اجتماعی	علوم	علوم	علوم	علوم	تاریخ	تاریخ	تاریخ	یکشنبه
۳	۲	۱	۲	۳	۲	۱	۲	۱	۱	۳	۲	۲	۱	۳	۲	۱	
حرفه و فن	تاریخ	تاریخ	تاریخ	حرفه و فن	تاریخ	تاریخ	تاریخ	تاریخ	علوم اجتماعی	ریاضی	ریاضی	ریاضی	ریاضی	علوم	علوم	علوم	دوشنبه
۱	۳	۲	۱	۱	۳	۲	۱	۱	۱	۳	۲	۲	۱	۳	۲	۱	
اجتماعی	انگلیسی	انگلیسی	جغرافیا	اجتماعی	انگلیسی	انگلیسی	جغرافیا	جغرافیا	جغرافیا	علوم	علوم	علوم	علوم	حرفه و فن	حرفه و فن	حرفه و فن	سه‌شنبه
۳	۲	۱	۴	۳	۲	۱	۴	۲	۳	۳	۲	۲	۱	۳	۳	۱	
جغرافیا	جغرافیا	ریاضی	ریاضی	جغرافیا	جغرافیا	ریاضی	ریاضی	علوم اجتماعی	علوم اجتماعی	تاریخ	تاریخ	تاریخ	تاریخ	علوم	علوم	علوم	چهارشنبه
۴	۱	۳	۲	۴	۱	۳	۲	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۳	۲	۱	
				تاریخ	تاریخ	حرفه و فن	حرفه و فن	حرفه و فن	حرفه و فن	علوم اجتماعی	علوم	علوم	علوم	علوم	ریاضی	انگلیسی	پنجشنبه
				۳	۲	۲	۱	۳	۳	۳	۳	۳	۲	۱	۳	۲	

● توجه: انگلیسی سال سوم موقتاً از برنامه حذف شده است.

- مدارس یکسره و دوسره تناسب با برنامه‌های درسی خود میتوانند از برنامه‌های شبکه سراسری (برنامه اول) استفاده کنند.
- مدارس یکسره و دوسره شهرستانهای تهران، شیراز، اصفهان، آبادان، مشهد نیز می‌توانند از ساعت ۱۳/۵۰ از برنامه‌های تلویزیون آموزشی که از برنامه دوم پخش میشود استفاده نمایند.
- شماره‌هایی که در مقابل نام درس ذکر شده است سال تحصیلی را معین میکند.

۱ - سال اول راهنمایی، ۲ - سال دوم راهنمایی، ۳ - سال سوم راهنمایی و ۴ - سال اول دبیرستان (سال اول نظری)

یهودی را که در قید، اسارت و بردگی بسر میبردند آزاد کند.
در این برنامه که بصورت تئاتر تنظیم شده است از «بنوید» پادشاه بابل و سرزمینش که در تدارک جشن خرمین است دیدار می‌کنیم.

جغرافیا



جمعیت و زندگی روستائی در ناحیه معتدل کوهستانی

روزهای: شنبه و چهارشنبه (۴ بار)
در این درس شما با جمعیت ناحیه معتدل کوهستانی ایران و نحوه تراکم و پراکندگی آن آشنا میشوید و به میزان جمعیت این ناحیه در مقایسه با دو ناحیه دیگر بی خواهید برد. آنگاه زندگی روستائی در این ناحیه مورد توجه قرار میگیرد که در بخش اول با نحوه کشاورزی و فعالیتهای آن آشنا میشوید و در بخش دوم از چگونگی دامداری و دامپروری و زندگی ایلی و عشایری مطلع میشوید.

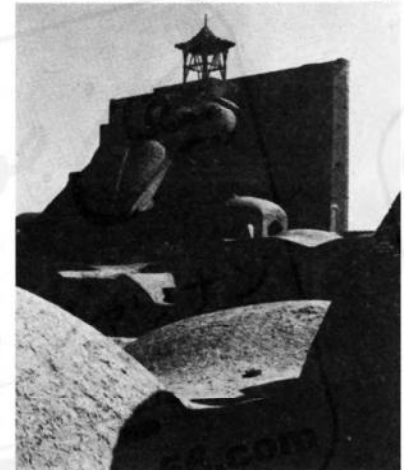
ریاضیات

روزهای: شنبه و دوشنبه
در این برنامه درباره عمود منصف یک پاره خط که در یکی از برنامه‌های گذشته درباره آن بحث شد بطور مفصل صحبت میشود و خواص آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. دو خاصیت مهم طولی و زاویه‌ای که در معاری و ساختن بناهای نسبتاً بزرگ دارای اهمیت بسیار است نتیجه یکی از خواص عمود منصف میباشد که در این درس تا اندازه‌ای به آن اشاره میشود.
در آخرین قسمت این درس درباره شمارش اعداد صحبت میکنیم و با یک مثال ساده تصویری و جالب‌نشان مدهیم که حتی حیوانات هم دارای حس شمارش هستند.

شناخت حرفه و فن

ساختمان

روزهای: دوشنبه (۴ بار)، سه‌شنبه و پنجشنبه
هر موجودی برای خود خانه‌ای دارد. بشر اولیه برای دورماندن از سرما و گرما و خطر درندگان از بناهای طبیعی مانند غار استفاده میکردند.



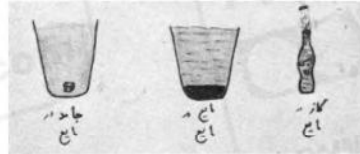
بناگاههای اولیه که توسط انسان ساخته میشدند احتمالاً بدین صورت بودند که مقداری شاخه یا تنه درخت را جلو صخره‌ها و برآمدگیها قرار میدادند تا برای خود سرپناهی داشته باشند. کم‌کم این بناگاهها کامل‌تر شدند تا بشکل خانه‌های امروزی درآمدند. در این برنامه تکامل خانه‌سازی را از زمانهای قدیم تا بحال خواهیم دید.

علوم

فیزیک - شیمی

محلولا

تمام روزهای هفته بخش میشود



در این برنامه ابتدا محلولا را تعریف می‌کنیم و خلاصه محلولا را که عبارت از بخش یکنواخت مواد در محلول و شفاف بودن محلولا (در مورد مایعات) باشد توضیح میدهم. انواع محلول: جامد در مایع، مایع در مایع، گاز در مایع... و درباره کاربرد آنها تذکر میدهم. در انتهای برنامه محلولهای معلق نظیر شیر، آب و نشاسته و فرق این محلولها با محلولا و امولسیون که مخلوط معلق مایع در مایع است نیز شرح داده میشود.

علوم اجتماعی

روزهای: اشنه (۴ بار) و دوشنبه

ضمن اشاره مختصری به برنامه‌های قبل به روشن کردن وظایف خانواده در تولید روستائی و ایلاتی میپردازیم. انسان موجودی است اجتماعی و برای رفع نیازمندیهای خود با دیگران همکاری میکند. اولین واحد اجتماعی که انسان عضو آن میشود خانواده است که یکی از وظایف مهم آن امور تولیدی و اقتصادی است. خانواده در یک جامعه روستائی یک مرکز اقتصادی و تولیدی محسوب میشود. پدر کارهای کشاورزی مثل شخم زدن، بذر افشاندن، آبیاری و غیره را انجام میدهد. مادر به کارهای خانه میردازد و گاهی هم در امور زراعت و باغداری کمک میکند.

نیاز به نیروی کار در جامعه روستائی موجب وجود آمدن خانواده‌های پرجمعیت میشود. در بین عشایر (ایلات و قبایل) خانواده صورت دیگری دارد. زندگی جابجائی باعث شده است که وسایل زندگی هر چه بیشتر خلاصه شوند. در قبایل ایلاتی که یکجا هستند، کم و بیش ویژگیهای زندگی روستائی بچشم میخورد و کم‌کم اینگونه ایلات بصورت روستاهای تمام‌عیار درمی‌آیند. ولی مساله دامداری و دامپروری کماکان در اینگونه جوامع از اهمیت زیادی برخوردار است.

در ایلات نیز نیازهای اقتصادی و احتیاج به نیروی انسانی کارآمد، همانند جامعه روستائی خانواده گسترده پدید می‌آید. زیادی فرزند در یک خانواده اعتبار و اهمیت رئیس خانواده را در ایل فزونی میبخشد. ازدواج در ایل



معمولاً در سنین بزرگسالی صورت میگیرد. ازدواج‌ها بطور معمول درون ایل و حتی درون یک طایفه و تیره انجام میشود و بندرت فردی از یک ایل با فردی از ایل دیگر ازدواج میکند. این امر باعث میشود که تمام افراد یک ایل با همدیگر خویشاوند باشند و در نتیجه یک نوع همدلی و وحدت در کار و شئونات زندگی ایلات وجود داشته باشد. هنر گلیم‌بافی و دیگر صنایع دستی برای دختران ایل امتیاز بزرگی است زیرا از این طریق به رشد درآمد خانواده کمک میشود. آموختن اینگونه هنرها و صنایع به دختران عشایری یکی از وظایف مهم والدین آنها بشمار

میاید. در این برنامه از یک فیلم مربوط به هنر گلیم‌بافی در ایل استفاده شده است.

خلاصه شرح برنامه‌های سال دوم راهنمایی

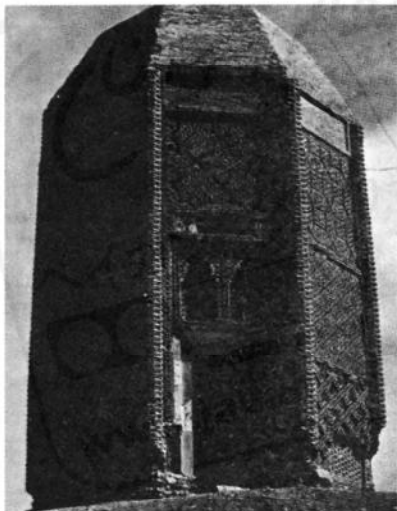
انگلیسی

روزهای: اشنه (۴ بار)، سه‌شنبه (۳ بار) و ۵ شنبه
در این برنامه مطالب ۵ درس گذشته تکرار میشود و دانش‌آموزان فرصت خواهند داشت آنچه را یاد گرفته‌اند، دوباره بیاد آورند.

She cut the cake
She ate some cake.
WHO cut the cake?
What did she count?
She Counted four books?

تاریخ

روزهای یکشنبه، دوشنبه (۴ بار)، چهارشنبه و پنجشنبه
در این درس بررسی ویژگیهای سلسله‌های ترک نژاد تاریخ ایران (غزنویان و سلجوقیان) و خدمات هر یک از این سلسله‌ها بنابرین و تمدن ایران سپرداشته. سپس بویژگیهای سیاسی هر یک و تحولات اجتماعی سیاسی که در زمان این دو سلسله بوقوع پیوست (فرقه اسماعیلیه) و نتایج آن اشاره مختصری خواهد شد.

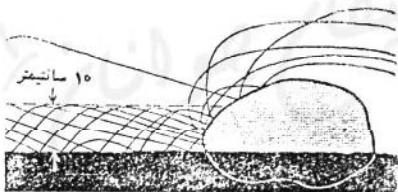


جغرافیا

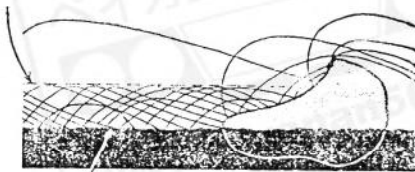
روزهای شنبه (۴ بار) و سه‌شنبه

ما معمولاً دو کشور از پنج کشور ناحیه شمالی اروپا یعنی «سوئد» و «نروژ» را «اسکاندیناویا» اطلاق میکنیم. البته گاهی هم دانمارک جزو «اسکاندیناویا» محسوب میشود ولی اکثراً فقط به همین دو کشور، اسکاندیناویا گفته میشود. کشورهای شمال اروپا از لحاظ رفاه و رشد اجتماعی و پیشرفتهای اقتصادی در صدر ممالک جهان قرار دارند. «اسکاندیناویا» از نظر سیاسی بدو کشور نروژ و سوئد تقسیم میشود. بخش عمده شبه‌جزیره «اسکاندیناویا» شامل فلات فرسوده‌ایست که تا «فنلاند» گشوده شده است. تنها در نواحی جنوب سوئد، اراضی قابل استفاده‌ای بچشم میخورد که دنباله دشت وسیع شمال اروپاست. مهمترین عامل فرسایش این ناحیه یخ است که طی دوره‌های یخچالی تمام شبه‌جزیره را پوشانده بود.

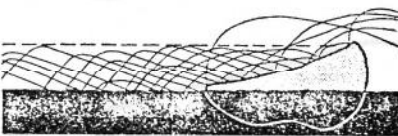
مهمترین مرتفعات «اسکاندیناویا» در گوشه جنوب غربی این دو کشور دیده میشود. روهائی که از دامنه‌های غربی این مرتفعات سرچشمه میگیرند و باقیانوس اطلس میریزد عموماً کوتاه و سیلابی‌اند، در حالی که روهائی که بندریای «بالتیک» سرازیر میشوند بویژه در قسمت جنوبشرقی طولانی‌تر و پر آب‌تر از روهای دامنه‌های غربی می‌باشند. سواحل پرشیب غربی دارای بریدگیهای بیشماری



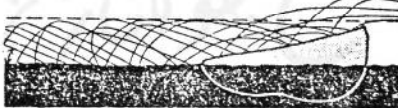
A



B سطح زمین



C



D

ذرات ماسه سطح سنگها را می‌خراشد

بائین برود و بدین ترتیب منابع آبهای زیرزمینی را بوجود می‌آورد. این آبها به‌راههای گوناگون مورد بهره‌برداری قرار میگیرند.

آب نه تنها به‌حالت مایع سطح زمین را تغییر می‌دهد بلکه بصورت جامد هم باعث تغییر سطح زمین میشود. دریا هم در تغییر دادن سطح زمین تأثیر دارد بدین ترتیب که بکمک امواج ساحل را تخریب می‌کند مطالب فوق و همینطور عمل تخریبی باد در سطح زمین نیز در این برنامه مورد بحث قرار میگیرد.

خلاصه بر نامه‌های سال سوم راهنمایی

ریاضیات

دانش‌آموزان درسال گذشته با طرز استفاده از معادله‌های درجه اول يك متغیری در حل بعضی از مسائل آشنا شده‌اند. در این درس نشان داده می‌شود که چطور میتوان با استفاده از حل دستگاههای دو معادله با دو متغیر

$$\begin{cases} 12x + 10y = 144 \\ 6x + 7y = 96 \end{cases}$$

دیگری که درباره معادله‌ها خواهیم داشت باین سئوال بطور کامل جواب داده می‌شود.

شناخت حرفه و فن

بازرگانی

روزهای: شنبه (۳ بار) سه‌شنبه و پنج‌شنبه
در جوامع اولیه افراد و گروه‌ها احتیاجاتشان را که خیلی ساده بود و معمولاً از خوراك و پوشاك و مسكن تشكيل ميشد خودشان تهیه می‌کردند. باین ترتیب هیچ



کالایی بین افراد و گروه مبادله نمیشد. اما کم‌کم در اثر گذشت زمان و از زیاد تولید توانستند بیشتر از تعداد مصرف خود کالا تولید کنند. باین ترتیب مبادله کالا به وجود آمد. مثلاً کسیکه بیشتر از احتیاج خود موادخوراکی تهیه کرده بود آنرا با کالای دیگری که خود به آن احتیاج داشت مبادله میکرد و بدین ترتیب بازرگانی بوجود آمد. در حال حاضر بازرگانی بصورت یکی از رشته‌های مهم اقتصاد درآمده است.

علوم

قسمت اول

فرسایش بوسیله آب‌جاری

روزهای شنبه، یکشنبه و دوشنبه

دانشمندان زمین‌شناس آب را مهمترین عاملی می‌دانند که سبب تغییر حالت چهره زمین میشود. آب درحین حرکت بطور مداوم نقاط برجسته را حفر میکند و باموادی که کنده و با خود به‌همراه می‌برد فرورفتگیها را پرمیساند و بدین صورت کم‌کم به‌صاف شدن سطح زمین کمک می‌کند. حتی‌شما هم درباره اثرات آب چیزهای زیادی شنیده‌اید مثلاً میدانید که وقتی به‌مدت زیادی باران بیاید سیل جاری میشود و سیل با نیروی زیادی که دارد میتواند مواد زیادی را همراه خود ببرد. بطور کلی آبهای جاری سه عمل انجام میدهند:



تخریب مواد (بصورت‌های مختلف و بیشتر در بلندپایا صورت میگیرد). حمل مواد (آب مواد تخریب شده را با خود به‌حرکت در می‌آورد البته تا جائیکه نیرو داشته باشد) جاگذاری مواد (آب وقتی به‌زمینهای صاف میرسد دیگر نمیتواند با سرعت به‌حرکتش ادامه بدهد پس مواد را به ترتیب وزن تقویتش می‌کند).

علوم

قسمت دوم

فرسایش بوسیله آبهای فرو رو - یخچال- دریا و باد

روزهای: ۳شنبه، ۴شنبه و ۵شنبه

وقتی آب در سطح زمین ریخته میشود مثلاً وقتی باران می‌آید مقداری از آن در زمین فرو میرود. ولی آب نمیتواند در همه سنگها، خاکها و مواد تشکیل‌دهنده زمین یك‌جور نفوذ کند و فقط میتواند تا سطح لایه غیرقابل‌نفوذ

است که اصطلاحاً به آن «فیلتر» میگویند. سواحل مسوخته پستی و نسبت به سواحل «نروژ» دارای بریدگیهای کمتری است. قایبستانهای سواحل «اسکاندیناویا» گرم و زمستانهای آن بسیار سرد است. بطوریکه تمام کرانه‌های شمالی در فصل سرما یخ می‌بندد. مسئله‌ای که باید به آن اشاره کرد جریان آب گرم «گلف‌استریم» است. این جریان که در سواحل غربی شبه‌جزیره دیده میشود باعث اعتدال این مناطق شده است و بنادر موجود در این قسمت بخاطر همین جریان آبگرم تمام سال قابل استفاده میباشد. هنگامی که بنادر سوئد بعلت یخبندان قابل استفاده نیست از بنادر غربی استفاده میشود.

سوئد از کشورهای صنعتی پیشرفته بحساب می‌آید. در کنار صنعت، کشاورزی نیز از رونق زیادی برخوردار است مخصوصاً جنوب این کشور دارای کشتزارهای وسیعی است بطوریکه این ناحیه جزو بزرگترین مناطق کشاورزی اروپا بحساب می‌آید. در این ناحیه چندین قند - کدوم - جو و سیب‌زمینی بعمل می‌آید. تقریباً نیمی از وسعت سوئد پوشیده از جنگل است. در این کشور از چسب‌های نسبتاً شدید رودخانه‌ها برای حمل چوب درختان بمرکز صنعتی و کارخانه‌ها استفاده میشود.

در این کشور مواد اولیه مورد نیاز صنایع از قبیل آهن و چوب وجود دارد که بخارج هم صادر میشود. صنایع این کشور عبارتند از: صنایع استخراجی، صنایع هیدرو الکتریک، اتومبیل‌سازی، ماشینهای بافندگی، کشتی‌سازی، وسایل الکتریکی، لکوموتیوسازی، اسلحه و مهمات سازی و صنایع چوب.

نروژ: شمال این کشور بعلت نزدیکی بقطب معمولاً سرد و یخبندان است. مساحت آن تقریباً معادل مساحت جزیره انگلستان می‌باشد. جنگلهای سرو و کاج یکی از منابع مهم درآمد کشور بحساب می‌آید. مردم این کشور



در یانود هستند و ماهگیری یکی از مشاغل عمده مردم این کشور است. صنایع نروژ بعکس کشاورزی از رونق زیادی برخوردار است. مهمترین صنایع آن عبارتست: از صنایع چوب، کاغذسازی ساخت ماشینهای مختلف و کشتی‌سازی.

مردم سوئد و نروژ از نژاد سفید هستند.

ریاضیات

روزهای: شنبه، ۳شنبه و ۴شنبه (۳بار)

درس این هفته درباره معادله است. معادله‌ها قسمت مهمی از علم ریاضیات را تشکیل میدهند. برای بررسی مفهوم معادله ابتدا باید مفهوم کلمه «گزاره» را روشن کنیم. به‌هر جمله خبری که درست بودن یا نادرست بودن آن مسلم و قطعی باشد «گزاره» میگویند. بطوریکه می‌دانید تحقیقات بشر در زمینه مسائل فضایی در نیمه دوم قرن بیستم پیشرفت شایانی کرده و در این زمینه جهانی رسیده است که موفق شده است به‌کره‌ماه دست پیدا کند بنابراین اگر بگوئیم (بشر در نیمه دوم قرن بیستم به‌کره‌ماه مسافرت کرد). این يك جمله خبری است که درست بودن آن کاملاً روشن است. چنین جمله خبری را يك «گزاره» میگویند. همانطوریکه میدانید در

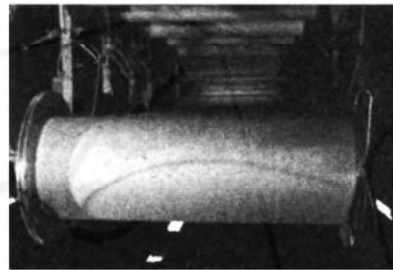
چریان تحقیقات فضایی ماهواره‌های زیادی نام‌آپولو توسط دانشمندان فضایی آمریکا بقضا پرتاب شد. خوب به‌این جمله خبری توجه کنید (آپولو ۱۷ اولین ماهواره‌ای بود که منظور تحقیقات فضایی بقضا فرستاده شد). اگر در جریان اخبار مربوط به‌پرتاب ماهواره‌های فضایی باشید حتماً متوجه شده‌اید که این جمله خبری نادرست است زیرا آپولو ۱۷ آخرین ماهواره‌ای بود که در چهارچوب طرح آپولو بقضا پرتاب گردید. پس میتوان چنین جمله‌ای را بعنوان يك «گزاره» نادرست قبول کرد.

حالا اگر گزاره $x + 7 = 9$ را در نظر بگیریم آیا میتوانیم بگوئیم این «گزاره» بازاچه اعدادی درست و بازاچه اعدادی نادرست است؟ در این درس و درسهای

بسیاری از مسائل دیگر را نیز حل نمود. درس با طرح این مساله شروع می‌شود:
 «قیمت ۱۲ مداد و ۱۰ خط‌کش رو به ۱۴۴ ریال است و از طرف دیگر قیمت ۶ مداد و ۷ خط‌کش نیز ۹۶ ریال است. با این اطلاعات می‌خواهیم قیمت یک مداد و یک خط‌کش را تعیین کنیم»
 برای حل این مسئله ابتدا دستگامهای دو معادله دو متغیری ساده‌تری مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن طرز حل مساله فوق شرح داده می‌شود.

شناخت حرفه و فن پوشاک - قسمت اول

روزهای شنبه (۴ بار) سه‌شنبه و پنج‌شنبه
 در این برنامه با روش تهیه پارچه یا صنعت نساجی آشنا می‌شویم. برای آشنائی دقیق و هرچه بیشتر دانش-آموزان با صنعت نساجی به یک کارخانه پارچه‌بافی می‌رویم. در قسمت اول برنامه قسمت ریسندهی کارخانه را مشاهده می‌کنیم.
 قسمت ریسندهی در هر کارخانه قسمتی است که در آنجا الیاف را به‌فنج تبدیل می‌کنند.
 الیاف به‌صورت عدل پنبه وارد کارخانه می‌شود و ماشینهای متعدد ریسندهی پنبه را به‌فنج آماده - برای بافتن پارچه - تبدیل می‌کنند.



تاریخ

روزهای: یکشنبه، دوشنبه (۴ بار)، چهارشنبه و

پنج‌شنبه

با خلع محمد علی‌شاه احمدشاه سلطنت میرسد و چون بسن قانونی نرسیده بود عضدالملک و سپس ناصر-الملک به‌نیابت او قدرت را در دست می‌گیرند.
 محمد علی‌شاه با کمک روسها به ایران بازمی‌گردد ولی نیروی مستبدین (ارشدالدوله و سالارالدوله) از قوای دولتی شکست می‌خورند و محمد علی‌شاه از ایران خارج می‌شود در این درس اقدامات مجلس دوم، اوضاع داخلی ایران، روابط خارجی و نقشی که قدرتهای خارجی در این دوره از تاریخ ایران بازی نموده‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

علوم

نور و عدسی‌ها

تمام روزهای هفته بخش می‌شود
 در این برنامه به‌انواع عدسی‌ها می‌پردازیم. قبل از توضیح راجع به‌عدسی‌ها کمی درباره خواص نور مثل شکست و انعکاس صحبت می‌کنیم و بعد انواع عدسی‌ها را بررسی می‌کنیم. می‌دانیم که جنس عدسی شیشه است. اما چرا شیشه معمولی کار عدسی را نمی‌کند یعنی نمی‌تواند دسته نور را در یک نقطه متحرک کند؟ همچنین عدسی باریک و عدسی ضخیم فرق دارند و می‌بینیم چرا عدسی باریک فاصله کانونی بیشتری دارد.

این برنامه رنگی بخش می‌شود

علوم اجتماعی

آزادی

آزادی انسان در طبیعت، آنست که قدرتی بالاتر برای فرمانروا نباشد و تنها قانون طبیعت بر او حکومت کند. آزادی انسان در اجتماع آن است که زیر فرمان هیچ نیروی حاکم و قانونگذار نباشد مگر آنچه با توافق و رضای او برقرار شده باشد.

باید همیشه معنی آزادی را به‌خاطر بسپاریم. آزادی به‌ما حق انجام دادن کارهایی را میدهد که قوانین، مجازش دانسته‌اند. یک نفر که قانون‌شکنی میکند خود را از آزادی

محروم می‌سازد زیرا که دیگران با همین اختیار هر چه می‌خواهند می‌آورند.
 آشنائی ما با اصول آزادی و دموکراسی که لازمه پیشرفت اجتماعی واقعی است، تازه‌نیست ما از بیستوپنج قرن پیش با این اصول آشنائی داشته‌ایم، زیرا شاهنشاهی ما که در عصر خود بزرگترین امپراطوری جهان بود، بر اساس همین آزادمندی و احترام به‌معتقدات و حقوق افراد و ملل بنیاد نهاده شد.

برای ما بشردوستی و همکاری با دیگران در راه ترقی اجتماعی يك سنت ملی چند هزارساله است و اکنون نیز مایه افتخار ماست که به‌پیروی از سنن دیرینه ملی و بر اساس علاقه به‌حقوق خود و احترام به‌حقوق دیگران، در راهی مثبت یعنی راه ترقی مادی و معنوی با حفظ آزادیهای دموکراتیک پیش می‌رویم.

این برنامه مفاهیم آزادی و احترام به‌حقوق دیگران را در غالب يك نمايشنامه بگونه‌ای شیرین و دلچسب ارائه می‌کند. این نمايشنامه بر اساس واقعات عینی و مواردی که تمامی مردم کم‌وبیش در زندگی روزمره با آنها مواجه هستند تهیه شده و در خلال آن فراگیران با انواع آزادی و روش صحیح اعمال آن آشنا خواهند شد.

جغرافیا سال چهارم

زندگی روستاها - قسمت دوم

در برنامه این هفته مساکن روستاها مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرد.
 شکل مساکن روستائی تابع شرایط اجتماعی - اقتصادی و اوضاع طبیعی است. کلیه مساکن را میتوان به سه دسته تقسیم کرد:

- الف - مساکن متحرک
- ب - مساکن نیمه متحرک
- ج - مساکن ثابت

مساکن متحرک متعلق به‌رده‌ای است که معیشت آنها متکی به کوچ‌نشینی است. این مساکن معمولاً از چادر درست شده است.

مساکن نیمه متحرک متعلق به‌رده‌ای است که قبلاً کوچ‌نشین بوده‌اند و اکنون از طریق دامداری زندگی می‌کنند. اینان گذشته از دامداری مقداری هم از زمین بهره می‌گیرند. مساکن اینان نیمه متحرک و نیمه ثابت است. دسته سوم مساکن ثابت است که مساکن روستائی و شهری بطور کلی، از این دسته‌اند.





پژوهشی ابران زمین

از: مهشیده فرح بخش

پژوهش برای شناخت بیشتر

۵

سنگتراشی در

مشهد

سنگ می‌رخد تا فرم دلخواه بدست آید. کار با چرخ برقی دشوار است و بیشتر به تمرکز فکر نیاز دارد. گفته صاحب کار با خطر از دست دادن انگشت مواجه می‌شود. در گذشته ماشین برقی وجود نداشت. استادان به وسیله دست و چوبهای چرخ زمینی دستی تراش میدادند. تا اینکه ۱۷-۱۵ سال پیش استاد احساسات ماشین برقی را «اختراع» کرد. این دستگاه ابتدا چوبی بود که با نیروی برق حرکت می‌کرد، بعدها بجای چوب از فلز در ساختمان آن استفاده شد تا بر استحکام آن افزوده گردد. هم اکنون در تمام بازارهای کار سنگتراشان نمونه‌های آن چشم می‌خورد و در جوارش همان دستگاه چوبی گذشته که با مقایسه کار هر دو می‌توان به‌اهمیتی که ماشین برقی از نظر سرعت کار دارد پی برد. گرچه در بعضی از کارهای ظریف لازمست از همان دستگاه قدیمی و ابتدایی استفاده شود.

امروزه بصورت يك حرفه مشخص شناخته شده است.

مراحل ساخت

سنگهای استخراجی از کوه پس از حمل به کارگاه از نظر نوع، شکل و اندازه تقسیم می‌شود. سنگهای هر کاره (سفیدرنک) برای ساختن دیگ، هاون، دسته هاون، دیزی و اشیاء ساده است. سنگهای سیاه برای کارهای ظریفی، قلمزنی و حکاکی. از نظر اندازه هم سنگهای کوچکتر و ظریفتر برای اشیاء ظریف و سنگهای بزرگ و حجیم برای کارهای بزرگتر. مرحله بعد تراش سنگ است که استاد کار سنگ را با تیشه و کلنگ برش میدهد و بعد آن را روی چرخ میاورد و بکنک میله‌های روی چرخ آن را محکم می‌کند و با استفاده از نیروی برق آفتاب

هر کس بکار خود مشغول است و به دیگری حسد نمی‌دورزد. دستهای مقلد دیگری هستند و ظروف قلمزنی و حکاکی می‌سازند که شبیه یکدیگر است بدون اینکه بشود گفت یکی از دیگری بهتر است. از این رو هنر بصورت تجارت همگانی درآمد و ارزش خود را از دست داده است. هستند کسانی نیز که شغل آباء و اجدادی را گرامی داشته‌اند و نه تنها روی به قلمزنی نیاورده‌اند بلکه از نام بردن آن در کنار حرفه سنگتراشی هم حذر دارند. و اشیاء و ظروف را با سنگ ساده یا مرمر می‌سازند، با تراش‌های بی‌ظنیر و خیره‌کننده که اگر تماشاگر آن را با سنگ ابتدایی مقایسه کند از آن همه ظرافت و دقت در تراش میبوت خواهد شد. ظروفی به‌شکندگی و ظرافت چینی و پارفتن.

در گرداگرد حرم مطهر حضرت رضا علیه‌السلام، در پیچو خم بازارهایی که در طی این سالهای بسیار شکل گرفته، همه چیز برای فروش هست، از دستمال یزدی، شال ترکمنی، جا نمازهای مشهدی و مروتسیب انگشتر و دستبند فیروزه... تا سنگهای سیاه و هر کاره، بشقاب و اشیاء زینتی نقاشی‌شده سنگی.

همان‌ها که از شوق نیاز و طلب‌مراد به طواف آمده‌اند، بوی گلاب و عود و شمع... های نیم‌سوز را در فضای بازار می‌راکنند اگر لطف‌های یا ساعتی پیش در گناکس رفت و آمدها طالب رسیدن به صریح بودند، حال آمدهی از هیجان پیشین، به‌خرید آمده‌اند:

تماشای همه آنچه که از سنگ می‌سازند، مرا به‌اندیشه يك تحقیق ساده انداخت.

استخراج سنگ از معدن آغاز کار سنگتراشی است، در گذشته هر يك از صاحبان این حرفه از يك یا چند معدن بهره‌برداری می‌کردند و اکنون خود را مالك آن میدانند، وفور سنگ و انواع آن باعث شده که کدورتی بین سنگتراش‌ها حاصل نشود، خصوصاً که سرعت کار در بازار امروز، صاحبان این حرفه را بنا به تخصص تقسیم کرده، حجار - سنگتراش - چرخکار و قلمزن.

در مشهد بندرت می‌توان کسانی را پیدا کرد که تمامی این چهار مرحله کار را انجام دهند، بلکه هر استاد قسمتی از کار را انجام میدهد و کار را به دیگری میسپارد تا مرحله بعدی انجام گیرد. اما در این میان هنرمندانی نیز هستند که فقط به یکی از مراحل چهارگانه می‌پردازند و شی، را ارائه میدهند، مثلاً از سنگ هر کاره چرخ‌آر تراشینی بدون حک و قلمزنی می‌سازند، یا از سنگ مرمر کلدان و بشقاب تهیه می‌کنند که در این ظروف ارزش کار به تراش و ظرافت آن است.

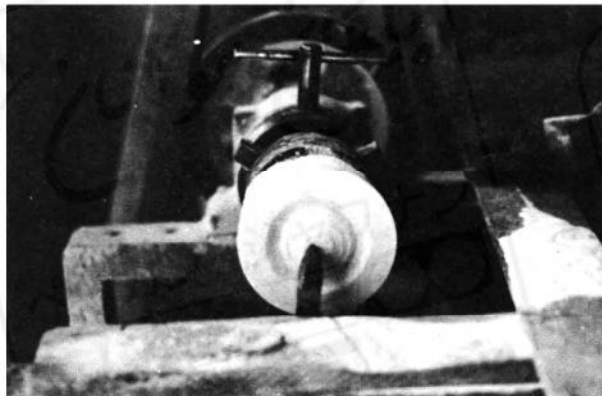
معمولاً اشیائی که در مراحل مختلف ساخته می‌شود، متعلق به کارگاههایی است که چند استاد با هم کار می‌کنند و شریک هستند.

تصعب در کار باعث شده برخی که مسن‌ترند، اگر استطاعتی دارند کارگاهی با چند استاد را اداره کنند، گرچه خود به تنهایی به‌کاری می‌پردازند که از عهده آن برمیآیند، بهمین جهت در بازار حجارها



انواع دیگ، هاون، دیزی که با سنگ و هر کاره ساخته می‌شود و در کنار اشیاء تزئینی نوع کار آن به خوبی مشخص است

در این عکس قسمت اصلی چرخ برقی و نوع کار آن مشخص است. معمولاً چند شیء ظریف هم در يك مرحله چرخکاری می‌شود



سابقه سنگتراشی

در مورد اینکه سنگتراشی و ساخت صنایع سنگی از چه زمان متداول شده، صاحبان این حرفه معتقدند که هنر آنان متعلق به «گیره‌ها» است که شاید از هزاران سال پیش بدان مشغول بوده‌اند که کم‌کم مسلمانان هم به آنان تاسی کردند و به این حرفه پرداختند. البته بعضی نیز باور دارند که این هنر و حرفه از زمان حضرت رضا علیه‌السلام تضح گرفته و بالطبع چون مرقد امام مورد توجه مسلمانان وزیرین بوده کم‌کم صنایع سنگی نیز خریدار پیدا کرده و



آسان، آبهای قرآن کریم - اشکال حیوانات - خطوط هندسی طرحهای اسلیمی. هر یک از این نقشها بنا به مهارت استاد و دقتی که صرف آن میشود ارزش پیدا میکند.

ابزار کار سنگتراشی و قلمزنی

ابزار کار سنگتراشی بجز تیشه و کلنگ، ماشین برقی و چرخ دستی است. ماشین برقی همان کار چرخ دستی را انجام میدهد با سرعت بیشتر و از نظر ترکیب ساختمان فرقی با آن ندارد چنانکه نیروی برق کار میکند، اما چرخ دستی عبارتست از یک کارگاه کوچک سنگی که روی آن سنگ مورد نظر را بکمک یک میله فلزی نگاهداری میکنند. و تراشکار با دست راست چوب تراش یا کمانه را به دست میگیرد و با دست چپ شیشی را روی این داربست کوچک سنگی محکم نگه میدارد. سپس با حرکت کمانه روی سنگ و گردش آن روی کارگاه به تراش میبرد.

در کار قلمزنی، گذشته از نقشههای کار، قلم، قلمزنی اهمیت دارد که شبیه قلم نی است، منتهای آن فلزها که نوک آن با توجه به نوع کار باریکتر یا ضخیمتر میشود. این قلم را صاحبان این حرفه قلم عاج دیده می نامند و از جنس فولاد است.

انواع اشیاء سنگی

اشیاء سنگی بنا به نیاز خریدار شکل میگیرد، که بیشتر جنبه تزئین دارد تا استفاده. ظروف سنگی در مرحله ابتدایی برای مصارف خانه است چون هاون، دسته هاون، دیگ، دیزی و همچنین سنگ قبر. در مرحله تزئینی که با نقش یا تراش همراه است، انواع بشقاب با نقوش مختلف، گلدان، میز، سرفلیان، زیرسیکاری کاسه، قندج، فوری، سماور، تنگ و لیوان، برج ایفل... .

استادان این حرفه

بنا به گفته سنگتراشهای مشهور، استادان قدیمی این حرفه که تنها خاخرهای از آنان باقیست حاجی بهنام، حاجی آقا گل مهدی رضاعلی، گل قاسم هستند که در بازار سنگتراشها کار می کردند و استادان امروزی کم و بیش شاگردان آنها هستند. استادان قدیمی همگی تراش کار بودند و نمونههای کارشان از نظر ظرافت در تراش با چرخ دستی شهره خاص و عام بوده است. از دیگر استادان این فن چهارباشی بوده که رئیس صنف محسوب می شده. از استادان امروزی در رشته تراش باید از احساسات - محمدتقی زینلزاده غلامحسین پرویزی و در رشته قلمزنی محمدخادم و در نقشه کشی قاسم تقدمی را نام برد.

تعیین قیمت و مدت کار

قیمت گذاری اشیاء توسط سازندگان صورت میگیرد، ضابطه خاصی ندارد. بنا به جنس و مدت کار است ولی قیمتها با شباهت کار زیاد هم یا هم تفاوت ندارد. کارهای ظریف البته گرانتر است بویژه که تراش جالب داشته باشد یا قلمزنی دقیق.

پس از تراش، اگر ظرف ساده باشد، با کمی پرداخت دستی آماده میشود، ولی اگر نیاز به رنگ آمیزی، نقش و حک داشته باشد آنوقت مرحله حکاکی و قلمزنی آغاز میشود.

ایجاد نقوش خود حرفه خاصی است که استادان بنام دارد. ابتدا عکس یا نقشه مورد نظر کپی میشود. کپی بوسیله سوزن در تمام خطوط اصلی سوراخ، سوراخ می گردد تا تمامی تصویر بوسیله این نقاط ریز که اثر سوزن است مشخص گردد. سپس روی کاغذ را با پارچه نازک که خاک سنگ در آن ریخته اند می پوشانند و روی ظرف مورد نظر می گذارند، اثری که خاک از طریق سوراخهای کاغذ می گذارد طرح اولیه را به خاک میدهد، حکاک این طرح را بوسیله قلم مخصوص مشخص می کند و بعد، کنده کاری و اگر لازم باشد قلمزنی می کند.

توصیفی که از طرز کپی عکس روی ظرف شد معمولا در بار اول صورت میگیرد چون معمولا استادان این حرفه آقدهرها مهارت دارند که در تکرار نقشها از قدرت ذهنی خود مدد بگیرند. قلمزنیهای این حرفه اعتقاد دارند که سنگتراشی با کمک قلمزنی اعتبار بیشتر یافته و بازار فروش آن مناسبتر شده است. قلمزنی یادگار اسفهانها است؟ که طرح روی مس رابه سنگ منتقل کرده اند و دستاورد کاران این حرفه در خراسان این ابتکار را دنبال کرده اند. که البته فروش این ظروف بیشتر است و زائرین بهترین خریداران آن هستند.

نقوش روی سنگ

ظروف سنگی بغیر از آنچه که با سنگ هر کاره ساخته میشود و یا سنگ مرمر که اولی از نظر صرف نیازی به نقوش ندارد (انواع دیگهای سنگی) و به دو می برای تراش اهمیت داده میشود. بقیه ظروف اعم از بشقاب و انواع اشیاء تزئینی نقشهای گوناگون دارند، انواع گلها از گل شاه عباسی، گلهای درشت و پربرگ، گل انار تصاویر میناتور با صحنههای شکار، بزم چهره قهرمانان و شخصیتهای تاریخی - تصاویر آینه اظهار یا شمایل سازی - تصاویر شخصی که بیشتر جنبه سفارشی دارد و از روی مدل و عکس تهیه می شود - تصاویر اماکن مقدس - مناظر طبیعی: دریا،



سمآوری از سنگ مرمر

آشنائی با موسیقی جاز

«نیو اورلئان» با داشتن مزارع وسیع و هوای گرم، جذابترین منطقه برای کارگران سیاهپوست بود. ساکنین اصلی این شهر، بیشتر فرانسوی بودند و حتی ۳۶ سال حکومت اسپانیاییها نیز نتوانست فرهنگ فرانسوی را در این شهر از بین ببرد. حضور ملیت‌های گوناگون در «نیو اورلئان»، مثل فرانسوی‌ها، اسپانیایی‌ها، انگلیسی‌ها و سیاهان، فرهنگ‌های ویژه آنها را به این شهر آورد، و در این میان هریک موسیقی خاص خود را داشتند که در تالارهای شهر اجرا می‌شد.

سیاهان این شهر بیشتر مجذوب موسیقی فرانسوی‌ها شدند، از کسترهای با سازهای نظامی که در شهر، مارش‌های نظامی را اجرا می‌کردند و در این ارکسترها سازهایی چون طبل‌های بزرگ، ترومبون، ترومپت و فرنی وجود داشت. اما بردگان آفریقایی به علت نداشتن حقوق مساوی با دیگر مردم شهر نمی‌توانستند از فرهنگ معاصر آن زمان بهره‌مند شوند، تا زمانی که «آبراهام لینکلن» به سیاهان آزادی داد، و آنها توانستند با مردم نزدیک تر شوند، و سازهای اروپایی نیز بنوازند و طرز نواختن آنها را فراگیرند. به این ترتیب کم‌کم سیاهان ارکسترهایی با سازهای نظامی فرانسوی تشکیل دادند و حتی در بعضی موارد در نواختن این سازها، مهارت بیشتری از اروپائیان پیدا کردند. اما ویژگی‌های این سازهای نظامی چه بود؟

بعضی از محققین معتقدند که اروپائیان این سازها را از ترکان عثمانی تقلید کرده‌اند، چرا که سالیهای بسیار، اروپائیان با دولت عثمانی سرسر مسائل

کار مطالعه و شناسائی موسیقی جاز را باید از عوامل مختلف اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی مؤثر در ایجاد آن آغاز کرد. کلمه جاز همیشه بانام «سیاهان» همراه بوده است.

سیاهانی که بتدریج از مناطق مختلف به آمریکا مهاجرت می‌کردند، یا به عبارت دیگر برای کار در مزارع به آمریکا حمل می‌شدند، با خود بسیاری از سنت‌ها، آداب و رسوم و ویژگی‌های فرهنگی قاره آفریقا را همراه آوردند. اما هرملتی آداب و رسوم و سنت‌هایش را در قالب ویژه‌ای حفظ می‌کند. بعضی در رقص یا موسیقی، بعضی با حماسه‌ها یا داستان‌های تاریخی و بعضی دیگر در ادبیات و شعر.

در این میان، ویژگی‌های فرهنگی سیاهان در رقص و آوازشان انعکاس یافت، زیرا موسیقی همیشه در تاریخ زندگی قبایل آفریقا اهمیت بسیار داشته است و به آن پیش از یک تفنن توجه می‌شده است. موسیقی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های فرهنگی سیاهان و مهم‌ترین وسیله ارتباطی آنان بوده است. مثلا برای تماس گرفتن از راه دور، از صدای طبل‌ها استفاده می‌کردند. و مصائبی چون جنگ و قحطی نیز با صدای طبل‌ها بیان می‌شد.

این موسیقی - ره‌آورد سیاهان - در آمریکا از ویژگی‌های فرهنگی این سرزمین تأثیر گرفت. و اولین پایه‌های موسیقی جاز در آمریکا شکل پذیرفت. جاز در مناطقی توانست ریشه بگیرد که سیاهان ساکن آن بودند.

یکی از این مناطق شهر نیو اورلئان بود، که محققین «زادگاه جاز» می‌دانندش.

از بین رفت، اگرچه هنوز هم بخشی از خوانندگان سیاه، «بلوز» را با در نظر گرفتن همان‌دو نیم پرده اجرا می‌کنند.

آهنگ‌های «بلوز» از زیباترین آثار موسیقی جاز شد و همه خوانندگان سیاه این آهنگ‌ها را اجرا می‌کردند. چرا که «بلوز» قادر بود غمگین‌ترین و شادترین احساسات سیاهان را بیان کند.

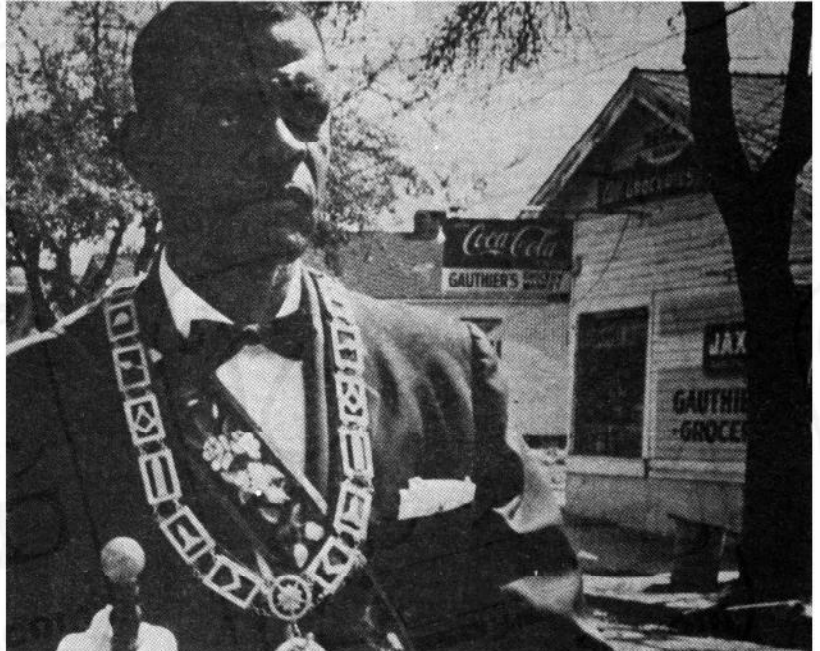
آهنگ‌های مذهبی سیاهان هم در نوع خود از زیباترین نغمات بود، سیاهانی که مسیحی شده بودند موسیقی سنکین کلیسایی به سبک «باروک» را نمی‌سنجیدند و بجای آن آهنگ‌های گروهی و بومی خود را برگزیدند، به این ترتیب که کشیش‌جمله‌ای را می‌گفت و گروه عبادت‌کنندگان به او پاسخ می‌گفتند و این شیوه سوال و جواب، سبک جالبی را در موسیقی سیاهان بوجود آورد، بطوریکه از این پس بیشتر مردم با همین ترتیب خواننده جاز را همراهی می‌کردند.

سیاهان سبک‌ها و فرم‌های گوناگون و متنوعی در موسیقی جاز آمریکا ایجاد کردند که هریک در تکوین جاز سهم بسزائی داشتند. این موسیقی ابتدا از نیو اورلئان و آنجا به تمام قسمت‌های آمریکا نفوذ کرد، همچنین هنرمندانی بوجود آورد که نامشان در تاریخ موسیقی جاز باقی خواهد ماند، «بادی بالدن» شیبورنواز، «بانگ جانسون» شیبورنواز، و «لویی آرمسترانگ» که زیباترین واصل‌ترین آثار جاز را بوجود آوردند.

گوناگون در جنگ بودند و در خلال این جنگ‌ها، رسوم خاصی را از عثمانی‌ها تقلید کردند. عثمانی‌ها در جنگ از سازهایی چون سرنه، و طبل‌های بزرگ برای حفظ روحیه نظامیان خود استفاده می‌کردند. اروپائی‌ها این سازها را گرفتند و از روی آن نمونه‌های دیگری ساختند و همین سازها بعدها در ارکسترهای نظامی به کار گرفته شد و همراه با مهاجرت آنها به آمریکا، به قاره جدید آورده شد.

بهر حال سیاهان توانستند با استفاده از این سازها، موسیقی بومی خود را اجرا کنند. سیاهان با استفاده از این سازهای نظامی، نواهایی برای به‌خاک سپردن مردگان می‌نواختند، زیرا آنها مردگان خود را همیشه با موسیقی به‌خاک می‌سپردند و اعتقاد داشتند که موسیقی سبب شادی روح مردگان می‌شود. این نواها گاه بسیار غم‌انگیز بود بعد از سپردن مرده به‌خاک طبل‌ها با ریتم‌های تند و سازهای بادی، با ریتم‌های شاد می‌نواختند و به‌همراه این موسیقی، رقص نیز اجرا می‌شد.

ملودی‌هایی که سیاهان برای این مراسم ساختند، بعدها قسمت‌هایی از موسیقی جاز را تشکیل داد. سبک دیگری موسیقی‌شان به‌شیوه «بلوز» بود، «بلوز» در تاریخ موسیقی سیاهان اهمیت بسیار دارد، چون سیاهان برای بیان احساسات به کارش می‌گرفتند و در فرهنگ موسیقی، فرمی بود در گام «فئتا تونیک مینور» که دوتا از نت‌های آن نیم پرده بود و در اصطلاح موسیقی به آن «گرن» می‌گویند، به‌رحال وقتی گام «بلوز» آفریقایی با سازهای نظامی اروپائی انطباق یافت، آن‌دو نیم‌پرده



تولید محلی و برنامه‌های اختصاصی مراکز شهرستانها

مركز آبادان	جمعہ ۹ کودکان و نوجوانان (تولید محلی) رویدادهای هفته ۱۰/۴۰	مركز شیراز	جمعہ ۹ کودکان و نوجوانان (تولید محلی) رویدادهای هفته ۱۰/۴۰
همه‌روزه بغیر از جمعه‌ها ۱۹/۴۰ تا ۱۶/۴۵ اخبار خوزستان + همسایگان شنبه ۱۶/۴۵ روستائیان محلی جمعه ۹/۴۰ برنامه مذهبی + هنر و ادبیات نوجوانان + کارگاه موسیقی	مركز رضائیه شنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری (تولید محلی) اخبار استان ۱۸/۴۰ شهر من شهر محبوب من (تولید محلی) ۱۹/۴۰	همه‌روزه بغیر از جمعه‌ها ۱۸/۴۰ اخبار استان شنبه ۱۴/۰۵ در پناه قانون (تولید محلی) چهارشنبه ۱۴/۰۵ موسیقی محلی جمعه ۱۶/۱۰ هفته نامه	یکشنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ جوانان (تولید محلی) ۱۹ دوشنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ سه‌شنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری روستائیان (تولید محلی) ۱۶/۴۵ اخبار استان ۱۸/۴۰ چهارشنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ پنجشنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ جمعه ۱۸/۴۰ ساعت ۱۶۸ (تولید محلی) موسیقی محلی (تولید محلی) ۱۰/۴۰
مركز اصفهان	مركز زاهدان	مركز کرمان	مركز کرمانشاه
همه‌روزه اخبار ۱۸/۴۰ تا ۱۸/۴۰ جمعه رویدادهای هفته ۱۰/۴۰ تا ۱۱	شنبه ۱۴ فیلم چهارشنبه ۱۹ فیلم جمعه ۱۴	همه‌روزه بغیر از جمعه‌ها ۱۶/۴۵ تا ۱۷/۱۵ شنبه ۲۱ موسیقی محلی یکشنبه ۱۷/۴۰ کودک (تولید محلی) چهارشنبه ۲۱/۴۰ فیلم	شنبه ۱۹ هنر و جوانان (تولید محلی) ۲۴ آینه‌گیلان (تولید محلی) سه‌شنبه ۱۹/۴۰ موسیقی محلی (تولید محلی) چهارشنبه ۱۹ یالمنگ (تولید محلی) پنجشنبه ۱۹ مباثه و سرگرمی (تولید محلی)
مركز تبریز	مركز زاهدان	مركز کرمان	مركز کرمانشاه
همه‌روزه بغیر از جمعه‌ها ۱۸/۴۰ اخبار استان شنبه ۱۴/۰۵ فیلم تلویزیونی یکشنبه ۱۶/۴۵ روستائیان سه‌شنبه ۱۷ سلام بچه‌ها (تولید محلی) چهارشنبه ۱۴/۰۵ موسیقی محلی	شنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ دوشنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ سه‌شنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ چهارشنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ پنجشنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ جمعه ۱۸/۴۰ ساعت ۱۶۸ (تولید محلی) موسیقی محلی (تولید محلی) ۱۰/۴۰	همه‌روزه ۱۶/۴۵ تا ۱۷/۱۵ اخبار استان شنبه ۲۱ موسیقی محلی یکشنبه ۱۷/۴۰ کودک (تولید محلی) چهارشنبه ۲۱/۴۰ فیلم	شنبه ۱۹ هنر و جوانان (تولید محلی) ۲۴ آینه‌گیلان (تولید محلی) سه‌شنبه ۱۹/۴۰ موسیقی محلی (تولید محلی) چهارشنبه ۱۹ یالمنگ (تولید محلی) پنجشنبه ۱۹ مباثه و سرگرمی (تولید محلی)
مركز مشهد	مركز زاهدان	مركز کرمان	مركز کرمانشاه
همه‌روزه بغیر از روزهای پنجشنبه و جمعه پیش از آغاز ۱۶ شنبه ۱۴/۰۵ فیلم تلویزیونی چهارشنبه ۱۷/۴۰ فیلم تلویزیونی	شنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ جوانان (تولید محلی) ۱۹ دوشنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ سه‌شنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ چهارشنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ پنجشنبه ۱۶ عصر بخیر همشهری اخبار استان ۱۸/۴۰ جمعه ۱۸/۴۰ ساعت ۱۶۸ (تولید محلی) موسیقی محلی (تولید محلی) ۱۰/۴۰	همه‌روزه ۱۶/۴۵ تا ۱۷/۱۵ اخبار استان شنبه ۲۱ موسیقی محلی یکشنبه ۱۷/۴۰ کودک (تولید محلی) چهارشنبه ۲۱/۴۰ فیلم	شنبه ۱۹ هنر و جوانان (تولید محلی) ۲۴ آینه‌گیلان (تولید محلی) سه‌شنبه ۱۹/۴۰ موسیقی محلی (تولید محلی) چهارشنبه ۱۹ یالمنگ (تولید محلی) پنجشنبه ۱۹ مباثه و سرگرمی (تولید محلی)

مهاباد

پنجشنبه ۹ بهمن	سه‌شنبه ۷ بهمن	یکشنبه ۵ بهمن	دوشنبه ۴ بهمن
۱۸ کارتون ۱۸/۲۰ دنیای شریلی ۱۸/۴۰ اسمیت و جونز ۱۹/۴۰ فیلم تلویزیونی ۲۰ اخبار ۲۰/۳۰ ورزش در مهاباد ۲۰/۵۰ شهر آواز ۲۱/۳۰ قصه عشق	۱۸ کارتون ۱۸/۲۰ کارگاه موسیقی کودک ۱۸/۴۰ نوجوانان (تولید محلی) ۱۹/۱۰ افسونگر ۱۹/۳۰ زندگی دو گانه هنری فایف ۲۰ اخبار ۲۰/۳۰ موسیقی ایرانی ۲۱ لحظه‌های بحرانی	۱۸ کارتون ۱۸/۲۰ بچه‌ها، بچه‌ها ۱۸/۴۰ موسیقی ایرانی ۱۹ کالری شبانه ۲۰ اخبار ۲۰/۳۰ ایران زمین ۲۱ شجاعان	۱۸ کارتون ۱۸/۲۰ روستائیان ۱۸/۴۰ مردی بنام جونز ۱۹/۳۰ موسیقی ۲۰ اخبار ۲۰/۳۰ به‌سوی سال ۲۰۰۰ ۲۱ فیلم سینمایی
جمعه ۱۰ بهمن	چهارشنبه ۸ بهمن	دوشنبه ۶ بهمن	شنبه ۴ بهمن
۱۴ اخبار ۱۴/۳۰ برنامه کودک کان (تولید محلی) ۱۵ فوتبال ۱۶ موسیقی ایرانی ۱۶/۳۰ فیلم سینمایی ۱۸ زیست‌شناسی دریا ۱۸/۲۰ موسیقی ایرانی ۱۸/۴۰ والت‌دیزنی ۱۹/۳۰ اطاق ۲۲۲ ۲۰ اخبار ۲۰/۳۰ ادبیات جهان ۲۱ آخرین بازمانده‌گان موهیکانها	۱۸ فیلیم ۱۸/۲۰ روستائیان ۱۸/۴۰ نقاد ۱۹/۳۰ موسیقی محلی ۲۰ اخبار ۲۰/۳۰ کوچاک ۲۱/۳۰ تئاتر	۱۸ کارتون ۱۸/۲۰ عصر حجر ۱۸/۴۰ گشت‌وگذار جغرافیایی ۱۹/۳۰ موسیقی ایرانی ۲۰ اخبار ۲۰/۳۰ کلیبو ۲۱/۳۰ موقعیت اضطراری	۱۸ کارتون ۱۸/۲۰ روستائیان ۱۸/۴۰ مردی بنام جونز ۱۹/۳۰ موسیقی ۲۰ اخبار ۲۰/۳۰ به‌سوی سال ۲۰۰۰ ۲۱ فیلم سینمایی

دنیای پاپ



آلبومهای هفته

OHIO PLAYERS- RATTLESNAKE

این آلبوم گروه «Ohio Players» که کارشان در سبک سول شناخته شده است ترکیبی است از آهنگهای قدیمی و آهنگهایی که تا بحال منتشر کرده بودند این آلبوم با وجود اینکه شباهت زیادی به کارهای اخیر این گروه ندارد و بیشتر به سبک جازست، هنوز هم جزو آلبومهای خوب سول بشمار میرود. اغلب آهنگهای این آلبوم برای موسیقی دیسکو تک مناسب هستند و در دیگر آهنگها تکه‌های زیبایی از سبک جاز و پسا اجرایی از ساکسفون ارائه شده است.

SANTANA- LOTUS

آلبوم Lotus یکی از بهترین نمونه‌های ترکیب موسیقی سول با موسیقی امریکایی لاتین و جاز است که تا بحال ارائه شده است. در حالیکه اغلب گروه‌های دیگری که این سبک را در موسیقی خود بکار گرفته‌اند از قبیل Mahavishnu Orchestra, Weather Report, Chick Corea و حتی بادی میلز در اواخر سالهای ۱۹۷۳ نتوانستند این سبک را بطور کامل و به بهترین نحو ارائه دهند. Santana در این آلبوم که آهنگهایش در یک کنسرت زنده - در لاکر Rainbow در سال ۱۹۷۳ ضبط شده، در اوج کار موسیقی است.

در این کنسرت Tom Coster, Michael Shrieve, Chepito Richard و Armando Santana با Carlos Santana همکاری کرده‌اند.

در این آلبوم آهنگهایی از قبیل Going Home نوشته آلیس کولتران، Carvanserai آهنگ معروف «سانتانا» نوشته Every Stop of the Way میچل شریو، Gypsy Queen هندریکس گرفته شده و با Samba Pati و Incident at Neshabur بهترین نحو اجرا میشوند. این آلبوم را در برنامه سه‌شنبه موسیقی راک خواهید شنید.

دنیای پاپ

(استریو)

Saturday

J. Geils Band - Mean Love
- Love It Is
- Easy Woy out

Man - Babe I'm Going to Leave You
Brian Auger - Something out of Nothing
- Brain Damage

Strawbs - Little Sleepy
- Arsent Friend
- So Shall Our Love Die

Nitty Gritty Dirt Band - Ripplin Waters
- Dream
- Battle of New Orleans

The Chief Tans - Give Me Your Hand
- Kerry Slides

Sunday

Andrew Gold - I'm a Gambler
- Love Hurts

Neil Young - Pardon My Heart
- Don't Cryno Tears

Jim Capaldi - Johnny Toobas
- Short Cut Drrew Blood

Nitty Gritty Dirt Band - Dream
- Mother of Love
- Joshua Come Home

Howart Werth - Fading Star
- Ugly Water

America - Horse With No Name
- Ventura Highway
- Sandman

Monday

Jim Capaldi - Goodbay Love
- Its All Up to You
- Love Hurts

Paul Simon - 50 ways to Leave Your Lover
Neil Young - Look in for a Love
- Cortez The Killer
- Through My Sails

Santana
Chicago - Saturday in the Park
- Does Any Body Know What time it is

- wishing You Were Here
America - Lonely People
Deodato - Caravan

Tuesday

Oldies But - Goodies of Soul Music
Wednesday
Quick Silver Messenger - Cowboy on the Run

Cat Stevens - Home
- Drywood

Jim Capaldi - Boy with a Problem
- Seagull

Joni Mitchel - The Hissing of Summer Lawns
- The Boho Dance

Elkie Brooks
Andrew Gold - Resting in Your Arms
- I'm Coming Home

J. Gelsband - Think It Over
- Be Careful

Thursday

Jesse Colin Young - Songe Bird
- Before You Came

- Slick City
Fleetwood Mac - Hapnotized
- Angle

- Emerald Eyes
Jefferson Straship - Tumblyn
- There will Be Love

Rod Stewart
- This Old Heart of Mine
- Still Love You

Joan Baes-Winde of Old Days
- Jesse
- Diamonds and Rust

دنیای راک

(استریو)

Saturday

Rolling Stones
Sunday
Santana Lotus

Monday
Bob Marley Live
Cat Stevens - Numbers

Tuesday
Mottuna - Forever Yellow
Paul Kossosf - Back Street Crawler

Wednesday
Andrew Gold
Orleans - Let There Be Music

Thursday
Donna Summers - Love to Love You Baby
Earth wind and Fire

خبرها

کسب کند.

بعد از جدائی رد استوارت و همچنین لیدون گیتاریست از گروه Eagles به‌سازاره خبر رسید که جفری هاموند گیتاریست گروه Jethro Tull نیز از این گروه جدا شد.

بهترین صفحات سال از نظر مجله Melody Maker بفرار زیر هستند:

بهترین صفحه راک: Hissing of the Sommers Lawns
بهترین صفحه سولو: Still - Cought Up
بهترین از میلی جکسون و بهترین از Pieces of the Sky - Country
امیلو هاریس.

جان لنون، به‌سازاره بعد از سالها مبارزه علیه مقامات دادگستری آمریکا توانست اجازه مسافرت و بازگشت به آمریکا را بگیرد و بعقیده و کلیش طولی نخواهد کشید که بتواند اجازه اقامت دائمی نیز

ALBUMS

This Week	Last Week	Tuesday 16th December 1975	Hitlist Position	Weeks on Chart
1	(1)	PERRY COMO'S 40 GREATEST HITS (K-Tel)	9	1
2	(2)	A NIGHT AT THE OPERA Queen (EMI)	3	2
3	(4)	40 GOLDEN GREATS Jim Reeves (Arcade)	12	1
4	(3)	MAKE THE PARTY LAST James Last (Polydor)	5	4
5	(13)	WOULDN'T YOU LIKE IT? Bay City Rollers (Bell)	3	5
6	(8)	ALL AROUND MY HAT Steeleye Span (Chrysalis)	7	6
7	(6)	SHAVED FISH John Lennon (Apple)	6	6
8	(12)	OMMADAWN .. Mike Oldfield (Virgin)	7	4
9	(9)	ATLANTIC CROSSING Rod Stewart (Warner Bros.)	18	1
10	(7)	ROLLED GOLD/Rolling Stones (Decca)	3	7
11	(22)	SONGS OF JOY Nigel Brooks Singers (K-Tel)	3	11
12	(3)	PETERS & LEE FAVOURITES (Philips)	12	3
13	(11)	GET RIGHT INTAE HIM Billy Connolly (Polydor)	4	11
14	(21)	BEST OF STYLISTICS (Aveco)	36	1
15	(10)	CRISIS? WHAT CRISIS? Spectoramp (A&M)	3	10
16	(18)	WISH YOU WERE HERE Pink Floyd (Harvest)	14	1
17	(20)	24 ORIGINAL HITS Drifters (Atlantic)	2	17
18	(16)	ALL THE FUN OF THE FAIR David Essex (CBS)	14	3
19	(14)	SIREN (Rony Music)	8	2
20	(15)	DISCO HITS '75 (Arcade)	6	15
21	(17)	ONE OF THESE NIGHTS Eagles (Asylum)	25	4
22	(26)	BARRY WHITE'S GREATEST HITS (20th Century)	4	20
23	(24)	MOTOWN GOLD ... (Tama Motown)	5	18
24	(27)	ELVIS PRESLEY'S 40 GREATEST HITS (Arcade)	20	2
25	(25)	YOU ARE BEAUTIFUL Stylistics (Aveco)	2	25
26	(23)	WE ALL HAD DOCTOR'S PAPERS Max Boyce (EMI)	7	13
27	(28)	THE VERY BEST OF ROGER WHITTAKER (EMI)	16	4
28	(19)	ROCK OF THE WESTIES Elton John (DJM)	8	3
29	(-)	WALT DISNEY GREATEST HITS (Ronco)	1	29
30	(-)	40 SUPER GREATS (K-Tel)	1	30

BUBBLING UNDER

COME TASTE THE BAND—Deep Purple (Purple)
SING LOFTY—Windsor Davies & Don Estelle (EMI)
FISH OUT OF WATER—Chris Squires (Atlantic)
BREAKAWAY—Art Garfunkel (CBS)
BORN TO RUN—Bruce Springsteen (CBS)

U.S. ALBUMS

December 16, 1975

1	(1)	CHICAGO'S GREATEST HITS
2	(2)	ROCK OF THE WESTIES Elton John
3	(5)	RED OCTOPUS Jefferson Starship
4	(4)	WINDSONG John Denver
5	(6)	HISTORY—AMERICA'S GREATEST HITS
6	(7)	THE HISSING OF SUMMER LAWSNS Joni Mitchell
7	(3)	STILL CRAZY AFTER ALL THESE YEARS Paul Simon
8	(9)	GRATITUDE Earth, Wind & Fire
9	(11)	K.C. & THE SUNSHINE BAND
10	(12)	SEALS AND CROFTS GREATEST HITS
11	(8)	BREAKAWAY Art Garfunkel
12	(10)	ONE OF THESE NIGHTS Eagles
13	(14)	TRYIN' TO GET THE FEELING Barry Manilow
14	(16)	ALIVE Kiss
15	(23)	FAMILY REUNION The O'Jays
16	(20)	ROCKY MOUNTAIN CHRISTMAS John Denver
17	(15)	SAVE ME Silver Convention
18	(13)	WIND ON THE WATER David Crosby/Graham Nash
19	(19)	LAZY AFTERNOON Barbra Streisand
20	(26)	WISH YOU WERE HERE Pink Floyd
21	(17)	FACE THE MUSIC ... Electric Light Orchestra
22	(18)	THE WHO BY NUMBERS Who
23	(24)	FEELS SO GOOD Grover Washington Jr.
24	(-)	HELEN REDDY'S GREATEST HITS
25	(-)	NUMBERS Cat Stevens
26	(29)	BARRY WHITE'S GREATEST HITS
27	(-)	THE BEST OF CARLY SIMON
28	(-)	ZUMA Neil Young
29	(22)	THE HUNGRY YEARS Neil Sedaka
30	(30)	FLEETWOOD MAC

Courtesy "CASH BOX"

که در Tour ماماراس و آوریل ۷۶ (اروپا) شرکت کند و با بیشتر تیب قطعی بنظر میرسد که او عضو دائمی گروه خواهد شد.

راد استوارت هم که اکنون در لوس آنجلس بسر میبرد درامه زونن پدیا نکلستان بر خواهد گشت و چند کنسرت در لندن و گلاسکو و بر- منگهام و منچستر اجرا خواهد کرد و اومدن نیست بخاطر اشکالات مالیاتی به آمریکا رفته.

با جدا شدن استوارت و ران وود از گروه Faces آینده بقیه اعضای گروه خیلی مبهم بنظر میرسد ولی امکان دارد استیو ماریو و رونی لان از گروه سابق Small Faces به آنها بپیوندند و گروه جدیدی را تشکیل دهند.

بعد از مدتها که شایعات مختلف درباره جدائی راد استوارت از گروه Faces بکوش می رسید بالاخره در هفته گذشته رسماً خبر جدائی آنها اعلام شد و با بیشتر تیب راه برای «ران وود» گیتاریست گروه هم باز شد که به گروه رولینگ استونز بپیوندد در باره این جدائی، استوارت گفت «ران» نمی تواند هم با گروه Faces وهم با گروه استونز کار کند او اکنون با گروه استونز در کشور سوئیس و آلمان مشغول ضبط سفته است در سوئیس که وجودش برای ضبط آلبوم آینده Faces نیز ضروری است اینست که من ترجیح میدهم به نهائی و با هر کس که دلم میخواهد کار کنم. گروه استونز هم از «ران» خواهش کرده اند



چهره هفته

ROD STEWART AND THE FACES

Bob Dylan

اجرا کرد. در این کنسرت راجر مک گروین رئیس سابق گروه Byrds نیز که با خواندن آهنگ های دیلان به شهرت رسیده بود از قطعات معروف خود استفاده کرد این کنسرت چندین ساعت بطول انجامید و به غیر از خوانندگان، عده ای از قضات دادگستری آمریکا و یک سناتور هم سخنانی بنفع کارتر ایراد کردند. محمدعلی کلی نیز که در این کنسرت شرکت داشت گفت من جز درسان های بکس هیچوقت ایتمه آدم در یک محل ندیده بودم. بهر حال به اینهمه تبلیغات و جمع آوری پول، شانس آزادی کارتر بیش از پیش شده. در ضمن Single باب دیلان نیز بهین اسم دو هفته ایست که منتشر شده و فروش فراوانی کرده آخرین آلبوم او نیز که شامل این Single است در هفته اول زانو به منتشر شد که بنظر منقدین جزو بهترین آلبوم های دهساله اخیر اوست. بهر حال ما به بعضی دریافت این آلبوم برای شنوندگان عزیز دنیای راک بخشاش خواهیم کرد.

آخرین کنسرت «باب دیلان» و ده ستانش که به نام Rolling Thunder - Review دور آمریکا را گشته بودند. در مدیسن اسکوئر گاردن نیویورک انجام شد، این سری کنسرت ها بنفع یک سو کوک پیر آمریکائی بنام Hurricane Carter اجرا شد که چندین سال پیش دواج موقوفیت به اتهام یک قتل با زداشت و زندانی شده بود و تا به امروز هم در زندان است ولی چون دیلان مطمئن است که او قربانی دسسه عده ها شده. سعی دارد با تبلیغات زیاد و جمع آوری پول بهر ترتیب شده او را آزاد کند. در این سری کنسرت ها سرشناس ترین خواننده ها دیلان را همراهی کردند و در همه جا این کنسرت ها بی اندازه موفقیت آمیز بود. شب آخر اجرای کنسرت در نیویورک بجن خود او خوانندگان مثل جانی میچل و روبرو ناولاک هر کدام قطعاتی اجرا کردند، همچنین Joan Baez که در تمام کنسرت ها حضور داشت آتش نیز به همراهی دیلان قطعاتی



برنامه‌های فوق العاده بمناسبت سالگرد انقلاب ششم بهمن

راديو ايران بمناسبت سالگرد پرفراختر انقلاب ششم بهمن برنامه‌های خاصی تدارك دیده است که از روزاول بهمن ماه در ساعات مختلف از برنامه اول راديو ايران پخش خواهد شد.

شنبه - ساعت ۲۱ مشاعره

اجراکننده: مهدی سپیلی
تهیه کننده: عباس تهرانی

برای آخرین بار در این برنامه خانم رزا راشدی که در اشعار مرحوم رهی معیری مشاعره میکند با آقایان عبدالمحمد شیخ که در دیوان عماد خراسانی مشاعره میکند و ناصر مشکوری که بطور آزاد شعر خواهد خواند بشاعره خواهند نشست و در ضمن مجری برنامه با آنها به بحث خواهد پرداخت و به چندین نامه نیز پاسخ میدهد.

یکشنبه - ساعت ۱۶/۳۰ فرهنگ ایران زمین شاهنامه خوانی

اجراکننده: غلامعلی حقیقت
تهیه کننده: مریم کریمی

برنامه «فرهنگ ایران زمین» روزهای یکشنبه اختصاص به شاهنامه خوانی دارد که آقای غلامعلی حقیقت آنرا اجرا می کند در این برنامه آقای حقیقت درباره جنگ‌های هرون و کوه و دوروشدن رستم با شکل هند و سازه شاه مطالبی با لحن خاص خود ارائه میدهد.

سهشنبه - ساعت ۲۱ فرهنگ مردم

نویسنده: ابوالقاسم انجوی شیرازی
اجراکنندگان: سروریا گلستان، امیر نوری و محسن رفیعی

تهیه کننده: مهدی پورحجازی
در آغاز برنامه «فرهنگ مردم» پاره‌ای از تمثیل و مثل‌های اهالی مسجدآباد شقراق، چارم، بجنورد را خواهید شنید و سپس به بیان پاره‌ای از عقاید و باورهای اهالی دژ آهنگ لار میپردازیم.

مردم آهواز معتقدند که ماهی رود کارون را روی بادمجان یا ماست نباید خورد زیرا پوست بدنشان لک بر میدارد، بهمین ترتیب عقاید دیگری از مردم آهواز را از زبان مجریان و گویندگان این برنامه خواهید شنید.

مهمان شاهنامه خوان این هفته برنامه آقای سیفی از بلیان گازرون هستند که

مستثنائی از شاهنامه را برای دستداران فردوسی با طریقه‌ای که در محل مرسوم است میخوانند در فواصل مطالب و گفتارهای برنامه، آوازها و آهنگها و ترانه‌های اصیل محلی نیز پخش میشود.

سهشنبه - ساعت ۲۳/۰۵

مباحث نظری شعر از دیدگاهی تازه

برنامه‌ای از گروه ادب امروز

نویسنده و مسئول برنامه: اصغروافی
تهیه کننده: یژن مفلسی
اینک از پس اعصار و قرون بدنبال گشت و گذاری در کوجه باغهای شعر خراسانی، عراقی و هندی و در بی‌طرح شعر در دوران بازگشت ادبی و عصر انقلاب مشروطیت بمسئله تجدد و تحول در شعر میرسیم. در این برنامه سخن از کسانی میرود که همراه با تحول اجتماعی ایران در انقلاب مشروطیت به طرح عقایدشان دمورد تجدد و تحول در شعر پرداختند و در روزنامه‌های «تجدد تریز» و مجله «آزادستان» به پاسداران ادب گذشته هشدار دادند، در بین این تجدخواهان نام سه نفر بیض از دیگران تجلی کرد، قتی رفعت، جعفر خامنه‌ای و خانم شمس کسمانی. بدون شک این سه‌تن و تجدخواهان دیگر راه را برای ظهور فردوسی چون قیامه هموار کردند، در این برنامه سخن از شاعران تجددخواه قبل از «نیما» میرود.

برنامه ویژه سالگرد ششم بهمن

برنامه‌ای از فرهنگ فرهی
تهیه کننده: هوشنگ قاضی

از روز اول بهمن بعد از پخش اخبار ساعت ۱۶ راديو، برنامه‌ای با شرکت مقامها و مسئولان اجرائی مملکت در جهت ترسیم خطوط سیمای انقلاب عرضه خواهد شد. این برنامه که هر روز بمدت یکساعت خواهد بود تا ۱۷ بهمن ادامه دارد.
روز ششم بهمن از ساعت ۸ به بعد تا ساعت ۱۲ يك برنامه ۱۶ ساعته‌ی (زنده) نیز از راديو ايران عرضه میشود که قسمتهائی از مراسم رژه و میتینکهای پرشور تهران و شهرستانها را نیز دربر خواهد داشت.

چهارشنبه - ساعت ۱۶/۳۰ فرهنگ ایران زمین شناختی نو از فردوسی

اجراکننده: احمدعلی رجائی

چو از دیدگه دیدباش بدید
سوی زابلستان فغان برکشید
که آمد سواری سوی هیرمند
سواران بگرد اندرشی نیز چند
درفشی درافشان پس پشت اوی
یکی کالمی تیغ بر مشت اوی
در این برنامه استاد احمدعلی رجائی از زبان فردوسی قصه بیژن و منیژه را به آنجا میرساند که گویا وارد شیرزابل میشود و با رسم دستان به صحبت می‌نشیند.

پنجشنبه - ساعت ۱۴/۰۵ سخنرانی استاد محیط طباطبائی

تهیه کننده: مقصد نامدار
سیصد سال پیش از این در اصفهان یکی از محبوبترین چهره‌های شعر و مشهور-

ترین مردان سخنور و سخن‌شناس ایران سر به خاک تیره فرورد. مردی که پس از مرگ جمایی کسی از حیث شهرت و عظمت قدر و سرشناسی در دوره زندگانی به درجه و مقام او نرسیده بود میرزا محمدعلی صائب پسر میرزا عبدالرحیم تبریزی که در کوی عباس‌آباد تبریزان اصفهان دیده به دنیا گشوده بود پس از عمری دراز که به عزت و حرمت و سفر و سلامت و ثروت و سعادت در ایران و هند گذراند به سال ۱۰۸۷ و مطابق با ۱۰۵۵ شمسی در زادگاه خود جان سپرد.

سخنرانی اینساعت آقای محیط طباطبائی درباره صائب تبریزی است.

پنجشنبه - ساعت ۱۶/۳۰ فرهنگ ایران زمین حمزه آذنگ

نویسنده: سبکتکین سلور
کارگردان: سیروس اصمی

در هفته گذشته شرح حال حمزه آذنگ را تا آنجا شنیدید که جزه مرز محروگی را یاری میدهد تا از شر دشمنان خلاصی یابد غافل از آنکه خود گرفتار دسیه‌ای بزرگ خواهد شد.
این داستان بصورت نمایشنامه تنظیم شده است و هنرپیشگان راديو در آن اجرائی نقش میکنند.

پنجشنبه - ساعت ۱۷/۱۵ بعد از ظهر روز ششم

نویسنده: مسعود بهنود

اجراکننده: مولود رهناب و بهنود
تهیه کننده: فریدون توفیقی
گزارشگر: کیخسرو بهروزی
در آخرین روز هفته، در اینساعت نگاهي به روزهای گذشته‌ی هفته می‌اندازیم و وقیع و رویدادهای هنری، ادبی واجتماعی ایران و جهان را مورد بررسی قرار میدهیم. در فواصل برنامه، علاوه بر استفاده از بهترین آهنگها و ترانه‌ها، گزارشهای راديوئی نیز پخش میشود.

جمعه - ساعت ۱۷/۳۰

سیر و سفر

تنظیم از خسرو شاهانی

گویندگان: تاجی احمدی، رضامعینی
تهیه کننده: عباس تهرانی
سر کلاس، معلم روگرد به مینا و گفت: مینا تو حساب خیلی ضعیفه چرا در موقع حل کردن حساب از پدرت کمک نمی‌گیری مینا گفت: برای اینکه ارن مره شما بابت حل مسئله‌های من پیش سفر دادین، قهر کرده و دیگر مسئله‌های من حل نمیکند. این قسمتی از برنامه این هفته است که شامل مطالب متنوع و سرگرم کننده میباشد.

جمعه - ساعت ۲۰/۳۰

جانی دالر

کارگردان: حیدر صامی

تهیه کننده: عباس تهرانی
داستان این هفته دلیل برای اثبات جرمه نام دارد که اسداله شیرپاری آنرا نوشته و بازیگران آن عبارتند از: حمید عاملی، منیژه زرین، فریدون اسمعیلی، مهین نثری، مسعود تاجبخش و هوشنگ خلعتی. و گوینده برنامه نیز جواد ساری‌اصلاحی است.

داستان اینطور شروع میشود که در خیابان ۱۴ آبارتمان کریستن اطاق شماره

۱۹ قتل رخ میدهد که بوسیله مستخدمه منزل بکارگاه «جانی دالر» اطلاع داده میشود و کارآگاه وارد ماجرا میشود و پس از يك سلسله تحقیقات دامنه‌دار موفق به شناخت قاتل و دستگیری او میشود حالا میتوانید به برنامه گوش دهید و پس از اطلاع به رمز داستان به این برنامه نامه بنویسید و بحکم قرعه يك جایزه نفیس بگیرید.



شنبه

سلام شاهنشاهی و اعلام برنامه
۰۶/۳۰
بامداد و موسیقی (استریو)
۰۶/۳۵
اخبار
۰۷/۳۰
دنباله بامداد و موسیقی (استریو)
۰۷/۳۵
کنسرت بامدادی (استریو)
۰۸/۰۰

اجراکننده: محمد نادرتبار
تهیه کننده: سهراب جابر
آثاری از گلینتاک، برودین و موسورگسکی (اجرا شده بوسیله ارکستر بالثوی شتایر)
۰۹/۰۰
پشتون: سونات شماره ۱۷ (طوفان)
۱۰/۰۰
خواننده روز (استریو)
۱۰/۰۰
ارکسترهای بزرگ جهان
۱۰/۳۰
سیری در جهان موسیقی (استریو)
تهیه و اجراکننده: مهران روحانی
آثاری از: بیژه، شوبن-راول-آلینیتس
۱۱/۳۰
موسیقی جاز (استریو)
۱۲/۰۰
با موسیقیدانان بزرگ آشنا
شویم (استریو)

نویسنده: مهاد شکوهی
تهیه و اجراکننده: مهران روحانی
ادوارد کریک

A - M

تدریس زبان انگلیسی
۱۳/۰۰
تدریس زبان فرانسه
۱۳/۰۵
آهنگهای غربی
۱۴/۳۰
برنامه بزبان روسی
۱۴/۰۰
برنامه بزبان آلمانی
۱۴/۱۵
برنامه بزبان فرانسه
۱۴/۳۰
برنامه بزبان انگلیسی
۱۴/۴۵
از آرشيو برنامه دوم:
نمایشنامه «ناپدید»
ترجمه: علیرضا مینبی
کارگردان: بیژن مفید
تهیه کننده: ایرج کرگین

F - M

آهنگهای متنوع غربی (استریو)
۱۴/۰۰
اخبار
۱۴/۰۰
برنامه گلپا
۱۴/۰۵
موسیقی کلاسیک
۱۵/۰۰

اجراکننده: محمد نادرتبار
تهیه کننده: سهراب جابر
لوتسلاوسکی: پنج پرلود رقص
۲ کنسرتو کیتار از مانوئل پوئچه و
آندره پرومپن و پیوتان: کنسرتو ویلن
شماره ۵
اخبار ۱۶/۳۰

۱۶/۳۵ فرهنگ ایران زمین
نویسنده و اجرا کننده: محمدتقی مصطفوی

تهیه کننده: مهدی پورحجازی
در این برنامه آقای محمدتقی مصطفوی استادی باستانشناس درباره بنای زیارتگاه شیخ چابریل پدر شیخ صلی‌الدین اردبیلی در گلخوران اردبیل و شیخ زاهد گیلانی در گیلان و بقعه سلطان علی در کاشان صحبت میکنند.
۱۷/۰۰ موسیقی آمریکای لاتین (استریو)
۱۷/۳۰ به‌دنیای پاپ‌خوش آمدید (استریو)
۱۸/۳۰ موسیقی ایرانی (استریو)
۱۹/۰۰ پاپ ۱۹ (استریو)
۱۹/۳۰ اخبار
۱۹/۳۵ دنیای مطبوعات
۲۰/۰۰ موسیقی راک (استریو)
۲۱/۰۰ جهان هنر

نویسنده و مترجم: عبدالله توکل
اجرا کنندگان: آذر پژوهش، رضا محینی

تهیه کننده: رهبر صبوری
علاقه به‌تاریخ، از لحاظ روانشناسی چه اساسی دارد؟ این علاقه مبتنی بر چه احساس-هائی است؟ مورخین و جهان‌شناسان جواب داده‌اند که تأثیر از آداب و رسوم مذهبی و آئین‌ها سرچشمه گرفته است و میتوان گفت که در ابتدا مشتقی از احساس مذهبی بوده است. چنین هم گفته‌اند که اصل و منشاء تأثیر با تمایلهای انسان ابتدائی به‌سوی اشکال هنری، به‌سوی تصویرها و چیزهای دیگر یکی هستند، اما نیکلای اوره‌نوف مؤلف چهل کتاب نظری و عملی در زمینه تأثیر و برای تأثیر می‌گوید که با اینهمه من عقیده دارم که باید همه این توضیحات به دور انداخته شود و بدست فراموشی سپرده شود.

برنامه اینساعت «جهان هنر» درباره «غریزه تئاتر» است.
۲۱/۳۰ گلهبای تازه شماره ۵۰ (استریو) (اصفهان)
آواز عبدالوهاب شهیدی - تار جلیل شهباز - فی‌حسین ناهید - ضرب جهانگیر ملک

شعر از سعدی
گوینده: فخری نیکزاد
کتاب شب
۲۲/۰۰ «سفرنامه این بطوطه»
ترجمه: محمدعلی موحد
اجرا کننده: منوچهر دانش‌پژوه
تهیه کننده: محمود محضاری
در اینساعت آخرین قسمت از کتاب «سفرنامه این بطوطه» خوانده میشود، این سلسله برنامه‌ها که از کتاب «سفرنامه این بطوطه» انتخاب شده بود مورد توجه شنوندگان قرار گرفت.
۲۲/۳۰ اخبار
۲۲/۳۵ کنسرت شب
نویسنده: میرداد شکوهی
تهیه و اجرا کننده: مهران روحانی
دلب: باله کوبلیا
۲۴/۰۰ موسیقی نیمه‌شب (استریو)
۰۱/۰۰ پایان برنامه

یکشنبه

۰۶/۳۰ سلام شاهنشاهی و اعلام برنامه
۰۶/۳۵ بامداد و موسیقی (استریو)
۰۷/۳۰ اخبار
۰۷/۳۵ دنباله بامداد و موسیقی (استریو)
۰۸/۳۵ کنسرت بامدادی (استریو)
جایکوفسکی: کوارتت زهی شماره ۱
آثاری برای پیانو (اجرا شده بوسیله کلایرین)
۰۹/۰۰ خواننده روز (استریو)
۱۰/۰۰ موسیقی سرزمینها
۱۰/۳۰ سیری در جهان موسیقی (استریو)
آثاری از: برامس، شومان، هندل، موتسارت

۱۱/۳۰ موسیقی جاز (استریو)
۱۲/۰۰ با موسیقیدانان بزرگ آشنایم (استریو)
ادوارد گریگ

A - M

۱۳/۰۰ تدریس زبان انگلیسی
۱۳/۱۵ تدریس زبان فرانسه
۱۳/۳۰ آهنگهای غربی
۱۴/۰۰ برنامه زبان روسی
۱۴/۱۵ برنامه زبان آلمانی
۱۴/۳۰ برنامه زبان فرانسه
۱۴/۴۵ برنامه زبان انگلیسی
۱۵/۰۰ از آرشو برنامه دوم
«تماشاینامه»

F - M

۱۳/۰۰ آهنگهای متنوع غربی (استریو)
۱۴/۰۰ اخبار
۱۴/۰۵ برنامه گلبا
۱۵/۰۰ موسیقی کلاسیک
مالر: سمفونی شماره ۴
بروکس: چهار موت
الگار: الژی
۱۶/۳۰ اخبار
۱۶/۳۵ کتاب روز
۱۷/۰۰ موسیقی فیلم (استریو)

در این ساعت قسمت اول موسیقی متن فیلم «کاپیتان کاستیل» ساخته آلفرد دیتومون پخش میشود

پاینده
اجرا کننده: داود رمزی
تهیه کننده: محمود مختاری
«ظلمات عدالت» نموداری، شاید بقدر کافی دقیق از شکستهای روزگاران گذشته است که جوانان قدیم شاهد آن بوده‌اند از امشب برنامه «کتاب شب» اختصاص دارد به خواندن کتاب «ظلمات عدالت» که امیدواریم مورد توجه شنوندگان قرار گیرد
۲۲/۳۰ اخبار
۲۲/۳۵ کنسرت شب
هولست: اورتور برکت‌فول
مازینو: کنسرتو ویلن
شوستاکوویچ: سمفونی شماره ۵
۲۴/۰۰ موسیقی نیمه‌شب (استریو)
۰۱/۰۰ پایان برنامه

دوشنبه

۰۶/۳۰ سلام شاهنشاهی و اعلام برنامه
۰۶/۳۵ بامداد و موسیقی (استریو)
۰۷/۳۰ اخبار
۰۷/۳۵ دنباله بامداد و موسیقی (استریو)
کنسرت بامدادی (استریو)
ساتی: موسیقی از باله‌ولاش
گروته: سویت گران دکانون
۰۹/۰۰ خواننده روز (استریو)
۱۰/۰۰ ارکسترهای بزرگ جهان
۱۰/۳۰ سیری در جهان موسیقی (استریو)
آثاری از: موسورگسکی، واکر
حسین، اشتراوس



۱۱/۳۰ موسیقی جاز (استریو)
۱۲/۰۰ با موسیقیدانان بزرگ آشنا شویم (استریو)
ادوارد گریگ

A - M

۱۳/۰۰ تدریس زبان انگلیسی
۱۳/۱۵ تدریس زبان فرانسه
۱۳/۳۰ آهنگهای غربی
۱۴/۰۰ برنامه زبان روسی
۱۴/۱۵ برنامه زبان آلمانی
۱۴/۳۰ برنامه زبان فرانسه
۱۴/۴۵ برنامه زبان انگلیسی
۱۵/۰۰ از آرشو برنامه دوم:
«تماشاینامه»

۱۷/۳۰ به‌دنیای پاپ‌خوش آمدید (استریو)
۱۸/۳۰ موسیقی ایرانی (استریو)
۱۹/۰۰ پاپ ۱۹ (استریو)
۱۹/۳۰ اخبار
۱۹/۳۵ برای شما خوانده‌ایم
۲۰/۰۰ موسیقی راک (استریو)
۲۱/۰۰ هنر هفتم
۲۱/۳۰ گلهبای تازه شماره ۱۲۵ (استریو) (همايون)

آواز سیاوش- ستور فرامرزی یاور - تار جلیل شهباز - گمانچه اصغربهاری - فی‌حسین ناهید - ضرب محمد اسماعیلی
شعر از سعدی
گوینده: رضا معینی
۲۲/۰۰ کتاب شب
«ظلمات عدالت» نوشته: ابوالقاسم

F - M

۱۳/۰۰ آهنگهای متنوع غربی (استریو)
۱۴/۰۰ اخبار
۱۴/۰۵ برنامه گلبا
۱۵/۰۰ موسیقی کلاسیک
آثاری از فرانس شوبرت
۱۶/۳۰ اخبار
۱۶/۳۵ فرهنگ ایران زمین
نویسنده و اجرا کننده: رضا داوری
سیری در فلسفه ایران
بحث آقای رضا داوری در برنامه گذشته درباره رابطه دین و دیانت و ملت از نظر فارابی بود در این برنامه راجع به نظر خاصی که فارابی درباره دین دارد بحث میکنند.
۱۷/۰۰ موسیقی آمریکای لاتین (استریو)

تهیه و اجرا از فریدون فرحت
در این برنامه از ارکستر بزرگ لوئیس رامیرز یکی از آهنگسازان و رهبران ارکسترهای مشهور آمریکای لاتین، قطعات متنوعی پخش میشود. لوئیس رامیرز آهنگساز و تنظیم کننده بسیار معتبر است که امروزه آهنگهای بسیاری از گروههای تازه‌کار آمریکای لاتین را هم تنظیم میکند. او علاوه بر کار آهنگسازی و تنظیم، یکی از نوازندگان برجسته ادوات ضربی است و در ارکستر خودش معمولاً وایرفون و تیمپالس مینواز در حال حاضر ارکستر لوئیس رامیرز، که از سال ۱۹۶۴ شروع بکار کرده، در نیویورک با اجرای موسیقی داغ و هیجان آور آمریکای لاتین از نوع سالزا، شورت و محوپیته‌زادی دارد آهنگهایی که در این برنامه از ارکستر لوئیس رامیرز پخش میشود مجموعه تجلی است از آهنگهای رقص آمریکای لاتین نظیر مامبو - کواکوانکو- چاچا بوسائو و بولرو
۱۷/۳۰ بدنیای پاپ‌خوش آمدید (استریو)
۱۸/۳۰ موسیقی ایرانی (استریو)
۱۹/۰۰ پاپ ۱۹ (استریو)
۱۹/۳۰ اخبار
۱۹/۳۵ برای شما خوانده‌ایم
۲۰/۰۰ موسیقی راک (استریو)
۲۱/۰۰ جهان آندیشه

نویسنده و مترجم: عبدالله توکل
گویندگان: آذر پژوهش - رضا معینی
تهیه کننده: رهبر صبوری
در اولین قسمت این برنامه درباره «قرص بزرگ خورشید» صحبت می‌شود و در آخرین قسمت درباره «شعله ذهنی-فلاسه» بحث میشود و در آخرین قسمت ترانه‌ای از کشور اسپانیا پخش میشود.

۲۴/۰۰ کتاب شب

«ظلمات عدالت»

نوشته: ابوالقاسم پاینده

اجرا کننده: داود رمزی

تهیه کننده: محمود مختاری

۲۴/۳۰ اخبار

۲۴/۳۵ کنسرت شب

کرهاود: کنسرتو برای ارکستر

بروکس: سمفونی شماره ۹

۲۴/۰۰ موسیقی نیمه‌شب (استریو)

۰۱/۰۰ پایان برنامه

سه‌شنبه

۰۶/۳۰ سلام شاهنشاهی و اعلام برنامه
۰۶/۳۵ بامداد و موسیقی (استریو)
۰۷/۳۰ اخبار
۰۷/۳۵ دنباله بامداد و موسیقی (استریو)
۰۸/۰۰ کنسرت بامدادی (استریو)
بارتوک: کنسرتو پیانو شماره ۳
انسکو: رابستودی‌های رومانی
۰۹/۰۰ خواننده روز (استریو)
۱۰/۰۰ موسیقی سرزمینها
۱۰/۳۰ سیری در جهان موسیقی (استریو)
آثاری از: ریوالدی، برلیوس، دبوسی
و گلیر
۱۱/۳۰ موسیقی جاز (استریو)
۱۴/۰۰ با موسیقیدانان بزرگ آشنا

شویم (استریو)
ادوارد کریک

A - M

۱۴/۰۰ تدریس زبان انگلیسی
۱۴/۱۵ تدریس زبان فرانسه
۱۴/۳۰ آهنگهای متنوع غربی
۱۴/۰۰ برنامه بزبان روسی
۱۴/۱۵ برنامه بزبان آلمانی
۱۴/۳۰ برنامه بزبان فرانسه
۱۴/۴۵ برنامه بزبان انگلیسی
۱۵/۰۰ از آرشيو برنامه دوم:
«نمایشنامه»

F - M

۱۴/۰۰ آهنگهای متنوع غربی (استریو)
۱۴/۰۰ اخبار
۱۴/۰۵ برنامه گلپا
۱۵/۰۰ موسیقی کلاسیک
وردی: موسیقی از اپرای لاتراوینا
پوچینی: موسیقی از اپرای لا بوم
سارازات: فانتزی بر روی تم کارمن
۱۶/۳۰ اخبار
۱۶/۳۵ برکهای اندیشه
۱۷/۰۰ موسیقی فیلم (استریو)
در این برنامه قسمت دوم موسیقی من فیلم
«کایتان کستیل» پخش خواهد شد

پای در راه نهاده اند.

برنامه این ساعت «ادیات جهان»
مربوط است به رایش ماریا ریلکه.

۲۱/۳۰ گلپای تازه شماره ۸۱ (استریو)
(افشاری)

آراز قرامی - ویلن هایون خرم -
تار فرهنگ شریف - ضرب امیر ناصر
افتتاح

شعر از سایه
گوینده: آذر پژوهش
۲۴/۰۰ کتاب شب
«ظلمات عدالت»
نوشته: ابوالقاسم پاینده
اجرا کننده: داود رمزی
تپه کننده: محمود مختاری
۲۴/۳۰ اخبار
۲۴/۳۵ کنسرت شب
بشپون: کنسرتو امیراتور
راخمانینف: سنفونی شماره ۳
۲۴/۰۰ موسیقی نیمه شب (استریو)
۰۱/۰۰ پایان برنامه

چهارشنبه

۰۶/۳۰ سلام شاهنشاهی و اعلام برنامه
۰۶/۳۵ بامداد و موسیقی (استریو)
۰۷/۳۰ اخبار
۰۷/۳۵ دنباله بامداد و موسیقی (استریو)

F - M

۱۴/۰۰ آهنگهای متنوع غربی (استریو)
۱۴/۰۰ اخبار
۱۴/۰۵ برنامه گلپا
۱۵/۰۰ موسیقی کلاسیک
شوریت: آوماریا
پولک: گلوریا
ویوالدی: کنسرتو برای گیتار و
کنسرتو برای هارپ و ارکستر
شارپاتیه: سنفونی پوران دوویوزو آو
هندل: قسمتی از اوراتوری مسیح
۱۶/۳۰ اخبار
۱۶/۳۵ تگرشی پر نثریات ادبی

۱۷/۰۰ موسیقی آمریکای لاتین (استریو)
تپیه و اجرا از فریدون فرمت
در این برنامه از گروه مشهور لوس
پاراگویوس قطعات متنوعی برای دوستداران
موسیقی کنسورهای آمریکای لاتین انتخاب
شده است. گروه لوس پاراگویوس که
شهرت جهانی دارد گروهی پنج نفره است که
سرپرست آن لوس آلبرتو دلبارانا اهل
کنسور پاراگوئه است. سازهای اصلی این
گروه پنج نفری سه گیتار - یک هارپ و یک
باندونئون یا نوعی آکوردئون کوچک است
و مرتب نثر در رک جالبی آراز هم میخوانند.
قطعاتی که از گروه لوس پاراگویوس
انتخاب شده مربوط است به کنسورهای
کلمبیا - پاراگوئه - بولیوی - ونزوئلا -

آدام: باله لودیابل آکواتز
۲۴/۰۰ موسیقی نیمه شب (استریو)
۰۱/۰۰ پایان برنامه

پنجشنبه

۱۶/۳۰ سلام شاهنشاهی و اعلام برنامه
۰۶/۳۵ بامداد و موسیقی (استریو)
۰۷/۳۰ اخبار
۰۷/۳۵ دنباله برنامه بامداد و موسیقی
(استریو)
۰۸/۰۰ کنسرت بامدادی (استریو)
خاچاتوریان: کنسرتو برای ویلن و
ارکستر
شوستاکوویچ: کوارتت زهی شماره ۸
خواننده روز (استریو)
۰۹/۰۰ موسیقی سرزمینها
۱۰/۰۰ سیری در جهان موسیقی (استریو)
آثاری از: بهتورن-شومان-سیلیوس-
براس
۱۱/۳۰ موسیقی جاز (استریو)
۱۲/۰۰ باموسیقیدانان بزرگ آشنایم
(استریو)
ادوارد کریک

A - M

۱۴/۰۰ تدریس زبان انگلیسی
۱۴/۱۵ تدریس زبان فرانسه



۱۴/۳۰ آهنگهای غربی
۱۴/۰۰ برنامه بزبان روسی
۱۴/۱۵ برنامه بزبان آلمانی
۱۴/۳۰ برنامه بزبان فرانسه
۱۵/۰۰ از آرشيو برنامه دوم:
«نمایشنامه»

F - M

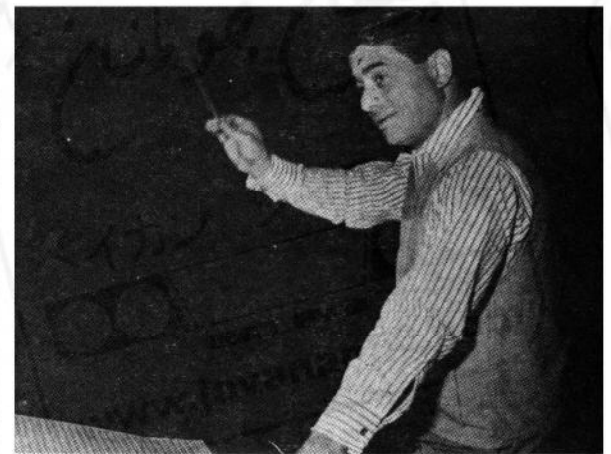
۱۴/۰۰ آهنگهای متنوع غربی (استریو)
۱۴/۰۰ اخبار
۱۴/۰۵ برنامه گلپا
۱۵/۰۰ موسیقی کلاسیک
براس: کنسرتو پیانو شماره ۲
باوت: راب-ودی عبرانی برای ویولنسل
و ارکستر (شلووی)
لیست: ۲ قطعه برای پیانو
۱۶/۳۰ اخبار
۱۶/۳۵ کتاب روز
۱۷/۰۰ موسیقی فیلم (استریو)
در این برنامه موسیقی من فیلم های درخواستی
شنوندگان پخش خواهد شد
۱۷/۳۰ به دنیای پاپ خوش آمدید (استریو)
۱۸/۳۰ موسیقی ایرانی (استریو)
۱۹/۰۰ پاپ ۱۹ (استریو)

آلفرد نیومن و دوتن از همکارانش

برو و مکزیک، و یک ارکستر بزرگ مرکب
از سازهای زهی و ادوات ریتم این گروه
پنج نفری را همراهی کرده است.
۱۷/۳۰ به دنیای پاپ خوش آمدید (استریو)
۱۸/۳۰ موسیقی ایرانی (استریو)
۱۹/۰۰ پاپ ۱۹ (استریو)
۱۹/۳۵ برای شما خواننده ام
۲۰/۰۰ موسیقی راک (استریو)
۲۱/۰۰ دانش
۲۱/۳۰ گلپای تازه شماره ۱۳۵ (استریو)
(سه گاه)

آواز محمودی خوانساری - ویلن
حبیب الله بدیعی - سنتور مجید نجاهی -
ضرب امیرناصر افتتاح
شعر از حافظ و باباطاهر
گوینده: آذر پژوهش

۲۴/۰۰ کتاب شب
«ظلمات عدالت»
نوشته: ابوالقاسم پاینده
اجرا کننده: داود رمزی
تپه کننده: محمود مختاری
۲۴/۳۰ اخبار
۲۴/۳۵ کنسرت شب
دبوسی: دریا



۰۸/۰۰ کنسرت بامدادی (استریو)
رامو: موسیقی از باله کاستور و پلوکس
رسمیک: آوازها و رقصهای قدیمی
۰۹/۰۰ خواننده روز (استریو)
۱۰/۰۰ ارکسترهای بزرگ جهان
۱۰/۳۰ سیری در جهان موسیقی (استریو)
آثاری از: سن-سانس - شوبن -
کورساکف - حسین، راخمانینف، لیست
۱۱/۳۰ موسیقی جاز (استریو)
۱۲/۰۰ با موسیقیدانان بزرگ آشنا
شویم (استریو)
ادوارد کریک

A - M

۱۴/۰۰ تدریس زبان انگلیسی
۱۴/۱۵ تدریس زبان فرانسه
۱۴/۳۰ آهنگهای غربی
۱۴/۰۰ برنامه بزبان روسی
۱۴/۱۵ برنامه بزبان آلمانی
۱۴/۳۰ برنامه بزبان فرانسه
۱۴/۴۵ برنامه بزبان انگلیسی
۱۵/۰۰ از آرشيو برنامه دوم:
«نمایشنامه»

آلفرد نیومن

۱۷/۳۰ به دنیای پاپ خوش آمدید
(استریو)
۱۸/۳۰ موسیقی ایرانی (استریو)
۱۹/۰۰ پاپ ۱۹ (استریو)
۱۹/۳۰ اخبار
۱۹/۳۵ برای شما خواننده ام
۲۰/۰۰ موسیقی راک (استریو)
۲۱/۰۰ ادبیات جهان
نویسنده و مترجم: عبدالله توکل
اجرا کننده: آذر پژوهش - رضا
معینی

تپه کننده: رهبر صبوری
اگر زمان گذشت و دیدی که نامت
پرسر زبان مرید افتاد است ز منی بیشتر از
آنکه بر گفته هایشان می گذاری، بر این
امر مگذار، گمان ببر که نامت زشت و
خراب شده است و دورش بینداز. نامی دیگر،
هر نامی که باشی، برگزین تا خدا بتواند
در ظلمت شب ندایت دهد، و این نام را از
همه پنهان بدار...
رایتی ماریا ریلکه این نام نهان را
برگزیده بود... و هنوز هم که هنوز است
همه، خواهمسرها و منتقدها و خواهم خواننده ها،
خواه آنانکه دوستش میدارند و خواه آنانکه
از او بیزارند در جستجوی این نام نهان

CLASSICAL MUSIC

Second Programme and FM Radio

INTRODUCING GREAT MUSICIANS

12

SATURDAY

E. Grieg
SUNDAY

E. Grieg
MONDAY

E. Grieg
TUESDAY

E. Grieg
WEDNESDAY

E. Grieg
THURSDAY

E. Grieg

MORNING CONCERT 8 A.M

SATURDAY

Works by: Glinka, Borodin & Mussorgsky
Beethoven: Sonata no. 17

SUNDAY

Tchaikovsky: String Quartet no. 1
Works for Piano (Performed by: V. Cliburn)

MONDAY

Satie: Relache - Ballet music
Grote: Grand Canyon Suite

TUESDAY *

Bartok: Piano Concerto no. 3
Enescu: Rumanian Rhapsodies

WEDNESDAY

Rameau: Cator et Pollux
Respighi: Ancient Airs & Dances

THURSDAY *

Khachaturian: Violin Concerto
Shostakovich: String Quartet no. 8

* Recommended Program

AN APPROACH TO THE WORLD OF MUSIC 10.30 A.M

SATURDAY

Pieces by: Bizet - Chopin - Ravel - Albeniz

SUNDAY

Pieces by: Brahms - Schomann - Handel-Mozart

MONDAY

Pieces by: Moussorgsky - Wagner - Hossein - Strauss

TUESDAY

Pieces by: Vivaldi - Berlioz - Debussy - Gliere

WEDNESDAY

Pieces by: Saintsans - Chopin - Rimsky - Korsakov - Hossein - Rachmaninov - Liszt

THURSDAY

Pieces by: Beethoven - Schomann - Sibelius

FRIDAY

Pieces by: Bach - Smetana - Shostakovich - Sibelius - Chopin - Lalo - Delibes

Tchaikovsky - Ivanov

CLASSICAL MUSIC 3 P.M.

SATURDAY

Lutoslawski: 5 Dance Prelude
2 Concertos for Guitar by: Ponce & Previn
Vieuxtemps: Violin Concerto no. 5

SUNDAY *

Mahler: Symphony no. 4
Bruckner: 4 Motets
Elgar: Elegy

MONDAY

Works by: F. Schubert

TUESDAY

Verdi: La Traviata - Opera Music
Puccini: La Bohem - Opra Music
Sarasate: Carmen Fantasy

WEDNESDAY

Works by: Schubert, Poulenc, Vivaldi, Charpentier & Handel

THURSDAY *

Bloch: Schelomo
Liszt: 2 Pieces for Piano

* Recommended Program

EVENING CONCERT 10.30 P.M

THURSDAY

L. Delibes: Coppellia - Ballet

SUNDAY

G. Holst: The Perfect fool - Overture
B. Martineu: Violin Concerto

D. Shostakovich: Symphony No. 5

MONDAY

K. Gerhard: Concerto for Orchestra
A. Brockner: Symphony No. 9

TUESDAY

L. V. Beethoven: Emperor Concerto
S. Rachmaninov: Symphony No. 3

WEDNESDAY

C. Debussy: La Mer
A. Adam: Le Diable a Quatre - Ballet

THURSDAY

A. Dvorak: Stabat Moter

FRIDAY

G. F. Handel: Giulio Cesare-Opera (Second Part)

● دربارهٔ جیسن جویس، نویسندهٔ معروف ایرلندی، مطلبی می‌شنوید به ترجمهٔ حسن نامداز.

● بهروز رضوی کتابهای تازه انتشار یافته را معرفی می‌کند.

● تقویم ادبی و هنری هفته، توسط همایون عفری ورق می‌خورد.

● نگارشی بر شعر زن، قسمت دیگری از مقالهٔ تحقیقی احمد کسیلا دربارهٔ زنان شاعر است.

● در بخش بعد با رویدادهای هنری هفته آشنا می‌شوید.

● «تولد شعر» نام شعری است از ولادیمیر هولان، شاعر زیبایرداز چک که پرویز فی‌دود آنرا بررسی و تحلیل کرده است.

● «ماشین نویسی‌ها و ببر» نام نمایشنامه‌ای است که پرویز صیاد آنرا در تئاتر کوچک تهران به روی صحنه آورده است. همایون علی‌آبادی دربارهٔ این نمایشنامه و اجرای آن مطلبی دارد.

● در بخش طنز، هایدده وهاب‌زاده کتاب لطائف‌الطوائف تألیف مولانا فخرالدین علی‌صفا را ورق زده است.

● گوینده‌های برنامه اینها هستند: ژالاک - صدراالدین شجره - مهین نثری - مولود کنگار - داریوش نراقی - احمد کسیلا - بهروز رضوی - مولود زهتاب.

F - M

۰۹/۰۰ خواننده روز (استرئو)

۱۰/۰۰ سیری در جهان موسیقی (استرئو)
آثاری از: باخ، آسمانا - شوستاکوویچ

سیبلیوس - شوین - لالودلیب، جاکوفسکی، ابونف

۱۱/۳۰ گلبا (استرئو)

۱۲/۳۰ اخبار

۱۳/۳۰ موسیقی به انتخاب شما (استرئو)
موسیقی فیلم (استرئو)

در این برنامه موسیقی متن فیلم «اکسوس» ساخته «ارنست گولد» پخش میشود

۱۴/۰۰ از کلاسیک تا مدرن (استرئو)

۱۵/۰۰ موسیقی جاز (استرئو)

۱۶/۰۰ اخبار

۱۶/۰۵ موسیقی برای جوانان (استرئو)

۲۰/۰۰ برنامه گلبا

۲۱/۰۰ اخبار

۲۱/۰۵ موسیقی کلاسیک آوازی (اپرا) (استرئو)

هندل: ابزای زولسزار (قسمت دوم)

۲۳/۰۰ آهنگهای برگزیده (استرئو)

۰۹/۰۰ پایان برنامه

۴۰/۰۰ موسیقی راک (استرئو)

۴۱/۰۰ تئاتر روز

۴۱/۳۰ گلبای تازه شماره ۱۳۹ (استرئو) (اسفهان)

آواز نادر گلچین - خواننده ترانه عهده

تار هوشنگ ظریف - سنتور فرامرز پایور

شعر از گلچین کیلانی و فریدون مشیری

گوینده: آذر پژوهش

۴۲/۰۰ کتاب شب

«نظایر عدالت»

اجراکننده: داریوش رمزی

نویسنده: ابوالقاسم پاینده

تپه‌کننده: محمود مختاری

۴۲/۳۰ اخبار

۴۳/۰۵ کنسرت شب

دورژاک: استانیات ماتز

۴۴/۰۰ موسیقی نیمه‌شب (استرئو)

۰۹/۰۰ پایان برنامه

جمعه

۰۷/۰۰ سلام شاهنشاهی و اعلام برنامه

۰۷/۰۵ باعداد و موسیقی (استرئو)

۰۷/۳۰ اخبار

۰۷/۳۵ دنباله باعداد و موسیقی (استرئو)

A - M

۰۹/۰۰ خواننده روز (استرئو)

۰۹/۳۰ آینه آدینه

زیر نظر: حسین ولی‌زاده

تپه‌کننده: جواد مانی

انتخاب موسیقی از: بهمن ارگانی

به سرپرستی: نادر رمزی

● رشید یاسمی، یکی از پنج استاد

است که کتاب دستور زبانشان در میان دانش‌آموزان شهرت دارد (رشید یاسمی -

ملک‌الشعرا، بهار - عبدالعظیم قریب - جلال

همایی - بدیع‌الزمان فروزانفر.

رشید یاسمی، گذشته از ترجمه، در

شعر نیز دست داشت و خود از شاعران بنام

بود و نوآوری‌هایی نیز در شعر کرده بود.

اسفر راقدی، بخش یادنامه این هفته

را به او اختصاص داده است.

● هنر خام نام اثری است از میندل

نوزده که به تازگی با ۱۱۲ تصویر درفراسه

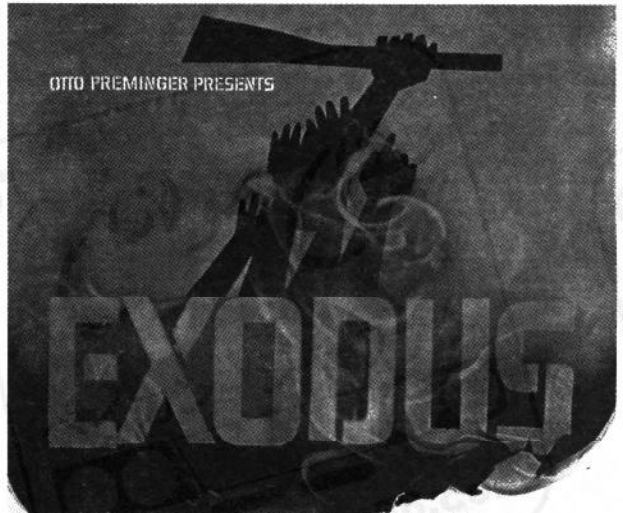
منتشر شده است. در این کتاب آثاری معرفی

شده که در زندانها و تیمارستانها به وجود

آمده است.

مطلب‌را شورانگیز فرخ ترجمه کرده

است.



AFTV

1730 Wyatt Earp
1800 Evening Report
1830 Laff Movie
1835 All Star Thear
1900 Silent Service
1925 Movie:
«Lady and the Bandits»
2040 Johnny Mann
2105 The Outcasts
2200 10 O'clock Report
2215 Boxing From the Olympic
2305 Information Special

WEDNESDAY

1440 Mike Douglas Show
1550 TV 7 Today
1605 General Hospital
1625 Sesame Street
1720 Sinbad Junior
1725 Information Special
1800 Evening Report
1850 Eagle Report
1835 New Dating Game
1827 Soul Train
1940 Movie:
«Guest In The House»
2140 To Be Announced
2200 10 O'clock Report
2215 Movie:
«Orient Express»

THURSDAY

0900 Seame Street
0955 What's the Senate About
Preempts:
«Make a Wish» this week.
1020 Electric Comapny
1050 Cartoon Carnival
1115 Marvel Super Heroes
1125 News
1130 Thursday Sports
1525 Big Valley
1630 News
1635 The Fisherman
1700 The Americans
1800 News
1805 Program Notes
1810 Can You Top This Comedy at
Its Best
2025 Mod Squad
2113 World At War
2200 10 O'clock Report
2205 Movie:
«Vampire Men Of The Lost
Planets»
2323 Movie:
«The 400 Blows» One of the
great timeless French pictur-
es!!! concerns a young boy
turned outcast.

FRIDAY

0900 Sesame Street
1000 Cartoon Carnival
1025 Electric Company
1055 Marvel Heroes
1100 Christopher Close-Up
1110 Music and the Spoken Word
1155 Norman Vincent Peale
1220 Sacred Heart
1240 News
1245 Friday Sports
1700 The Way It Was
1727 Native American
1800 Weekend Report
1895 Program Notes
1808 WildKingdom
1830 Naked City
1920 Movie:
«Shadow In The Streets»
2035 Cher
2130 M*A*S*H
2200 Weekend Report
2205 Tonight Show

SATURDAY

1520 Jack Lalanne
1600 TV 7 Today
1605 General Hospital
1650 Sesame Street
1725 Sinbad Junior
1800 Evening Report
1830 Program Notes
1835 The Armchair Critic
1850 Monday Night Football
2110 Evil Touch
2135 Sanford and Son
2200 10 O'clock Report
2215 Merv Griffin
2345 Information Special

SUNDAY

1530 Let's Make a Deal
1550 TV 7 Today
1600 General Hospital
1625 Sesame Street
1720 Sinbad Junior
1725 Information Special
1800 Evening Report
1830 Program Notes
1835 Movie:
«Jack and the Beanstalk»
1950 Young Lawyers:
2040 Movie:
«Shadow In The Streets»
2215 Tonight Show
«Be a drop in - tonight!»
2325 Buck Owens

MONDAY

1515 French Chef
1540 The Price Is Right
1600 TV 7 Today
1610 General Hospital
1630 Sesame Street
1725 Sinbad Junior
1730 My Favorite Martian
1800 Evening Report
1830 Program Notes
1835 All Star Theater
1900 Snady Duncan
1935 Movie:
«Snow Treasures»
2105 Barnaby Jones
2200 10 O'clock Report
2215 Night Owl Special
2320 Flip Side

TUESDAY

1530 Kitchenette
1542 Now You See It
1600 TV 7 Today
1630 Sesame Street
1725 Sinbad Junior

مایع ظرفشویی

گلی

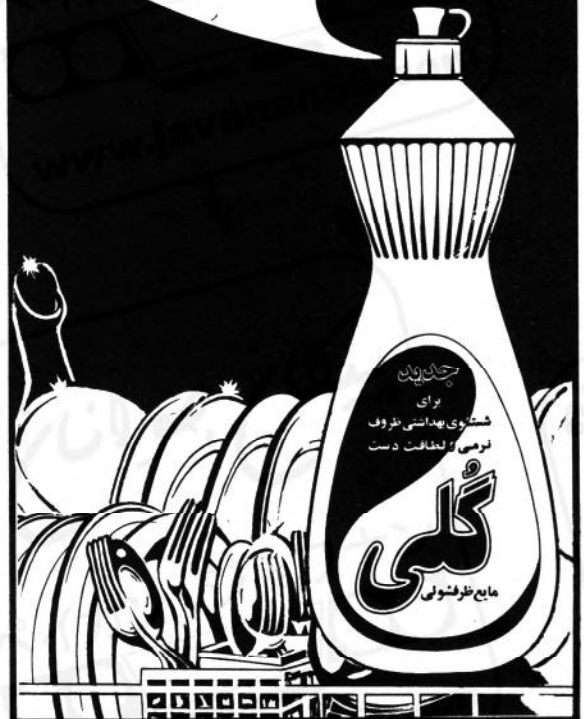
برای

* شستشوی بهداشتی ظروف

* نرمی و لطافت دست

* پاک شدن سریع و کامل

چربیها





SCHAUB LORENZ

مراکز سرویس تلویزیونهای شایب لورنس

تعمیرگاه
شایب لورنس
آبادان
خیابان شاهپور جنب
هتل کیوان
تلفن ۲۴۱۴۳

تعمیرگاه
شایب لورنس
اهواز
خیابان (۲۴) متری
نیش کیومرث
تلفن ۲۴۱۹۶

تعمیرگاه
شایب لورنس
اراک
خیابان شاهپور روبروی
بیمه‌های اجتماعی
تلفن ۲۳۸۴۹

تعمیرگاه
شایب لورنس
تهران
خیابان آیت‌نور ایستگاه
شایب لورنس پلاک ۵۵۸
تلفن ۲۰-۹۶۳۰۱۶

تعمیرگاه
شایب لورنس
بهبهان
خیابان پهلوی
تلفن ۲۴۱۹

تعمیرگاه
شایب لورنس
پروچرد
خیابان شهناز
تلفن ۳۵۸۳

تعمیرگاه
شایب لورنس
بابل
خیابان آریامهر
بین بانک سپه و صادرات
تلفن ۴۵۶۳

تعمیرگاه
شایب لورنس
اصفهان
خیابان شیخ بهائی
نرسیده ب چهارراه سرتیپ
تلفن ۳۷۹۱۶

تعمیرگاه
شایب لورنس
دزفول
خیابان سیمتری جدید
تلفن ۲۵۶۳

تعمیرگاه
شایب لورنس
خرم‌آباد
خیابان ششم بهمن
تلفن ۲۳۳۳

تعمیرگاه
شایب لورنس
تبریز
خیابان پهلوی
روبروی کلانتر کوچه
تلفن ۳۰۲۷۵

تعمیرگاه
شایب لورنس
بیرجند
خیابان فرح
جنب دبستان صالح

تعمیرگاه
شایب لورنس
زنجان
بلوار شاهنشاهی
اول خیابان پهلوی
تلفن ۴۴۴۵

تعمیرگاه
شایب لورنس
زاهدان
خیابان داورپناه
ساختمان ظفریابی
تلفن ۲۹۲۹

تعمیرگاه
شایب لورنس
رضایه
خیابان فرح
نرسیده بخیابان داریوش
تلفن ۸۲۲۷

تعمیرگاه
شایب لورنس
رشت
خیابان سعدی
جنب بانک تهران
تلفن ۲۵۶۶۰

تعمیرگاه
شایب لورنس
شاهرود
خیابان فروغی بسطامی
روبروی فروشگاه تعاونی
تلفن ۳۲۰۱

تعمیرگاه
شایب لورنس
شیراز
خیابان قصرالدشت
چهارراه سینما سعدی
تلفن ۳۲۵۹۸

تعمیرگاه
شایب لورنس
سنندج
خیابان ششم بهمن
تلفن ۳۰۷۳

تعمیرگاه
شایب لورنس
ساری
خیابان فردوسی
تلفن ۴۲۴۸

تعمیرگاه
شایب لورنس
سرمکان
خیابان شالی کوبی
مقابل سینما کاپری
تلفن ۲۲۲۹

تعمیرگاه
شایب لورنس
سرمکان
خیابان پهلوی (تهران)
روبروی شرکت نفت
تلفن ۲۳۵۲

تعمیرگاه
شایب لورنس
کرمانشاه
جنب پل اجلایه
خیابان شاه‌بختی
تلفن ۴۹۲۹

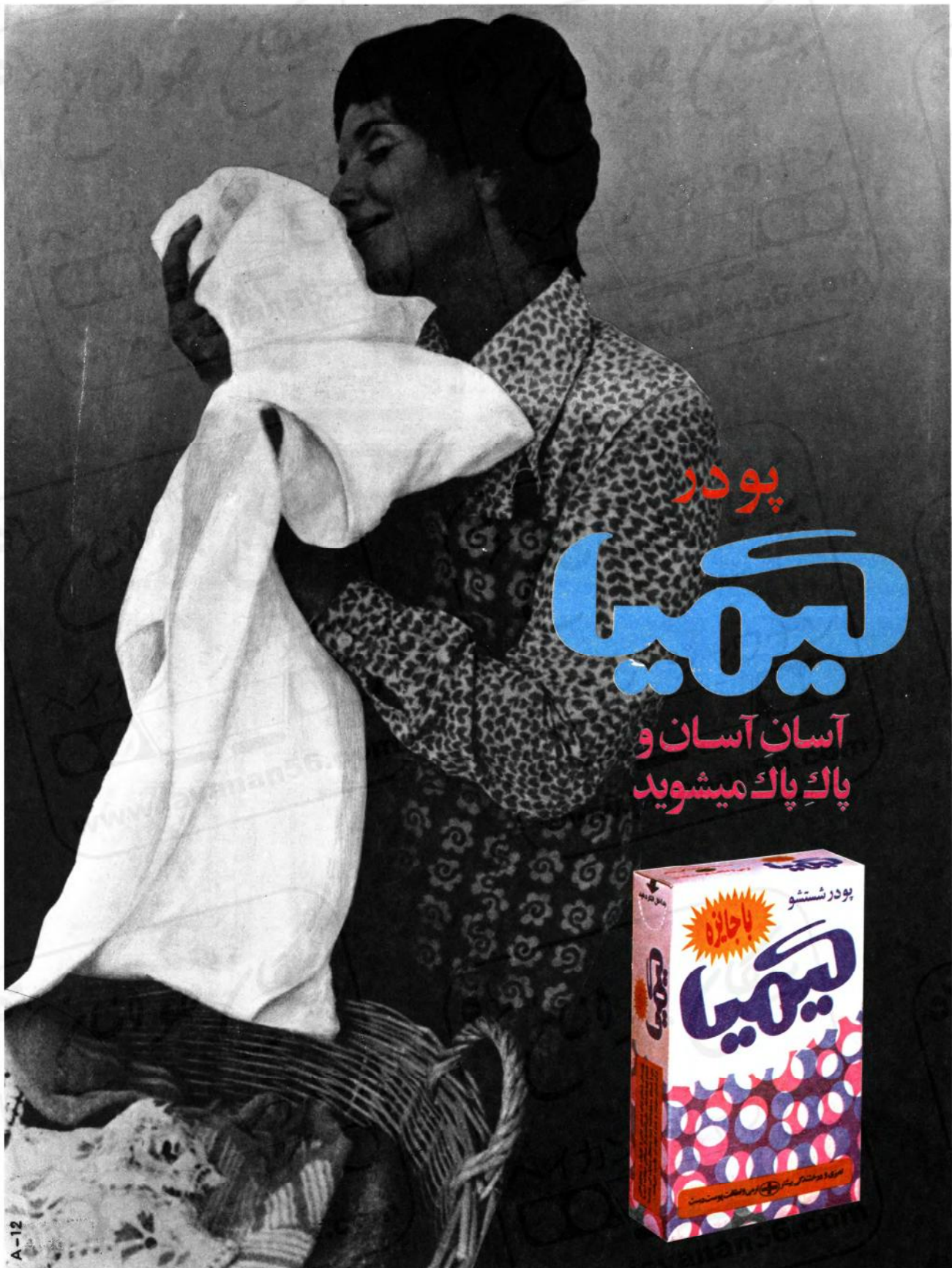
تعمیرگاه
شایب لورنس
قزوین
خیابان سعدی
روبروی بانک ملی
تلفن ۳۲۷۹

تعمیرگاه
شایب لورنس
یزد
خیابان فرح
جنب کارخانه اقبال
تلفن ۵۲۵۴

تعمیرگاه
شایب لورنس
همدان
خیابان بوعلی شماره ۱۷۳
تلفن ۴۱۹۶

تعمیرگاه
شایب لورنس
مسجد سلیمان
خیابان فرمانداری
تلفن ۲۱۲

تعمیرگاه
شایب لورنس
مشهد
خیابان فرح
مقابل بیمارستان گوهرشاد
تلفن ۳۳۹۶۲



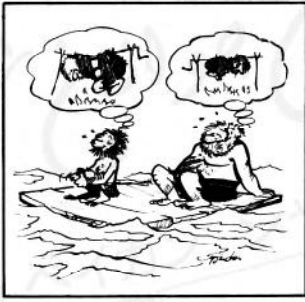
پودر

گیگیا

آسان آسان و
پاک پاک میشوید



میله پوره



در یکی از تلویزیونهای آمریکا، ضمن برنامه‌های اخلاقی و اجتماعی که هدفش تربیت مردم به‌امورات خیریه است، زنی را آوردند که فقیر بود و آمده بود تا از تماشاگران درخواست کمک برای خرید یک گهواره بچه بکند. زن لباسی مندرس و موهای زولیده داشت و آثار سوءتغذیه در او پیدا بودند. اجراکننده برنامه با دلسوزی از او پرسید: - بچه شما حالا کجا می‌خواهد؟ - یک تختخواب موسیقی توی جعبه کارت تلویزیونمان برایش درست کرده‌ایم.

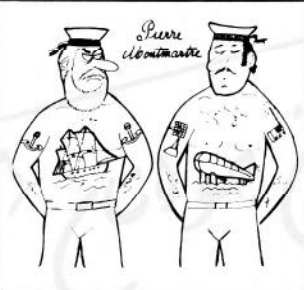
بسرک هفت ساله به‌مادرش می‌گفت: - نمیدونی مامان چقدره با تربیت شدم... از صبح تا حالا به‌چهار نفر تویخواب پشت‌با گرفتیم!
- یعنی چه؟ غفلت کم شده؟ این چه جور تربیتیه!
- آخه مامان آگه‌بدونی بعش چقدره قشنگ و شمرده بشون‌میکم: خواهش می‌کنم تقصیر بنده‌رو عفو بفرمایید.

به‌عقیده یکی از علمای علم‌الاخلاق، تربیت مثل مرآ می‌ماند! هرچه کسی کمتر داشته باشه، بیشتر آن را بین می‌کند و به رخ دیگران می‌کشد.

معلم سؤار را اینطور به‌بچه‌ها دیکته کرد:
- تربیت چیست؟
و عبدلی پس از مدت درازی تفکر، نوشت:
- تربیت آن صدایی است که بچه خوب موقع سوپ خوردن در نمی‌آورد.

فریاد و فغان و زاری مادر بیچاره از دست دخترش به‌آسمان بلند بود و سخت جگر و وزغ می‌کرد و ناله‌کنان می‌گفت:
- آخه من چه کوتاهی کردم، چه خطایی مرتکب شدم که تو انقده بی‌تربیت شدی؟

بیرین تو آب.
احمدعلی خان توی ساندویچ فروشی بود. فروشنده به‌او گفت:
- آقا ساندویچتون کرمه داشته باشه؟
احمد علی‌خان فاطمانه جواب داد:
- نخیر، روغن نباتی نداشته باشه.



عبدلی و شوشولی، جفتی به‌سن ۶ ساله بعدازظهر داشتند یک کوجه‌ها می‌گذشتند و به‌خانه می‌آمدند دست برافشا، در خلوت کامل آن ساعت و آن بیج‌های تو در توی کوجه‌ها، ساکبان دختر و پسر توی جوان را دیدند که از «بی‌جان» کنار کوجه زیر سردر یک خانه مشغول بوسه‌های جانانه بودند و اصلاً حواسشان به‌بچه‌ها نبود. عبدلی و شوشولی مدتی خیره به‌این حرکت و وضعیت ناآشنای عجیب و غریب ماندند و بعد متفکرانه به‌راه افتادند. بالاخره عبدلی از شوشولی که یک خرده عاقلتر بود پرسید:
- به‌نظر تو اونا داشتن چی کار می‌کردن؟
شوشولی همانجور فکری و متحیر جواب داد:
- به‌نظر من آقا‌ها می‌خواستن بسا دندوناش آدامس خانوم‌رو به‌زور از دهنش دربیاره.

یک داستان شوم.
گفتی نزدیک‌های یک‌جزیره متروک، در شرف غرق شدن بود. ناخدا روبه‌مسافران گفت:
- خانوما، آقا‌بون متأسفانه هیچ فایق نجاتی نداریم ولی چون به‌جزیره‌نزدیک هستیم آگه خودتونو بزیند به‌آب و به‌خورده شن‌کنین، می‌رسین به‌ساحل، حالا اول‌خانصها بیرن توی آب...
زنها پریدند توی آب و پس از چند دقیقه ناخدا گفت:
- آقا‌بون، کوسه‌های دنگه سیر شدن، حالا شما می‌تونین بسا خیال راحت

در جمعی که همگی داشتند در مضرات دخانیات داد سخن می‌دادند، نواز علی‌خان وارد صحبت شد:
- بله آقا، تودنیا، از توتون و دخانیات بدتر هیچی نیست. خدا رحمت کنه مرحوم پدر بزرگ منو...
- خدا بیمارزده...
- خدا اموات شمارو هم بیمارزه. ارد اون مرحوم درست موقع سیگار کشیدن بود که در سن ۱۰۵ سالگی از داریا رفت...
رفیق عزیز بنده، ایرج‌خان به‌خود بنده می‌گفت:
- هر وقت تو لطفی‌ای واسه‌م تعریف می‌کنی، من آی می‌خندم، آی می‌خندم... بنده با شکسته نفسی گفتم:
- خوب دیگه... کار نیکو کردن از...
- نخیر واسه این می‌خندم که می‌ترسم دوباره تعریف کنی.

هنرپیشه‌ای را می‌شناسم که از بس محبوب بود و شکسته‌نفسی‌داشت، معشوقه‌اش با دیدن فیلم‌هایی می‌برد که خودش بازی کرده بود.

صبح توی محشر ترافیک شهر، در آن وانسانی شیر تو شیر، جوانی سراسیمه جلوی یک وانت را گرفت و گفت:
- فردگناه صد من!
رقمی بود که پای هر هفتی را سست می‌کرد و بر هر زمزی فشار می‌آورد. جوان پرید بالا و گفت:
- زود باش آقا، ده دقیقه دیکه وقت پرواز هواپیما.

راننده پوزخندی و تگه کردن عاقل اندر سفتیبهی تحویل جوان داد و گفت:
- ما زور خودمونو مرزیم آقا ولی شما خیالتون تخت باشه، هواپیما تون به‌سر حال بدون شما می‌یره، زیاد عجله نکنین. - زکی! مگه می‌تونه؟! خلبانن خودم.

عبدلی و شوشولی، جفتی به‌سن ۶ ساله بعدازظهر داشتند یک کوجه‌ها می‌گذشتند و به‌خانه می‌آمدند دست برافشا، در خلوت کامل آن ساعت و آن بیج‌های تو در توی کوجه‌ها، ساکبان دختر و پسر توی جوان را دیدند که از «بی‌جان» کنار کوجه زیر سردر یک خانه مشغول بوسه‌های جانانه بودند و اصلاً حواسشان به‌بچه‌ها نبود. عبدلی و شوشولی مدتی خیره به‌این حرکت و وضعیت ناآشنای عجیب و غریب ماندند و بعد متفکرانه به‌راه افتادند. بالاخره عبدلی از شوشولی که یک خرده عاقلتر بود پرسید:
- به‌نظر تو اونا داشتن چی کار می‌کردن؟
شوشولی همانجور فکری و متحیر جواب داد:
- به‌نظر من آقا‌ها می‌خواستن بسا دندوناش آدامس خانوم‌رو به‌زور از دهنش دربیاره.

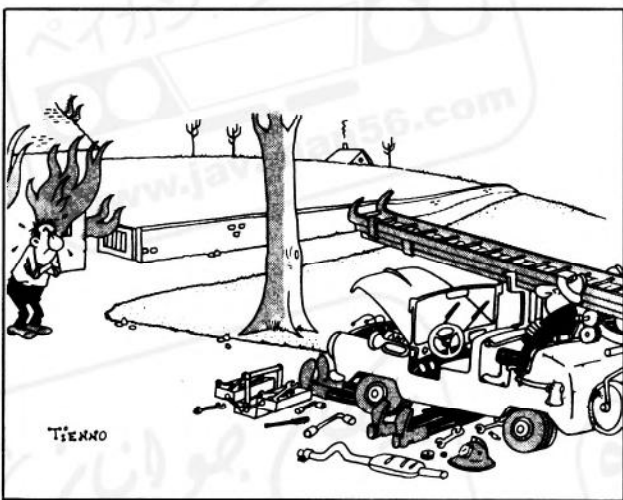
یک داستان شوم.
گفتی نزدیک‌های یک‌جزیره متروک، در شرف غرق شدن بود. ناخدا روبه‌مسافران گفت:
- خانوما، آقا‌بون متأسفانه هیچ فایق نجاتی نداریم ولی چون به‌جزیره‌نزدیک هستیم آگه خودتونو بزیند به‌آب و به‌خورده شن‌کنین، می‌رسین به‌ساحل، حالا اول‌خانصها بیرن توی آب...
زنها پریدند توی آب و پس از چند دقیقه ناخدا گفت:
- آقا‌بون، کوسه‌های دنگه سیر شدن، حالا شما می‌تونین بسا خیال راحت



درآمد و بلافاصله خواست از این موقعیت هم استفاده تربیتی کرده و بچه‌ها را امتحان کند:
- خوب ممول‌جان و شوشول‌جان... حالا معلوم می‌شه که بچه بسا ادب کدوم یکیه...
ممول جان بی‌معلولی چنگ انداخت تکه بزرگه را برداشت و گفت:
- زحمت زیادی نکشین مامان، بچه با تربیت شوشوله.

کوچکعلی‌خان با عیال و بچه دوسه ماهه‌شان رفتند به‌سینما اما از همان اول و طریق معمول، بچه شروع کرد به‌گریه‌زاری کردن به‌طوری که سر و صدای همه درآمد و مدیر سینما هم بالاخره پیدایش شد و یواشکی به‌کوچکعلی‌خان و عیال گفت:
- آگه کوچولوی شما ساکت نشه مجبورم پول بلیتتون رو بدم و خواهش کنم تشریف بیرین.

عیال مدتی بچه را تکان تکان داد و طفلکی به‌خواب آسوده‌ای رفت و غانله خوابید. اما قلمب انقدر گسل‌کننده و مزخرف بود که کوچکعلی‌خان به‌عیال گفت:
- عیال! بالا به‌سیخونکی به‌بچه بزغ گریه‌ش بنداز.



دخترک فانتجانه جواب داد:
- آگه یکم چی کار کردم دعوام نمی‌کنی؟ یادته به‌کتاب تعلیم و تربیت اطفال داشتی که از موقع تولد من، سطر به‌سطر می‌خواندی که منو خوب ادب کنی؟ هر وقت که منو دعوام می‌کردی یا کتکم می‌زدی منم می‌رفتم از حریم به‌صفحه درمیون پاره‌ش می‌کردم.

خانم والده دوتا عزیز درده‌ناش را آورد سر میز عصرانه و جاقو را گذاشت وسط کیک و دوکته برید. اما می‌رقعی کرد و یک تکه به‌وضوح درشت‌تر از آن یکی



داستان واقعی قرن ما ۱۳۶

از فران ژینگن
ترجمه‌ی دکتر منصور مصلحی

سر نوشت پر جمعیت‌ترین کشور جهان دگرگون شد

در آن حال که جنگ سرد شدت و گسترده‌گی روزافزونی داشت، در شرق آسیا حوادثی رخ میداد که می‌توانست در سر نوشت جهان تأثیری تعیین‌کننده داشته باشد. چیانگ‌کایچک در چین دوازدهم به‌دو موضوع بیشتر، را از دست میداد و کمونیستها به قدرت بیشتری دست می‌یافتند. کمونیست شدن پر جمعیت‌ترین کشور جهان چه تأثیری در مبارزه سخت شرق و غرب داشت؟ خیلی‌ها گمان می‌بردند که کفه به‌نحوی قاطع بِنفع شرق سنگین خواهد شد. اما کسی پیش‌بینی نمی‌کرد که چین و شوروی روزی بصورت دو دشمن در آیند و همین به حفظ تعادل در جهان کمک کند.

هنگامیکه در سال ۱۹۳۷ ژاپنی‌ها به شمال چین حمله کرده بودند، کمونیستها در کنار ناسیونالیست‌ها با آنها می‌جنگیدند. تا سال ۱۹۴۷ ماو در غار-های «ینان» در «شِن‌سی» اقامت داشت. بعد از تسلیم ژاپن آمریکائی‌ها مایل بودند او و چیانگ‌کایچک با یکدیگر همکاری کنند، که میدانیم، این امر صورت گرفت و جنگ خانگی در دسامبر ۱۹۴۷ آغاز شد. ارتش سرخ چین به سرعت شمال این کشور را تصرف کرد. روز ۷ نوامبر ۱۹۴۸ سر روزی سرخ‌ها در «هوای‌های» باعث شد که سربازان بسیاری از صف ناسیونالیست‌ها بگریزند. ماونگ‌تسون قصد داشت یکن را تصرف کند و بدین منظور «لین‌بیائو» مأمور تصرف پایتخت یکن شد و در پایان ژانویه ۱۹۴۹ یکن به تصرف درآمد.

... در آغاز سال ۱۹۴۹ آن قسمت از چین که در تصرف سرخ‌ها نبوده در توهم و نادانی زندگی میکرد و نمی‌توانست عاقبت وخیم شکست در «هوای‌های» را بدرستی ارزیابی کند.

مردم یکن نیز نماندند که آینده‌ای انتظاراتشان را میکنند. زمان جنگ‌های بزرگ در شمال به پایان رسیده بود. واحدهای ارتش «کومین تانگ» که مردان نازموده بطور ناخوشایندی بزرگشان کرده بود، در جبهه‌ای به طول ۱۵۰ و به عمق ۳۰۰ کیلومتر عقب می‌نشستند.

ماونگ‌تسون به نیروهایش اجازه داده بود که با سرعت دلخواه بطرف جنوب بروند و قصد داشت در بهار سال بعد آنها را در یک جبهه پانصد کیلومتری متمرکز کند. ولی در شرق، غرب و نیز در پشت سر نیروهای سرخ کانون‌های مقاومتی

روز اول اکتبر ۱۹۴۹ ماونگ‌تسون برقراری جمهوری خلق چین را اعلام کرد



کنند. ژنرال «فو» اعلام کرد که قرارداد صلح جداگانه‌ای با کمونیستها بسته است و مدتی شش‌ر از دو گروه مختلف اداره خواهند کرد. اعلام این خبر سبب شادی دو میلیون و پانصد هزار تن مردم یکن شد. چون آنها سلامت و صلح را بر هر چیز دیگر ترجیح میدادند.

شب هنگام ۲۳ ژانویه یک واحد از گارد سرخ بی‌سر و صدا وارد شش‌ر شد، وظیفه غیررسمی آن حمایت از افراد کمونیستی بود که از مدتها پیش برای انجام عملیات پشت جبهه در یکن مستقر شده بودند. با ورود اینان کارهای «مخفی» هویت خود را آشکار کردند و بیست‌های اداری را در اختیار گرفتند.

اینک حلقه محاصره در شمال یکن شکسته بود و قطارها آذوقه و سوخت به شش‌ر می‌رساندند، شش‌ری که در گوشه و کنار آن سربازان ارتش سرخ کنترل اوضاع را بدست میگرفتند.

روز ۲۵ ژانویه تازه واردان آکسپه‌هایی پدر و دیوار چسباندند که در آنها تأکید شده بود که دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های فرهنگی، تجارت و صنایع مورد حمایت قرار میگیرند. درین حال همه مردم تکران تأثیری بودند که ورود کمونیستها بر زندگی خصوصی‌شان می‌توانست داشته باشد، هیچکس خیلی بدبین نبود. چون این یکی از ویژگی‌های مردم چین است که به مصالحه اعتقاد فراوان دارند و آنرا سمندری میدانند که از خاکستر خویش سر برمی‌کشد. در اولین روزهای اشغال شش‌ر بنظر می‌آمد که کنفوسیوس زنده شده است. زیرا روزنامه‌های کمونیستها خطاب به سربازان ارتش سرخ این هشت فرمان را صادر کرده بود:

- ۱- ادب در گفتار و رفتار.
- ۲- رعایت شرافت در معامله و پرداخت بهای عادلانه اجناس.
- ۳- پس دادن اجناس دزدی شده.
- ۴- جبران خسارت دیگران بوسیله بوا یا کار محانی.
- ۵- مبارزه با زبزدی و خودداری از تصرف عدوانی اموال دیگران.
- ۶- خودداری از لطمه‌زدن به مزارع.
- ۷- رفتار شرافتمندانه با زنان و دختران.
- ۸- خودداری از بدرقتاری با زندانیان جنگی.

نظیر «تین - تسین» و یکن وجود داشت که میبایستی به تصرف درآیند. ... ژنرال کومین‌تانگ «فوتسو - ئی» فرمانده نیروهای مدافع یکن هر روز شاهد کاهش تعداد نیروهای رادپوی کمونیست‌ها را می‌شنید که میگفت:

«خودتان را از شر «فو» خلاص کنید، صلح در شش‌ر نان برقرار میشود!

همین گوینده گاه به «فو» وعده میداد که اگر تسلیم شود، جانش در امان خواهد بود. حقیقت این بود که ماونگ‌تسون در بی‌بهره‌ی قصدنداشت برای تصرف یکن بجنسند. او میخواست این شش‌ر را بهمانگونه که دوست میداشت، دست نخورده و آسیب ندیده ببیند. او یکن را از آن هنگام دوست می‌داشت که دانشجوی گمانی در یکی از دانشکده‌های آن بود.

صحنه‌ها هفت ژانویه لین‌بیائو در یک پیام رادیویی آخرین اخطار را به مدافعان شش‌ر داد و اعلام کرد که هشت ستون از سربازان تازه نفس و مجرب چند ساعت آینده به نیروهای تحت فرمان او اضافه می‌شوند و بدین ترتیب بریک نیروی یک میلیون و دویست هزار نفری فرمان خواهد راند...

حلقه محاصره تدریجاً به گرد یکن بسته میشد. شش‌ر از شمال و شرق به‌جائی راه نداشت و درین حال تک‌پانان ارتش چیانگ‌کایچک که در بیرون دروازه‌ها پاسداری میکردند، دستور داشتند به‌سوی هرگزینده‌ای تیراندازی کنند.

از میزان تولید برق در شش‌ر کاسته شده بود و محله‌های مختلف بویژه در غرب ساعت‌ها تاریک می‌ماندند. آنوقت کمونیستها اجازه دادند که قسمتی از برق کارخانه‌های تحت کنترلشان به یکن منتقل شود. این کار باعث میشد که خیلی‌ها بتوانند برنامه‌های رادیویی کمونیستها را گوش کنند.

درین گرویدار دو طرف به مذاکره پرداختند تا راهی برای تسلیم شش‌ر پیدا کنند. نه کمونیستها و نه دیگران خواهان ویرانی پایتخت کهن نبودند. بهین جهت قرار شد که در آخرین روزهای ژانویه دروازه‌های شمالی شش‌ر به‌روی کمونیستها گشوده شود و آنها مانع مخالفاتی که از دروازه‌های جنوبی بیرون می‌روند نشوند. برای فاتحان فرصت کمی باقی می‌ماند که بعد از برگزاری مراسم پیروزی، جشن سال نو را برپا

گرگهای در پاسا لار

بخش ششم فرارسیدن مرگ و نابودی

۴۱

بندر ماهیگیری کوچکی که مشرف بر آبراه وسیع «سوتر»، می باشد و در چند کیلومتری بندر «برکن»، قرار دارد در تیرگی آبی رنگی که از ویسزگیهای خلیج های کوچک کرانه های نرور بهنگام فصل تابستان است فرو رفته.

ساعت ۴ و ۷ دقیقه با مدام است. گشتی آلمانی چند لحظه پیش گشت خود را تمام کرده و اینک بجات بندفنگ دور می شود و سپس راه خود را کج کرده و در بیابان خلوت این دهکده نرورگی که جنبه های در آن پنجم نمی خورد ناپدید می شود.

دوباره سکوت در همه جا حکمفرما می شود سکوتی که فقط صدای فریاد آواچ بدنه های قایق های جوبی و یا غرش منظم آواچ بهنگام درم شکتستن آنها در برخورد با سخره ها آن را درهم می شکند. در این هنگام است که سری از میان قایقی بالا می آید و بدقت ساحل را مورد واریسی قرار میدهد و سپس با صدای آهسته و خفه بزبان انگلیسی میگوید:

«اوضاع خوبه، در فترت ها دور شده اند» از ته قایق صدای دیگری را مرقور زیر لبی میبرد.

«گو مطمئن»
- آره کاملاً

صدای سومی در این موقع میگوید:
«والله بچه ها باید عجله کنیم. چند لحظه دیگه ممکنه سر برسند»
فورا سه شبح تیره رنگ با چهره هائی که آنها را با واکنس سیاه کرده اند از جای خود بر می خیزند و با شتاب هر چه تمام تر تور بله گیری سنگینی را که برای استتراق آنها بکاد «فته بود از روی آن بکناری می زنند» بدینسان قواره یک ناوچه سریع انگلیسی را آشکار می سازند.

رئیس و فرمانده این نیم جوخه کماندو رو یکی از آنها کرده و میگوید:
«اولگامکانیسم عمل از درها را بازرسی کن و مراقب باش که اونجا درست کار کنند»
- همین کارو میکنم سرکار ستوان
- بسیار خوب! توهم «کیورسون» آماده باش که بندها را ول کنی و بتونی دو ناوچه را با حداکثر قدرت بجلو پرت کنی.

شده اند دفعا احساس میکنند که دلپاشان بشدت در قفس سینه می طبد. آنها یادند آنها بی هم فشرده و چشمانی چین خورده نزدیک شدن زیر دریائی آلمانی را بدقت زیر نظر دارند. بالاخره دماغه زیر دریائی از برابر آنان گذشت.

در این موقع دفعا ستوان فریاد زد:
«خدایا!! این پنن داره زیر آب میره.»
با تمام سرعت رو بجلو. داره در میره.»
غرش موتور ها سکوت شب را درهم می شکند و ناوچه سریع السیر بایک خیز بجلو پرتاب می شود و با سرعتی هر چه تمام تر فاصله خود را با زیر دریائی کم میکند. ولی در آن هنگام سینه زیر دریائی در زیر آبهای کف آلود دریا فرو رفته است. ممت چپا فسر دوبار بر پشت «اولگام» کوبیده می شود. این علامت رها کردن و پرتاب نمودن دوازده از پیلوی ناوچه جدا شده و چشم کمان پیروی آنها خلیج بطرف شکار پیش می روند.

این عمل بطور برق آسا صورت گرفت بطوریکه وقتی که یکی از دیده بانان ناو شد از در افکن دوشیاری را که بر روی آب ترسیم میشد مشاهده کرد فرصت باز کردن دهان و دادن آژیر را نیافت. صدای انفجار میبیدر فضا طنین انداز شد و متعاقب آن ستونی از آب بطرف آسمان پرتاب شد. هنگامیکه سکوت دوباره همه جا را فرا گرفت در جای ۲۴-۰ م از آب کف آلود و جوشان پتیز دیگری بر جای نمانده است.

ناوچه سریع انگلیسی از برون گاه خلیج خارج شد و با سرعت وارد دریای شمال شده و راه باختر را در پیش گرفت.

ناخدا: «هارل فینگر» مردی بود که در انضباط بی اندازه سختگیر بود. متلاصدهای از رفقاییش بهنگام حمله درهای نفوذ ناپذیر بین سه قسمت مجزای داخل زیر دریائی را جهت نمیکردند و پیش خود حساب میکردند که مجبوس کردن نفرات در پاسگاه های جلوی عقب دودر و انظر و دید مستقیم ناخدا که در پاسگاه مرکزی قرار دارد اثر نامساعدی بر روی روحیه آنان باقی میگذارد. تدریجی دیدی نسبت به این اهمال کاری خالی از خلص نبود زیرا کافی بود که شکاری در یکی از نقاط بدنه زیر دریائی بوجود آید که با وسائل موجود نتوان در مورد مسدود کردن آن و بالنتیجه سر از سر شدن با بدخال زیر دریائی اقدامی نمود بدینسی است که در اینصورت جز غرق شدن و نابود گشتن سر و پشت دیگری در انتظار زیر دریائی و سر نشینان آن نمی تواند باشد.

ناخدا «هارل فینگر» جنبه روحیه کث این دیوار کثی را انگار نمیکرد ولی معضدا تریج میداد که مقررات ایمنی و دستورات حفاظتی را مویبوا اجرا کند. و بهمین دلیل است که وقتی زیر دریائی او یعنی ۲۴-۰ ل از در انگلیسی را در ناحیه دم خود دریافت کرد و همه قسمت عقب زیر دریائی و محل موتور های دیزل زیر دریائی له لورده شد فقط همین قسمت بود که مورد حمله و یورش چندین تن از فرار گرفت و دو قسمت دیگر زیر دریائی صحیح و سالم و کاملاً خشک باقی ماند.

ولی با وجود این ۲۴-۰ ل به آهستگی در حال غرق شدن است. اما این غرق شدن دلیل سالم ماندن پاسگاه مرکزی و جلوی ماندن پارهای موارد شکل یک غرق شدن سریع و عمودی را بخود نمیکرد بلکه برعکس با وجود غشه سنگین شده آن که خراباها آب را در دل خود جای داده است معضدا زیر دریائی با آهستگی و قاتی خاصی بزیر آب فرو میرود بطوریکه که افرادی که در اثر موج انفجار زمین افتاده اند قادرند از جای خود بلند شده و تقریباً سرپا بایستند. البته آنها با توجه به زاویه و میل سقوط زیر دریائی تا حدی لیل میخورند ولی معضدا نتوانند در تاریکی مطلقه که حکمفرامست دستپاچه خود را بدستگیرها یا هر وسیله دیگری که در دسترسشان قرار دارد گرفته و خود را سرپا نگهدارند.

چنین بنظر میرسد که تا این لحظه

هیچکس متوجه وخامت اوضاع نشده و بطرف مرگ مسلمی که در انتظار همگان است بی نبرده است زیرا سرعت حوادث بحدی بود که نفرات بکلی کج و منگک شده و کمترین نشانه ای از یک ترس و وحشت همه گیر که در این گونه موارد سرعت خودنمایی میکند دیده نمی شود.

هنوز بیش از ۲ دقیقه از اصابت از در گذشته است و فرورفتن مقاومت ناپذیر زیر دریائی ادامه دارد ساعت ۴ و ۲۹ دقیقه است.

درست بهنگامی که نور ضعیف سه چراغ قوه ای در پاسگاه مرکزی بر روی عقربه های ثابت و از کار افتاده زیر دریائی در حرکت است شاقص صدائی را که بگوش وی شناساست می شنود که از آن ناوبر زیر دریائی می شنود:

«داریم غرق میشیم»
در قسمت جلویی زیر دریائی که ارتباط آن بوسیله دری نفوذ ناپذیر با پاسگاه مرکزی قطع شده فریادهای کمک خواهی توام با ضرباتی که به در دیوار زده می شود بگوش میرسد. این فریادهای نمایانگر ترس و وحشتی است که بر جان همه افراد مستولی شده است.

دفعا ضربه ای فوق العاده شدید که به قسمت پاشنه زیر دریائی وارد آمده در همه زیر دریائی اساسی می شود. شدت تکان و سرو صدای گوشخراش آن بحدی است که همه تصور میکنند که ضربه ختقاق و یا گرز عظیمی بر روی زیر دریائی فرود آمده است. همه نفرات دوباره بر روی کف زیر دریائی نقش بسته اند؛ شقیقه های آنها بشدت درد گرفته و بنظر آنها چنین میرسد که آنان را در داخل طبله عظیم زندانی کرده اند. ساعت ۴ و ۳۲ دقیقه است.

دفعا سکوتی که در ایجاد دلهره و هراس دست کسی از هیاهوی چند لحظه پیش ندارد بر سر تمامی زیر دریائی حکمفرما می شود. سکوتی سنگین در دل طلماتی وحشت آفرین. همان همه بسته شده و دندانها کلید شده اند. احدی قادر به ادای یک کلمه نیست. در میان این سکوت است که هارل فینگر و شافر صدای وارد آمدن ضربات مثل راز به دوباره زیر دریائی که قسمت جلویی را از پاسگاه مرکزی جدا میکند می شنوند.

هارل فینگر بعضض شنیدن این صدا روه ناوبر کرده و دستور میدهد:
«در را باز کنید و اینقدر بخودتان نلرزید این یکا مری دستور است. فهمیدید؟»
- بله سرکار ناخدا

فراستی که در پاسگاه مرکزی بیکدیگر چسبیده و در تاریکی پیم فشار می آورند صدای نفی زدن دلهره آمیز رفقای تازه وارد خود را بگوش می شنوند. در این موقع اسل که صدای «دولف شاقص» معاون زیر دریائی آنها را از بیهوش و سکوتی که در آن فرود رفته اند بیرون میکشد:
«بچه ها دیگه پائین نمریم حتما روی سخره ای گیر کرده ایم. آرام بایند شاید بخواست خدا بتونی از این ممر که جون سالم بدر ببریم»
در این هنگام مهندس ماشین چراغ قوه خود را متوجه عقربه «زرفاسنج» زیر دریائی میکند. خوشبختانه مثل اینکه دستگاه هنوز کار میکند. عقربه عمق ۵۰ متری را نشان میدهد.

مهندس ماشین بدیدن عدد ۵۰ مترمه کتان میگوید:
«اگر این عمق واقعا درست باشه هنوز شناس زیادی برای زنده ماندن داریم.»
از گوشه و کنار بازهم چراغهای دیگر روشن میشوند و بر روی عقربه «زرفاسنج» ثابت میمانند. ناخدا «هارل فینگر» احساس میکند که ایک وقت آن رسیده است که او درباره مرگ و زندگی خود و نفرات زیر امرش تصمیم بگیرد.

ساعت ۴ و ۳۵ دقیقه با مدام است. ناخدا در یک تاریکی خطاب بنفراتی که از ترس مرگ بر خود می لرزند و چشم آمیخ خود را بوی دوخته اند میگوید:

شعبده بازان



۲

آلبرتو آلو - نارسژاک
Boileau - Narcejac
ترجمه خسرو سمیعی

توسط یکی از بچه‌ها که شبانه روزی نبود رساله‌ای درباب شعبده‌بازی خرید اما خیلی زود از خشکی مطالب و نارسایی توضیحات آن سر خورد. از دنبال کردن مطلب منصرف شد. اندک دیگر حتی روزهای بین دو مسافرات را نیز نمی‌شمرد. در خواب و خیالی آرامش بخش، که با صدای زنگ مدرسه تنظیم می‌شد، غریبه بود و هنگامی که می‌شنید کسی در اطاق پذیرایی انتظارش را می‌کشد جز ضریبان سریع قلب احساس دیگری نداشت. پدر و پسر تقریباً با یک زمانی به یکدیگر می‌نگریستند. همین‌طور که پسر رشد می‌کرد و لباسهای خوب می‌پوشید پدر نیز تغییر می‌کرد، شفته‌هایش به سفیدی می‌گرایید. چین‌های تازه‌ای در طول گونه‌هایش ایجاد می‌شد و پوستش چنان رنگ پُرسیده و چشمانش چنان فرو رفته می‌شد که به نظر می‌رسید نوات کرده است. دوتر از مدتی پیش دریافت بود که بخصوص نباید درباره آینده سخنی بگوید. حرف‌ها بر اهمیت بود. بله، غدا خوب است، نه، کار زیاد خسته کننده نیست.

دوتر در حالیکه از خود می‌رسید: «چه مدتی دیگر مرا در اینجا نگاه خواهند داشت؟» به اطافش بازمی‌گشت. همسایگ‌دبایش درباره شغل آینده خود می‌اندیشیدند. هنگام گردش، در حالیکه پشت سرچینی مخفی شده بودند و سیگار امریکایی می‌کشیدند، از نقشه‌های آینده حرف می‌زدند. وقتی از دوتر سؤال می‌شد، همیشه می‌گفت: «اوه! من وارد سینما می‌شوم». همه، حرفش را باور می‌کردند. زمان مسخره کردن گذشته بود. «دوتر» با بی‌اعتنایی و برقیسی، توانسته بود تصویری را که می‌خواست از خود به خود به‌قولاند به دیگران تحمیل کند. تصویر جوانی زروتمند، دلزده از همه، منتفر از کار و منتظر اقبال. اما به‌خوبی می‌دانست که این تصویر رؤیایی بیش نیست. و اغلب در سینه‌اش موجی از اضطراب حس می‌کرد، دست به‌چشمانش می‌کشید و سپس به اطافش نگاه می‌گفت می‌آکنند. «دوتر» اندیشید:

مرد. - باز خیال کردم. واقعیت ندارد. اونخواهد

سیگاری روشن کرد و به‌طرف پنجره خم شد. روشنی فزونی می‌گرفت. همسایه‌های دست‌راستش گردنهای خود را بیرون آورده بودند و یکی از آنان جمله‌ای طولانی بر زبان آورد. دوتر کلمه «هامبورگ» را شناخت. مدیر توضیح داده بود:

- پدرت در هامبورگ مریض شده است. تو باید فوری حرکت کنی. من همه کارها را انجام داده‌ام.

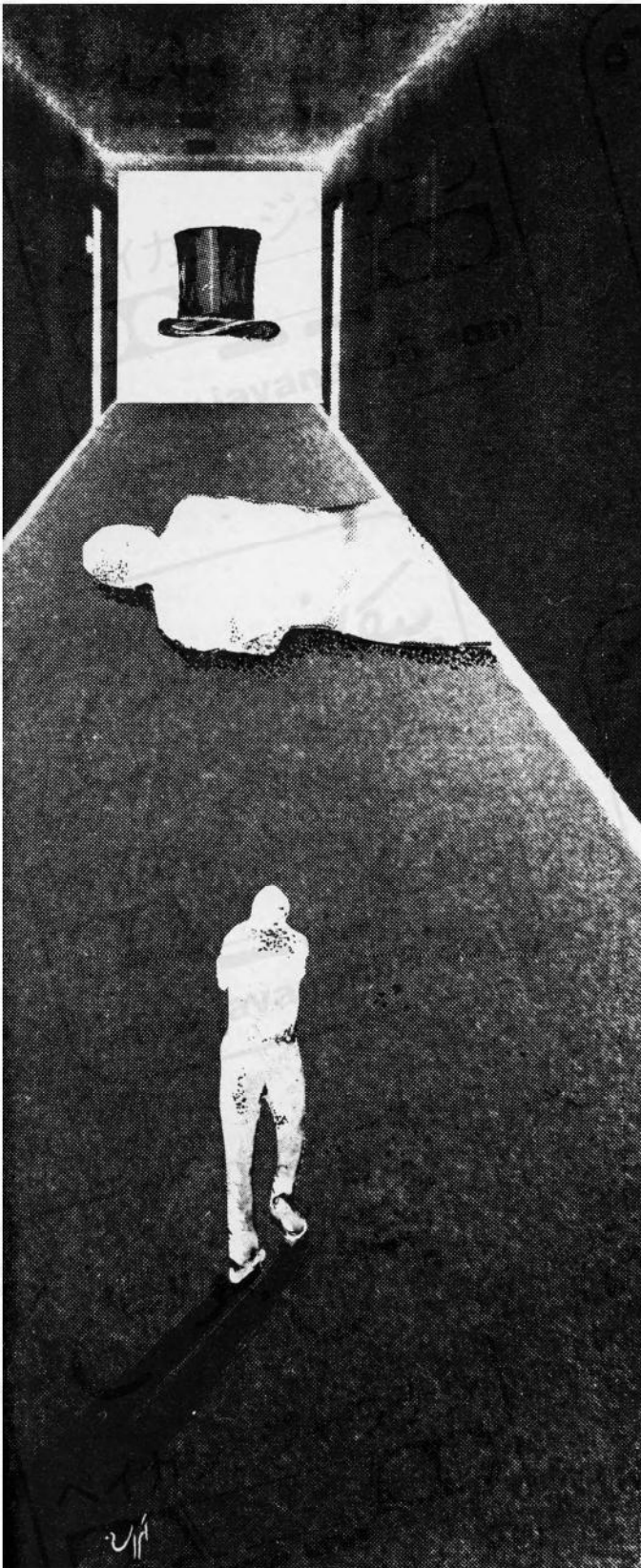
در کسوت‌های از میز، اسکناس، کاغذها، پاسپورت و تلگرام قرار داشت.

کنش اضافه کرد:

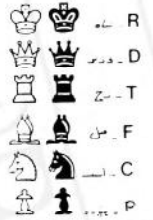
- گمان می‌کنم کسی آنجا به استقبال روی تلگرام هست.

بقیه واضح نبود. پاندها درهم می‌ناخستند. اطاق کار و نمازخانه، دست فتردن‌ها، علامت‌های صلب و فرودگاه با پست‌های سفید و بلندگوها و مدیر که دستش را بلند کرده بود و دامش که در باد هواپیما چون چادری که محکم گرفته‌انده باشد موج می‌زد. بدین‌تریق «دوتر» کوچک وارد زندگی شد و می‌توانست به گذشته بنگرد. می‌دانست که دیگر هرگز به مدرسه باز نخواهد گشت. کجا خواهد رفت؟ چه کسی از او مواظبت خواهد کرد؟ سیگارش را خاموش کرد و کمربند را محکم ساخت. پایین هواپیما شهری وسیع و نورانی دیده می‌شد. باز چند دقیقه‌ها و اگر منتظرش نباشد یا راننده تاکسی زبانش را نفهمد و یا آدرس را نداند، چه بر سرش خواهد آمد... تلگرام را بیرون آورد و دوباره خواند. «کورسال»، هامبورگ، هیچ نامی از خیابان پرده نشده بود. کورسال! بی‌شک موزیک هالی بود که پروفوسور آلبرتو در آن کار می‌کرد. اکتون، از همه این چیزها وحشت داشت. محکم نشست. هواپیما فرود می‌آمد و شهر که گویی در سراسیمه ناپسیداً بنا شده است بطور مورب با چراغهای بهم‌پیچیده چند شاخه رنگارنگش لیز می‌خورد و پیش می‌آمد. چشمانش را بست. پلک‌هایش را بهم فشرد، با تمام قوا از پذیرفتن اتفاقی که می‌خواست بگذشت سر بلز می‌زد. کمربند او را محکم بر جای نگاه

می‌داشت، نزدیک بود مثل بیماری که روی تخت



آلو



دنیای شطرنج

از: ایروینگ چرنف
ترجمه جهانگیر افشاری

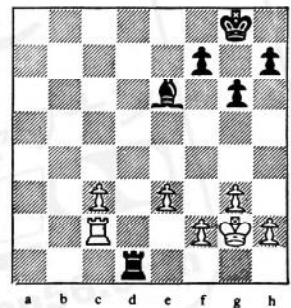
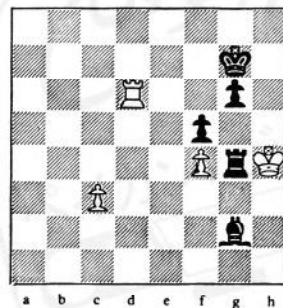
این یورش مانع میشود که سفید بتواند مهره شاه را بوسط صفحه ببرد:
27- R-g2 27- P-a5
سیاه، مرتب پیاده‌های جناح وزیر را به پیش میراند و موجودیت پیاده سفید b2 را که در حقیقت نقطه ضعفی بشمار میرود، بخاطر میاندازد:
28- T-c2 28- P-b4
29- P×P 29- P×P
30- F-f3 30- T-b1
31- F-e2 31-
سفید سرسختانه دفاع میکند... با انجام این حرکت ظاهراً وضع پیاده سیاه c4 سیاه، ستون آزاد d را زیر آتش رخ گرفت:
21- T-d1 21- T×T+d8
22- F×T 22- T-d8
23- F-f3 23- P-g6!
هدف سیاه از بردن پیاده بخانه g6 این است که خانه‌ای را برای مهره شاه‌خالی کند و بدین ترتیب وظیفه حفاظت از خط اول جبهه را از رخ d8 بگیرد و او را برای فعالیت بیشتر و بهتری آزاد نماید:
24- D-c6 24- D-e5!
25- D-e4 25- D×D
26- F×D 26- T-d1!
کیش+ سیاه، بموقع مبادرت به حمله کرد.

3- P-c5 3- P-c5
4- Pc3×p 4- Pe6×p
5- C-f3 5- C-c6
6- P-g3 6- F-e6
نیاشد، ولی بهتر بود اسب را در خانه f6 مستقر می‌کرد و سپس قیل را در خانه e7 همی نشانند و در حرکت بعد قلعه می‌رفت. حمل بر خودخواهی نشود، این نظر من (نویسنده) است:
7- F-g2 7- F-e7
8- O-O 8- C-f6
9- F-g5 9- C-e4!
سیاه حرکت بسیار خوبی انجام داد! این حرکت بازیش را از حالت بسته فنی بیرون می‌آورد:
10- F×F 10- D×F
11- C-e5 11- C×pd4!
12- C×C 12- P×C
کیش+ 13- C-f3
14- C×C 14- P×C
قلعه کوچک 15- O-O
16- Tf1-c1 16- Ta8-b8
17- D-e4 17-
سفید تهدید کرده که در حرکت بعدی، قیل را در خانه h3 خواهد نشانند و بدین ترتیب با حریف را وادار به مبادله قیل با قیل خواهد کرد و یا در حرکت بعدی با بردن پیاده سفید بخانه f4 شکافی در ترکیب مهره‌های پیاده سیاه بوجود خواهد آورد:
17- 17- D-c7
18- T-c3 18- P-b5!
کاپابلانکا از این لحظه به پیاده کردن نقشه‌ای که در آغاز بحث بان اشاره شد، می‌پردازد... تجمع پیاده‌ها در جناح وزیر:
19- P-a3 19- P-c3
20- F-f3 20- Tf8-d8

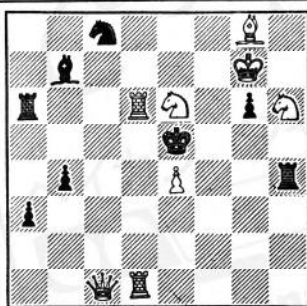
تاجه پیش آید!

در این نبرد که بسال هزارونهصدونو میان اف-ج- مارشال F.J. Marshall و ج-آر- کاپابلانکا در نیویورک روی داده، کاپابلانکا بسبب مخصوص خودش، راه‌های کسب پیروزی را بگونه‌ای در خور ستایش بدانشجو مینمایاند... مارشال در این مبارزه مرتکب اشتباه فاحشی نمیشود؛ کاپابلانکا میکوشد فقط در پانزده حرکت اکثر پیاده‌هایش را در جناح وزیر جمع کند و این تجمع پیاده‌ها برای آدمی نظیر کاپابلانکا امتیازی است که بهسولت از آن بهره‌میکیرد... پیاده‌ها در هر فرصتی پیش می‌روند و این پیشروی بنحوی است که مارشال برای جلوگیری از ارتقاء مقام یکی از آنها بتمام وزارت، مجبور بدادن قربانی میشود... بنظر لاسکر این نبرد بخوبی نشان میدهد که چگونه می‌توان از امتیازات کوچک بهره‌های فراوان گرفت:

کاپابلانکا: سیاه 1- P-d4
مارشال: سفید 2- P-c4
1- P-d5 2- P-e6
2- P-c4



مسئله شطرنج شماره ۲۱۸



سفید ۸ مهره:
Dc1 - Td1 - Pe4 - Td6 - Ce6 - Ch6 - Rg7 - Fg8.
سیاه ۸ مهره:
Cc8 - Fb7 - Ta6 - Pg6 - Re5
Pb4 - Th4 - Pa3.

سفید بازی را شروع و در دو حرکت سیاه را مات می‌کند

حل مسئله شطرنج شماره ۲۱۷

سیاه در دو حرکت مات میشود

سفید	سیاه
1- T-d3	1- C-b7
2- Tg6-e6++ مات	
اگر: 1-	1- R×Td7
2- Tg6-d6++ مات	
اگر: 1-	1- Ff4×Ch6
2- Tg6×Pg4++ مات	
اگر: 1-	1- Cd8-e6
2- Tg6-g6++ مات	

تماشای تاتر

زیر نظر جمشید چالنگی

صحنه‌ی طویل رفیعی، این امکان را می‌آفریند تا تماشاگر «آنتیگن» در تمام لحظات نمایش، خود را با فضایی مؤثر و نیز در بردارنده‌ی مفهوم تراژدی «سوفوکل» روبرو ببیند.

در این تراژدی، می‌توان بسیاری از خصوصیات تراژدی یونانی را مشاهده کرد. «آنتیگن» اگر به‌تمامی، محور اصلی این تراژدی نباشد، به‌رحال یکی از مراکز اصلی آن است. من این تقسیم‌بندی را بدین علت می‌آورم، که نمی‌توان تلخی نرفته در انجام زندگی «کرن» را نادیده گرفت. «آنتیگن» درگیر با سرنوشتی است که او را گام به گام به‌بنستی نزدیک می‌سازد. مرگ اگر نهایت و انتهای آنچه باشد که بعنوان زندگی ادمی را بخود دل مشغول می‌دارد، «آنتیگن» این پارامندی نارذلل «ادب» نه زندگی، بلکه به‌مرگ است که لیکند می‌زند. چرا که می‌داند برای آنکه بتواند آنگونه که می‌خواهد، و آنگونه که خواسته‌ی ایزدان نیز هست به‌کمال برسد، چاره‌ی جز این ندارد که با مرگی زیبا جاودانه بماند. او در برابر «کرن» طغیان می‌کند، و طغیان او وراثت از ابعاد معمول این کلبه معنی پیدا می‌کند. در حقیقت طغیان «آنتیگن» را باید طغیان انسان دانست در برابر سرنوشت. و سوفوکل بر روال آنچه که می‌یابد در یک تراژدی حفظ شود، و بالطبع آمده از اعتقادات آن‌زمان، این طغیان را به‌انجامی تلخ می‌رساند. انسان در رابطه‌اش با خدا یا ناگزیر به‌پذیرش سرنوشتی است که خود هیچ اراده‌ی در تعیین آن ندارد. اگر «ادب» فرجامی دردناک داشت، هم از این‌روست. و اگر می‌بینیم «آنتیگن» نیز به مرگی شایسته جان می‌دهد باز بر این اساس است.

«آنتیگن» بنام انسانیت که بر قدیمی استوار و تمامی آنچه را که بدست انسان‌هایی دیگر ساخته شده تحقیر می‌بیند. و بر آن است تا در میان این حفارت‌ها، خود و زیبایی آنچه را که بدان می‌اندیشد محفوظ بدارد. و در این‌راه اگر مرگی نیز وجود دارد (نه بدان علت که خواهان انجام قهرمانانه است، بلکه بدین علت که حتی به آن نمی‌اندیشد و در مرحله‌ی نیز مرگ را هم تحقیر می‌کند) آنرا پراختی می‌پذیرد. گویی این دختر «ادب» از این‌رو یا به‌جهان گذاشته تا پاسدار زیبایی‌ها و ارزش‌های انسانی باشد.

و می‌بینیم که هم بدین علت است که بر آن می‌شود تاجسد بردارش را برخلاف تحریم «کرن» آنچنان که شایسته است بختک بسپارد.

در برابر سرنوشت، تمامی قدرت‌هایی که بشر با تکیه بر آنها می‌کوشد تا بشکلی از دست سرنوشت، آگاه یا ناآگاه برهد، رنگ می‌بازند. همچنانکه این موضوع که یکی از ویژگی‌های تراژدی یونانی است، در مورد «کرن» به‌خوبی آشکار است. «کرن» که وارث تاج و تخت «ادب» است با تکیه بر قدرتی که بدست آورده، خود را فراتر از آدمیان دیگر می‌بیند. تا به آن حد که حتی پیشگویی‌های «تیرزیاس» را که بیشتر مورد اعتقاد او بود، در آنجا که با خواسته‌هایش وفق نمی‌دهند، نمی‌پذیرد.

«کرن» مست چنین قدرتیست، تا به آن حد که عاطفی‌ترین روابط او نیز از گزند آن مصون نمی‌ماند. رابطه‌ی «کرن» و «هون» عامل مستقیم است در وارد ساختن

او به‌حیطه‌ی تراژدی. اگر «هون» نمی‌بود و یا حداقل اگر او نامزد «آنتیگن» نمی‌بود، بی‌تردید «کرن» سرنوشتی بدین شومسی نمی‌داشت. «هون» او را به‌قلب تراژدی پیوند می‌زند، و بر اساس همین پیوند است که می‌بینیم تراژدی «آنتیگن» با انجام سرنوشت «کرن» پایان می‌پذیرد. سرنوشتی که او را با از دست دادن عزیزانش بدون چاهی از شوم‌بخشی و تیره‌روزی سقوط می‌دهد. در چنین زمینگی، انسانها همه تنها هستند. و به‌همان تنهایی که به‌جهان می‌آید، از جهان می‌روند. «آنتیگن» تنها است، همچنانکه خواهرش «ایسن» و نامزدش «هون» و تنها تراژدی‌های اینها، «کرن» در آخر تراژدی.

«سوفوکل» با قدرت شاعرانه‌ی خود، در انتهای «آنتیگن» به «ایرودیکه» زن «کرن» اشاره‌ی دارد، که همین اشاره کافی است تا قلب ما را در روبرو شدن با خاموشی دردناک این زن، به‌تکان درآورد. «ایرودیکه» تنها در آنجا ظاهر می‌شود که دیگر تراژدی به اوج خود رسیده است، و هم در این اوج است که او چون بونیماری معنوم، خود را تسلیم شاهین مرگ می‌کند. هم نوابی «ایرودیکه» و «هون» به اعتقاد من بازتاب دیگری است از مضمحل شدن پیوندهایی که در تراژدی «ادب» شاهد آنها بوده‌ایم. زبان شاعرانه‌ی «سوفوکل» یکی از عوامل مؤثر و مستقیم است در ماندگاری و ارزشمندی «آنتیگن». او با این زبان،



باز آفرینی یک تراژدی: آنتیگن

نوشته: سوفوکل
ترجمه شاهرخ مسکوب
کارگردان: علی رفیعی
بازیگران: شهلا میر بختیار - رضا کیانیان - جمشیدملک پور - تانیا جوهری - عطاءاله روحی و دیگران
محل اجرا: تالار مولوی

شود، در پیشانی مطلق غوطه‌ور می‌شود.

در اجراء، «رقیعی» را موفق می‌یابیم. او صحنه خود را زمینه‌ی می‌سازد برای آنکه تراژدی «آنتیگن» در شکلی موثر و نزدیک با ما، مفاهیم خود را به ما بنمایاند. صحنه‌ی طولیل و متغیر او از نظر شکل، فراهم آورنده‌ی این امکان است، که تغییر مکان و زمان موجود در تراژدی و نیز تغییر کلی صحنه، با حفظ روایی طبیعی، تماشاگر را از توجه به حواشی فریاد از امان بدارد. گذشته از این، او با قهرمان‌های تراژدی، چون آدمیانی روپرو می‌شود، که گویی نه در زمانی دور، بلکه در زمانی نزدیک، از حادثه‌ی بی که بر آنها برافتنده می‌گوشد. هسرایان، در اجراء «رقیعی» به مآله‌هایی تبدیل می‌شوند که با بیرون آمدن یکسری خود از حاشیه‌ی تراژدی، در آن شرکت می‌کنند، و چون انسان‌هایی عمل می‌کنند که گویی خود در دردناکی سرلوشی که چون جغد شومی در «آنتیگن» و «کرن» سایه افکنده است، سبیم هستند. تقسیم ایات بین آنها، موجب این شده است که کلامشان تأثیری بیش از آنچه که از خواندن متن برمی‌آید، بر تماشاگر بگذارد. بخصوص باید اشاره کنم به رفتار خشک و حرکات بسیار دستپاچه جدا از تأثیرگذار، صحنه‌ها را نگاه به تألیف‌های زیبا تبدیل می‌کنند، که از نگاه‌های دقیق بر آنها می‌توان ربیع نرفته در تراژدی را حتی از طریق صری دریافت. «کرن» در اجراء، رفتاری خصن دارد، همچنانکه با توجه به بعد انسانی او می‌توان از او انتظار داشت، اما آنجا که او از این قالب بدر می‌آید و تلخی سرنوشت خود را می‌بیند، می‌بینم که تمام عوامل موجود در صحنه در جهت کمک نمودن به نمایش هر چه بهتر این مفهوم عمل می‌کنند. صحنه‌ی «رقیعی» بدو قسمت تقسیم شده است. و آنچه که در تراژدی مقابله‌ی رخ می‌دهد، آدمها بر این دو قسمت رو در روی هم قرار می‌گیرند، و در جای‌های تراژدی‌اشارتی به پیوند آمده‌ها دارد، این دو قسمت بهم پیوند می‌خورند و آدمها گویی برترشی کشتی در حال غرق، بر این گام می‌زنند. در واقع بزرگترین امتیاز اجراء «آنتیگن» وابسته به این است که «رقیعی» توانست تراژدی سوفوکل را از دیدگاهی امروزی لمس کند و در پرداخت هر صحنه‌ی خود دقتی را که می‌یابد اعصال کند. از این سو می‌بینم که صحنه‌پردازی او با بهره‌مند شدن از ارزش‌های بصری، به تمامی در خدمت نمایاندن مفاهیم پنهان در تراژدی است.

در بازی‌ها «سپلا میربخار» را برغم ساقه‌ی نه‌چندان طولانی‌اش بازیگری می‌یابیم که نقش خود را خوب در یافته و می‌گوشد تا با دورماندن تراژد در رفتار و گفتار تصویری درست از «آنتیگن» ارائه دهد. همچنانکه در «ساکاتیان» در نمایاندن «کرن» آنگونه که خواست کارگردان است، عمل می‌کند، تسلط او بر رفتارش باعث شده که در وجود آوردن فضای تراژدی برصحنه نقش مهمی داشته باشد. از این دو که بگذریم (جمشید ملک پور) را می‌بینیم که چون گذشته، برصحنه بازیگری توانا و آگاه می‌نماید.

در کل، اجراء «آنتیگن» بواسطه‌ی امتیاز آنتی، اجرا نیست که ما را نسبت به فعالیت‌های آرنده‌ی «رقیعی» در زمینه‌ی تأثیر میدوار می‌سازد.

جمشید چالنگی

نمایش عروسکی در ژاپن

پترا ایموس

بیان نمایشی خود را در بوکاگو - ووهنگ شوالیه‌های دوره موروماچی (از قرن چهاردهم تا قرن شانزدهم) در «نوه» پیدا کرده بود. شهرنشینان تازه که در دوره دراز صلح نیروی اندوختند و قدرت و اعتباری به دست آوردند، می‌خواستند روش تازه زندگی‌شان نظری که درباره دنیا داشتند، در صحنه تئاتر ستوده و بزرگ داشته شود. تئاتر می‌بایست برای‌شان آئینه‌ای باشد. اجتماع به چهار طبقه قسمت شده بود که در میان‌شان دیوارهای سر بر می‌افراشت؛ و این چهار طبقه طبقه سامورایی‌ها، طبقه دهقانها، طبقه پیشه‌ورها و طبقه بازرگانها بود. با اینهمه، درآمد، با مقام و مرتبای که در این سلسله مراتب به دست آمده بود، مطابقت نداشت، به‌عکس، تعادل تازه‌ای که در نتیجه پای نهادن به مرحله اقتصاد پولی به‌وجود آمده بود، بیشتر از پیش، به‌زبان سامورایی‌ها و دهقانها تکامل می‌یافت. بازرگانها، به‌رغم مقام پستشان، روزبه‌روز توانگتر می‌شدند و روزبه‌روز اهمیت بیشتری می‌یافتند، در صورتی که ساموراییها و دهقانها بیچیزتر می‌گشتند. حتی، برخی از شاهزادگان به‌بازرگاسان توانگر اوزاکا بدهکار شده بودند... پس، این بورژوازی نورسته که از بازرگانان و پیشه‌وران ترکیب می‌یافت، با دو قالب دراماتیک تازه، که در یک زمان، و برای یک گروه، و به‌نیروی یک اراده هنرجویانه تولد یافته بود، تئاتری برای خود به‌وجود آورد. یکی از برجسته‌ترین نویسندگان آن دوره، چیکاماسو موزائون (۱۶۵۳-۱۷۲۵)، برای هر دو تئاتر قلم زد. در حدود نیمی از نمایشنامه‌های تئاتر کابوکی، در اصل، برای تئاتر عروسکی نوشته شده بود.

بورژوازی توانگر زبانی برای تئاتر می‌خواستند که با طرز تفکرشان که از خودداری و سادگی، یعنی بزرگترین مسائل دوره شوالیه‌ها، بسیار دور بود، مطابقت داشته باشد. (در صورتی که تئاتر نو سخت آئینه خوبی خودداری و سادگی بود). احساس تازه خواستار آذین‌های پرشکوه، خواستار جلوه رنگها و لباس‌ها، بود، در صورتی که نقل به نقل زبانی اکتفا داشت، هنرپیشه، مثل سامورایی می‌بایست جلو تاسی‌ها و هجانهایی خویش را بگیرد و به‌حکتهایی آرام که از حدود طرح فراتر نرود، خرسند باشد. اکنون همه آثارها و هجانهایی به‌مشتی درجه زنده و جاندار شده است و دور از هر گونه فشار اجباری به‌تجلی آمده است. گرمای‌های کابوکی این منظور را دارد که به‌ارح بیان دست یابد. آنکه به‌تازمان آمده است، باید، در نظر اول، در سایه آرایش‌ها، سیمای آبی‌رنگ تپسکار، رنگبهای سرخ قهرمان خوب را به‌جای بیاورد - کمال فنی سر عروسکها هم‌زاده همین میل و علاقه است. سن و شغل و مقام اجتماعی بازیگران - هنریشان از عروسکها - به‌وسیله جزئیات لباس تا کلاه - به‌وضوح نشان داده می‌شود. نو از نیروی تخیل مدد می‌خواهد و می‌توان گفت که به‌نیروی آن تخیل‌گامی انجام می‌پذیرد. هنگامی که، در نمایشنامه لباس پره هسرایان، جنگل کاج میوه در کنار دریا، زمگاه جنگ خانگی، یا معبدی دور دست را در کوهستان به‌یاد می‌آورند، صحنه تپ می‌ماند. به‌عکس قالبهای تارده هنری، برآند که تومع واقعب به‌بازیاورند. دیوارهای بلند قصرها، درهای سرخ معدها، درهای کشویی و زرین کاخ‌ها، طغیان رنگبهای منظره‌ای پاییزی، صحنه را فرا-

می‌گیرند و رنگبهای بی‌کار می‌زنند که با اینهمه به‌هیچ‌وجه مشابهتی با ناتورالیسم مبتذل آنتوان یا برای ندارد. موسیقی و زبان موزون و مسجع، مبالغه در حرکتها و لالایی‌ها، رقص‌های میان پرده، هنرنمایی و دلاریهای برتر از حدود طبیعت یا برتر از نیروی انسان، و بی‌گمان، و آکادری نقش زنان به مردان و کاربرد عروسک جنبه غرابی به نمایش می‌دهند. شهرنشین چنین می‌پندارد که در نمایشی رئالیست حضور یافته است، برای آنکه حوادث زندگی روزانه خود را می‌بیند که به‌صحنه پرده شده است و به‌وسیله نمایشی هنرمندانه علو و عظمتی به‌آن داده می‌شود. چیکاماسو، بسی بیشتر از آنکه درام بورژوازی در مغرب زمین پدید آید، فرازیدپانی در زمینه سرنوشت انسان ساده می‌نوشت. و روح فاجعه، بیشتر از آنکه از خشونت نظام فئودالیته پدید یاباید، از خشونت احساس‌هایی بشر سرچشمه می‌گرفت، احساس‌هایی که ذره‌ای به سدهای اجتماعی بیوند نداشت و اغلب برای فرد نخواست به باز می‌آورد. اکثر کسبکها از تضاد گیری با نوجو، پدید می‌آیند، دومغومی که به مفاهیم وظیفه و عشق - به‌صورتی که دیالکتیک درام‌های شیلر را تعیین می‌کنند - شباهت دارند. با اینهمه، تضاد این مفهوما، آن مفهوم جامع فلسفی را که در آثار شاعری آلمانی می‌بینیم، ندارد... و مبتنی بر رشته تکالیف و وظایفی است که از وضعی معین می‌گردد. مثلا وظیفه سامورایی وظیفه شناس مستلزم این است که فرزند خویش را برای نجات جان فرزند مخدوم خود، قربانی کند و خم به ابرو نیازد. با اینهمه، این موضوعها باچنان احساس‌بشری برطوطراق بر سر شده است که انتقاد سر بسته و خوددارانه‌ای از نظام آرتز-سایبی که اخلاق کفوسوسوس و قانون شوالیه‌ها به‌گرسب نشانده‌است، در آن میان دیده می‌شود. کلمه گبری مفهومی واحد ندارد. ممکن است به معنی تکالیف انسان در قبال خانواده گروه اجتماعی، فرمانروا باشد یا به مفهومی مجرد، یا تقریباً به مفهومی که در آثار کورنی دیده می‌شود، نزدیک شود، کسی که عنان خویش را به دست احساس و تمایلهای بشری بدهد، یک سره، و چشم باز، به سوی پرترگه می‌نود. میان عشق و مرگ، در این تئاتر، پیوندی بسیار نزدیک هست. یکی از علائم زمان به میان آمدن گبی پول در این بازیها است که به تواتر صورت می‌گیرد و به فاجعه در می‌آمیزد. در واقع، به میان آمدن نظام پولی هجانهایی بسیار سخت اجتماع و اقتصادی به بار آورد و باعث ورشکستگی بسیاری از بازرگانها و دلایله دهقانها شد.

بونراکو و کابوکی، به اتفاق شعر غنائی و کوتاه هایکو، زمان رئالیست رسوم و اخلاق، تصویرهای رنگین، و بیان خاص آن فرهنگ بورژوازی را که در شهرهای بزرگ اوزاکا، ادو، و گیوتو خیمه زده بود، به‌وجود می‌آورند. سبک تازه بر اوضاع این دنیا، دنیایی که حریص جلوه‌ها و رنگبهای دیدنی و دشمن ظرایف هنری بودن استوار شده‌بود. اگرچه موضوعهای مذهبی یا فوق‌الطبیعه آفسانه‌های کین از سر گرفته شد، به‌عقدش از میان رفت. در نمایشنامه یکتی در گذشته - ارواح یکی از نمایشنامه‌های نو است - ارواح سپاهیان تأثیرا برای تعقیب دشمن خونخوار و مستمک خوشان یوشیتسونه که دستخوش

یادداشتهائی از یک سفر

بقیه از صفحه ۱۵
گذاشته است.

تعداد ایرانیان مقیم داکا در حال حاضر بسیار کاهش یافته است. به قول مقامات سفارت ایران هنوز در دانشکده طب دانشگاه داکا هفت ایرانی به تحصیل مشغولند و از خانواده بزرگ ایرانی الاصل «اسپهانی» که سالهای سال در کار تجارت چای و کف بودند امروز تنها اسپهانی پیر باقی است. درباره امکانات بسط مناسبات اقتصادی ایران و بنگلادش با آقای وزین سفیر کبیری ایران صحبت می‌کنم. فکر می‌کند چای بنگلادش برای بازار ایران مناسب باشد، همچنین کاغذ، به شرط اینکه ایران بتواند سرمایه‌گذاری کند و ظرفیت کارخانه‌های موجود را افزایش دهد و مرغوبیت محصول را بهبود بخشد. امکانات کشاورزی بنگلادش را هم

باید فراموش کرد. فراوانی آب و گرمی هوا به کشاورزان بنگالی اجازه می‌دهد دو محصول در سال بردارند. برنج قدبلند، مطلوب ایرانیان را به آسانی می‌توان در کشتزارهای بنگلادش کاشت و به ایران صادر کرد. همه روزه جمعی از جوانان بنگلادش به سفارت ایران مراجعه می‌کند و درباره امکانات کار کردن در ایران پرس‌وجو می‌کنند. خود من به یکی از استادان دانشگاه جیتاگانگ بر-می‌خورم که می‌گوید تقاضا نامه‌ای برای یافتن کار در دانشگاه‌های ایران پر کرده و به سفارت داده است.

مسافری که به بنگلادش وارد می‌شود طبعاً نسبت به وضع سیاسی کشور کنجکاو است. وقوع دوسه کودتای پیاپی طی چند ماه ظاهر آدل بر بی‌ثباتی است و مسافر از خود می‌پرسد آیا آرامشی که بر شهر و کشور حکمفرماست تا پایان مدت اقامت‌آور، تا همین آخر هفته یا ده روز آینده، خواهد

بایده؛ احساس من این بود که ارتش، و مردم نبروند ارتش ژنرال ضیاءالرحمن به خوبی بر اوضاع مسلط‌اند.

درباره سرنوشت شیخ مجیب نیز آدم طبعاً کنجکاو است؛ آیا آخر سر مردمی که او را می‌پرستیدند واقعا از او ناراضی شده بودند؛ کسانی که من در این باره با آنها صحبت کردم عقیده داشتند فساد دستگاه اداری مجیب و بالا رفتن قیمت‌ها برای مردم غیر قابل تحمل شده بود. یک بنگلادشی به من گفت: «اگر همه کمک‌هایی که کشورهای خارج بعد از استقلال به این کشور کردند درست به مصرف رسیده بود امروز بنگلادش وضع دیگری داشت. ولی چه حیف که شاید یکصدم کمک‌ها هم به دست اهلس نرسید.»

با به استقلال رسیدن بنگلادش، موجی از پرستش مظاهر قومی و میهنی کشور را فراگرفته است. زبان بنگالی اکنون به جای

انگلیسی زبان رسمی کشور است و آکادمی بنگلادش وظیفه یافته است به تقویت مبانی آن بپردازد و مخصوصاً به جای واژه‌های مصطلح انگلیسی واژه‌های جدید بنگالی بپردازد، و همین امر بازار بحث و گفتگو را داغ کرده است. آکادمی بنگلادش همچنین وظیفه‌دار ترجمه کتابهای ارزشمند علمی و ادبی به زبان بنگالی است. ناشران محلی کمتر به طبع و نشر کتابهای ترجمه شده رغبت نشان می‌دهند و بیشتر سعی می‌کنند کتابهای تألیفی چاپ کنند. بنگالی‌ها مردمی شعر دوست هستند و بخش قابل ملاحظه‌ای از کتابهایی که در بنگلادش چاپ می‌شود درباره شعر و شاعری است، حتی درباره شعر کشورهای دیگر. شعرای ایران هم در این میان سهمی دارند، از جمله خیام و فردوسی که شاهنامه‌اش اکنون بار دیگر به همت آکادمی بنگلادش به زبان بنگالی ترجمه می‌شود.



نمایشگاهی از کتابهای ادبی یک ناشر بزرگ بنگلادش

نوازنده دوره‌گرد در یکی از خیابانهای داکا



کتابخوانی

بقیه از صفحه ۱۹

برای بچه‌ها دیکته گفت که «مون‌گو» حادثه کوچکی را در خلال آن، با قلمی بسیار خشن و ریک شریح داده‌است. بچه‌ها شبیفته شدند و بازهم از نوشته‌های رمون‌گو خواستند. اما، در یکی از همان شبها، پدري از بچه خود چویا شد: «امروز در کلاس چه کردید؟ بچه دیکته را به پدريش نشان داد. پدري که سخت دلخور شده بود، با عجله به طرف شهرداری به راه افتاد، قضیه به وزارت آموزش و پرورش خبر داده شد و حکم تعلیق معلم آمد. و آن وقت، ما اعتراض کردیم و حکم گرفتیم که این معلم بیچاره به سر کارش برگردد.

● - بچه‌ای که کتاب نمی‌خواند، در مدرسه چه عیب و نقصی پیدا می‌کند؟
● - از حیث لغت فقیر می‌شود. گذشته از ادبیات؛ از تاریخ هم خبر می‌ماند. در تنظیم آندیشه‌هایش گرفتار اشکال می‌شود... در مسأله‌های «نوشتن» هم فرو می‌ماند... بد بودن املا دانش‌آموزان ما جان‌کنند بچه‌های ما برای نوشتن دوسه سطر انشاء، بیشتر از هر چیز دیگر، معلول این است که به خواندن کتاب علاقه‌ای ندارند... وقتی که دوره مدرسه تمام شد، بدبختانه این نقص به‌جا می‌ماند. بسیاری از جوانان ما امروز، به هزار اشکال، می‌توانند مطلبی بنویسند، خواه این مطلب گزارش کار باشد، خواه نامه‌ای ساده برای اظهار تشکر باشد... و اگر اسنادی به‌این بچه‌ها بدهیم و بگوییم که خلاصه‌ای از این اسناد



است، اما این وسیله را باید، پایه‌ای تکنیک... های دیگری به کار برد که برای انسان امکان تفکر، مکتب، و تجزیه و تحلیل فراهم می‌آوردند. در صورتی که اکنون جریان قضایا به نسوی است که گوئی کتابهای درسی در یک سو و تلویزیون و داستان مصور در سوی دیگر قرار گرفته‌اند. خود من، روزی این حرف را به دخترانم زدم: «اگر مشق-هاشان را تمام کنید، فردا شب اجازه می‌دهم اوزنی گرانده را در تلویزیون ببینید.» باید بگویم که من یک کلام، فرهنگ کتابهای درسی ایشان را با فرهنگ تلویزیون مخالف می‌دانستم، در صورتی که این برنامه «اوزنی گرانده» فرصتی برای مقایسه این دو فرهنگ با هم - به تعمق در این دو نوع فرهنگ، و وحدت فراهم آوردن درمیان این دو فرهنگ به ایشان می‌داد.

● - اگر به جای آنکه تلویزیون و کتاب خواندن را رویه‌روی یکدیگر قرار بدهیم و بچه را تهدید کنیم که در صورتی که کتاب نخواند از تلویزیون محروم می‌گردد، از تلویزیون برای تحریض بچه‌ها به کتاب خواندن استفاده کنیم، بهتر نخواهد بود؟

● - مسلم است. این تجربه کوچک را که من در خانواده خود آندوخته‌ام، برایشان می‌گویم. در تلویزیون فیلمی بر سر می‌آید «بینوایان» ویکتور هوگو دیده بودیم که بچه‌ها را شبیفته خود کرده بود. پس از پخش این فیلم، خود را مجاز دیدم که به بچه‌ها بگویم که همان ویکتور هوگو را بخوانند. عکس‌العملی که این اندرز به‌بار آورد، چندان آغشته به شور و اشتیاق نبود: «وقتی که داستان را می‌دانیم خواندن این کتاب به چه درد می‌خورد؟ این حجت که آورده شده بود، دو سه روزی گریخت کرد. بعد، دوباره سر صحبت را باز کردم: «اگر هنوز فیلم را به خاطر دارید بگویید ببینم کدام صحنه بیشتر از صحنه‌های دیگر در روح شما تأثیر کرده؟» آن وقت، صحنه‌ای به‌اتفاق آراء برگزیده شد: «همان صحنه‌ای که راهب «بین‌دو» - راهبی که زان والزان کارد و چنگال و ظروف نفره‌اش را زدوده است - به ژاندارم می‌گوید که صحبت زدنی در میان نیست... و از این گذشته، شمع‌دانهای نفره‌اش را هم به زان والزان می‌دهد.»

آن وقت، در کتاب بینوایان به‌سراغ این صحنه رفته و برایشان خواندم. درس‌گویی که لحظه به لحظه به قاطری بیشتر درمی-آمیخت، گوش دادند. بعد، راجع به تفاوتی که در میان زمان و فیلم تلویزیونی هست، راجع به اینکه تصویرها هم زبانی به وجود می‌آورند که باید راه خواندنش را یاد گرفت، راجع به اینکه کتاب می‌تواند حرفهایی بیشتر از تصویر بزند یا حرفهایی جز حرفهای تصویر داشته باشد، راجع به حضور قهرمانها که به نیروی رنگت-آمیزی‌های غیر محسوس زنده می‌شوند، راجع به لطف و حلاوت زبان - به گفتگو نشنیدن. فردای آن روز دیدم که بچه‌هایم در دو جلد قطور بینوایان مستغرق هستند.

● - مگر مدرسه نباید محل ممتاز این گونه مقابله‌ها در میان رسانه‌های گوناگون باشد؟

● - برخی از معلم‌ها و مربیان این نکته را دریافته‌اند اما سنگینی برنامه‌ها و عادت‌ها به اندازه‌ای است که نمی‌گذارند کار از پیش برود! بدبیبی است که باید برنامه‌هایی برای پخش از تلویزیون آماده شود که در سایه‌تشان بتوان گفتگوهای ترتیب داد، به کارهای پژوهشی پرداخت و کتابهایی خواند. از سوی دیگر، می‌توان، از این پس، در مدرسه‌ها، در سایه اسباب و لوازم تازه آموزشی، به بچه فرصت داد که به دست خود برنامه رادیویی یا فیلم تهیه کند. و در چنین صورتی، چرا نباید کتابی به دست او سپرد تا به صورت نمایشنامه رادیویی یا سناریو فیلم درآورد، و خود نقش کارگردان را بازی کند و از راه کار کردن در زمینه «دکوپاژ» و «دیالوگ» به غنا و

صبح روز عزیمت، سیاره‌اش را بسیار رو به راه کرد و آتشفشانهای روشن آنرا مثل کارگری که لوله‌های بخاری را پاک می‌کند، با دقت پاک کرد. دو آتشفشان روشن داشت و به‌این ترتیب، برای گرم کردن ناشنای‌اش هیچ دردمری نداشت. (شازده کوچولو - به قلم: آنتوان دو سنت اگزوپری)

را به‌روی کاغذ پیاروند، سخت به‌زحمت می-افتند و کمتر دانش‌آموزی می‌تواند پیدا کنیم که در میان توده کتابها، در میان این ابزارهایی که راه کاربردها را یاد نکرده است، به‌سبب نتواند آن کتابی را بیابد که درست‌جوابهای مسأله‌ای را که مایه‌ی دردمس و آوارگی‌اش شده است، دربرداشته باشد.

● - در رفتاری که بچه در مقابل کتاب دارد، خانواده چه نقشی بازی می‌کند؟
● - بچه‌ها به‌شنیدن حرفهایی که پدر و مادر می‌زنند تمایلی ندارند... اما میل دارند کارهایی را که پدر و مادرشان می-کنند، انجام بدهند. و مسأله اساسی - آن پدرها و مادرهایی که از بی‌تایم‌تایم بچه‌های خودشان از خواندن کتاب، نگران هستند - عبارت از این مسأله است:

«مگر من خودم کتاب می‌خوانم؟ همه تحقیق‌هایی که در کلاسهای دبیرستانها و در میان توده مردم صورت گرفته است رقم‌های ثابتی را نشان می‌دهد: از هر سه نفر، یک نفر کتابخوان است. طبق آماره که سندیکای ملی ناشرین فراهم آورده است ۵۸ درصد فرانسویها هرگز کتاب نمی‌خوانند... و در سمت دیگر اقیانوس اطلس، اتحادیه کتابداران ایالات متحده اعلام می‌دارد که از هر سه نفر آمریکایی عملاً یک نفر بی‌سواد است. و همین نکته‌ها باعث می‌شود بگویم که ما، پس از آنکه فرهنگ شفاهی را از کف دادیم، در شرف آن هستیم که فرهنگ کتبی را هم از کف بدهیم... و این همان پدیده‌ای است که، به‌قول برخی از مردم، کهنه و «از رونق افتاده» می-پنداریم، در صورتی که پدیده‌ای تازه است. از چه زمانی اکثریت مردم خواندن و نوشتن می‌دانند و قوانین بزرگ «ژول فری» یادگار چه زمانی است؟ یادگار سال ۱۸۸۵ است. اما این مطلب که در فرانسه امروز از هر سه نفر دو نفر کتاب نمی‌خوانند ما را به ارقامی عودت می‌دهد که به سال ۱۹۴۰ تعلق دارد. و به همین سبب است که می-گویم که اجتماعهای «پیشرفته» ما، در راه «عدم رشد» فرهنگ هستند.

● - چنانکه می‌دانید وسایلی دیگری چون رادیو و سینما و تلویزیون پیدا شده است، مگر این فرهنگ سمعی و بصری نمی‌تواند جانشین فرهنگ کتبی شود؟
● - این روشی کنونی که «کتاب خواندن» و «رسانه‌های گروهی» را در برابر همدیگر قرار می‌دهد و رقابتی در این میان به وجود می‌آورد، به نظر من بی‌معنی و خطرناک است. من، به‌عکس، عقیده دارم که شکلها و قالبهای گوناگون فرهنگی باید با هم دیگر همکاری داشته باشند. تصویر وسیله اعجاز‌آمیزی برای تشریح و اشاعه

● آری، مطالعه کلید کامیابی است





کتاب برای بچه چه ارمغانی می‌آورد؟ در جواب این سؤال باید گفت که کتاب اساساً سه منبع غنابخش در دسترس بچه می‌گذارد.

بچه در سایه اطلاعاتی که به دست می‌آورد، به تفکر فردی قادر می‌شود و در نتیجه، روح انتقادی و قدرت خلاق بچه رشد و تکامل می‌یابد.

مطالعه «تعمق در خویش» را برای بچه آسانتر می‌کند و بچه در سایه مطالعه می‌تواند به‌عقب برگردد و به‌جلو برود و در سایه این رفتارها مرد شود.

بچه در آنتانی که، با آن آهنگ خود، در میان آندیشه‌ها، وضعیت، عالمنا و معنی‌ها و رمزها و کنایه‌های کتاب درگوش است، برای بی‌پردن به نیروی خود کارآموز می‌کند. بچه، در سایه مطالعه، از لذت «همانند دیگری شدن» آگاه می‌شود، در پوست دیگران می‌رود، زبان دیگران را کشف می-کند، به‌مشغله‌های خاطر دیگران پی می‌برد و در سایه دیگران و به‌اتفاق دیگران، وضع-های دیگری می‌بیند، با دنیا تعلق پیدا می-کند و این تعلق سریع به‌مقتضیات اجتماع، فای‌مخبر که احتیاج توجه می‌کند.



باربا یا باها با حیوانات دیگر تفاوت دارند، برای اینکه می‌تواند تغییر شکل بدهند. (از کتاب خانه باربا یا باها - به قلم: آنت نیزون و تالوس تیلی)

طین‌های کتاب پی برد. آن وقت، شاید کتاب بتواند وارد زندگی بچه شود.

● - آیا تکنیک‌هایی هست که عیور از مرحله داستان مصور را به مرحله کتاب آسانتر کنند؟



آب زیبا در دوشان را، در جریان شط بزرگ، تا جزیرهٔ افسونگرانه‌ای که بچه‌ها و اسبها همیشه در آن جا با هم دوست هستند، با خود می‌برد. (از کتاب یال سفید - به قلم: رنه گیو)

ناگزیر نیستند به‌وضع خودشان برسند؟

●● - توجه داشته باشید. این رسیدگی به‌وضع پدر و مادر به‌این معنی نیست که گناه به‌گردن ایشان باشد... اگر پدر و مادر هرگز کتاب نمی‌خوانند، گناهرا به‌گردن آنهاست زندگی و کارشان باید دانست... از این گذشته، عدهٔ بیشماری سوداگر، خستگی مردم را وسیلهٔ سوداگری و سفته‌بازی خودشان قرار می‌دهند و چیزهای بی‌معنایی را به‌نام «خوشی و تفریح» و «استفاده از ساعت‌های فراغت» به‌خود این مردم می‌دهند.

اما اگر پدر و مادر وقت ندارند برای خودشان کتاب بخوانند، باید رفتارشان را در قبال کتاب، از نو بررسی کنند... یعنی باید بدانند که فراهم آوردن لذت مطالعه و لذت کتاب برای بچه‌ها به‌عهدهٔ ایشان است، زیرا که کمیت مدرسه در این زمینه نلنگ است. این کار را از چه راهی باید انجام داد؟ جواب بسیار آسان است. پدر و مادر، باید هوش، نسیاست، به‌صدای بلند، برای این بچه‌ها بخوانند... و آن کتابی را بخوانند که به هزار دلیل می‌دانند که بچه را به‌سروشق می‌آورد. آن وقت، یگانه‌خار راهی را که باید از آن برهیز داشت، لغت است. آن روزها که پدری جوان و سرشار از حس‌نیت بود اما مثل همهٔ پدرها که اغلب خواب‌ناپیخته‌اند، تجربه‌ای نیندوخته بودم، با خود گفتم که داستان‌های حیوانات می‌تواند علاقه‌ای در دل بچه‌هایم به‌وجود بیاورد. پس، «داستان روباه» را برگزیدم و شروع به‌خواندنش کردم.

همینکه چندان سطری از اول داستان خواندم، دیدم که قیافهٔ کوچکترین دخترم را ناگهانی و نامرادی فراگرفت، برای اینکه کلمه‌هایی بود که دستگیرش نمی‌شد. آن وقت چنان آه بردم که همهٔ آن بچه‌ها داستان را می‌خوانم. اما در واقع، داستان را نقل کردم و هر بار که کلمه‌ای به‌کار بردم یا جمله‌ای به‌کار بردم که زیاد دشوار بود، این اشکال و دشواری را در چشم‌های دخترم دیدم و لغت دیگری پیدا کردم. بسیاری از کتاب‌های کودکان هرگز از طرف کودکان خوانده نمی‌شوند، برای اینکه کلمه‌ها و اصطلاح‌هایی به‌میان می‌آوردند که با آن بی‌بجیدگی‌شان از حدود فهم بچه فراتر می‌روند و به‌مفهوم دقیق کلمه، ناخوانا می‌شوند. کلمه‌ها و اصطلاح‌های تازه را زمانی می‌توان یادگرفت که نسبتی درمیان

بیر شاه و ملکه سلسلت توی بالون زیبا و زردشان به سوی ماجراهای تازه به پرواز درمی‌آیند. (از کتاب «تاج‌گذاری باب» به قلم: ژان دو توتوف)

●● - بچه برای این «داستان‌مصور» می‌خواند، که داستان مصور با توازن فکری و عاطفی او، با میزان دانش او و میزان فهم و درک او، بیشتر سازش دارد. و اگر چنین باشد، معقول و مفید نیست که تصور کنیم سرنوشت‌ها یا دلیل‌ها و صحبت‌های مطلقاً بی‌معنی، بتواند او را وادارند که از آنچه‌مایهٔ خود می‌داند، به‌نفع آن چیزی که اهمیت حسن و لذت‌ش را خوب تشخیص نمی‌دهد صرف‌نظر کند. یگانه‌تدبیری که واقعاً برسد می‌تواند باشد، عبارت از این است که ذهن بچه را روشن کنیم و به او نشان بدهیم که کتاب می‌تواند همان لذت را فراهم بیاورد و حتی لذتی هم می‌تواند فراهم بیاورد که برتر از لذت داستان مصور باشد.

●● - مگر برای پیروزی در این راه، پدران و مادرائی که هرگز کتاب نمی‌خوانند،

دارتانیان سه‌بار با روشفور به‌جنگ پرداخت و سه بار او را زخمی کرد و چون دست او را گرفت و از زمین بلندش کرد چنین گفت: - شاید دفعهٔ چهارم بکشم. (از کتاب سه تفنگدار - به‌قلم: الکساندر دوما)



ان وقت تندتند گفتم: من همان جوان هستم و به اسب سفید دارم و شما را هزن هستید... ولی آخر سر بر دبا منه... (از کتاب نیکلا کوچولو - به‌قلم: سمیه گوستنی)



●● - بچه‌های بی‌شماری را در نظر بگیریم که کتاب نمی‌خوانند و نمی‌خواهند چیزی جز «داستان مصور» بخوانند. در قبال این‌گونه بچه‌ها چه روشی باید در پیش گرفت؟

●● - بچه برای این «داستان‌مصور» می‌خواند، که داستان مصور با توازن فکری و عاطفی او، با میزان دانش او و میزان فهم و درک او، بیشتر سازش دارد. و اگر چنین باشد، معقول و مفید نیست که تصور کنیم سرنوشت‌ها یا دلیل‌ها و صحبت‌های مطلقاً بی‌معنی، بتواند او را وادارند که از آنچه‌مایهٔ خود می‌داند، به‌نفع آن چیزی که اهمیت حسن و لذت‌ش را خوب تشخیص نمی‌دهد صرف‌نظر کند. یگانه‌تدبیری که واقعاً برسد می‌تواند باشد، عبارت از این است که ذهن بچه را روشن کنیم و به او نشان بدهیم که کتاب می‌تواند همان لذت را فراهم بیاورد و حتی لذتی هم می‌تواند فراهم بیاورد که برتر از لذت داستان مصور باشد.

●● - مگر برای پیروزی در این راه، پدران و مادرائی که هرگز کتاب نمی‌خوانند،

بیر شاه و ملکه سلسلت توی بالون زیبا و زردشان به سوی ماجراهای تازه به پرواز درمی‌آیند. (از کتاب «تاج‌گذاری باب» به قلم: ژان دو توتوف)

مطالعه، به‌نسبت علاقه‌ای که به‌گام‌های وضع دنیا دارند و به‌نسبت احتیاجی که به پیدا کردن جای خودشان در دنیا دارند، چنان در نظر گرفته شود. در جریان برنامه‌ای که در دادگاه داشتم، ماداران بسیاری به‌تلفن زنده و گفتند که بچه ما کتاب نمی‌خواند... و همهٔ کار من این‌شده بود که ببینم بچه‌ها چقدر به‌چیزهایی علاقه دارند. «آری، دوچرخه‌سواری می‌کنند - خوب، به‌این کار علاقه دارند، شاید، آن وقت، به‌مسابقه دور فرانسه علاقه پیدا کنند؟ - البته! - به او گفته‌اید که «بویه» کتاب شروتانگیز است؟ بازهٔ مسابقه‌های دوچرخه‌سواری نوشته است؟... نه... برایش می‌خرم. - مبادا شاید این کار را بکنید، خانم... باید از این کتاب برایش حرف بزیند و چندان علاقه در دلش به‌بیار بیاورد که خودش به‌سراغ آن برود... در خانه خود حقهٔ بسیار ساده‌ای پیدا کرده‌بودم: کاری می‌کردم که بچه‌ها کتاب‌های را کش برونند. اگر به‌بچه بگویید: «تو باید این کتاب را بخوانی، مطمئناً دریم که شیشه‌اش می‌شوی» ده‌ها احتمال هست که لای آن را او استافاز بکنند و مثلا سرزمین شدا به او بگوید که «این کتاب را خواندم و از کوره در رفتم... هیچ توافقی با نویسنده‌اش ندارم» بچه، همینکه پشت به‌او کردید، به‌سراغ این کتاب می‌رود و دلش می‌خواهد برسر آن با شما بحث کند. من، به‌این ترتیب، کاری کردم که بچه‌های آن کتاب‌هایی را که مطلقاً می‌خواستم بخوانند، از من کش برونند. وقتی که بچه بی‌بردر که در سایهٔ مطالعه مراد حاصل است.

●● - بچه‌های بی‌شماری را در نظر بگیریم که کتاب نمی‌خوانند و نمی‌خواهند چیزی جز «داستان مصور» بخوانند. در قبال این‌گونه بچه‌ها چه روشی باید در پیش گرفت؟

●● - بچه برای این «داستان‌مصور» می‌خواند، که داستان مصور با توازن فکری و عاطفی او، با میزان دانش او و میزان فهم و درک او، بیشتر سازش دارد. و اگر چنین باشد، معقول و مفید نیست که تصور کنیم سرنوشت‌ها یا دلیل‌ها و صحبت‌های مطلقاً بی‌معنی، بتواند او را وادارند که از آنچه‌مایهٔ خود می‌داند، به‌نفع آن چیزی که اهمیت حسن و لذت‌ش را خوب تشخیص نمی‌دهد صرف‌نظر کند. یگانه‌تدبیری که واقعاً برسد می‌تواند باشد، عبارت از این است که ذهن بچه را روشن کنیم و به او نشان بدهیم که کتاب می‌تواند همان لذت را فراهم بیاورد و حتی لذتی هم می‌تواند فراهم بیاورد که برتر از لذت داستان مصور باشد.

●● - مگر برای پیروزی در این راه، پدران و مادرائی که هرگز کتاب نمی‌خوانند،

بیر شاه و ملکه سلسلت توی بالون زیبا و زردشان به سوی ماجراهای تازه به پرواز درمی‌آیند. (از کتاب «تاج‌گذاری باب» به قلم: ژان دو توتوف)



معرفی موسیقی باله اپرا

کنسرت ارکستر مجلسی رادیو تلویزیون ملی ایران

ارکستر مجلسی رادیو تلویزیون ملی ایران در تازه ترین کنسرت خود که در تاتر شهر اجرا شده، میزبان یک رهبر میهمان از ژاپن بود. کان کوتو رهبری که در این برنامه با او آشنا شدیم بسیار جوانست، او در توکیو متولد شد و در محیطی آشنا و علاقمند به موسیقی رشد یافت. کوتو زمانی برای نخستین بار پیانو نواخت که پیش از هفت سال نداشت، در دوازده سالگی با سازهای بادی آشنا شد و در پانزده سالگی به نواختن کلارینت پرداخت. در هفده سالگی به نخستین تجربه در زمینه رهبری ارکستر دست زد و در سال ۱۹۶۹ تحصیل این رشته را به پایان رساند. کوتو سپس یکسال در پاریس با پیر دروو کار کرد و مدرسه‌ی موسیقی پاریس را نیز به پایان رساند. کوتو در سال ۱۹۷۲ رهبری ارکستر جهانی ژوسس موزیکال یا جوانان دوستدار موسیقی پاریس را برعهده گرفت و پس از این ارکستر در قستوالو ماده پاریس شرکت کرد. این هنرمند برای فصل هنری آینده برنامه‌های زیادی دارد که سفر به ایرلند، واپس، چکسلواکی و کانادا برای رهبری ارکستر از مهم‌ترین آن‌هاست.

در برنامه‌های ارکستر مجلسی به رهبری کوتو: «دیورتیمنتو در رماژور، ۱۳۶۴»، اثر موتسارت، «کاپریچو برای ایوا و ساز-های زهی»، اثر پندرسکی، «ایدیلیا برای ارکستر زهی»، اثر یانچاک و «کسرتو برای ایوا و سازهای زهی-پوس»، شماره ۷ در رماژور، اثر آلبینونی به اجرا درآمد. دیورتیمنتوی موتسارت یکی از دیورتیمنتوهای است که موتسارت به سفارش نوشت. او مجموعاً ۳۱ اثر از این دست نوشت که به سفارش ترومپندان بود. این آثار برای گروه‌های

مختلف سازهای زهی و بادی تصنیف شده بود. از دیورتیمنتو یا قطعه‌ای برای سرگرمی معمولاً در محافل و اجتماعات اشرافی استفاده می‌شد. دیورتیمنتوی که بوسیله‌ی ارکستر مجلسی اجرا شد در اصل یک سنفونی است که به شیوه‌ی ایتالیایی نوشته شده بود و موتسارت آن را برای کسرتی در ایتالیا تصنیف کرده این اثر در سال ۱۷۷۲ اجرا شد و بعدها آن را دیورتیمنتو نامیدند.

کاپریچو برای ایوا اثر پندرسکی پندرسکی آهنگساز بزرگ معاصر، اثر دیگری است که در این برنامه اجرا شد. پندرسکی این اثر را برای ایوا و یازده ساز زهی تصنیف کرده است. پندرسکی، آهنگساز پروازهای که در جشن هنر اسماول او را دیدیم، این اثر را نیز مانند دیگر ساخته‌هایش با دقت و وسواس زیاد نوشت. او مدت‌ها با هانس هولنگر نوازنده‌ی ایوا کار کرد و این دو مطالعات زیادی روی امکانات ساز ایوا کردند و حاصل کوشش‌هایشان را به شکل این قطعه به قضاوت گذاشتند. در این قطعه سازهای زهی نیز به شکلی نو مورد استفاده قرار می‌گیرند.

از یانچاک آهنگساز دیگر معاصر در این برنامه «ایدیلیا» اجرا شد. آهنگساز نوشتن این اثر را در تابستان سال ۱۸۷۸ در آلمان آغاز کرد و در پراگ آن را به پایان رساند. دومین اجرای ایدیلیا را خود یانچاک رهبری کرد، این اجرا توفیق بسیاری یافت. ایدیلیا حالات روحی یک آهنگساز را تصویر می‌کند. در این قطعه تأثیر موسیقی محلی چکسلواکی را به روشنی می‌توان دید. کسرتو برای ایوا اثر آلبینونی یکی از چهار کسرتوفی است که این آهنگساز برای ایوا تصنیف کرده است. آلبینونی آثار مختلفی نوشته است که چهل و پنج اپرا نیز در میان آن‌ها قرار دارد. این هنرمند نوازنده‌ی ویولن نیز بود ولی شهرت او بیشتر به عنوان آهنگساز است.

تکنواز ایوا در این کنسرت ارکستر مجلسی پرفاست بود. این هنرمند در سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۵ در مدرسه موسیقی «ساربروکن» در آلمان تحصیل کرد و سپس در شهر اسن به کار پرداخت. او دوره‌ی عالی موسیقی، تاتر و رقص را نیز به پایان رساند و مدت هشت سال به عنوان تکنواز ایوا در ارکستر اسن کار کرد.



گروه آرانیتیکای پاریس

دیگر این گروه سازی است بسیار قدیمی. ریکورد ساز دیگر گروه، سازی است که در اندازه‌های مختلف اما همیشه با جوب ساخته می‌شود. این سازدهانه‌ای منقار مانند دارد و صدایی ظریف ایجاد می‌کند. کرام هورن، سازی است با ایوا ولی با صدایی گرفته‌تر و غمناک‌تر از این ساز، موزت نیز سازی است قدیمی که شبیه سازهای اسکاتلندی است و در فرانسه مورد استفاده‌ی بسیاری داشته است. بدنه‌ی این ساز از دو ایوا یارنک، یک ایوا کوتاه و یک کسه باد تشکیل می‌شود. لوت، ساز دیگر گروه آرانیتیکای سازی است با تعدادی سیم. این تعداد معمولاً همیشه متغیر بوده است. ویولنلا، ساز دیگر گروه، نیز قدیمی است. این ساز چیزیست شبیه به گیتار که در اسپانیا بسیار محبوب بوده است.

گروه آرانیتیکا در کنسرت اول یعنی کنسرت آموزشی این آثار را به اجرا در می‌آوردند:

رقص‌هایی از قرون وسطی، عصر طلایی

گروه آرانیتیکای پاریس در روزهای ۴ و ۵ بهمن دو کنسرت در دانشکده‌ی هنر-های زیبا اجرا می‌کنند که اولی کنسرتی است آموزشی.

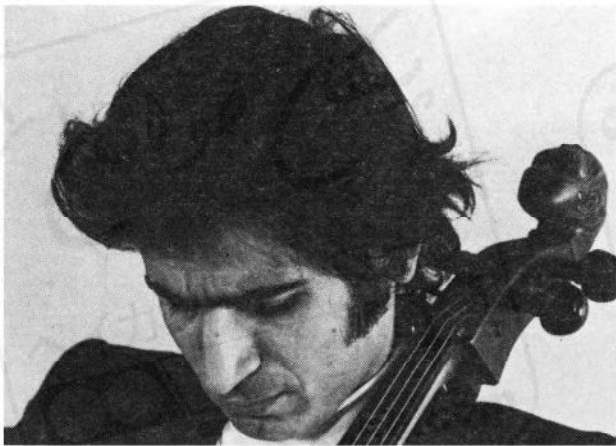
گروه آرانیتیکا از ۵ نوازنده تشکیل شده است، ژوزف ساز نوازنده کنترتور، ژان پاتریس پریس نوازنده ارگ قابل حمل و کلاوسن، مارچلو آرویتزونه نوازنده ویولن داگامیا و ویل، میشل سانواژن نوازنده ایوا و کرام هورن و ریکورد، و کلبوسون نوازنده لوت، و ویولنلا. ارگ قابل حمل سازی است کوچک که روی زانوی نوازنده جای می‌گیرد و با دست نواخته می‌شود، نوازنده با دست راست بر سازه‌ی نوازند و با دست چپ کیسه‌ی بادی کوچکی را به حرکت در می‌آورد. ارگ کوچکی را به حرکت در می‌آورد. ویولن - کوچک صدایی نسبتاً خشن دارد. ویولن - داگامیا، ساز دیگری که در کار گروه آرانیتیکا به کار می‌رود سازی است با صداهای متفاوت. صداهای بسته به چگونگی به حرکت در آوردن آرشه تغییر می‌کند. ویل، ساز

رستیتال ویولنسل و پیانو

مهرداد شیروانی که اینک یکی از نوازندگان جوان و موفق است، در خانواده‌ای متولد شد که اهل موسیقی و هنرپرور بودند. او در محیطی پرورش یافت که موسیقی جزئی از آن بود و به‌این ترتیب از کودکی به موسیقی علاقمند شد و آغاز تحصیلات او در زمینه‌ی موسیقی در کانادا بود. در سال ۱۹۶۴ مهرداد شیروانی به آکادمی سانتا چچیلا ری وارد شد. در این آکادمی او توانست زیر نظر

مهرداد شیروانی نوازنده‌ی ویولنسل همراه با لوست مارتروسیان نوازنده‌ی پیانو در روز ۵ بهمن رستیتالی در تالار رودکی اجرا می‌کنند. در این برنامه این آثار را می-شنویم:

سونات در سل مینور اثر مارچلو، سونات اپوس ۵ شماره ۲ در سل مینور اثر بچوون، و سونات اپوس ۲۸ در می مینور اثر برامس.



کان کوتو

نخهائی که استادانه می جنبند

تا تر عروسکی یوکی در تهران



گروه آرانیکا

موسیقی اسپانیایی، موسیقی دوره الیزابت، آهنگها و رقصهای درباری قرن هفدهم. در کنسرت دوم این قطعات را خواهیم شنید: موسیقی فرون وسطی، موسیقی دربار برناردی، موسیقی فلورانس و موسیقی فرانسوی قرن هفدهم.

گروه آرانیکا از پنج جوان فرانسوی تشکیل شده است. چهار نفر از اعضا ساز میزنند و یکی میخواند، این گروه فقط آثاری را اجرا می کنند که بیش از قرن هجدهم تصنیف شده است. برای نواختن آثار قدیمی طبعاً سازهای قدیمی نیز باید بکار آید. سازهای این گروه معمولاً قدیمی است و به همان شکل اصل مورد استفاده قرار می گیرد. کار گروه آرانیکا، به سبب نازکی و ویژه بودنش، معمولاً بسیار مورد توجه قرار می گیرد. این گروه همه ساله در جشنواره های مختلف شرکت می کنند. اعضای گروه آرانیکا هر یک به طور جداگانه نیز در زمینه موسیقی فعالیت هایی دارند.

چند استاد و تکنواز مشهور تعلیم ببیند. از این جمله اند: آنتونیوسال داری، جوزپه سلمی و انزو آلتولهلی.

شروانی پس از یازده سال تحصیلات خود در رشته ویولن و پوئلس به پایان رساند. در مدت اقامتش در اروپا، شروانی تجربه های بسیاری با گروه های مختلف داشت و در کنسرت های متعددی به عنوان سولیست یا نوازنده گروه های مجلسی شرکت کرد. میرداد شروانی با گروه های مختلف از جمله «کوآرتت کورلی» در جشنواره جهانی «تارواین پیاتزا» و گروه نوازندگان جهانی موسیقی مجلسی همکاری داشته است.



لوتس هارتنبروسیان



Tsuru Onna
The fished-up Woman

نمایش منظوم نیز یکی از شاخه های کار سسای یوکی بود. به خاطر نمایش منظوم «ماهیلانی بهشتی» که در سال ۱۹۶۸ اجرا شد، سخت ستایش شد این نمایش مدت زیادی روی صحنه ماند و گروه بسیاری از آن دیدن کردند. یکسال بعد سسای یوکی در نمایش «گوریل، گوریل» در کاتر «جی یوکیجو» شرکت کرد و سپس با «گروه ناشناس» چند برنامه اجرا کرد. در همین زمان توانست با کمک دولت ژاپن کارگاه تازه ای بسازد و «انجمن احیای آثار کلاسیک» را بنیان نهد.

سسای یوکی در سال ۱۹۷۱ در فتیوال نانسی شرکت کرد و نمایش «گوریل، گوریل» را دیگر بار به اجرا درآورد. یکسال بعد، پس از اجرای برنامه های درباری، نام «یوکی ماگوسایوروی یازدهم» را به پسر ارشدش بخشید و خود نام سسای یوکی اول را اختیار کرد.

ماگوسایوروی یوکی یازدهم، با پسر ارشد سسای یوکی، نیز مانند پدرش از کودکی زیر تعلیم و انضباط دقیق تاتر عروسکی قرار گرفت. پیش از ۵ سال نداشت که در اولین نمایش عروسکی شرکت کرد و از آن پس به طور مرتب در کنار پدرش در نمایش های غومی حضور پیدا کرد. امروز، این هنرمند، دست راست پدر و یکی از عروسک بازهای بااهمیت گروه یوکی است. او نیز با پدر و گروه یوکی به تهران آمده است.

حضور این هنرمند در تاتر عروسکی یوکی، گام تازه ای بود به روی نوسازی و تجربه های تازه. ماگوسایوروی یوکی یازدهم، چون هر جوان دیگری، خواست گامی جلوتر از پدرش بردارد. هر چند که پدر نیز در زمانه ای خود به نوجویی و تازه طلبی مشهور بود. او که معاون پدرش سسای یوکی بود، در کنار اجرای آثار سنتی، نیز در کنار آثار جدیدی که بوسیله پدرش به اجرا درمی آمد، برای پیشبرد هنر نمایش عروسکی گامی

و خلاقانه تنها یادآور گذشته های خوش نباشد، هدف او بوجود آوردن نوعی تاتر زنده و پرشور عروسکی بود که خون زمانه را در رنگ داشته باشد. با این هدف، کار حرفه ای خود را شروع کرد و نمایش های درخشان سنل مختلف به اجرا درآورد. در سال ۱۹۶۷، پیش از مرگ پدرش، به خواست او وارث نام «ماگوسایوروی یوکی دهم» و درسی آن مدیر تاتر عروسکی یوکی شد.

در سال های بعد، توانست با کوشش ها و زحمات بسیار، این شاخه از هنر سنتی ژاپن را گسترش بیشتری دهد و سرانجام به عضویت افتخاری تاتر عروسکی آمریکا برگزیده شود. سه سال بعد به او لقب «سرماهای فرهنگی توکیو» داده شد.

سسای یوکی در سال ۱۹۵۷ زندگی سن ریستورفر اثر «آکوتاگاوا ریونوسوکه» را به روی صحنه آورد و جایزهای «باین سب» دریافت کرد. کارهای او دقیقاً دو زمینه ای مختلف داشت، از سونی سسای یوکی کوشش داشت آثار کلاسیک را بازسازی کند، او می خواست هنر کلاسیک نمایش عروسکی را به صورت اصل و درست زنده نگاهدارد. از سوی دیگر، در کنار این کار، آثار تازه ای به اجرا درمی آورد که چیزی بود سواى آنچه پدر و اجانش، به مردم می دادند. در این راه او همه چیز را به کار می گرفت. ادبیات، نخستین دست مایه ای او بود، بویژه ادبیات کلاسیک و ادبیات جدید ژاپن. موسیقی بخش دیگری بود از دست مایه های او. کار او تلفیقی بود میان شعر و ادبیات و موسیقی، با یکبارگی ترکیب های تاتر صحنه ای و تاتر عروسکی. در همین زمان امکانات تلویزیون نیز به یاری او آمد. تلویزیون «تی بی اس» تسببات لازم را فراهم کرد تا او بتواند نمایشی برای تلویزیون کارگردانی کند. این اثر «بنه ای برای گوش های تیز» نام داشت و یک اپرای عروسکی بود. این اثر، شهرتی جهانی برای سازنده اش به دنبال داشت و نام سسای یوکی را در خارج از ژاپن نیز مطرح کرد.

گروه تاتر عروسکی یوکی، گوشه هایی از هنر سنتی و زیبای عروسک بازی ژاپن را در تالار رودکی به نمایش گذاشتند.

گروه یوکی دوازده عروسک باز دارد که بیشتر آن ها اعضای یک خانواده اند. در واقع پدر خانواده رهبری می کند و دو پسرش همراه با دیگر عروسک بازها، خواسته های او را اجرا می کنند.

سسای یوکی اول، مهربی اصلی، هدایت کننده و در حقیقت مغز متفکر گروه است. هر چند که خود به عنوان عروسک باز نیز در برنامه ها شرکت دارد. او تنها فرزند ماگوسایوروی یوکی نهم، استاد مشهور عروسک های نخی است و چون او زندگی را وقف این هنر کرده است. ماگوسایوروی یوکی نهم، یکی از مشهورترین عروسک بازهای ژاپنی و نماینده هنر نمایشی کلاسیک دوره ای «ادو» است. او، فرزندش سسای یوکی را از کودکی زیر تعلیم گرفت و آنچه از هنر عروسک بازی می دانست، در اختیار او گذاشت. با کوشش های این دو، نیز دیگر اعضای خانواده یوکی است که این شاخه از هنر اصیل و غنی ژاپن راه خود را طی سال های بسیار پیوده و تا امروز تداوم یافته است.

بعد از چند سال آموزش، در سال ۱۹۱۵ سسای یوکی برای نخستین بار آزمایش دقیق به کارگیری عروسک ها را در روی صحنه با موفقیت پشت سر گذاشت. این، آغازی شد برای راهی که در پیش گرفته بود، راه رام کردن عروسک ها. او می خواست ضمن حفظ سنتها، ضمن وفادار بودن به اصولی که از پدرش آموخته بود، بازبانی تازه با عروسک ها حرف بزند. به اعتماد او، این هنر قدیمی و ریشه دار به تحرکی تازه نیاز داشت. به روح تازه ای که آن را از شکل کهنه اش درآورد. سسای یوکی، که در این زمان با نام هنری «ایسی یوکی» کار می کرد، می خواست هنر نمایش عروسکی را به شکلی پیش برد که در سال های بعد نیز به مردم و زمانه نزدیک بماند و چون هنری موزهای



Toshishun

ایران به راه صنعتی شدن

صنعت برق

بقیه از صفحه ۹

بین نیروگاههای بزرگ نکا و نیروگاه سد محمدضیا شاه کبیر را برقرار میکند. خط انتقال ۴۴۰ کیلوولتی منجیل، رشت، تبریز، خرمآباد، کنگاور، نقات مصرف غرب کشور و خط انتقال جنوب بندرعباس، سیرجان، سرچشمه و انتقال تهران - شاهرود و گرگان نواحی شمالی کشور را به شبکه سراسری ارتباط میدهد.

مقدار نیروی الکتریکی که تا سال ۱۳۵۶ از طریق اسفاده از سوخت ذغال سنگ، نفت و گاز طبیعی بدست خواهد آمد حدود ۴۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون کیلووات ساعت برآورد شده است. و این بقیه از نیروی است که از تأسیسات هیدروالکتریک و تنظیم آب سد ها بدست میآید.

در سال ۱۳۵۴ اعتباری معادل ۴۵ میلیارد ریال برای تأمین انرژی الکتریکی در محدوده پروتساها که مصرف کنندگان بنامشاری را در بر میگردد، در نظر گرفته شد. بموجب یک طرح جدید نیز افزایش برق ۱۱۸۰ حوزه عمران روستایی و ۴۰۰ روستای منفرد در دست اجراست. باین منظور اعتباری معادل ۱۷ میلیارد ریال در بودجه عمران کشور منظور شده است. همچنین استفاده از منابع حاصل از کاربرد انرژی ساعتی نیز در برنامه بلندمدت ۴۰ ساله تولید انرژی کشور سهمی مهمی دارد.

در میان کشورهای در حال رشد جهان، طی ۱۵۸ سال آیدندند کشورهای هند، ایران، آرژانتین، برزیل، ژاپن و اسپانیا و در مرحله بعد، مصر، کره جنوبی و پاکستان منابع اورانیوم که بمقدار کافی یافت میشود، مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت.

باین لحاظ از این کشورها در زمینه تأمین مواد اولیه برای تولید انرژی اتمی یا دشوارپای کمتری روبرو خواهند بود، در کشور ما مرحله اول طرح استفاده از انرژی اتمی، شامل ایجاد کلیه تأسیسات و تجهیزات مربوط به آن تا پایان سال ۱۹۸۰ و اوائل دهه ۱۹۹۰ است. با آنکه سهم طبیعی تا سال ۱۹۸۰ میباید از نظر منبع اصلی انرژی، جانتین نفت شود، اما هدف اصلی برنامه های تأمین انرژی آتسکه بتدریج سهم بیشتری به کاربرد انرژی اتمی اختصاص یابند بطوریکه تا اوائل دهه ۱۹۹۰ بیش از نیمی از نیازهای انرژی کشور را تأمین کند. تا این زمان ایجاد ۴۰ رآکتور با ظرفیت ۴۴ هزار مگاوات در نظر گرفته شده است اما در مرحله نخست که تا سال ۱۹۸۰ تکمیل میشود احداث ۵ رآکتور، یکبزار مگاواتی با سرمایه ۵ میلیارد دلار، یک مرکز پژوهشهای اتمی، دوکارخانه هریک با ظرفیت ۱۳۰۰ مگاوات و نیز ۸ رآکتور اتمی دیگر، با تجهیزات لازم پانام میرسد. هزینه کلیه طرحهای مزبور تا اوائل دهه ۱۹۹۰ به بیش از ۴۵ میلیارد دلار بالغ میشود که بخشی از آن صرف تأمین مواد اولیه و نیز آموزش کارشناسان اتمی خواهد شد.

در پی افزایش سرمایه گذاریهای مربوط بکاربرد انرژی اتمی در صنایع، سازمان انرژی اتمی کشور مطالعات وسیعی را برای تعیین محل نصب رآکتورهای اتمی با توجه به کیفیت زمین، آب و سایر خصوصیات لازم، آغاز کرده است. در حال حاضر سواحل خلیج فارس، کناره رود کارون، سواحل دریای خزر و برخی از نواحی مرکزی کشور برای نصب نیروگاهها از سوی کارشناسان مورد بررسی قرار گرفته است.

شود.

تولید ذغال سنگ کشور به بیش از یک میلیون تن رسیده است و ذخایر مکتوفه ذغال سنگ حدود ۳۰۰ میلیون تن است که ۲۳۱ میلیون تن در ناحیه کرمان، ۲۳ میلیون تن در ناحیه شاهرود و ۳۶ میلیون تن در ناحیه زیراب قرار دارد. منابع سنگ آهن حدود ۵۰۰ میلیون تن در حوزه بافق و یزد و ۲۰۰ میلیون تن در نواحی بین سیرجان و بندرعباس کشف شده است و با احتساب سایر ذخایر پراکنده در حال حاضر به حدود ۸۰۰ میلیون تن میرسد. معادن سرب و روی در نقاط مختلف کشور از جمله در انارک، بافق، زنجان، قزوین، شاه کوه، اصفهان و سایر مناطق کشور پراکنده است. میزان تولید درحال حاضر ۲۸۰۰ تن سنگ کبیر در روز است که به سنگ برعبار تبدیل میشود. معادن کرومیت (اکسید کروم و کالمن) در استان ساحلی و کرمان، شمال شرق کشور و اطراف دریاچه بختکان کشف شده است. ذخایر کرومیت کشور بیش از ۵ میلیون تن برآورد شده است و در حال حاضر تولید سالانه معادن کرومیت سه ۲۰۰ هزار تن میرسد. معادن مس در نواحی قلعه زری، میرجد، یزد، شاهرود، زاهدان، اهر، چهارگنبد و سرچشمه کرمان بوفور یافت شده است و منابع مس سرچشمه ۴۵۰ میلیون تن از نوع روباز است و کل ذخایر مس سرچشمه یک میلیارد تن برآورد شده است. بالغ بر ۲۲۰ میلیون تن ذخیره مس نیز در نواحی جنوب و جنوب شرقی کشور کشف شده است که بتدریج مورد بهره برداری قرار میگیرد.

بهره برداری از دیگ معادن فلزی و غیر فلزی کشور نیز مانند معادن خاک سرخ، خاک نسوز، منگنز، باریت، کائولن، کوارتزیت و سنگهای قیمتی نیز توسعه یافته است.

معادن

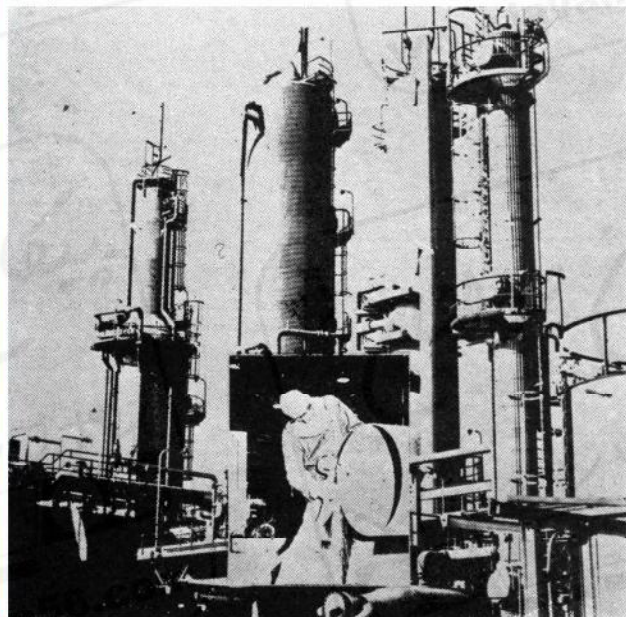
تا سال ۱۳۵۶ میزان ارزش تولیدات معدنی به حدود ۲۳ میلیارد ریال خواهد رسید و میزان مصرف سرانه مواد معدنی در کشور به پایه مصرف سرانه آن در کشورهای صنعتی جهان نزدیک میشود. اجرای طرحهای عظیم صنایع سنگین نیز به توسعه بهره برداری از منابع فلزی کشور نیاز دارد. طبق یک برآورد کلی میزان احتیاجات صنایع کشور به مواد اولیه از حداقل یک میلیارد دلار تجاوز می کند و نیاز به چنین مقادیر عظیم مواد اولیه افزایش استخراج منابع معدنی و کشف رگهای جدید و اتخاذ روشهای نوین بهره برداری از معادن را ایجاب کرده است تا سال ۱۳۵۸ سرب ذغال سنگ کارخانه آریسر به ۷/۲ میلیون تن و مصرف کاک به ۵ میلیون تن میرسد و با وجود برتری انرژی گاز طبیعی به عنوان ماده اولیه تولید فولاد صنایع آینده فولاد کشور هنوز به مقادیر عظیم ذغال سنگ نیاز دارد به این لحاظ به تدریج مقدمات توسعه استخراج سالانه ۲۵ میلیون تن ذغال سنگ فراهم شده است. بنابر آمار ارائه شده از سوی منابع رسمی کشور در سال ۱۳۵۳ تعداد معادن معدنی شناخته شده حدود ۱۴۰۰ معادن بود و ظرفیت استخراج معادن حدود ۲۳ درصد نسبت به سالهای قبل رشد یافته و با توجه به آنکه بطور متوسط سالانه حدود ۸۰۰ پروانه اکتشافی هر یک به مساحت حداکثر ۴۰ کیلومتر مربع بنام اشخاص و شرکتهای دولتی و خصوصی صادر می شود و از این تعداد سالانه بطور متوسط حدود ۳۰ پروانه اکتشافی منجر به صدور گواهی کشف میشود. بدین ترتیب حداقل سالانه ۲۵ تا ۳۰ منبع معدنی به منابع موجود کشور افزوده می-

صنایع غذایی

مجموع سرمایه گذاری در صنایع غذایی طی برنامه پنجم عمرانی کشور ۵۰۰ میلیون ریال پیش بینی شده است. ظرفیت کارخانه های قند کشور در سال گذشته ۴۸۵۰۰ تن چغندر قند و ۱۰۰۰۰۰ تن نیشکر و ۴۳۵ تن شکر خام در روز بود و ظرفیت کارخانه نیشکر هفت تپه به ۳۰ هزار تن در سال رسید و در آینده تولید شکر در این واحد صنعتی از مرز ۸۵۰۰۰ تن میگذرد همچنین یک واحد جدید تولید شکر نیز با ظرفیت ۲۳۰۰ تن شکر در خوزستان ایجاد شده است و تولید چغندر قند نیز در سال جاری حدود ۵۲۰ هزار تن پیش بینی شده است. در سال گذشته میزان کل سرمایه گذاری در صنعت قند کشور حدود ۴۰ میلیارد ریال و تعداد شاغلین آن در بخش کشاورزی حدود ۱۶۰ هزار نفر و در بخش صنعت حدود ۲۰ هزار نفر برآورد شده است. تولید روغن نباتی نیز به وسیله ۱۶ واحد صنعتی تولید روغن نباتی در سال ۱۳۵۳ به حدود ۳۰۰ هزار تن رسید همچنین در حال حاضر ۸۰ کارخانه کنسرو سازی در کشور فعالیت دارند و تولید صنایع کنسرو سازی تا پایان برنامه عمرانی پنجم سالانه به حدود ۳۵ هزار تن میرسد.

تولید ابزار و مصنوعات فلزی

بنابرس گزارشهای رسمی ارزش تولیدات صنایع فلزی طی دهه اول انقلاب از ۱۴۲ میلیارد ریال با رشد سالانه ای معادل ۲۲٫۵ درصد بحدود ۸ برابر آن (۱۱۰ میلیارد ریال) بالغ شد و کل میزان اشتغال از ۸۶ هزار نفر با رشد سالانه ای معادل ۱۲ درصد به ۳ برابر آن (۲۶۴ هزار نفر) رسید میزان سرمایه گذاری در صنایع فلزی نیز از ۴٫۶ میلیارد ریال با رشد سالانه ای معادل ۳۹ درصد به ۲۶ برابر آن (۱۱۶ میلیارد ریال) افزایش یافت و تعداد ۷۱ واحد عمده تولید کننده مصنوعات فلزی ایجاد شد. سهم محصولات صنایع فلزی در حال حاضر در کل صادرات کالاها صنعتی کشور به حدود ۳ درصد رسیده است بخش صنایع مصنوعات فلزی از نظر آنکه منابع جدیدی از سرمایه، نیروی انسانی و مواد خام را مورد استفاده قرار میدهد زمینه لازم را برای سرمایه گذاری صنایع سنگین فراهم میکند و در عین حال دارای رشته ها، متنوعی است که از قابلیت گسترش زیاد برخوردارند و با کشف منابع معدنی جدید که مواد اولیه مورد نیاز صنایع فلزی را تأمین میکند، رشد این رشته از صنعت سرعت بیشتری خواهد داشت، در سالهای اخیر تولید ابزار و مصنوعات فلزی بویژه در رشته های نظیر ساخت مصنوعات اتومبیل و ساختمان، تهیه رادیاتورهای فولادی، ساخت وسایل کشاورزی و تهیه ظروف فلزی و تانکر سازی، ساخت ابزار آلومینیومی و مسی رشد یافته است.



ایران به راه صنعتی شدن

بهره برداری کاملتر از منابع آب کشور

با بهره برداری روز افزون از منابع آب بطریق گوناگون و ایجاد شبکه های آبیاری به حجم آبی که سالانه تنظیم میشود برقم ۲۶۶ میلیارد متر مکعب و قدرت تولید نیروی برق آب در مرحله نهایی، محدود یک میلیون و ۸۴۰ هزار کیلووات ساعت میرسد. در برنامه پنجم عمرانی کشور نیز ۱۱۰ میلیارد ریال اعتبار برای توسعه منابع آب کشور در زمینه احداث سد ها و شبکه های آبیاری پیش بینی شده است.

تکنولوژی مدرن در بسیاری از مناطق کم آب جهان، برای بهره برداری کاملتر و صحیح تر از منابع آب، بویژه آب های زیر زمینی مورد استفاده قرار گرفته و تاکنون نتایج سودبخشی نیز در برداشته است. در کشور ما در سال های اخیر هماهنگ با افزایش نقش آب در توسعه کشاورزی، لزوم استفاده از آخرین پیشرفتهای فیزیکی و تکنولوژی جدید نیز محسوستر شده است، بطوریکه کاربرد روش های جدید در بهره برداری از منابع آب، عامل اساسی افزایش اراضی زیر کشت شناخته شده است.

در حال حاضر میزان متوسط بارندگی سالانه کشور حدود ۲۵۰ میلیمتر برآورد شده است و متوسط کل حجم آب حاصله از بارش، در سطح کشور حدود ۳۸۰ میلیارد متر مکعب در سال است. کم نوسانی آن نیز بین ۲۸۰ تا ۵۲۰ میلیارد متر مکعب در تقسیم است. چنانچه حد متعارف تبخیر را در نظر بگیریم، حجم سالانه آب های سطحی کشور بطور متوسط حدود ۱۰۰ میلیارد متر مکعب میرسد و با در نظر گرفتن ۵۰ میلیارد متر مکعب آب های زیر زمینی موجود، جمع کل منابع آب قابل استفاده حدود ۱۵۰ میلیارد متر مکعب بالغ میشود. با استفاده از این منابع موجود، سیزدان میلیارد هکتار اراضی مستعد و حاصلخیز را در نقاط مختلف کشور زیر کشت قرارداد. باین منظور تا پایان برنامه پنجم عمرانی چند طرح اصلی در این زمینه پی گیری می شود که از جمله شامل: لزوم آب مورد نیاز برای مصرف شهری است به طوریکه تا پایان برنامه پنجم کلیه جمعیت شهرنشین کشور که حدود ۱۷ میلیون نفر خواهند بود میتوانند از آب قابل اطمینان استفاده کنند. دیگر تأمین آب مورد نیاز کشاورزی است به طوریکه سطح زیر کشت زراعتی آبی به ۴ میلیون هکتار برسد. افزایش قدرت نصب شده نیروگاه های برق آبی تا ۱۸۰ مگاوات و افزایش آب مهار شده در سطح کشور تا حدود ۲۷ میلیارد متر مکعب نیز از دیگر طرح های اصلی بشمار میرود. برنامه های نیز از قبیل تکمیل و احداث سد های مختلف، نصب دستگاه های تبدیل آب شور به شیرین حفر چاه های عمیق، ادامه عملیات ساختمان شبکه های اصلی و فرعی آبیاری و طرح های مشابه دیگر در دست اجراست.

هم اکنون پنج سد مخزنی در دست ساختمان است: سد رضاشاه کبیر در مسجد سلیمان، قتلاق در ۸ کیلومتری سنندج، سد میناب در منطقه میناب، لار در شمال یلدر و سد جیرفت در تنگ تراب و کارهای اجرائی شش سد مخزنی نیز در دست مطالعه است که عبارتند از سد های نادرشاه، طالقان، سوه، باهوکلان پشین و خدا آفرین که به ترتیب در مناطق تنگ تکاب، سنگیان، سوه، باهوکلان، پشین و ۴۵ کیلومتری غرب اصلان درست احداث خواهند شد.

تولید داخلی اولویت بیشتری در زمینه تولید وسایل نقلیه زمینی و ماشین های کشاورزی در نظر گرفته شده است. از جمله با یک کمیای انگلیسی برای تولید تراکتور های سنگین ۴۸ تنی گفتگوهایی به عمل آمده است و نیز یک طرح بزرگ برای تولید ۴۳۵ هزار وسیله نقلیه در سال، در دست تهیه است که ۱۶۰ هزار واحد آن انواع کامیون های یک تا ۴۸ تنی و بقیه شامل سایر وسایل نقلیه زمینی خواهد بود. مقدمات ایجاد یک رشته کارخانه های مکمل صنایع وسایل نقلیه و ماشین های مختلف نیز فراهم شده است که بیشترین سرمایه گذاری آن به وسیله بخش خصوصی انجام می شود.

«شرکت سهامی جیب ایران در سال ۱۳۵۳ به تولید ۷۲۱۶ دستگاه اتومبیل پراخت و محصول کارخانه ایران ناسیونال نیز تا سال ۱۳۵۹ بیش از نیم میلیون دستگاه برآورد شده است. عرضه اتومبیل ژبان نیز به وسیله شرکت سیترون ایران در سال جاری بین ۴۵ تا ۴۰ هزار دستگاه برآورد شده است این شرکت برنامه تولید اتومبیل های رنو را نیز در دست اجرا دارد. کارخانه شورت ایران نیز در سال ۱۳۵۳ بیش از ۷۵۰۰ دستگاه اتومبیل سواری تولید کرده است و طبق پیش بینی های انجام شده، تولید کارخانه جنرال موتورز نیز در سال ۱۳۵۳ به ۴۰ هزار دستگاه بالغ می شود. سایر کارخانه های موتوژ و تولید جیب، کامیون و اتوبوس نیز از سال ۱۳۵۳ بیش از ۴۰۵۶۹ دستگاه اتوبوس، مینی بوس، وانت، لندرو، و اسفند های موتوری سنگین، کامیون، تراکتور و سایر واحدهای موتوری تولید کرده اند.»

صنایع کشتی سازی و تولید هلی کوپتر و هواپیما صنایع آینده وسایل نقلیه کشور را تشکیل میدهند که از هم اکنون مقدمات توسعه تولید آن فراهم شده است. طی ۵ سال گذشته تعداد کشتی های بزرگ به حدود ۳۵ فروند افزایش یافته است.

های نفتی انجام می شود. ظرفیت پالایشگاه های داخلی که در سال ۱۳۵۳ حدود ۱۴ میلیون متر مکعب نفت خام بود، روبه فزونی است. «در سال ۱۳۵۳ روزانه ۶۴۵ هزار بشکه نفت خام در پالایشگاه های کشور تصفه شد و در پایان سال گذشته طرح احداث پالایشگاه دوم تهران و کارخانه های رغن سازی آن، پالایشگاه کرمانشاه و پالایشگاه شیراز ناتمام رسید و با بهره برداری از واحدهای جدید مجموع ظرفیت تولید روزانه پالایشگاه های کشور به ۷۳۵ هزار بشکه و ظرفیت تولید سالانه به ۴۸ میلیون متر مکعب افزایش یافت.» این رقم معادل رقمی بود که بایستی تا پایان برنامه پنجم عمرانی تأمین می شد و طبق برنامه های جدید بااستی طی چند سال آینده با اجرای طرح توسعه پالایشگاه شماره یک تهران و طرح پالایشگاه تبریز که دارای ظرفیت معادل ۸۰ هزار بشکه در روز است و آغاز طرح پالایشگاه اصفهان، میزان ظرفیت پالایشگاه های کشور به بیش از یک میلیون بشکه در روز گسترش می یابد.

واکتها، چرخ دنده، گلوله ها و قطعات ریخته گری و آهنگری بوده است. ظرفیت تولید کارخانه تراکتور سازی ایران در تبریز با ۴۷۲ میلیارد ریال سرمایه گذاری طی برنامه پنجم به ۴۰ هزار دستگاه افزایش می یابد. در کارخانه های تولید موتور دیزل تبریز در سال ۱۳۵۳ حدود ۱۴۵۵۰ دستگاه انواع موتور دیزل تولید شده است که با طرح جدیدی که در سال جاری در این واحد صنعتی به مرحله اجرا گذارده شده است میزان تولید موتور دیزل به حدود ۴۰ هزار واحد فزونی می یابد.

در زمینه تولید وسایل نقلیه نیز سرمایه گذاری های وسیعی انجام شده است. میزان تولید وسایل نقلیه در کشور ما که در سال ۱۹۶۳ از کلیه کشورهای خاور میانه کمتر بود در سال جاری از میزان تولید در هر یک از کشورهای این منطقه بیشتر شد. با حفظ این روند رشد، به تدریج زمینه بازار صادراتی مطلوبی نیز برای تولید برخی از انواع صنایع ماشین سازی کشور فراهم شده است. رشد تولید از وجود چند عامل مساعد ناشی می شود از جمله بازگشت مطلوب سرمایه است که در حال حاضر در صنایع ماشین سازی وجود دارد. عوامل دیگری نیز مانند حمایت دولت در مقابل رقابتهای خارجی، بازار وسیع مصرف داخلی و منطقه ای نیز در دسترس است باین لحاظ با ادامه این شرایط انتظار می رود به تدریج تولید کلیه مواد و ابزار مورد نیاز واحدهای تولید کننده نیز در داخل کشور تهیه شود. تولید وسایل نقلیه تجاری در سال ۱۳۵۳ به حدود یکصد هزار واحد رسید که بالاترین رقم را در خاور میانه به خود اختصاص می دهد و تنها در زمینه تولید کامیون های ۵ تا ۱۴ تنی تولید داخلی به ۱۴۵۵۰ دستگاه افزایش یافت. بخشی از مزاد تولید های صنایع ماشین سازی نیز به ویژه اتومبیل های سواری برای صدور به سایر کشورهای خاور میانه و اروپای شرقی اختصاص یافته است. به منظور کاهش واردات در طرح های

صنایع ماشین سازی

در سال گذشته در این رشته از صنعت مقدمات تکمیل مراحل مختلف تولید داخلی ماشین های ابزار، تراکتور، اتومبیل سواری، موتور های دیزل و انواع دیگر ماشین ها فراهم شد. طرح های تولید کارخانه ماشین سازی اراک و کارخانه موتور سازی تبریز و کارخانجات ماشین سازی تبریز نیز به مرحله اجرا درآمد و با پایان این مرحله طی برنامه عمرانی پنجم ظرفیت تولید موتور های ساخت کارخانه موتور سازی تبریز به ۴۰ هزار دستگاه می رسد. تولید کارخانه ماشین سازی تبریز در سال گذشته حدود ۳۱۰۰ دستگاه انواع ماشین های ابزار، ۵۴۰ دستگاه کپرسور، ۹۰۴ دستگاه انواع ابزار های برآبی، ۵ دستگاه لیفت تراک، ۵۰۰۰ دستگاه پمپ و ۱۵۰۰۰ دستگاه الکترو موتور با قدرتهای مختلف بود و جهت توسعه بیشتر آن یک واحد تولید ماشین های نساجی نیز با سرمایه گذاری ۵/۴۴ میلیارد ریال طی برنامه عمرانی پنجم در نظر گرفته شده است. تولید کارخانه ماشین سازی اراک نیز با سرمایه گذاری ۳/۹ میلیارد ریال به ۴۰ هزار تن در آخر برنامه پنجم عمرانی می رسد. در سال ۵۳ میزان تولید این واحد صنعتی حدود ۱۰ هزار تن انواع دیگ های بخار و آبگرم مخازن تحت فشار، جرافتالها،

توسعه ظرفیت پالایش فرآورده های نفتی

در سال های اخیر علاوه بر برنامه های توسعه و کشف ذخایر جدید نفت و تأمین نیازمندی های داخلی، گسترش نفوذ و توسعه عملیات شرکت ملی نفت ایران در خارج از کشور و تصفیه و توزیع مستقیم فرآورده های نفتی به عنوان یک هدف اساسی مورد توجه قرار گرفته است و برنامه های مربوط به سرمایه گذاری و مشارکت در ایجاد پالایشگاهها در خارج از کشور در جهت این هدف انجام میشود. قبل از این شرکت ملی نفت ایران در ایجاد پالایشگاه مدرس که با مشارکت شرکت پان آمریکایی و دولت هند در سال ۱۴۴۸ با ظرفیت اولیه ۵۰ هزار بشکه در روز رسماً افتتاح شد و نیز در ایجاد کارخانه کود شیمیایی مدرس که در ژوئن ۱۹۷۳ آغاز به کار کرد مشارکت داشت، ایجاد یک پالایشگاه نفت در آفریقای جنوبی، امضای قرارداد توزیع فرآورده های نفتی در یونان و موافقت نامه های تهارتی با کشورهای رومانی، آژانتین، بلغارستان و چند کشور دیگر جهان از اقدام های دیگری است که در جهت مشارکت مستقیم شرکت ملی نفت ایران در بازار های جهانی فرآورده

صنایع نفت، گاز

بقیه از صفحه ۱۰

سومین برنامه شرکت ملی گاز ایران استفاده بیشتر از منابع گاز کشور در جهت افزایش صدور آن است بطوریکه کشور ما به بازارهای جهانی دست یابد. قرارداد جدید صدور گاز نیز برای تحقق همین هدف یعنی نفوذ به بازارهای جهانی با امضاء رسید. با احداث خط لوله دوم گاز ایران بالغ بر ۲۵ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی حمل میشود که ۱۳۴۶ میلیارد متر مکعب آن به اروپا و حدود ۶ میلیارد متر مکعب به چکسلواکی صادر میشود و ۱۰ میلیارد متر مکعب نیز برای مصرف داخلی اختصاص مییابد. در حال حاضر بازار اروپای غربی بازار گسترده‌ای برای صدور گاز طبیعی بشمار میرود و مصرف گاز در این بازار سالانه حدود ۵ تا ۱۰ درصد افزایش مییابد حداقل مصرف گاز طبیعی جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۷۸، ۱۷، ۱۹۷۸ درصد کل انرژی مصرفی-بیش-بینی شده است و در فرانسه ۱۲ درصد، اتریش ۱۸ درصد، انگلستان ۲۰ درصد، ایتالیا ۱۳ درصد و در کشورهای عضو اتحادیه برن لوکس ۱۹ درصد از کل انرژی مصرفی از گاز طبیعی تأمین میشود. واردات گاز طبیعی در اروپای غربی نیز در سال ۱۹۸۵ سالانه حداقل ۸۰ میلیارد متر مکعب برآورد شده است که با امضای قرارداد جدید بخش مهمی از نیاز-های کشورهای طرف قرارداد، از منابع گاز ایران تأمین میشود. علاوه بر حجم علم فروش، برقراری یک همکاری سازنده بین-المللی نیز از طریق امضای قرارداد جدید تأمین شده است که در آینده نمونه‌جدیدی برای امضای قراردادهای مشترک اقتصادی در سطح بین‌المللی خواهد بود.

صنایع نساجی و تولید الیاف مصنوعی

بنابر آمار ارائه شده از سوی وزارت صنایع و معادن «در حال حاضر تعداد ۱۶۰ واحد بزرگ ریستدگی و بافندگی نخی، پشمی و الیاف مصنوعی و بیش از ۱۱۰۰ واحد کتبی و جوراب‌بافی در سراسر کشور فعالیت دارند. مراکز مهم فعالیت این صنایع در شهرهای تهران، اصفهان، یزد، شاهی، تبریز و تهرت. در سال گذشته در این رشته، ۶۴۰٫۲ میلیون ریال سرمایه‌گذاری جدید انجام گرفت.» ارزش افزوده صنایع نساجی در سال ۱۳۵۶ حدود ۵۸ میلیارد ریال و ارزش تولیدات به بیش از ۴۰۰ میلیارد ریال خواهد رسید و پیش‌بینی میشود که تا اکتوبر تولیدات مختلف این صنعت به ۹۶۰ میلیون متر و صنایع نساجی پشمی ۴۱ میلیون متر و کتبی به ۹۶ هزار تن برسد که سرمایه‌گذاری در صنایع مزبور بر ترتیب مبالغی حدود ۲۷ میلیارد، ۱۶ و ۴۱ میلیارد ریال خواهد بود. منوسطرشد سالانه تولید در رشته‌های مختلف این صنعت طر سالها، ۱۳۵۶-۱۳۵۴ در نساجی نخی ۱۹ درصد، نساجی پشمی ۱۹ درصد، کتبی ۲۵ درصد و جوراب بافی حدود ۳۰ درصد است. تولید الیاف مصنوعی نیز در سال ۱۳۵۳ به بیش از ۵۰۰۰ تن رسید و رشدی معادل ۴۰ درصد داشت. اجرای طرحهای تولید الیاف مصنوعی ۱۰ هزار تن نخی نایلون و واحد تولید اکریک و الیاف مصنوعی با ظرفیت صد هزار تن در سال و توسعه کارخانه الیاف مصنوعی تهران تا ظرفیت ۱۰ هزار تن انواع نخی نایلون و ایجاد ۲ واحد تولید الیاف مصنوعی با ظرفیت کلی ۴۸ هزار تن در سال نیز از جمله طرحهای گسترش تولید الیاف مصنوعی است.



تولید گاز طبیعی

کتنگوهای مربوط به قرارداد صدور گاز طبیعی به کشورهای جمهوری فدرال آلمان، اتریش و فرانسه از طریق «درود» نیز که بر طبق اوامر شاهنشاه آریامهر از حدود ۲ سال قبل آغاز شده بود به امضای قرارداد در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۵ منتج شد و کشور ما را بیک صادر کننده بزرگ گاز جهان تبدیل ساخت. منابع گاز طبیعی در ایران از نظر حجم، مقدار و ارزش از غنی‌ترین منابع گاز جهان است. منابع شناخته شده فعلی گاز کشور حدود ۲۶۰۰ میلیارد متر مکعب است که خود به تنهایی بیش از تمام منابع گاز طبیعی موجود در ایالات متحده آمریکا و بیش از نیمی از منابع گاز شوروی است. برای استفاده از این منبع عظیم ثروت، بنابر گزارشهای رسمی موجود، شرکت ملی گاز ایران تاکنون سه برنامه متفاوت را دنبال کرده است: برنامه نخست افزایش تولید و توسعه شبکه داخلی و تأمین مصرف روز-افزون گاز در داخل کشور است در جهت این هدف تا پایان برنامه پنجم عمرانی حدود ۱۹ و ۴۰ درصد از کل نیازهای انرژی داخلی از گاز طبیعی تأمین میشود. در سال گذشته یک میلیارد و ۹۹۹ هزار متر مکعب گاز در داخل کشور توزیع و مصرف شده که ۴۲ درصد بیش از آن سال قبل از آن بود. رشد مصرف داخلی نیز طی ۳ سال آینده به ۱۷۰ میرسد. برنامه دوم اجرای قرارداد بزرگ فروش گاز به شوروی بوده است در جهت اجرای این طرح در سال ۱۳۵۲، ۸ میلیارد و ۲۰۰ هزار متر مکعب که از طریق شاه‌لوله گاز سراسری به شوروی صادر شده است که در سال ۱۳۵۳ به ۹ میلیارد متر مکعب رسید و در سال جاری به ۱۰ میلیارد متر مکعب افزایش مییابد.

صنایع مصرفی

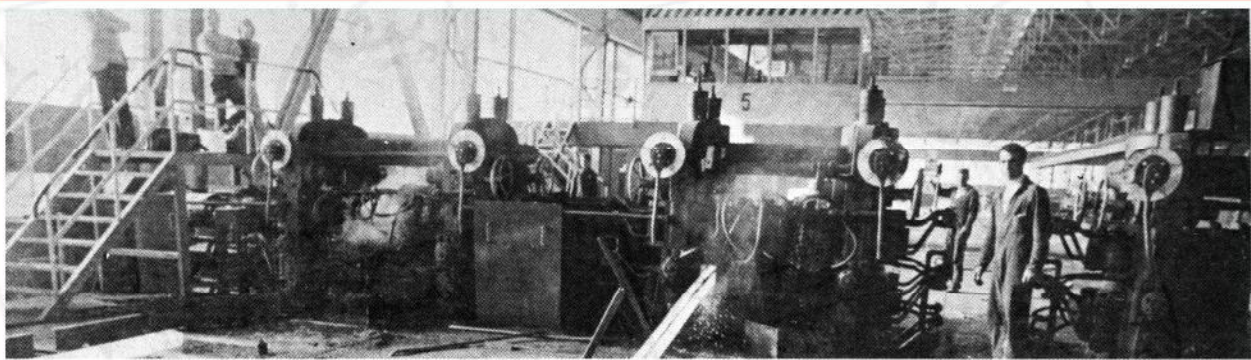
همگام با توسعه فعالیت صنایع پایه، موج توسعه صنایع مصرفی و صنایع کوچک نیز تقویت شده است. در حال حاضر ۲۵ درصد سیمان مورد نیاز صنایع ساختمان از خارج وارد می‌شود اما با برنامه‌های طرح شده تا سال ۱۹۸۰ تولید سیمان در کشور سالانه حدود ۱۵ درصد رشد خواهد داشت و در نتیجه می‌تواند قسمت بیشتری از نیازهای داخلی را تأمین کند. مقدمات ایجاد ۱۱ کارخانه جدید تولید سیمان در نقاط مختلف کشور فراهم شده است و محصول سیمان کارخانه سیمان آلیک نیز در سال جاری ۶/۳ میلیون تن پیش‌بینی شده است.

رشد برخی دیگر از صنایع مصرفی نیز قابل توجه بوده است. از جمله میزان تولید در صنایع رنگ سازی به ۴۹۰۰۰ تن، ساخت یوگرهای رختشویی ۳۴۰۰۰ تن، صابون سازی ۴۰۰۰۰ تن و فیبر سازی به ۱۰۰۰۰ تن در سال فزونی یافته است. توسعه صنایع کوچک به شکل‌های مختلف در رشد اقتصاد کشور موثر بوده است از جمله آنکه این صنایع توانسته است قسمت مهمی از نیازهای مصرفی را تأمین کند. ساختمان ساده صنایع کوچک به آنها قابلیت انعطاف می‌دهد و اساساً برای فعالیت در بازارهای تخصصی و کوچکتر ایجاد شده‌اند. نوسازی و کاربرد تکنولوژی و سرمایه‌گذاری‌های جدید نیز از اینگونه صنایع آسان است و به‌ویژه در مناطق روستایی کشور کوشش شده است که از طریق گسترش صنایع کوچک، چهره روستاها تحول یابد باین لحاظ در حال حاضر پایه‌گذاری صنایع کوچک به ویژه در مناطق روستایی کشور حائز اهمیت بسیار است. این صنایع در حال حاضر در مناطق روستایی در جهت ایجاد تعادل اقتصادی ناحیهای عمل می‌کنند و با توجه به درصد کم هزینه نیروی کار و در دسترس بودن مواد خام در ناحیه، فعالیت صنایع کوچک در روستاها به آسانی می‌تواند به یک فعالیت وسیعتر تبدیل شود.

صنایع الکتریکی

بقیه از صفحه ۱۰

برداشت شده. برنامه توسعه شرکت سهامی کارخانجات مخاریات ایران نیز به منظور افزایش تولید آن به میزان ۵۰ درصد به مرحله اجرا درآمد و با پایان این مرحله، کارخانه مزبور قابلیت گسترش تولید تا ۷۰ هزار دستگاه و ۵۵ هزار مرکز تلفن در سال را دارد. طرحهای مربوط به تولید قطعات الکترونیکی ارباطی، تولید ۱۵ میلیون لامپ گوناگون به منظور بی‌نیاز ساختن کشور از لامپهای خارجی و طرح لوازم الکتریکی برای وسایل نقلیه نیز به مرحله اجرا درآمد است. در سال جاری همچنین در زمینه تجهیز خطوط تلفنی يك موافقت، مهم جدید با هزینه ۲۶ میلیون دلار با یک شرکت سوئدی برای تجهیز خطوط تلفنی در تهران و ۱۰ شهر بزرگ کشور به امضاء رسید که شامل آماده سازی تجهیزات و خدمات رفاهی لازم برای برقراری شبکه خطوط تلفن نیز می‌شود. همچنین یک طرح بلند مدت گسترش خطوط تلفنی با همکاری یک شرکت آمریکایی اجرا خواهد شد که در جوار آن دوره‌های آموزش کارشناسان فنی نیز در نظر گرفته شده است.



ارمغان‌های انقلاب ایران

خانه‌های فرهنگ روستایی

عقب‌ماندگی وجوه مختلفی دارد که از هم جدا نمی‌توانند بود. عقب‌ماندگی اقتصادی ناگزیر با عقب‌ماندگی فرهنگی، به معنای گسترش نیافتن روابط اجتماعی نو همراه است. ولی بدون از میان رفتن عقب‌ماندگی اقتصادی، تحول فرهنگی که مرحله‌ی «یکریست» امکان‌پذیر نیست.

در جامعه روستایی ایران، قبل از انجام گرفتن اصلاحات ارضی هرگز امکان‌نداشت که تحول فرهنگی صورت گیرد، زیرا هیچ‌گونه نیاز مادی برای آن وجود نداشت. با تغییر روابط تولیدی در روستاها یعنی با از بین رفتن رژیم ارباب و رعیتی، ضرورت رشد کشاورزی، ویژه‌گرفتن همبستگی ملی و پذیرش تحریک برای ساختن زندگی بهتر پدید آمد. این ضرورت از نیاز اساسی ملت ما برای پیشرفت ناشی می‌شود. بنابراین دگرگون ساختن فرهنگ قودالی و در اختیار گذاشتن فرهنگ جدیدی که مولود انقلاب ایران است اجتناب‌ناپذیر گشت. خانه‌های فرهنگ روستایی به این نیاز

اصل اول انقلاب

بقیه از صفحه ۷

۱۹ دیماه ۱۳۴۱ لایحه قانون اصلاحات ررضی پیرامون تصویب به توشیح هیاتوزیر رسید و ششم بهمن ماه همان سال بعنوان اصل اول انقلاب بوسیله رهبر انقلاب به‌صورت ایران عرضه شد و ملت بارای قاطع همراه اصول دیگر آنرا تأیید کرد و بلافاصله دستگاه‌های اجرایی مسئول با ایمان و قاطعیت انجام این اصل را بیکسر شدند و هم‌اکنون چنانکه گفتیم اصلاحات ارضی کاری است انجام شده و پایان یافته. آمار و ارقام زیر بیانگر عظمت کاری است که بانجام رسیده است.

اصلاحات ارضی در سه مرحله انجام گرفت:
در مرحله نخست ۱۶ هزار ۴۲۶ قریه و ۱۰۳۱ مزرعه بین ۷۸۱ هزار ۳۲۲ خانوار زارع تقسیم شد که با تعداد اعضای هر خانواده مجموعاً ۳ میلیون و ۸۷۸ هزار نفر را دربر می‌گرفت.

در مرحله دوم اصلاحات ارضی ۵۴ هزار و ۸۲۷ قریه و ۲۱ هزار و ۸۱۱ مزرعه مشمول اصلاحات قرار گرفت. هدف اساسی در این مرحله این بود که هر کس زمین را که می‌گارد صاحب آن باشد. در این مرحله وضعیت قانونی ۲ میلیون و ۵۲۲ هزار و ۲۲۰ خانوار روش شد. که مجموعاً قریب به ۱۲۵ میلیون نفر را دربر می‌گرفت.

در مرحله سوم اصلاحات ارضی ۲ هزار و ۸۶۷ قریه و مزرعه خریداری و به دهقانان واگذار شد که مجموعاً قریب به ۸۸ هزار و ۷۰۰ خانوار و ۴۴۰ هزار نفر را دربر می‌گرفت. و اکنون مروری خلاصه بر آنچه پیرامون اصلاحات ارضی از جهات مختلف شده است سیمای جدید روستاهای ایران را روشن میکند.

دفعان آزاد شده ما از بند فئودالیسم پاسخ داد، چون منظور از تأسیس این خانه‌ها این بود که روستائیان با شیوه‌های نو زندگی، با دانش، با تاریخ همین و ویژگیهای کشور خود آشنا شوند.

هدف عمده از ایجاد خانه‌های فرهنگ روستایی عبارتست از:
۱- بالا بردن سطح دانش عمومی و اجتماعی و پرورش استعدادها و ورزشی، هنری و فنی روستائیان.
۲- تقویت مسئولیت اجتماعی و گسترش اصول تعاون و خودیاری در بین روستائیان و تشویق آنها به عضویت در شرکت‌های تعاونی روستایی و شرکت‌های سهامی زراعی.

۳- آشنا ساختن روستائیان با فرهنگ و سنن و اصول انقلاب ایران.
۴- فراهم آوردن امکانات جهت استفاده از اوقات فراغت روستائیان بمنظور اشتغال کارهایی از قبیل: صنایع دستی روستایی، مطالعه کتب و نشریات مفید و ارشاد کشاورزان در جهت برنامه آبادانی کشور.

۵- تشویق روستائیان به شرکت در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی و ورزشی و هنری بهره‌مند شده‌اند. قریب دوره‌های آموزشی در رشته‌های گوناگون هنری و فنی و تعاونی و نیز برپا داشتن مسابقات متعدد ورزشی مانند مسابقه جام گنبد طلائی، انتشار روزنامه‌های دیواری، تأسیس ۲۱۶ باشگاه رادیو تلویزیونی، تشکیل کلاسهای بیکار بایسواد، برگزاری جشنها و آیین‌های ملی و سخنرانی‌های علمی و اجتماعی تنها برخی از زمینه‌های گسترده است که کارنامه خانه‌های فرهنگ روستایی را با توجه به امکان‌های موجود رضایت‌بخش ساخته است.

خانه‌های انصاف

فقط شش پرونده در خانه‌های انصاف بررسی شد و این بدان سبب بود که در آن سال هنوز مردم نتوانسته بودند به اهمیت و نقش خانه‌های انصاف پی‌برند ولی با گذشتن ماهها و سالها این توجه به جای رسد که تا پایان تیر ماه امسال ۱۷۹۸۹۰ پرونده در خانه‌های انصاف به مرحله نهایی رسید.

خانه انصاف در صورت بروز اختلاف بین ساکنان ده چون هدف اصلی حفظ روابط دوستانه بین اهالی ده است، بدو سعی می‌کند که این اختلافها را به صلح و سازش مبدل کند.

اعضای این خانه‌ها به سبب آشنایی که به وضع طرفین دعوی و موقعیت محل دارند، به آسانی و با بی‌طرفی و بی‌نظری به دعاوی رسیدگی میکنند و آنها را به صلح و سازش خانه می‌دهند و از شعله‌ور شدن این اختلافات و پروژمستکلات بیشتر جلوگیری

با تشکیل اولین خانه انصاف، زمزمه رخنه عدالت در روستاها پیچیده و به دنبال آن بود که تشکیل خانه‌های انصاف به عنوان اصل نهم انقلاب شاه و مردم اعلام شد و مزده گسترش خانه‌های انصاف در سطح کشور به گوش همه روستائیان رسید. ضرورت زمان و تأثیر تشکیل اولین خانه انصاف و صدور فرمان در این باره موجب شد که روستائیان سراسر کشور تقاضای تشکیل خانه انصاف در روستاهای خود بکنند که تا امروز تعداد آن به مرز ۹ هزار رسیده است. بررسی کارهای انجام شده درخانه‌های انصاف سراسر کشور نیز نشان‌دهنده که چگونه مردم در آن برای حل مشکلات خود در نقاط دورافتاده و روستائینشین به‌خانه‌های انصاف روی آورده‌اند. درسال ۱۳۴۳

ترویج و توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی در روستاها

وجود بیکاری آشکار و نهان در روستاها، کمبود درآمد روستائیان با مقایسه با شهرنشینان، مسئله سهاجرت از روستاها به شهر و مشکل نشینان که صاحب نسق زراعی نیستند، ایجاد سازمان ترویج و توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی را الزام‌آور نمود.

سازمان ترویج و توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی طبق اساسنامه قانونی که در تیرماه ۱۳۵۰ به وزارت تعاون و امور روستاها ابلاغ شد، بمنظور حداکثر استفاده از اوقات فراغت روستائیان در جهت فراهم کردن

به‌عمل می‌آوردند. وظایف دیگری هم علاوه بر رسیدگی به حل و فصل اختلاف‌های مدنی و جزایی به عهده خانه انصاف محول شده است که حفظ دارایی اشخاصی محجور و غایب و متقولات، مراقبت در حفظ آثار جرم و جلوگیری از فرار متهمین در جرائم مشهود و اطلاع‌رسانی مراتب به نزدیکترین مراجع قضائی یا مأموران انتظامی است.

و این چنین است که خانه‌های انصاف به‌آسانی عدالت را برای عموم روستائیان ما تأمین کرده است. این نکته جالبی است که برای نخستین بار در تاریخ جدید قضایی کشور ما، دادرسان خانه‌های انصاف طبق رای مردم انتخاب میشوند و موضوع انتخابی بودن اعضای خانه‌های انصاف به جنبه دموکراتیک این واحدهای قضایی روستایی می‌آزاید.

موجبات افزایش درآمد سرانه روستائیان و پرورش استعدادها و فنی و هنری روستائیان، تشکیل گردید و از بدو تأسیس در راه تحقق هدفهای خویشی و برآساس وظایف قانونی در زمینه‌های تحقیقاتی برای بررسی‌های اجتماعی و اقتصادی روستاها و تحقیق در ابزار و وسائل کار و مراحل تولید و بررسی بازارهای داخلی و خارجی و همچنین اجرای طرحهای آموزشی و ترویجی، فعالیت‌های روزافزون خود را آغاز کرد.

برای انجام برنامه‌های سال ۱۳۵۴ پیش‌بینی شد که جمعاً مبلغ یک میلیارد و صدو هشتاد و پنج میلیون ریال در فعالیت‌های غیر کشاورزی روستاها سرمایه‌گذاری صورت گیرد. در این سال سازمان ترویج و توسعه

فعالیت‌های غیر کشاورزی، در زمینه مهارت‌های صنعتی مانند ابریشمی‌بافی، رنگرزی، قالی‌بافی، نساجی، خاچی، کتبیافی و دیگر حرفه‌ها به روستائیان آموزش داده است و فعالیت‌های آن برای گسترش خدمات مشورتی و بازاریابی توسعه بیشتری پیدا کرد. در سال آینده مرکزهای فنی دولتی و کارگاه قلم‌کاری نیز ایجاد خواهد شد و همچنین چندین مجتمع برای صنعتی کردن خدمات مربوط به بسته‌بندی مواد خوراکی احداث خواهد شد و ایجاد کارخانه‌های پشم‌شویی، پنبه‌پالایی، رنگرزی، تولید آجر ساختمانی و کارخانه‌های تهیه و بسته‌بندی مواد دامی و غذایی از دیگر برنامه‌های این سازمان در سال آتی است.

«شرکت‌های تعاونی»

روستائی»

پر کردن خلاء مالی و مدیریتی، ناشی از نبودن «ارباب» و دست نشانده‌گان وی در روستا مهمترین تلاش بعد از اصلاحات ارضی بود.

در رژیم ارباب و رعیتی اعمال مدیریت صرفاً از جانب مالک بود و علاوه بر این مالک بمقدار کم در تهیه بذر و پرداخت هزینه‌های جاری کشاورزی نیز شرکت داشت. اعمال مدیریت توسط مالک در روستا باعث می‌شد روستائینشان امکان تجربه انجام امور روستا را پیدا نکنند و در هر مورد به تصمیمات مالک گردن بینند.

با الهام رژیم ارباب و رعیتی و رفتن مالک از ده هرم قدرت که معمولاً از مالک و دست‌نشانده‌گان وی تشکیل میشد بنبغ زارع دگرگون شد و روستائی توانست خود اداره امور روستای خود و تصمیم‌گیری در مورد مسائل شخصی خود را بعهده گیرد. به‌علاوه دیگر «حمایت» مالی مالک وجود نداشت و روستائی خود میبایست هزینه‌های جاری کشاورزی را تأمین کند.

خرید بذر - تهیه ملزومات کشاورزی و از همه مهمتر لایحه سالانه قنوات یا هزینه‌های جاری چاه‌های عمیق آب مستلزم «پول» بود و از آنجا که روستائی تازه آزاد شده دارای امکان مالی برای تأمین هزینه‌های جاری نبود لزوم حمایت مالی دولت بسادگی ملموس بود.

به همین جهت در قانون اصلاحات ارضی پیش‌بینی شد که زمین‌های زراعی در اختیار زارعیین قرار گیرد که در شرکت‌های تعاونی روستائی عضو شده‌اند.

شرکت‌های تعاونی روستائی با اجرای قانون اصلاحات ارضی سرعت بیشتری گرفت و در مدتی کمتر از پنج سال بیش از دویستون و چهارصد هزار روستائی متشکل اصلاحات ارضی در بیش از هشت هزار و چهارصد بیست و پنج (۸۲۷۵) شرکت تعاونی روستائی عضو شدند. رشد سریع تعداد شرکت‌های تعاونی روستائی باعث شد که انجام خدمات شرکت‌های کوچک و متعدد با مشکلاتی روبرو شوند. به همین جهت در سال پنجاه و دو با ادغام شرکت‌های کوچک تعاونی شرکت‌های مادر و گروه‌های تعاونی وابسته آنان تشکیل شد. در حال حاضر دوهزار و هشتصد و چهل و نه (۲۸۴۹) شرکت تعاونی مادر با بیش از دویستون و پانصد هزار نفر عضو مشغول فعالیت هستند. سرمایه و ذخائر شرکت‌های تعاونی روستائی تا امروز بیش از شش میلیارد ریال شده است و چهل و چهار هزار و صد و نود و شش (۴۴۱۹۶) روستا در زمینه پوششی شرکت‌های تعاونی روستائی قرار دارند.

فعالیت شرکت‌های تعاونی روستائی در زمینه‌های مختلف کشاورزی - تأمین نیازمندیهای تولیدی، تهیه مواد مصرفی، تأمین سوخت و غیره است.

شرکت‌های تعاونی روستائی در شبکه پوششی خود دارای پنج‌هزار و نهصد و ده (۵۹۱۵) فروشگاه مواد نفتی است. این فروشگاهها توزیع قسمت عمده‌ای از مواد نفتی را در روستاها بعهده دارند و نیز بمنظور تأمین مواد مصرفی و نیازمندیهای تولیدی روستائینشان عضو شرکت‌های تعاونی روستائی تاکنون چهارهزار و نودوهفت (۴۵۹۷) فروشگاه مصرف در مناطق روستائی کشور تأسیس شده که وسایل مصرفی مورد نیاز زارعیین را در اختیار ایشان قرار میدهد.

پرم پرداخت اعتبار سال جاری تا پایان شهریور ماه به بیش از هفت میلیارد ریال رسیده است به‌علاوه زارعیین از اعتبار جسی برای خرید «نسیه» از فروشگاه‌های مصرف استفاده میکنند.

باین ترتیب شرکت‌های تعاونی روستائی با هدف کوتاه کردن دست واسطه‌ها و رباب خوران از دامان روستائی‌ها به‌فعالیت خود ادامه میدهند.

«بیمه‌های روستائی»

«... مهمترین جوابگوی احتیاجات جوامع حال و آینده بشری، تحت هر رژیمی که باشند بیمه‌های اجتماعی و مؤسسات تعاونی است و گفته‌ایم که کمال مطلوب ما این است که سروشت هر فرد ایرانی از هنگامی که بدنیای ما یابد تا وقتیکه دیده از جهان فرو می‌بندد با انواع بیمه‌ها از قبیل بیمه تحصیلی و بیماری و حوادث و بازنشستگی و کمپولت و غیره تأمین گردد، وقتی این توجه بجای رسد که استعدادهای ذاتی افراد نیز بیمه شوند...»

شاهشاه بخوبی هدفهای بیمه را در پیام فوق (بناسبت سالروز بیمه) تشریح فرموده‌اند.

بیمه یکی از مظاهر تمدن جدید است و هدف از بیمه شدن و ایجاد تأمین وامکانات حیاتی در مقابل حوادث پیش‌بینی نشده بیماریها - و کمپولت و بازنشستگی است. تولید کشاورزی و کشاورز بدلیل وابستگی شدید به طبیعت و آسیب‌پذیری در مقابل عوامل نامألایم جوی بیش از هر «تولید» یا تولیدکننده دیگر به بیمه نیاز دارد.

اولین بار در سال ۱۳۰۸ بیمه کشاورزی در ایران مطرح شد و قراردادی با «الآزر» بو کماگف» برای بیمه کردن کشاورزان و محصولات آنها بمدت ۷۵ سال با ماضا رسید. ولی این قرارداد از حدود نوشته خارج نشود در سالهای بعد نیز تلاشهایی برای بیمه کردن کشاورزان و محصولات کشاورزی صورت گرفت - برای مثال در سال ۱۳۴۱ ضمن تصویب نامه مربوط به اجرای قانون اختیارات اسنادداران اشاراتی به بیمه‌های اجتماعی و کمک به کشاورز شده بود ولی این دستورالعمل نیز مرحله اجرا در نیامد.

در حقیقت بیمه اجتماعی روستائیان با توشیح قانون بیمه‌های اجتماعی روستائیان

در خردادماه سال ۱۳۴۸ آغاز میگردد. در قانون پیش‌بینی شده بود کلیه روستائیان و افراد تحت تکفل آنان که با اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی صاحب زمین یا نسق کشاورزی شده‌اند بتدریج در مقابل حوادث ناشی از اشتغال، بیماریها، از کارافتادگی و سایر موارد شامل بیمه‌های اجتماعی بیمه میشوند. و این سرآغاز تلاش برای گسترش بیمه کامل در روستا بود.

تا سال ۱۳۵۳ پیش از دیوست و بیست هزار خانوار روستائی عضو بیمه‌های اجتماعی روستائیان شده و افراد تحت تکفل این خانوارها از امکان درمانی درمانگاه‌های سازمان بیمه‌های اجتماعی روستائیان بهره‌مند شده بودند.

باتسکیل وزارت رفاه در سال ۱۳۵۴ بیش از دیوست و بیست و دو درمانگاه سازمان بیمه‌های اجتماعی روستائیان در نقاط مختلف کشور در اختیار وزارت رفاه قرار گرفت. اعتبار پرداختی سال ۱۳۵۴ بیمه‌های اجتماعی روستائیان بالغ بر ۴۸۰ میلیون ریال بوده است که تا پایان سال جاری خدمات مورد نیاز یک میلیون و صد هزار روستائی بیمه‌شده را تأمین می‌نماید.

برنامه پیش‌بینی شده سازمان بیمه‌های اجتماعی روستائیان پوششی بیش از چهار میلیون روستائین عضو شرکت‌های سهامی زراعی، تعاونیهای تولید روستائی و شرکت‌های تعاونی روستائی بوده است. باصدور فرمان بیمه هنگامی اصل هدفم انقلاب شاه و ملت در چهارم دیماه هزار و سیصد و پنجاه و چهار تلاش برای بیمه کردن هر فرد ایرانی از زمان تولد تا مرگ شکل دیگری بخود گرفت این تلاش در روستاها محسوس‌تر خواهد بود چه در فرمان هابنفوی صریحاً قید شده: «... اصل بیمه هنگامی و تأمین دوره بازنشستگی را برای همه افراد ملت ایران بخصوص روستائیان کشور بعنوان اصل هدفم انقلاب شاه و ملت اعلام میداریم...»

در ادامه این فعالیت تاکنون تعداد ۸۵ شرکت سهامی زراعی ۷۷۸ قریه و مزارع کشاورزی تشکیل شده است که نزدیک به ۱۴۰ هزار هکتار اراضی مزروعی زارعیین کشت قراردادند و مبلغ یک میلیارد و چهارصد میلیون سرمایه را در گردش اقتصادی خود جمع کرده‌اند.

بطور اختصار نتایج که از بازدیدهای کارشناسان صاحب‌نظر از شرکت‌های سهامی زراعی مختلف دست آمده است و ارزشیابی‌هایی را از دیدگاه این کارشناسان بدست میدهد نقل میشود:

- شرکت‌های زراعی اواسل پیشرفت اساسی در زمینه‌های فنی و رشد فکری روستائیان را فراهم میسازد.
- حداکثر بهره‌برداری از منابع آب و خاک و دسترسی به انواع بذر اصلاح شده، کودشیمیایی، سموم دفع آفات و ماشین-های کشاورزی در شرکت‌های سهامی زراعی بسببوت امکان‌پذیر است.
- آموزش‌های زراعی و حرفه‌ای و جای-گزینی روشهای کشت نوین بجای روشهای زراعی سابق به ارتکای وجود مدیریت در شرکت‌های سهامی زراعی با موفقیت اجرا میشود.

- تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی موجب استقرار مستمر تعدادی افراد تحصیل کرده را در سطح روستاها کشور فراهم میسازد و در نتیجه عوامل رشدگری روستائیان و اشاعه فرهنگ بین آنان فراهم میگردد.
- تجربه‌های حاصل از چند سال فعالیت‌های شرکت‌های سهامی زراعی نشان داده است که این شرکت‌ها مناسبت‌ترین واحد برای دریافت و به گردش درآوردن اعتبارات منابع مختلف هستند که سهامداران میتوانند در کمال اطمینان و در آرامش موعد و به‌ریرکشت و امسا و دیون دریافتی خود اقدام کنند.

شرکت‌های سهامی زراعی

هدف اصلی اصلاحات ارضی این بود که به جنبه‌های نظام فئودالی سابق و مالکیت عمده براراضی که در نتیجه آن عده‌ای در کادری برای ساکن و محدود برای یکفکر کار میکردند پایان داده شود، اما این هدف نهایی نبود زیرا دادن دویا چهار و حسی ده هکتار زمین به مالکین جدید نمیتوانست متضمن گسترش فعالیت‌های اقتصادی در کشاورزی و تأمین درآمد و سطح زندگی بالاتر برای کشاورزان باشد و همچنین توجه به اینکه در ایران زمین زراعی آبی حدود چهارمیلیون هکتار است و این مقدار برای تغذیه مردم در برابر تحولات جمعیتی و گشیدن فرآورده‌های کشاورزی درعرصه جهان کافی نیست و از طرفی هم در صورت فوت مالک زمینهای زراعی به واحدهای کوچکتر و غیر اقتصادی تقسیم نشود می - بایستی تصمیم‌های درست مبتنی بر اصول اقتصادی برای بالابردن میزان کشت و افزایش بازده هر هکتار از زمینهای زراعی اتخاذ و اجرا شود. بنابراین مرحله قازامی در برنامه‌های کشاورزی تدبیر شده که زارعیین در صورت تمایل بصورت دسته‌جمعی درواحد-های کشاورزی اقتصادی گردآیند و درآن واحدها در قبال زمین و وسائلمان به آنها سند بدهند، یعنی شرکت‌های سهامی یا



جدیدترین رادیو ضبط صوت سونی

مدل CF-415S جدیدترین رادیو ضبط صوت کاست با امواج FM/AM و دو موج کوتاه میباشد. گیرنده این ضبط صوت مجهز به سیستم AFC برای جلوگیری از پارازیت میباشد. بهمین جهت آنکه گاهی که از امواج FM/AM یا کوتاه آن میشوند. مستقیماً میتوانید با صدائی پاک و مهیوت کننده روی نوار ضبط کنید.

سایر امتیازات مجهز به رادیوی چهارباندی FM / MW / SW 1 / SW 2

- قدرت ۲/۷ وات
- خاموشی اتوماتیک در خاتمه نوار
- میکروفن مخفی که کوچکترین نجوائی را ضبط میکند با ضبط
- SONY-O-MATIC برای کنترل اتوماتیک ضبط ، امکان ضبط بطور مستقیم از تلویزیون
- دکمه CUE , REVIEW برای آنکه آهنگ را براحتی پیدا کنید
- ضبط دولبه که با کاست سونی C-120 دو ساعت آهنگ پرمیکند .
- مجهز به ۱۸ ترانزیستور، دیود و یک FET
- قابل استفاده با برقی و باتری و باتری اتومبیل

SONY

برای برخی فقط سونی وجود دارد ، آنهاکه از هر چیز بهتریش رامی خواهند .

لطفا در موقع خرید محصولات سونی از فروشنده کارت تضمین بخواهید

این هفته در تهران

گالری لیتو

(خیابان آبان)

شماره ۳

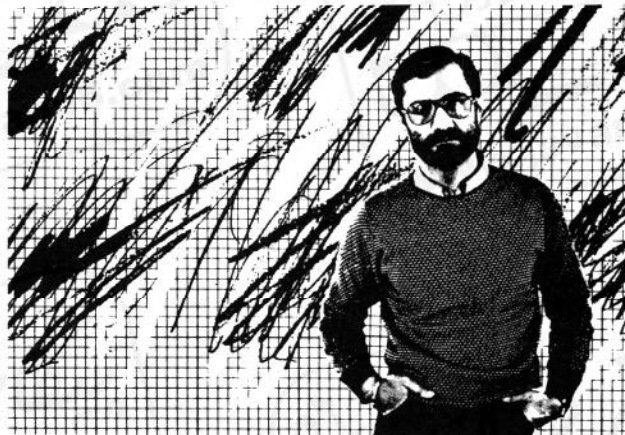
● نقاشیهای فریدون آو

از یکشنبه ۲۸ دیماه ۵۴

ساعت بازدید صبحها ۱۵ تا ۱۲

بعد از ظهرها ۵ تا ۸ بعد از ظهر

گالری از فریدون آو



تا تر شهر

(خیابان پهلوی پارک پهلوی)

تلفن ۴۱۸۱۶-۴۸۸۰۴

● هارپنوازان نیویورک

آزادی از: مگرتی، اسکاتلانی

ویوالدی - مارچلو، باخ

سن سانس - ورتسler - سیگون

و بارتوک

جمعه ۱۰ بهمن

ساعت ۸ بعد از ظهر

انجمن فرهنگی ایران و آمریکا

(عباس آباد - خیابان وزرا)

● فستیوال فیلمهای برگزیده

ایران در سالن تئاتر انجمن

ایران و آمریکا

فیلمها از: فریدون رهنما -

سهراب شهید ثالث- داریوش

مهر جوئی - علی حاتمی- ناصر

تقوایی- بهرام بیضائی- بهمن

فرمان آراء- مسعود کیمیائی-

منوچهر انور - پرویز

کیهیاوی - هژیر داریوش-

فرخ غفاری- ابراهیم گلستان -

نصرت کریمی- مهدی میثاقیه-

وحدت - جلال مقدم -

خاچیکیان- میناسیان- کوشان

جعفر سپنتا.

۲۷ دی تا ۲۹ بهمن ۵۴

ساعت شروع سانسها ۵/۵ و ۸

بعد از ظهر

● چشم انداز هنر معاصر

ایران از آغاز تا امروز

گالریهای ۱-۲ علاء و پوپ

کمال الملک - محمود

جوادی پور - حسین کاظمی-

جلیل ضیاپور - تناولی

تبریزی - پیلارام -

گلپایگانی .

● سلمان و ابسال

اقتباس از بوعلی سینا و

جامی

نوسط: هوشنگ گلشیری

کارگردان: کامران فاضل

در تالار تئاتر کوچک

از ۷ بهمن

ساعت شروع ۸ بعد از ظهر

بازبان فارسی

(بازبرنویس انگلیسی)

ساخته: اینگمار برگمان

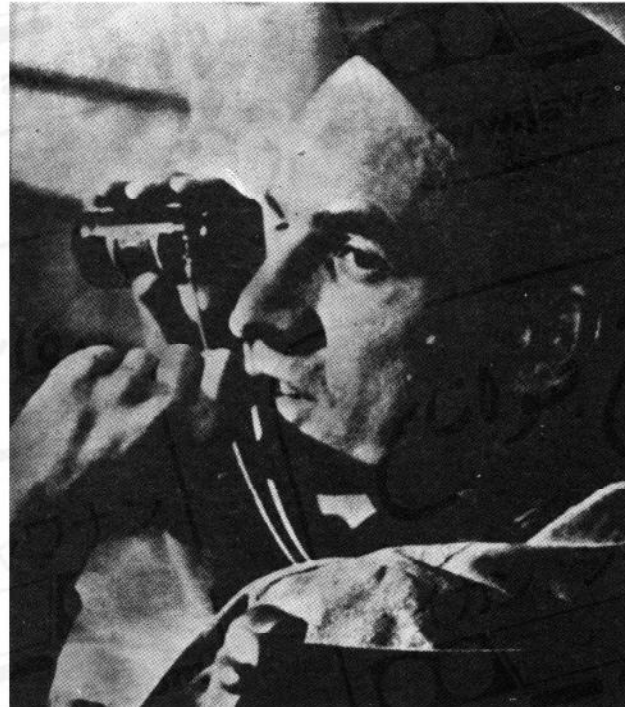
چهارشنبه ۸ بهمن

سینمای آزاد

سینما سینه موند

● نمایش فیلم

چهره



دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

(کتابخانه دانشکده هنرهای

زیبا)

● مردمان شهر نینوا

کارگردان: شهر و خردمند

بازیگران: بهرام شاه محمدی لو

سوس فرخ نیا - میترا فتحی

حمید حمزه - محمد رضا

خردمند - کامران یزرگ نیا

محمد جعفری - شهره

عسگری - حسینعلی محمدی

ساعت شروع ۸ بعد از ظهر

تا تر کوچک

(خیابان پهلوی پشت بازار

صفویه) تلفن ۸۹۵۸۶۰

● نمایشنامه

ماشین نویسها

و بر

دو نمایش همراه

ازموری شنگال

به کارگردانی و ترجمه: پرویز

صیاد

بازیگران: مری آپیک - پرویز

صیاد

شروع ساعت ۸ بعد از ظهر

اینگمار برگمان

تالار ۲۵ شهر یور

(مقابل درب جنوبي
بارك شهر)

تلفن ۵۲۵۴۴۴

● نمایشنامه ابراهیم توچی
و آقابیک

نوشته: منوچهر رادین
کارگردان: رکن‌الدین خسروی
بازیگران: جمشید لایق - اکبر
زنجانیپور - جعفر والی -
عنایت بخشی - سرو
رجائی - مریم شیرازی -
فریده دریاچ - محمد رضا
کلاه دوزان - ایرج راد -
محمود جوهری
از یکشنبه ۹ آذر ۵۲ ساعت ۸
بعد از ظهر

تالار مولوی

(خیابان ۲۱ آذر شماره ۶)

● نمایشنامه
آنتیگنه
نوشته: سوفوکل
ترجمه: شاهرخ مسکوب
طراح و کارگردان: علی رفیعی
توسط: گروه تئاتر وسینمای
امور فرهنگی دانشگاه
تهران

گالری سیحون

(خیابان وزرا - خیابان چهارم)

● نمایشگاهی از نقاشی خط
جلیل رسولی
از شنبه ۲۲ دی ماه ۵۲
ساعت بازدید ۵ تا ۸ بعد از ظهر

خانه آفتاب

(خیابان روزولت مقابل
دانشسرای عالی)
● نمایشگاهی از خطاطی‌های
«صادقین»
نقاش پاکستانی
بازدید ۹ تا ۱۳ و ۱۶ تا ۲۰



عکس از مریم بهاری

دانشکده هنرهای

تزیینی

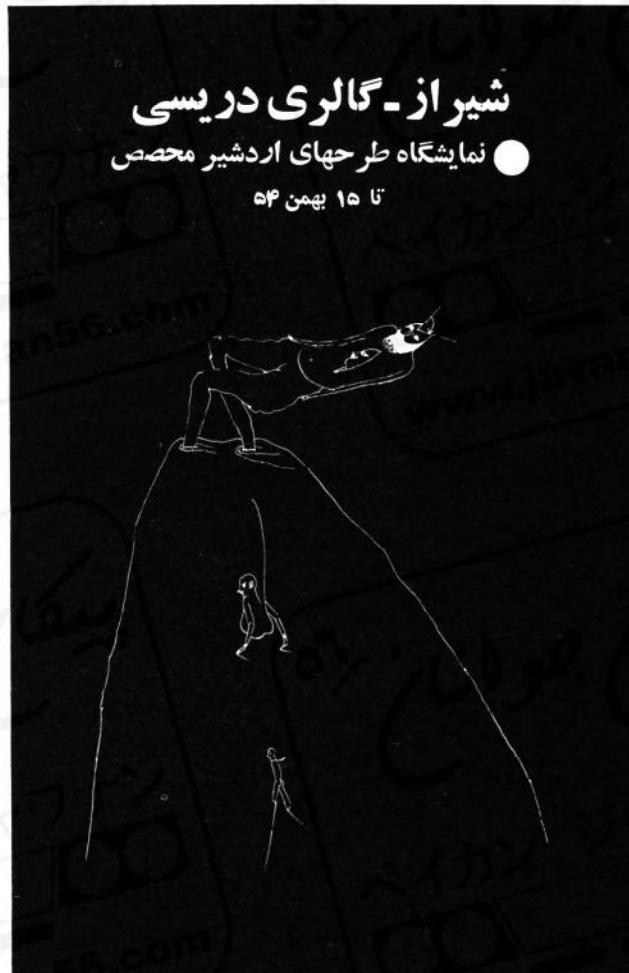
(خیابان پهلوی)

● نمایشگاه دستجمعی عکس
فروغ درافشان - امراآله
فرهادی - ایرج زرگامی
بهرام کلهر نیا
تا ۱۵ بهمن ادامه دارد

نگارخانه مانی

(خیابان پهلوی چهارراه

امیراکرم)
● نمایشگاهی از
نقاشی‌های
فرشته رقی - ربابه ملک قاسمی
ژاله پوریان - پروانه مرزبان
شیوا احسانی
بازدید ۵ تا ۸ بعد از ظهر



شیراز - گالری درسی
● نمایشگاه طرح‌های اردشیر محمص
تا ۱۵ بهمن ۵۲

انجمن فرهنگی ایران و فرانسه

(خیابان شاهپورعلیرضا
شماره ۵۸)

● نمایشگاهی از کارهای
بهراد گلپایگانی
بازدید ۲ تا ۸ بعد از ظهر

هتل آریا

شرایتون

(خیابان پهلوی خیابان بیژن)
● نمایشگاهی از نقاشی‌های
صوفی زاده
ساعت بازدید ۱۱ صبح تا ۸ بعد از ظهر

نگارخانه ایران

(خیابان دانشگاه شماره ۲۰)
● نمایشگاهی از نقاشی‌های
هان نیبال الخاص
از دوشنبه ۲۹ دی
بازدید ۵ تا ۸ بعد از ظهر

تالار نقش

(میدان کندی جنب دانشکده
علوم تربیتی)
● طرح‌های روزنامه‌ای
احمد سخاورد
بازدید ۵ تا ۸ بعد از ظهر

انستیتو گوته

(خیابان وزرا خیابان هفتم)
● نمایشگاهی از نقاشی‌های
بهرام حسین دبیری
بازدید ۴ تا ۸ بعد از ظهر



بسپیدی برف با پودر





تلویزیون پر قابل ۱۴ اینچ

توشیبا

مجهز به قوی ترین آنتن تلسکوپی

زیبا - سبک - قابل حمل - برق و باتری

ایده آل برای پیک نیک و مسافرت



Toshiba

پیکان جوانان ۵۶

پیکان، جاپان

www.javanan56.com

پیکان جوانان ۵۶

پیکان، جاپان

www.javanan56.com

پیکان جوانان ۵۶

پیکان، جاپان

www.javanan56.com

پیکان جوانان ۵۶

پیکان، جاپان

www.javanan56.com

ضیاء عم

پیکان جوانان ۵۶

پیکان، جاپان

www.javanan56.com

پیکان جوانان ۵۶

پیکان، جاپان

www.javanan56.com

<http://www.javanan56.com>

سابقه ۷ بهمن

- ۱۹/۱۵ موسیقی و تصویر
- ۱۹/۳۰ اتاق اخبار
- ۱۹/۳۵ بیان خوش F.M
- ۲۰/۲۵ هفت تاز چنگ
- ۲۰/۵۷ قانون دوست شما است
- ۲۱ اخبار از برنامه دوم
- ۲۱/۳۰ غزل از فروغی بسطامی
- ۲۲ کمانچه استاد بهاری
- ۲۲ فیلم هفته F.M: مردان خور با نغمه‌ای
- ۲۲ کارگردان: لوید بیکن
- ۲۲ یا شریکت: ریچارد ویلمز - جفری هانتز

دوشنبه ۸ بهمن

- ۱۹/۱۵ موسیقی و تصویر
- ۱۹/۳۰ اتاق اخبار
- ۱۹/۳۵ زیست‌شناسی دریا: جانوران ساکن بر تخته سنگها
- ۲۰/۰۵ شیوه‌های دیدن
- ۲۰/۴۰ واریته
- ۲۰/۵۷ قانون دوست شما است
- ۲۱ اخبار از برنامه دوم
- ۲۱/۳۰ جهان‌تاز: دوریا و یلانگه کفکش
- ۲۲ اثر: پیتر پاستیچ
- ۲۲ یا شریکت: جفوس والسی - شیر اندامی - امیر سلیمان
- ۲۲/۴۵ بسوی سال ۲۰۰۰

یکشنبه ۹ بهمن

- ۱۹/۱۵ موسیقی و تصویر
- ۱۹/۳۰ اتاق اخبار
- ۱۹/۳۵ کوچک F.M
- ۲۰/۲۵ یا شریکت: تلی ساوالاس
- ۲۰/۵۷ بر گهای اندیشه
- ۲۰/۵۷ قانون دوست شما است
- ۲۱ اخبار از برنامه دوم
- ۲۱/۳۰ شجاعان
- ۲۲/۲۰ موسیقی کلاسیک

شنبه ۱۰ بهمن

- ۱۹/۱۵ موسیقی و تصویر
- ۱۹/۳۰ اتاق اخبار
- ۱۹/۳۵ چیس - مجموعه جدید
- ۲۰/۲۵ یا شریکت: بچار ایان - مایکل ریچار سمون
- ۲۰/۲۵ ایران زمین - تزیه در ایران
- ۲۰/۵۷ قانون دوست شما است
- ۲۱ اخبار از برنامه دوم
- ۲۱/۳۰ شهر آفتاب
- ۲۲ تصویر و سایه‌ها

جمعه ۱۰ بهمن

- ۱۹/۱۵ موسیقی و تصویر
- ۱۹/۳۰ فیلم سینمایی F.M: سو بلند
- ۱۹/۳۵ کارگردان: آ. جی. اسپرینگستین
- ۲۰/۵۷ یا شریکت: تو بی‌تأصفا! اوریا
- ۲۱ قانون دوست شما است
- ۲۱/۳۰ در یاره چنین هنر
- ۲۲/۱۰ فیلم ویژه: معمای مرگبار
- ۲۲ یا شریکت: ژانسوناس - تاتالی رود

پنجشنبه ۹ بهمن

- ۱۹/۱۵ موسیقی و تصویر
- ۱۹/۳۰ اتاق اخبار
- ۱۹/۳۵ تضاد F.M
- ۲۰/۲۵ هفت‌گفتی: رویدادهای
- ۲۰/۵۷ هنری هفته
- ۲۱ اخبار از برنامه دوم
- ۲۱/۳۰ مرفی بنام جونز F.M
- ۲۲ مستی‌های برای مرگ
- ۲۲ یا شریکت: پادی ایسن - بی پروود

چهارشنبه ۸ بهمن

- ۱۹/۱۵ موسیقی و تصویر
- ۱۹/۳۰ اتاق اخبار
- ۱۹/۳۵ وضع اضطراری F.M
- ۲۰/۲۵ عشق موسیقی
- ۲۰/۲۵ یا شریکت: زانر توتور - بانی تروپ - جولی لندن
- ۲۰/۵۷ روزانه می‌خوریم
- ۲۱ اخبار از برنامه دوم
- ۲۱/۳۰ ادبیات جهان: زندگی بر ناز دشوار نویسنده و نمایشنامه‌نویس
- ۲۲ معاصر ایراندی
- ۲۲ سریال سینمایی: مامیلان و همسرش F.M: عشق، افتخار، رسوائی
- ۲۲ یا شریکت: انالهو دسن

شاه پوپر و تپین دیوا

